



هیدکو تاکامینہ

نوری در تاریکی جنگ و رنج زنان

طاہرہ عزیزے

هیدکو تاکامینه

نوری در تاریکی جنگ و رنج زنان

Hideko Takamine

(1924-2010)

طاهره عزیزے^۱

^۱ همچنین کتاب "سینمای ضد جنگ ژاپن" را در پایگاه کتاب سبز با دریافت رایگان ببینید.

به ♥ :

همه ی حیوانات و پرندگانی که زیر بارش ریزگردها در سکوتِ کامل جان باختند!

جنگی که پایانی ندارد...

سخن نخست:

سینمای ژاپن در عرصه نویسندگی، کارگردانی و هنرپیشگی بزرگان زیادی داشته و دارد. هر کدام از آنها به تنهایی یک کتاب ارزشمند هستند. دهه ی پنجاه و شصت اوج آن برای ژاپن و البته جهان بود. اگر حکومتی به دلیل مراقبت از زنان و کودکان باید بازخواست شود، یکی از نخستین و شکست خورده ترین آنها حکومت وقت ژاپن است. زنان فاحشگی می کردند و کودکان کفش های سربازان آمریکایی را واگس می زدند. یتیمان جنگ بی شمار بودند و زنان به سختی کار می کردند. مسیر زنان ژاپنی برای رسیدن به مدرنیته با دشواری چند برابری روبرو بود. سینما از درام با محوریت زنانه گاهی به این دلیل و گاهی برای رد شدن از سانسور وزارت کشور بهره می گرفت. از طرفی خود زنان بازیگر توانمند ژاپن چنین بستری را فراهم آوردند. کیونو تاناکا و ستسکو هارا و یوشیکو کوگا و هیدکو تاکامینه که از آنها از نظر سن کوچکتر بود... از مهمترین بازیگران زن دهه های ارزشمند سینمای ژاپن هستند. این "دختران مُدرن" از طریق جاه طلبی ها، استقلال و بی باک بودنشان به ایجاد آشفستگی در هنجارهای جنسیتی موجود کمک کردند. ضمن بیان اینکه پیشتر زنانی چون تاکاکو ایریه، کومکو اورابه و دیگران در سینمای ژاپن فعالیت داشتند. از طرفی بسیاری از فیلم های ژاپنی در نخست کار گم شده اند و مشخص نیست پیش از آنها چه کسانی بوده اند.

به هر حال خانم تاکامینه با کارنامه ی بلند و خوب (یکصد و هفتاد فیلم- با احتساب فیلم های دو قسمتی که برخی در سالهای متفاوتی ساخته شده اند **یکصد و هشتاد و دو فیلم**)، یکی از بهترین بازیگران زن تاریخ سینمای جهان است. پس از مرگ مادرش، در چهار سالگی عمه اش سرپرستی او را به عهده گرفت. شوهر عمه اش همان سال او را برای تست بازیگری فیلم "مادر" می برد و از میان بیش از شصت نفر او که به گفته ی خودش از نظر لباس و ظاهر از همه بدتر بود انتخاب می شود. او مدرسه نمی رفت و از پنج تا ده سالگی تعداد زیادی فیلم در استودیو عکاسی بازی کرد. **نیازی به توضیح نیست که بدانید تحت سرپرستی چه کسانی بزرگ شده است.** تنها آن زمان به خودش می گوید: "چرا من باید این کارهای احمقانه را انجام بدهم!". چنانچه در اوایل جوانی قصد کناره گیری از سینما را داشت. اما مهم نیست چقدر درآمد داشته باشید، باید کار کنید چون پولی برای شما باقی نمی ماند. وقتی میلیون ها ین هزینه بدهکاری برادر و سایر اعضای خانواده اش می کرد. تنها با شصت هزار ین در سن سی سالگی ازدواج کرد.

اما او ادامه داد و بهترین های سینمای جهان را با ناروسه و کینوشیتا ساخت. در طول زندگی حرفه ای اش، طیف گسترده ای از احساسات و شخصیت ها را به تصویر کشید، اما ظرافت همیشه بزرگترین نقطه ی قوت او بود. **او بخش مهمی از "زنان و مدرنیته" ناروسه است.** او نه سفرهایی با شعار "صلح" و "حقوق بشر" ترتیب داد، نه سفیر دوستی یا یک فمینیست شد. بلکه فیلم های ضد جنگ مهم و البته زنانه بازی کرد.^۲ (در بچگی بیشتر نقش های پسرانه به او می دادند). ادعای شگفت انگیز بودن را نیز رد کرد. چونان یک انسان عادی با پیامهای مهمی بدون شیپور و گرنا زندگی می کرده است، **آیا فهم و درک این مسئله دشوار است؟! تا حدی خود آموز نوشتن آموخت، و مقالاتی نوشت و برنده جوایزی در ژاپن شد.** ازدواج با زوزو ماتسویاما در نوشتن فیلم نامه هم به او کمک کرد. شرح سفر به پاریس و آمریکا از درک ارزش خویشتن به عنوان یک انسان حکایت می

^۲. بیشتر فیلم ها با زیرنویس چسبیده به تصویر، در دو پایگاه اینترنتی زیر قابل تماشا و دریافت رایگان هستند. البته برخی فیلم ها هم یا گم شده اند یا در دسترس همه نیستند.

^۳. دیدگاه ضد جنگ خانم تاکامینه به اتفاقی که در زمان جنگ شاهد آن بوده است بر می گردد.

کند. نوشتن کتاب درباره ی غذاها نشان می دهد که چه اندازه به تغذیه اش اهمیت داده است. درباره ی مُد و لباس _ اشاء قدیمی و عتیقه هم همینطور. به هر حال با وجود شرایطِ سختِ زندگی، او درخشان زندگی کرد.

فهرست

- ۱.....پیشگفتار
- ۲.....کتاب ها و مقالات
- ۶.....دیسکوگرافی
- ۷.....سین در زمان بازی
- ۹.....فهرست فیلم ها بر اساس سال
- ۱۶.....همکاری با کارگردان ها
- ۱۸.....خاطرات تاکامینه از میکیو ناروسه
- ۲۱.....زندگی با زنزو ماتسویاما و دختر خوانده اش آکمی سایتو
- ۲۲.....فهرست فیلم ها بر اساس نام
- ۳۱.....فوروساتو
- ۳۳.....منابع و کتاب های مرتبط

پیشگفتار:

با جست و جویی در نت پی برده می شود که درباره زندگی، شخصیت و فیلم شناسی خانم هیدکو تاکامینه (نام هنری و شناخته شده) منبع جامعی به زبان انگلیسی موجود نیست. او را میان یادداشت های پراکنده و یا کارنامه ناروسه، کینوشیتا و یا شرکت توهو و شینتتوهو باید پیدا کرد. در زبان پارسی نیز به جز برجسته کردن سه فیلم خسرت، ابرهای شناور و بیست و چهار چشم، گاهی غزاهای وحشی نوشته ی درخوری درباره ی ایشان نیست. اما من او را بیش از اینها می دیدم و علاوه بر تعداد زیادی از فیلم ها با بازی ایشان حتی بخش مهمی از روش زندگی ایشان را دوست دارم. اگر چه او با خانم شرلی تمپل^۴ به دلیل رد ضرب المثل معروف "کودک بازیگر، ستاره نمی شود." مقایسه می شود، اما طبیعی است که آنها با هم متفاوت بودند.

او با نام اصلی هیدکو هیرایاما پیش از ازدواج (پس از ازدواج هیدتو ماتسویاما) و نام مستعار دکو چان (در ژاپن)، ضمن اینکه یکی از بهترین هنرپیشه های تاریخ سینمای جهان است؛ یک مقاله نویس (شناخته شده) و یک آشپز خوب هم بود. با وجود خواندن تنها چند ترانه، خواننده ی مورد علاقه ساواکی کوتارو^۵ نویسنده ی ژاپنی بود. در واقع یک زن متفاوت با جذابیت چند وجهی بود. با مرگ مادرش بر اثر سل، سرپرستی او را عمه اش بر عهده گرفت. در همان سن پنج سالگی به واسطه آشنای همسایه طبقه پایین خانه عمه اش وارد سینما شد. با وجود محیط خانوادگی پیچیده، سپس دشمنی با مادرشوهرش، زندگی پرتلاطم اش را روشن و مثبت سپری می کرد.

نخستین بار با دیدن فیلم "بیست و چهار چشم" محصول ۱۹۵۴ متوجه بازی خوب، ساده و سپس انتخاب های با معنا از خانم تاکامینه شدم. در بیشتر نقش های بزرگسالی او، مواقعی وجود داشت که به نظر می رسید هیچ فیلتری بین او و دوربین وجود ندارد، که بدون نیاز به زبان یا دیگر اشکال بیان، مستقیماً به روی احساساتش باز می شود. به گفته ی خودش یکی از دلایل آن تاکید زیاد کینوشیتا و ناروسه بر طبیعی بودن بازی بازیگران بوده است. او در کارنامه بلند و خوب اش فیلم های ضد جنگ^۶ مهمی دارد، در دهه ی ۱۹۳۰ در فیلم های موزیکال کمدی خوبی نقش اجرا کرد. یکی از خنده دار ترین فیلم هایی که تا به حال دیده ام، "زن رام نشده است"، از احساسی ترین فیلم هایی که دیده ام، با بازی اوست. نقد چند پهلو در فیلم "کارمن به خانه می آید" در تعارض فرهنگ و حقوق بشر و جنبه های دیگر کم نظیر است. اگر چه در قلب من به دلایل زیادی بیست و چهار چشم جای دارد، اما با توجه به محتوای عمیق "باغ زنان" به گمانم بهترین فیلم او است. تعداد ساعات بازی...

^۴. Shirley Jane Temple

^۵. Sawaki Kotaro

^۶. فیلم مشترک با کتاب "سینمای ضد جنگ ژاپن": سه گانه وضع بشری- بیست و چهار چشم- شکلات و سربازان- جایی زیر آسمان گسترده- باغ زنان- ابرهای شناور

کتاب ها و مقالات خانم تاکامینه:

به جا نیست از یک بازیگر که از کودکی در این کار درگیر بوده، به اندازه ی نویسندگان پُر شمار و در عین حال بزرگ ژاپن توقع داشته باشیم. اما او بازیگر زمان ها و فیلمنامه های پُر قدرتی بوده است. (در نقش چند نویسنده زن در تاریخ ژاپن بازی کرده)، و کارگردان های فیلم های او نویسندگان توانمندی بوده اند. بنابراین با قلم های عمیق آشنا بوده و بر او اثر گذاشته بودند. شاید این یکی از دلایلی بود که برنده ی بیست و چهارمین جایزه باشگاه مقاله نویسان ژاپن شد. البته حساسیت و نجابت غنی فرد که در طول زندگی اش به دست آورده بود، که ممکن است زرق و برق نداشته باشد اما مهم هستند.

پیش و پس از بازنشستگی (از بازیگری) خانم تاکامینه ضمن دستیاری کارگردان با همسرش در چند کار محدود، شروع به نوشتن کتابها، مقالاتی و چند فیلم نامه با موضوعات مختلف کرد. که همه ی آنها به زبان ژاپنی هستند و برگردانی از آنها به زبان انگلیسی نیست. اگر چه او نوشتن را از بچگی در مدرسه یاد نگرفته بود، اما به صورت خود-آموز یاد گرفت. وقتی هفت سال داشت در ۱۰ فیلم بازی کرد، طبیعی است که فرصتی برای یادگیری خواندن و نوشتن نداشت. ازدواج با زنزو ماتسویاما هم به او در یادگیری نگارش فیلمنامه کمک کرد. کتابهای او که از سال ۱۳۵۱ در سفر به پاریس شروع به نگارش آنها کرد به موضوعات مختلفی پرداخته اند. برخی از آنها توسط دختر خوانده اش آکمی سایتو جمع آوری و تجدید چاپ شده اند. کتاب ها شامل موضوعاتی چون: شرح سفر در دو جلد، زندگی نامه خود نوشت^۷، درباره زندگی مشترک با ماتسویاما، کتاب از مصاحبه با شخصیت های ارزشمندی که در زندگی او تاثیرگذار بوده اند، کتاب آشپزی، کتاب شامل عکس از عتیقه جات که جمع آوری کرده بود، کتاب جالب از عکس هایی از خانه ساده او است، کتابی درباره ی مُد، کتاب از عکس هایی از علاقه ی او به تنباکو، پیپ و فندک هایش از آن جمله می باشند.

پیش زمینه ی نگارش کتاب "من پنبه را دوست دارم" مرا به یاد کتاب "موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی"^۸ نوشته محمد تقی جعفری می اندازد. همانطور که آقای جعفری در کشور اروپایی حین گذشتن از خیابان آهنگ تندی می شنود که باعث نشستن اش کنار خیابان می شود و او را به اندیشیدن در این باره وادار می کند. خانم تاکامینه نیز پس از عبور از خیابان و برخورد با هوادارنش، ناخواسته وارد عتیقه فروشی می شود. حراج سالانه را می بیند و هیجان زده می شود و به جمع آوری اشیاء قدیمی علاقه پیدا می کند توجه عمیق به گذشته و سنت (که اشیاء بخشی از آن هستند) درباره ی او قدری اهمیت دارد. ضمن اینکه این شیوه نشان ذهن اندیشه جو او است.

در کتاب "ارکستر آشپزخانه"، به معرفی ۴۸ غذای ژاپنی، ۳۴ غذای غربی، ۲۴ غذای چینی و ۲۳ سُس و در مجموع یکصد و بیست و نه غذا پرداخته است. برای هر یک از مواد و غذاها یک انشا نوشته می شود و پس از آن یک جمله، یک هایکو و یک ضربالمثل (شرح یک نویسنده)، غذا و در پایان دستور پخت نوشته شده است. در چاپ دوباره پس از مرگ او عکس غذاها از کتاب پاک شده اند. او از برجستگی و چاقی بر جسم اش بیزار بود و نوشتن این کتاب نشان می دهد که چه اندازه برای رژیم غذایی روزانه خود ارزش قائل بوده است. چنانچه در کتاب "مُد" درباره ی پوشش و ظاهر خود حساس بوده است. عکس هایی

7. The Autobiography

^۸ محمد تقی. موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی. مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری. تهران ۱۳۹۲

هم از خانه اش در این رابطه چاپ کرده است. پوشیدن به سبک تاکامینه به شکل ساده و بی پیرایه است. اما در کتاب "زن پنهان نشده" میبینیم که با وجود ظرافت بیرونی در چهره و قیافه شخصیتی مردانه داشت.

در سال ۱۹۷۸، در مجموع با بیست تن از جمله ساواکو آربوشی، کونوسوکه ماتسوشیتا، هیسایا موریشیگه، ماتسوتارو کاواگوچی و ریوزابرو اومهارا در طول زندگی دوستدار تاکامینه بوده اند، گفت و گو می کند. تنها متنی که در مورد آقای تارو شوجی است، متن یادبودی است که بلافاصله پس از مرگ او نوشته شده است. گفت و گو شونده ها از حرفه های مختلفی مانند بازیگر، بازرگان، نویسنده، نقاش، سفالگر، کارگردان فیلم و غیره هستند، اما همه کسانی هستند که او واقعاً به آنها احترام می گذارد. این کتاب علاوه بر این مسأله نشان از توانایی خانم تاکامینه در مصاحبه گری دارد.

شیوه زندگی او و هنر برخورد اش تنها با افرادی که دوستشان دارد ممکن است گاهی افق دید او را کرده باشد، اما او از پنج سالگی به عنوان بازیگر مشغول به کار بوده و بسیاری از جنبه های ناخوشایند انسانی را دیده است. شاید این یک امر معمولی باشد. روش زندگی اش و دامنه دوستیابی به هیچ وجه گسترده نیست، ولی در عوض، رابطه با هر یک از آنها عمیق و قوی است. او همانند مصاحبه گر حرفه ای بدون ترس حتی از کسانی که مراقب یا خجالتی هستند سؤال می پرسد و مصاحبه شوندگان نیز هوشیاری خود را رها می کنند و زبان خود را برای پاسخ باز می کنند. احتمالاً این به خاطر اعتماد متقابل نیز هست. هر فردی از آنها دارای فلسفه زندگی قوی، اخلاق بالا و وقار زیباست. شاید به دلایل خانم تاکامینه جذب آنها شده است. پس از مرگ او، آکمی سایتو با اضافه کردن مقدمه ای بر آن و ویراست، تجدید چاپ شد.

کتاب "یادداشتی درباره ی تنهایی پری" یا "پری تنها" در یکصد و هفتاد و دو صفحه، به زبان ژاپنی در سال ۲۰۱۱ و نشر شینچوشا است. این کتاب توسط دخترخوانده ی خانم تاکامینه، یعنی آکمی سایتو پس از مرگ او یعنی حدود شصت سال باز نشر شد. اما انتشار نخست آن در سال ۱۹۵۳ است. در واقع پس از بازی در فیلم "کارمین به خانه می آید"، به دلایلی با مادر شوهر اش، اختلافاتی پیدا می کند و گریم سنگین فیلم که بسیار او را از نظر جسمی خسته کرده بود، به مدت چندین ماه به فرانسه و آمریکا می رود. البته بیشتر آن مربوط به زمان اقامت اش در پاریس است او ضمن ساخت فیلم کوتاه در مدت اقامت اش، این کتاب را همزمان در سال ۱۹۵۱، در سن بیست و هفت سالگی نوشته بود. (نبایست فراموش کرد در سال ۱۳۵۱ در پنج فیلم هم بازی کرد). این یک داستان سفر معمولی است، اما حاوی مطالبی است که روش زندگی خانم تاکامینه را بعدها نشان می دهد. او ضمن دیدار با برخی بزرگان ژاپنی و آشنایانش، سینمای فرانسه را از نظر فنی و هنری واکاوی می کند. از همه مهمتر او در تلاش بود تا در این سفر حسّ انسان بودن خود را به دست آورد، نه سفر به عنوان یک بازیگر. جلد دوم کتاب با نام دیگر "دفتر خاطرات سفر من"، در یکصد و هفتاد و سه صفحه با مقدمه آکمی سایتو منتشر شد. انتشار نخست آن در ۱۹۵۵ بود.

در زندگی نامه اش از رنجی که از کودکی و جوانی تجربه کرده، نیز پرداخته است. در پی سختی های این دوره و حمایت از خانواده حتی تصمیم جدی برای کناره گیری از بازیگری داشته است. کتاب درباره ی زندگی مشترک اش با ماتسویاما و همچنین سفرنامه هاوایی همراه او نیز بخشی از زندگی نامه ی او هستند.



- Pari Hitori Aru Ki", Movie World, 1953 / Shinchosha , November 2011 ISBN 9784103316114⁹
- Maimai Tsubukuro", Movie World, 1955 / Shinchosha, November 2011 ISBN 9784103316121
- My Interview", Chuokoron -sha , 1958 / Shinchosha, June 2012 ISBN 9784103316138
- Inside the Bottle", Cultural Publishing Bureau , 1972 / Kawade Shobo Shinsha , April 2014 ISBN 9784309022680
- My Travel Diary Up and Down", Asahi Shimbun , 1976 / Bunko Bunko , March 1998 ISBN 9784167587024 , ISBN 9784167587031 / Shincho Bunko , January 2012 ISBN 9784101369815 , ISBN 9784101369822
- Ippiki no Mushi", Ushio Publishing Co., Ltd. , October 1978 / Bunharu Bunko, October 2011 ISBN 9784167587116

⁹. بیشتر با رُماجی نگاشته شده اند.

- Spelling Pari", Ushio Publishing Co., Ltd., July 1979 / Chuko Bunko , October 2014 ISBN 9784122060302
- I found a good thing", Ushio Publishing Co., Ltd., October 1980 / Shueisha Bunko , February 1986 ISBN 4087490866
- Kitchen Orchestra", Ushio Publishing, June 1982 / Shinchosha, July 2012 ISBN 9784101369846
- I like cotton", Ushio Publishing Co., Ltd., October 1983 / Bunshun Bunko, January 2003 ISBN 4167587076
- Human Story Matsutaro", Ushio Publishing Co., Ltd., February 1985 / Bunshun Bunko, January 2004 ISBN 4167587084
- My Ryuzaburo Umehara", Ushio Publishing Co., Ltd., February 1987 / Bunshun Bunko, October 1997 ISBN 4167587017
- Delicious Man", Ushio Publishing Co., Ltd., May 1992 / Bunharu Bunko, July 2004 ISBN 4167587092
- Woman of Shinobizu", Ushio Publishing Co., Ltd., October 1994 ISBN 4267013624 / Chuko Bunko, May 2012 ISBN 9784122056381
- Ningen Fushi no Ichi", Bungei Haruaki , January 1997 ISBN 4163525807 / Shinchosha, January 2013 ISBN 9784101369587
- Ningen no Heso", Bungei Haruaki, May 1998 ISBN 4163540504 / Shinchosha, January 2012 ISBN 9784101369839
- Ningen Address Book", Bungei Shunju, July 2002 ISBN 4163573305 / Bunshun Bunko, July 2005 ISBN 4167587106
- Travel Diary Europe Two-legged Race", Shinchosha, March 2013 ISBN 9784103316145

The following is an essay co-authored with Zenzo Matsuyama

- Travel is a road companion Gandhara", Ushio Publishing Co., Ltd., May 1979 / Chuko Bunko, January 2012 ISBN 9784122055919
- Travel is a road companion Tutankhamen", Ushio Publishing Co., Ltd., June 1980 / Chuko Bunko, March 2012 ISBN 9784122056213
- Travel is Aloha Oe", Ushio Publishing Co., Ltd., December 1982 / Chuko Bunko (renamed "Travel is Aloha Hawaii"), November 2011 ISBN 9784122055674
- Travel is Michizure Yuzuki Hana", Cultural Publishing Bureau, June 1986 / Hearst Fujingah, March 2012

Discography

Name: Daughter of the Tobacco Shop

Release Date: 1941 (Showa 16)

Lyrics: Minoru Shimizu

Composition: Masao Yoneyama Polydor Records

Name: Forest Water Wheel¹⁰

Release Date: 1942 (Showa 17)

Lyrics: Minoru Shimizu

Composition: Masao Yoneyama Daitoa Records

Name: Singing Yamabiko

Release Date: 1943 (Showa 18)

Lyrics: Hisashi Sono

Composition: Seiichi Suzuki Daitoa Records

Name: Ginza Kankan Musume (***Nostalgie**)

Release Date: (1949 (Showa 24)

Lyrics: Takao Saeki

Composition: Ryoichi Hattori Victor Records

Name: Carmen Comes Home

Release Date: 1951 (Showa 26)

Lyrics: Chuji Kinoshita

Composition: Toshiro Mayuzumi Victor Records

¹⁰. در سال ۱۹۴۲ در جریان جنگ، این آهنگ در روز چهارم انتشار آن به دلیل خصمانه خواندن اش ممنوع شد.

سین در زمان بازی

WAS	Moveies
55	Oh, My Son!
53	The Day of laughing and crying
52	Love and Separation in Sri Lanka_ Two lida
48	The Twilight Years
45	Devil's Temple
43	Dr. Hanaoka's wife_ The Happiness of Us Alone part II
42	Dark the Mountain Snow_ Hit and Run
40	Could I but Live
39	Yearning_ A Woman's Life
38	My Hobo
38	A Wanderer's Notebook_ Ballad of a Worker_ Mother Country
37	A Woman's Place_ Immortal Love_ As a Wife, As a Woman
36	The Human Condition III: A Soldier's Prayer_ Happiness of Us Alone_ The River Fuefuki_ Daughters, Wives and a Mother
35	When a Woman Ascends the Stairs
34	The Rickshaw Man
33	Stake Out_ Danger Stalks Near_ Times of Joy and Sorrow_ Untamed Woman_ Sky yukaba: Burial in the Clouds_ Flowing
32	A Wife's Heart
31	Eyes of Children, Children's Viewpoint, Through a Children Eye_ Three Women Around Yoshinaka_ The Kiss, The First Kiss, Women's Ways (segment 3)_ The Tattered Wings, Distant Clouds_ House of Many Pleasures
30	Floating Clouds_ Somewhere Under the Broad Sky_ Twenty-Four Eyes_ The second kiss
29	The Garden of Woman_ Wild Geese_ Tomorrow it's a harmony place
28	Where Chimneys Are Seen_ Woman Tofi : Volume of Yoko (1) Mari (2)_ Carmen Falls in Love_ Lightning_ Dimple of Tokyo_ A Ripple in a Morning_ Jirokichi koshi
27	Takamine Hideko France tayori: Deko-chan sen'ichiya_ Sasaki Kojiro & Sequel Sasaki Kojiro_ Carmen Comes Home_ Home Sweet Home_ The Munekata Sisters_ Woman's water-mirror
26	Beyond the War_ The Munekata Sisters_ Snow-Flake_ Virgin treasure
25	can-can Girl in Ginza_ Goodbye_ Flirtation in Spring_ 365 Nights
24	Virgin rainbow in hand_ Star paradise: Dai yon kei: Radio vision_ A flower blooms_ Medical certificate of Love_ Love with the stars
23	Invitation to Happiness_ Look, Listen and Try_ The Devil of Edo_ One Thousand and One Nights with Toho
22	Toho Show Boat_ Lord for a Night_ The Descendents of Taro Urashima_ Cheerful Woman_ Those Who Make Tomorrow
21	Three Women of the North_ Until Victory Day
20	Grandmother_ Four Wedddings_ Sagohei the Three-footer
19	The joy of young expenses_ Soldier Six Dream Story_ On Music on the March_ Miss.

	Hanako_ The Opium War_ World of Love: Tomi the Wildcat
18	He Returned from the South_ The water Margin_ A Woman's Pedigree & Sequel_
	The Sky of Hope_ The Man Who Was Waiting_ Musashibo Benkei
17	Hideko, the Bus Conductor_ Schoolgirl Records_ dancers of Awa_ Horse_ The Man Who Disappeared Yesterday
16	Songoku (Volumes 1 & 2)_ Bellflower_ My Sister Goes to War_ A Gentle Breeze with Father
15	Hideko the Cheerleader_ New Tang Gazen-Book of One Hand_ Professor Hojiro_ Our Instructor_ Flower-Picking Diary_ The Night Before_ Higuchi Ichiyo_ The Loyal Forty-Seven Ronin_ My Daughter's Only Wish_ Beautiful departure
14	Shin ryuo_ Chocolate and Soldiers_ Rainbow on the Hill_ Composition Class_ A Four-Leaf Clover_ The loves of a kabuki actor_ Dream of bouquet
13	Tough Dad_ Hill of the South Wind_ White Roses_ The Snow Kingdam _ Ken from Edo_ A Husband's Chastity: Fall Once a gain & If Spring Comes
12	The Song of the Flower Basket_ A Bride's Gameof _The New Road, Akemi
11	Eternal love_ Wealthy Woman_ Mother's love
10	Sneaking, Unplugged foot_ When You're Born to Be a Woman_ That Night's Wife_ Mother from the Far East_ Song of the Japanese Women
9	First Love in Spring_ Cheek to Cheek & If you lean your cheeks_ The Layabout in the Town Belle & Gisha_ Nineteenth Spring , Cram school spring, Juko Spring
8	_ Nezumikozô Jirokichi Kaiketsuhen_ The Cuckoo_ Love Fulfilled in Heaven_ Merry Young Lady_ Edo gonomi Ryôgoku sôshi_ Seven Seas: Frigidity Chapter_ passion
7	The Rose in the Storm_ Hey Ichitaro_ Smile of a Beauty_ Beautiful Love_ My Pop Loves My Mom_ Seven Seas: Chastity Chapter_ Tokyo Chorus_ Sisters 1&2_ Love, Be with Humanity, Part 1_ Beautiful Love
6	Father_ A Corner of the Big Tokyo_ Mother: The Sequel_ A Beauty_ Revue Sisters
5	Mother

فهرست فیلم ها بر اساس سال

- 1- Oh, My Son 1979
- 2- The Day of laughing and crying 1976
- 3- Love and Separation in Sri Lanka 1976
- 4- Two lida 1976
- 5- The Twilight Years 1973
- 6- Devil's Temple 1969
- 7- Dr. Hanaoka's wife, The wife of Seishu Hanaoka 1967
- 8- Father and son: It's beautiful and unpleasant 1967
- 9- Delicious and beautiful: Mother and child 1967
- 10- Dark the Mountain Snow 1966
- 11- Hit and Run, Moment of Terror 1966
- 12- Could I But Live 1964
- 13- Yearning 1964
- 14- A Woman's Life 1963
- 15- My Hobo 1962
- 16- A Wanderer's Notebook 1962
- 17- Ballad of a Worker 1962
- 18- The Bridge Between aka, Mother Country 1962
- 19- A Woman's Place, The Wiser Age 1962
- 20- Immortal Love 1961
- 21- As a Wife, As a Woman, The Other Women & Poignant Story 1961
- 22- The Human Condition III: A Soldier's Prayer 1961
- 23- Happiness of Us Alone 1961

- 24- The River Fuefuki 1960
- 25- Daughters, Wives and a Mother 1960
- 26- When a Woman Ascends the Stairs 1960
- 27- The Rickshaw Man 1958
- 28- Stakeout 1958
- 29- Danger Stalks Near 1957
- 30- Times of Joy and Sorrow 1957
- 31- Untamed Woman 1957
- 32- Sky yukaba: Burial in the Clouds 1957
- 33- Flowing 1956
- 34- A Wife's Heart 1956
- 35- Eyes of Children 1956
- 36- Three Women Around Yoshinaka 1956
- 37- Women's Ways (segment 3) 1955
- 38- The Tattered Wings, Distant Clouds 1955
- 39- House of Many Pleasures 1955
- 40- Floating Clouds 1955
- 41- Somewhere Under the Broad Sky, Somewhere beneath the Wide Sky 1954
- 42- Twenty-Four Eyes 1954
- 43- Woman's World, The Garden of Woman 1954
- 44- The Second Kiss 1954
- 45- Wild Geese 1953
- 46- Tomorrow it's a harmony place, Tomorrow I'm here 1953
- 47- Where Chimneys Are Seen, The Four Chimneys 1953
- 48- Woman Tofi : Volume of Yoko & Mari
- 49- Carmen Falls in Love, Carmen's innocent Love 1952
- 50- Lightning 1952

- 51- Dimple of Tokyo 1952
- 52- Ripples in the morning 1952
- 53- Jirokichi koshi 1952
- 54- Takamine Hideko France tayori: Deko-chan sen'ichiya 1951
- 55- Sasaki Kojiro & Sequel Sasaki Kojiro 1950-51
- 56- Carmen Comes Home 1951
- 57- Home Sweet Home 1951
- 58- Woman's water-mirror 1951
- 59- Beyond Senka 1950
- 60- The Munekata Sisters 1950
- 61- Sasameyuki, Snow-Flake 1950
- 62- Virgin treasure 1950
- 63- Ginza kankan Girls 1949
- 64- Goodbye 1949
- 65- Flirtation in Spring 1949
- 66- 365 Nights
- 67- Virgin rainbow in hand
- 68- Sambyakurokujugo ya - Osaka-hen & Tokyo-hen 1948
- 69- Star paradise: Dai yon kei: Radio vision 1948
- 70- A flower blooms 1948
- 71- Affectionate medical certificate 1948
- 72- Love with the stars 1947
- 73- Invitation to Happiness 1947
- 74- Look Listen, and Try 1947
- 75- The Devil of Edo, Edo demon 1947
- 76- One Thousand and One Nights with Toho 1947
- 77- Toho Show Boat 1946

- 78- Lord for a Night 1946
- 79- The Descendents of Taro Urashima 1946
- 80- Cheerful Woman 1946
- 81- Those Who Make Tomorrow 1946
- 82- Three Women of the North 1945
- 83- Until Victory Day 1945
- 84- Grandmother 1944
- 85- Four Marriages 1944
- 86- Sagohei the Three-footer 1944
- 87- The joy of young expenses, The Joy of Youth 1943
- 88- Soldier Six Dream Story 1943
- 89- Music stand-advance 1943
- 90- Miss. Hanako 1943
- 91- The Opium War 1943
- 92- World of Love 1943
- 93- The person who returned from the south 1942
- 94- The water Margin 1942
- 95- A Woman's Pedigree & Sequel+ omnibus 1942
- 96- The Sky of Hope 1942
- 97- The Man Who Was Waiting 1942
- 98- Musashibo Benkei 1942
- 99- Hideko, the Bus Conductor 1941
- 100- Schoolgirl Records 1941
- 101- dancers of Awa 1941
- 102- Horse 1941
- 103- The Man Who Disappeared Yesterday 1941
- 104- Songoku 1&2 1940

- 105- Campanula, Bellflower 1940
- 106- My Sister Goes to War 1940
- 107- A Gentle Breeze with Father 1940
- 108- Hideko the Cheerleader 1940
- 109- Shinpen Tange sazen ; koiguruma 1940
- 110- New Tang Gazen-Book of One Hand 1939
- 111- Professor Hojiro 1939
- 112- Our Instructor 1939
- 113- Flower-Picking Diary 1939
- 114- The Night Before 1939
- 115- Ichiyo Higuchi 1939
- 116- The Loyal Forty-Seven Ronin 1 & 2
- 117- My Daughter's Only Wish 1939
- 118- Beautiful departure 1939
- 119- Shin ryuo 1938
- 120- Chocolate and Soldiers 1938
- 121- Rainbow Hill 1938
- 122- Composition Class 1938
- 123- A Four-Leaf Clover 1938
- 124- The loves of a kabuki actor 1938
- 125- Dream of bouquet 1938
- 126- Tough Dad, Stern Father 1937
- 127- Hill of the South Wind 1937
- 128- When the White Rose Blooms 1937 فاشیستی
- 129- The Kingdom of Spectacles, The Snow Kingdam 1937
- 130- Ken from Edo 1937
- 131- A Husband's Chastity: Fall Once Again & If Spring Comes 1937

- 132- The Song of the Flower Basket 1937
- 133- A Bride's Game of 1937
- 134- The New Road, Akemi 1936
- 135- Eternal love 1935
- 136- Wealthy Woman 1935
- 137- Mother's love 1935
- 138- Sneaking, Unplugged foot 1934 (Short Film)
- 149- When You're Born to Be a Woman 1934
- 140- That Night's Wife 1934
- 141- Mother from the Far East 1934
- 142- Song of the Japanese Women 1934
- 143- Spring of first love 1933
- 144- Cheeks to cheeks & If you lean your cheeks 1933
- 145- Trumpet and daughter 1933
- 146- The Layabout in the Town Belle & Gisha 1933
- 147- Cram school spring, Juko Spring 1933
- 148- Nezumikozô Jirokichi Kaiketsuhen 1932
- 149- The Cuckoo 1932
- 150- Love Fulfilled in Heaven 1932
- 151- Good midwifery 1932
- 152- Edo gonomi Ryôgoku sôshi 1932
- 153- Seven Seas: Frigidity Chapter 1932
- 154- passion 1932
- 155- The Rose in the Storm 1931
- 156- Hey Ichitaro 1931
- 157- Smile of a Beauty 1931
- 158- Beautiful Love 1931

- 159- My Pop Loves My Mom 1931 (Short)
- 160- Seven Seas: Chastity Chapter 1931
- 161- Tokyo Chorus 1931
- 162- : Sisters 1&2 1931
- 163- : Love, Be with Humanity, Part 1 1931
- 164- Beautiful Love 1931
- 165- Father 1930
- 166- A Corner of the Big Tokyo 1930
- 167- Mother 1929 & Mother: The Sequel 1930
- 168- Reijin 1930
- 169- Revue Sisters 1930
- 170- Mother

نام کارگردان	همکاری با کارگردان ها
Mikio Naruse	۱۷
Keisuke Kinoshita	۱۲
Zenzo Matsuyama	۹
Kajirô Yamamoto	۹
Heinosuke Gosho	۸
Masahiro Makino	۶
Hiroshi Inagaki	۶
Kunio Watanabe	۳
Tamizo Ishida	۳
Nobuo Aoyagi	۳
Hiroshi Shimizu	۲
Yoshiro Kawazu	۳
Yasujirô Ozu	۲
Koji Shima	۳
Teinosuke Kinugasa	۲
Yutaka Abe	۳
Kon Ichikawa	۳
Shirô Toyoda	۲
Yasuki Chiba	۲
Hôtei Nomura	۶
Yasujirô Shimazu	۶
Minoru Matsui	۲
Yasuzô Masumura	۱
Kenji Misumi	۱
Yoshitaro Nomura	۱
Shuei Matsubayashi	۱
Noboru Nakamura	۱
Kiyoshi Saeki	۳
Satsuo Yamamoto	۳
Torajiro Saito	۳
Ryo Hagiwara	۱
Toshio Otani	۱
Kôzaburô Yoshimura	۱
Masaki Kobayashi	۱
Hideo Sekigawa	۲
Toshio Shimura	۱
Takeo Murata	۱
Kyôtarô Namiki	۱
Takeshi Sato	۲
Yoshinobu Ikeda	۳
Kei Okada	۲
Keiji Hasebe	۲
Kenkichi Hara	۲
Hiromasa Nomura	۱
Akira Kurosawa	۱
Masanori Kakei	۱
Hideo Suzuki	۱

Manao Horiuchi	ゝ
Seiji Hisamatsu	ゝ
Daisuke Itô	ゝ
Musei Tokugawa	ゝ
Hideo Utsu	ゝ
Senkichi Taniguchi	ゝ
Akira Kurosawa	ゝ
Takashi Okada	ゝ
Katsuhiko Kondo	ゝ
Nobuo Nakagawa	ゝ
Yuhirao Kiishiro	ゝ
Miyagi Road	ゝ
Tdash Imai	ゝ
Tai Ogiwara	ゝ
Shigeo Yagura	ゝ
Osamu Fushimizu	ゝ
Kazuo Ishikawalsao	ゝ
NumanamiTai	ゝ
Ogiwara	ゝ
Kôsaku Akiyama	ゝ
Tsutomu Shigemune	ゝ
Kintarô Inoue	ゝ
Yoshio Nishio	ゝ
Kazuhiko Nomura	ゝ
Sumio Nishiô	ゝ
Kôji Inaba	ゝ

خاطرات هیدکو تاکامینه از میکیو ناروسه:^{۱۱}

در ماه‌های ابتدایی سال ۱۹۶۹، هیدکو تاکامین بازیگر به خانه کارگردان سینما، میکیو ناروسه، که در طول بیست و پنج سال با او هفده فیلم ساخته بود، سفر کرد. ناروسه مدتی بود که در نبرد (باخته) با سرطان می جنگید و اخیراً تصمیم گرفته بود دیگر در بیمارستان بستری نشود. شاید تاکامینه متوجه شده بود که شانس او برای خداحافظی در حال تمام شدن است، او را ملاقات کرد و با تعجب متوجه شد که کارگردان پرحرف، شاد، آینده‌نگر و شوخ‌طبع است.

ناروسه فردی بود که از صحبت کردن امتناع می کرد. حتی در حین فیلمبرداری، او هرگز نمی گفت که چیزی خوب یا بد، جالب یا پیش پا افتاده است. او کارگردانی کاملاً بی پاسخ بود [او] هرگز موردی نبود که به من دستور بازیگری بدهد. "یکی دیگر از ستاره‌های مکرر این فیلم‌ها، تاتسویا ناکادای، همین تجربه را داشت و گفت: «او سخت‌ترین کارگردانی بود که من برای او کار کردم. او هرگز یک کلمه نگفت. یک نیهیلیست واقعی.» در صحنه فیلمبرداری "زن رام نشده" در سال ۱۹۵۷، تاکامینه سرانجام شجاعت پیدا کرد و از ناروسه راهنمایی خواست که چگونه شخصیت او را بازی کند، که او فقط پاسخ داد: "قبل از اینکه بفهمی تمام می شود."



این نوع خاطرات به اشتراک گذاشته نشد. حتی با خدمه، میکیو ناروسه بسیار بسته و ضد اجتماعی بود. او فقط یک نسخه از فیلمنامه را برای خود را آماده کرده بود و به علاوه از نشان دادن آن به کسی خودداری می کرد. هنگامی که در موارد نادری، شخصی موفق میشد به سند ممنوعه نگاه کند، فوراً برنامه تصویربرداری را تغییر می داد. به طوری که صحنه ای که در ابتدا در هشت پلان فیلمبرداری می شد، ناگهان در سه پلان به پایان رسید. دستیاران نباید او را «معلم» صدا می کردند، و او حتی به

¹¹. <https://www.tohokingdom.com/blog/hideko-takamine-remembrances-of-mikio-naruse>
Patrick Galvan, July 26, 2020

آن‌ها اجازه نمی‌داد سیگارشان را روشن کنند، ترجیح می‌داد وقتی کبریت‌هایش تمام شد، خودش به سمت کافه تریا استودیو برود.

البته هر حکایتی منفی نبود. دستیار سابق کیهاچی او کاموتو به یاد می‌آورد که در صحنه فیلم "ابره‌های شناور" یک دست دادن تشکر از ناروسه جایزه دریافت کرده است!! و پس از اینکه او کاموتو حرفه کارگردانی خود را آغاز کرد، ناروسه با توصیه‌های دلگرم‌کننده با او برخورد کرده است. از این رو، تاکامینه زمانی که در آن روزی که قبلاً ذکر شد در سال ۱۹۶۹، او را در حالتی شاداب و پرحرف دیده، کاملاً غافلگیر شده است. ناروسه چیزهای زیادی درباره غم می‌دانست - پدرش در پانزده سالگی درگذشت. ازدواج اول او به طلاق ختم شد. او بخش اعظم زندگی خود را در فقر سپری کرده بود. با این حال در چند ماه آخر زندگی، زمانی که سرنوشت مرگ آهسته و دردناکی را داشت، سرانجام از پوسته خود بیرون آمد.

تاکامینه در جریان دیدارشان، همکاری را تشویق کرد که خوب شود و به سر کار بازگردد. او در حال خروج از در بود که ناگهان ناروسه او را صدا زد. او گفت: «این می‌دانید، آنچه ما قول داده بودیم. ما نیز باید این کار را انجام دهیم.» تاکامینه بلافاصله متوجه شد که به چه چیزی اشاره می‌کند.

سه سال قبل از آن، آنها با هم در زمین توهو قدم می‌زدند، در حالی که صحنه ای از فیلم "بزن و فرار کن" را تمام کرده بودند. ناروسه معمولاً ساکت، شاید با الهام از کارشان بر روی تصویری مملو از مجموعه‌های پیچیده بورژوازی و صحنه‌های پر سر و صدا از ترافیک، گفت: «هیدچان؟ روزی می‌خواهم [فیلمی بسازم] بدون دکور، بدون رنگ، فقط یک پرده سفید به عنوان پس‌زمینه. من می‌خواهم چیزی را نشان دهم جز خودِ درام، که در پس زمینه ای سفید بدون هیچ مانعی رخ می‌دهد. وقتی من این کار را انجام دادم، آیا برای من کار می‌کنی؟»

تاکامینه شک داشت که چنین پروژه ای در توهو ساخته شود، اما در آن به تعهد ناروسه به هنرش پی برد و از اینکه او می‌خواست او در پروژه رویایی خود باشد، افتخار می‌کرد. او به خاطر می‌آورد: «حتی اگر فقط چاپلوسی باشد، این که از من خواسته شده است، برای من افتخاری بسیار فراتر از آنچه استحقاق آن را دارم، نوعی خوشبختی مشروطانه است.» پس از یادآوری این گفتگو، او به کارگردان بیمار لاعلاج گفت که روزی قبل از فرار از خانه او، در آستانه اشک، آن فیلم را خواهند ساخت. قلبم پر از درد شد، زیرا او فداکاری خارق‌العاده‌ای را که به کارش داشت به من نشان می‌داد، و من مجبور شدم با انگیزه‌ای که دست‌هایم را دور او بیندازم و او را در آغوش بگیرم مبارزه کنم.» چند ماه بعد، ناروسه از نبرد با سرطان شکست خورد و در ۲ ژوئیه ۱۹۶۹ از دنیا رفت.

هیدکو تاکامینه در مراسم تشییع جنازه کارگردان غایب بود. و در چهل و یک سال باقی مانده از زندگی خود حتی یک بار هم به آرامگاه او نرفت. همانطور که او در دهه ۱۹۸۰ توضیح داد، تاکامینه نمی‌خواست آخرین خاطره اش از ناروسه سنگی در قبرستان باشد یا او در تابوت دراز کشیده باشد. تصویری که او می‌خواست آن را نگه دارد، «تصویر چهره سالم با لبخند ملایمی بود که هنگام دیدار از خانه او در سیجو [منطقه، توکیو] دیدم. اگر بگویم او در قلب من زنده است، دیگر نیازی نیست که برای اطمینان از مرگش بی‌شرمانه به سمت قبر او حرکت کنم.» او در پایان خاطرات خود، ناروسه و دوستش یاسوجیرو اوزو (که او نیز در دهه ۶۰ بر اثر سرطان درگذشت) را به تصویر کشید که در جهان فراتر از تحولات سینمای ژاپن گفتگو می‌کردند.

در حالی که ناروسه هرگز شخصیت‌ها و فیلم‌هایش را "فمینیست" معرفی نکرد، فیلم‌های او اغلب هنجارهای جنسیتی جامعه ژاپن را به چالش می‌کشیدند. ناروسه به عنوان یکی از حامیان برجسته ژانر شو-شیمین ایگا است. اساساً او فیلم سازی درباره

زندگی طبقاتی پرولتری در نظر گرفته می شود. بازنمایی او از زنان طبقه اجتماعی-اقتصادی پایین در ژاپن پس از جنگ بسیار مؤثر است. بدون احساس همدردی ناشی از شرایط زندگی فرسوده‌شان، او چالش‌های زندگی روزمره زنان را نشان می‌دهد. این زنان فمینیست قوی نیستند، بلکه در تضاد و مبارزه با خویش و جامعه هستند، در حالی که فقط سعی می‌کنند سرپا بمانند. این مبارزه اساسی برای بقا، به ظاهر کیفیت فمینیستی را القا می‌کند در حالی که این زنان با چگونگی تأیید هویت خود در دگرگونی مداوم مفاهیم اجتماعی از جنسیت و نقش‌های خانوادگی دست و پنجه نرم می‌کردند. علاوه بر این، آنها با چارچوب‌های سختگیرانه اجتماعی-اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کردند، مساله‌ای که هرگز به آنها فضایی برای رشد نمی‌داد و اغلب پایمال می‌شد.

زندگی با زنزو ماتسویاما و دختر خوانده اش آکمی سایتو:

پنجاه و پنج سال زندگی مشترک با زنزو ماتسویاما، طبیعی است که بر زندگی حرفه ای او تاثیر گذار بود. چنانچه نه فیلم را به کارگردانی او بازی کرد، و یک جلد کتاب درباره ی زندگی مشترکشان نوشت. همین طور دختر خوانده اش آکمی سایتو که در نشر و باز نشر برخی آثار پس از مرگ تاکامینه تاثیر گذار بود.



فهرست فیلم ها

- ۱- باغ زنان ۳۲
- ۲- بیست و چهار چشم ۳۷
- ۳- کارمین به خانه می آید ۳۹
- ۴- زندگی زنان ۴۳
- ۵- دفترچه یادداشت سرگردان ۴۶
- ۶- آبرهای شناور ۴۹
- ۷- زن رام نشده ۵۱
- ۸- مَعبد شیطان ۵۴
- ۹- عشق و جدایی (در سریلانکا) ۵۶
- ۱۰- جایی که دودکش ها دیده می شوند: ۵۸
- ۱۱- وقتی زنی پیشرفت می کند ۶۲
- ۱۲- شمعی در باد ۶۵
- ۱۳- عفت شوهر در دو قسمت: سقوط یک بار دیگر و اگر بهار بیاید (دوباره پاییز) ۶۸
- ۱۴- حَسرت ۷۰
- ۱۵- سَیْلان ۷۲
- ۱۶- خواهران مونکاتا ۷۵
- ۱۷- آذرخش ۷۸
- ۱۸- بزن و فرار کن! ۸۱

- ۱۹- رودخانه فونفوکیگاوا..... ۸۳
- ۲۰- سرزمین مادری..... ۸۵
- ۲۱- اسب..... ۸۷
- ۲۲- شکلات و سربازان..... ۸۹
- ۲۳- می توانم زندگی کنم، اما..... ۹۱
- ۲۴- زن دکتر سیشو هانائوکا..... ۹۳
- ۲۵- دختران، همسران و یک مادر..... ۹۵
- ۲۶- عشق جاودانه..... ۹۸
- ۲۷- به عنوان یک زن...به عنوان همسر..... ۱۰۱
- ۲۸- چشمان بچه ها..... ۱۰۳
- ۲۹- وای پسرما!..... ۱۰۵
- ۳۰- گمین..... ۱۰۸
- ۳۱- خوشبختی تنهای ما..... ۱۱۱
- ۳۲- عشق خاموش ما..... ۱۱۵
- ۳۳- شادی تنهایی ما: "مادر و فرزند"..... ۱۱۶
- ۳۴- جایی زیر آسمان بی انتها..... ۱۱۷
- ۳۵- جنگ تریاک..... ۱۲۰
- ۳۶- روز خنده و گریه..... ۱۲۲
- ۳۷- سال های گرگ و میش..... ۱۲۴
- ۳۸- آسمان یوکابا: مدفون در آبرها..... ۱۲۶

- ۳۹- زمانِ شادی و غم..... ۱۲۸
- ۴۰- معاشقه در بهار..... ۱۳۱
- ۴۱- ریکشاران..... ۱۳۳
- ۴۲- تصنیف یک کارگر..... ۱۳۶
- ۴۳- سه گانه وضعِ بشری: دُعای یک سرباز..... ۱۳۸
- ۴۴- غازه‌های وحشی..... ۱۴۱
- ۴۵- کارمین عاشق می شود..... ۱۴۴
- ۴۶- جهانِ عشق: تومی گربه وحشی..... ۱۴۷
- ۴۷- دو ایذا..... ۱۵۰
- ۴۸- دوره گرد من..... ۱۵۳
- ۴۹- "دخترِ خیابانی" در گینزا..... ۱۵۵
- ۵۰- گودی توکیو..... ۱۵۷
- ۵۱- چهار ازدواج..... ۱۵۹
- ۵۲- خواهران ساسامیوکی..... ۱۶۰
- ۵۳- گلی شکوفه می دهد..... ۱۶۲
- ۵۴- زنان..... ۱۶۴
- ۵۵- قلب یک همسر..... ۱۶۶
- ۵۶- زنان مکان..... ۱۶۸
- ۵۷- خاطرات چیدن گل..... ۱۷۰
- ۵۸- دوشیزه هاناکوسان..... ۱۷۲

- ۱۷۴.....۵۹- کلاس انشاء نویسی
- ۱۷۷.....۶۰- بال های پاره پاره
- ۱۷۹.....۶۱- تاریکی کوه برفی
- ۱۸۱.....۶۲- امواج صبحگاهی
- ۱۸۳.....۶۳- دعوت به شادی
- ۱۸۴.....۶۴- شادی جوانی
- ۱۸۵.....۶۵- خانواده خوشبخت ما
- ۱۸۷.....۶۶- دعوی خواهران زیبا
- ۱۸۸.....۶۷- ۳۶۵ شب
- ۱۹۰.....۶۸- خدا حافظ
- ۱۹۲.....۶۹- عشق با ستاره ها
- ۱۹۴.....۷۰- رنگین گمان در آغوش دختر
- ۱۹۶.....۷۱- ایچو هیگوشی
- ۱۹۷.....۷۲- آسمان آبی امید
- ۱۹۹.....۷۳- عزیمت زیبا
- ۲۰۱.....۷۴- سه زن در شمال
- ۲۰۴.....۷۵- هیدکو، راهنمای اتوبوس
- ۲۰۶.....۷۶- هیدکو لیدر بیسبال
- ۲۰۷.....۷۷- در نسیمی ملایم با پدر
- ۲۰۹.....۷۸- آنها که فردا را می سازند

- ۲۱۱..... عشق یک هنرپیشه کابوکی.....۷۹
- ۲۱۳..... شب قبل.....۸۰
- ۲۱۵..... تانگه سازن.....۸۱
- ۲۱۶..... شینپن تانگه سازن: داستان سکیگان.....۸۲
- ۲۱۷..... سرانجام ساساکی کوچیرو.....۸۳
- ۲۲۰..... موساشیو بنکی.....۸۴
- ۲۲۱..... جاده جدید: آکمی.....۸۵
- ۲۲۴..... او که از جنوب بازگشت.....۸۶
- ۲۲۵..... کرانه ی رود.....۸۷
- ۲۲۶..... داستان رویای شش سرباز.....۸۸
- ۲۲۸..... تنها آرزوی دخترم.....۸۹
- ۲۳۰..... گروه گر توکیو.....۹۰
- ۲۳۲..... پادشاه برفی.....۹۱
- ۲۳۴..... سه زن در اطراف یوشیناکا.....۹۲
- ۲۳۷..... ارباب یک شب.....۹۳
- ۲۳۹..... قلعه ی زن توفنو: داستان یوکو - داستان ماری.....۹۴
- ۲۴۱..... خانه ای از لذت های بسیار.....۹۵
- ۲۴۲..... پیشرفت بزرگ موسیقی.....۹۶
- ۲۴۴..... آهنگ سبد گل.....۹۷
- ۲۴۶..... بوسه دوّم.....۹۸

- ۹۹- دفترِ خاطراتِ دخترِ دانش آموز..... ۲۴۸
- ۱۰۰- شیطانِ اِدو..... ۲۴۹
- ۱۰۱- شبکه جیروکیچی..... ۲۵۱
- ۱۰۲- ببینید، بشنوید و امتحان کنید..... ۲۵۲
- ۱۰۳- تبارشناسی زنان (قسمت اول و دوّم)..... ۲۵۴
- ۱۰۴- مردی که منتظر بود..... ۲۵۶
- ۱۰۵- از نوادگان تارو اوراشیما..... ۲۵۸
- ۱۰۶- مردی که دیروز ناپدید شد..... ۲۶۰
- ۱۰۷- چهل و هفت رونین وفادار..... ۲۶۱
- ۱۰۸- تپه ایستاده رنگین کمان..... ۲۶۲
- ۱۰۹- هزار و یک شب با توهو..... ۲۶۴
- ۱۱۰- قایق نمایشی توهو..... ۲۶۶
- ۱۱۱- مربی ما..... ۲۶۷
- ۱۱۲- شبدر چهار برگ..... ۲۶۸
- ۱۱۳- زنِ شاد..... ۲۶۹
- ۱۱۴- خواهرم به جنگ می رود..... ۲۷۰
- ۱۱۵- فراتر از جنگ..... ۲۷۱
- ۱۱۶- شین ریو..... ۲۷۲
- ۱۱۷- سونگوکو قسمت یک و دو..... ۲۷۳
- ۱۱۸- ساگوهی سه پا..... ۲۷۴

- ۱۱۹- رقصنده آوا..... ۲۷۵
- ۱۲۰- تا روز پیروزی..... ۲۷۶
- ۱۲۱- رویای یک دسته گل..... ۲۷۷
- ۱۲۲- پرفسور هوجیرو..... ۲۷۸
- ۱۲۳- مادر بزرگ..... ۲۷۹
- ۱۲۴- گواهی پزشکی محبت آمیز..... ۲۸۰
- ۱۲۵- هفت دریا: فصل عفت..... ۲۸۱
- ۱۲۶- آئینه های آبی زنانه..... ۲۸۳
- ۱۲۷- بهشت ستاره..... ۲۸۴
- ۱۲۸- ادو..... ۲۸۵
- ۱۲۹- فردا کدام است؟..... ۲۸۶
- ۱۳۰- تاکامینه در فرانسه..... ۲۸۸
- ۱۳۱- پدر سختگیر..... ۲۸۹
- ۱۳۲- تپه باد جنوب..... ۲۹۰
- ۱۳۳- رز سفید..... ۲۹۱
- ۱۳۴- کین از ادو..... ۲۹۲
- ۱۳۵- بازی عروس..... ۲۹۳
- ۱۳۶- عشق ابدی..... ۲۹۴
- ۱۳۷- زنان ثروتمند..... ۲۹۵
- ۱۳۸- عشق مادر..... ۲۹۶

- ۱۳۹- یواشکی..... ۲۹۷
- ۱۴۰- وقتی که به دنیا آمدی که یک زن باشی..... ۲۹۸
- ۱۴۱- آن همسر شب..... ۲۹۹
- ۱۴۲- مادر شرق..... ۳۰۰
- ۱۴۳- آهنگ زنان ژاپنی..... ۳۰۱
- ۱۴۴- عشق نخست در بهار..... ۳۰۲
- ۱۴۵- گونه به گونه..... ۳۰۳
- ۱۴۶- شیپور و دختر..... ۳۰۴
- ۱۴۷- چیدمان در شهر زن زیبا..... ۳۰۵
- ۱۴۸- چیدمان در شهر- گیشا..... ۳۰۶
- ۱۴۹- بهار نوزدهم..... ۳۰۷
- ۱۵۰- جیروکیچی: راه حل..... ۳۰۸
- ۱۵۱- فاخته..... ۳۰۹
- ۱۵۲- عشق در بهشت برآورده شد..... ۳۱۰
- ۱۵۳- بانوی جوان شاد..... ۳۱۱
- ۱۵۴- هفت دریا: فصل سردی..... ۳۱۲
- ۱۵۵- زهر..... ۳۱۳
- ۱۵۶- گُل رُز در طوفان..... ۳۱۴
- ۱۵۷- ایچیتارو..... ۳۱۵
- ۱۵۸- لبخند زیبا..... ۳۱۶

- ۱۵۹- عشق زیبا..... ۳۱۷
- ۱۶۰- پدرم، مادرم را دوست دارد..... ۳۱۸
- ۱۶۱- دنباله خواهران ۳۱۹
- ۱۶۲- آن را با انسانیت دوست دارم..... ۳۲۰
- ۱۶۳- عشق زیباست..... ۳۲۱
- ۱۶۴- پدر..... ۳۲۲
- ۱۶۵- گوشه ای از توکیو بزرگ..... ۳۲۳
- ۱۶۶- دنباله فیلم "مادر"..... ۳۲۴
- ۱۶۷- زیبایی..... ۳۲۵
- ۱۶۸- نمایشنامه انتقادی خواهران..... ۳۲۶
- ۱۶۹- گل استکانی..... ۳۲۷
- ۱۷۰- مادر..... ۳۲۸

ترانه زادگاه (فوروساتو^{۱۲}) از فیلم بیست و چهار چشم:



چون اون يکي از ۷ تا بچه ي
خوشگوشو توی کوه ...



مادر کلاغه، چرا آواز غمگين ميخوني؟



کلاغ مي خوند
"دلم بر ايش تنگ شده، دلم بر ايش تنگ شده"



...جا گذاشت،



برو و کوهستان بگرد



کلاغ مي خوند
"دلم بر ايش تنگ شده، دلم بر ايش تنگ شده"



خداحافظ!



اونجا يه بچه ي قشنگ هست

!!!!!!!

¹². Furusato

Profile:

Movie: Woman's World, The Garden of Woman
Romaji¹³: Onna no sono
Director: Keisuke Kinoshita
Screenwriter: Keisuke Kinoshita (Story: Tomoji Abe)
Production: Shôchiku
Cinematographer: Hiroyuki Kusuda (B&W)
Release Date: March 16, 1954
Runtime: 141 min
Color: black and white
Genre: Drama, Schools & University
Music: Chuji Kinoshita
Language: Japanese
Country: Japan
Played: Yoshie Izushi
Was: 29

۱- باغ زنان:

فیلم "باغ زنان" یا "جهان زنان" به کارگردانی کیسوک کینوشیتا محصول ۱۹۵۴ ژاپن در یکصد و چهل دقیقه است. خانم تاکامینه در این فیلم نقش یوشی را در سن بیست و نه سالگی بازی می کند. این فیلم بر اساس زمانی از توموجی آبه ساخته شده است. اوضاع پس از جنگ تغییر کرد، اما نه آنطور که برخی امیدوار بودند. متأسفانه هنوز موضوعاتی وجود داشت، باغ زنان هم ساختارهای پایدار و ظالمانه اجتماعی مردسالار، هم در سیستم آموزشی و هم در کلیت جامعه را هدف قرار داده است. مسأله ای که به عمد یا غیر عمد و به طور سیستماتیک تلاش برای پیشرفت و تغییر اجتماعی را خفه می کند. چند سال قبل از آنکه اعتراضات دانشجویان در دهه شصت آموزش را به بحران بیاندازد، این فیلم کینوشیتا می پرسد که چرا این تشکیلات در تعارض با شرایط غالب آن زمان قرار دارد و می فهمد که جوانان قصد دارند آینده روشن تر خود را داشته باشند حتی اگر مجبور باشند که برای آن بجنگند.

مکان داستان، یک کالج خصوصی دخترانه در شهر تاریخی و زیبای کیوتو^{۱۴} است. با سخنرانان دانشجویی که به جمع دانشجویان دیگر می پیوندند و راهپیمایی که به سمت مدیریت کالج می روند، فیلم آغاز می شود. دانشجویانی که لباس های مرتب و منظم خود را پوشیده اند، همگی از یک مدرسه خصوصی هستند. در یک فلاش بک طولانی درباره وقایع منتهی به شورش، یکی از پیچیده ترین فیلم های اجتماعی سال های پس از اشغال را خواهیم دید. کالج مردانه ای نیز در مجاورت وجود ندارد، زیرا بیشتر این زنان در نهایت با والدین خود ازدواج خواهند کرد.

^{۱۳}. روماجی در زبان ژاپنی به الفبای لاتین و لاتین نویسی واژه های ژاپنی گفته می شود.

^{۱۴}. برخی از مفسران گفته اند که مدرسه به گوییش توکیویی نیاز دارد، اما به نظر منطقی تر می رسد که آنها لهجه کیوتو را استفاده کنند، زیرا مدرسه در کیوتو (خانه امپراتور) است و به خود می بالد که مدرسه ای تمام کننده برای افراد خوب است.

فیلم مقطعی از دنیای زنان جوان نسبتاً ممتاز و باهوش را به ما می‌دهد. خانمهایی که در این مرکز تحصیل می‌کنند اکثراً از خانواده‌های بسیار ثروتمندی هستند که تصمیم گرفته‌اند دخترانشان را در این کالج دقیقاً بخاطر تصویری که از فواید تحصیل وجود دارد، ثبت نام کنند. همانطور که بعداً یک دانش‌آموز بیان می‌کند؛ دو نوع دختر در مدرسه وجود دارد - آنهایی که واقعاً می‌خواهند تحصیل کنند تا زندگی مستقلی برای خود بسازند و قصد دارند بعد از فارغ‌التحصیلی به دنبال کار بروند، و آنهایی که صرفاً به دخترانشان تحمیل می‌کنند. دستاوردی به منظور جذب شوهر از طبقه بهتر و بالاتر و اینکه مدرکی به جهیزیه خود اضافه کنند. با این حال همه مشمول مجموعه قوانین سختگیرانه‌ای هستند که حول شکل‌گیری زن ایده‌آل ژاپنی از طریق "اخلاقیات" سختگیرانه اجرا می‌شود. تا جایی که منجر به باز کردن نامه‌های خصوصی دختران و اطلاع به خانواده‌های آنها از هرگونه محتوای "ناخوشایند" می‌شود. اینکه دختران اگر بخواهند در "رقص" ها یا هر چیز طبیعی دیگر شرکت کنند، نیاز به اجازه دارند. این کار را مایومی (میکو تاکامینه) که از مسئولان کالج است، انجام می‌دهد. او بسیار جدی است و حتی شخصاً هر اتاق را در هنگام خاموش شدن چراغ‌ها چک می‌کند. دختران او را پشت سر "زیرک" می‌نامند، اما حکومت او با مخملی‌ترین دستکش‌ها با صدای آرام و ظریف‌ترین آداب ژاپنی است. در یک مراسم چای از آنها می‌خواهد به زیباترین لهجه صحبت کنند.

در محیط محدود کالج زنان (یا زندان، که برخی از دختران آن را وضعیت خود می‌نامند)، ما معمولاً انتظار داریم تنش جنسی، حسادت، باندها و رقابت برای موقعیت اجتماعی را ببینیم، اما کینوشیتا در عوض از این محیط استفاده دیگری می‌کند. او از این موقعیت برای انعکاس تنش‌های اجتماعی خارج از کالج بهره می‌گیرد. این دوره قبل از اولین انتخابات پس از اشغال است و تظاهرات و فعالیت‌های دانشجویی در گفت و گوها (مانند سؤال درباره‌ی تسلیح مجدد ژاپن) وجود داشته است که در ذهن مخاطبان تازه بود اما شاید امروزه برای ما نامشخص است. یک چیزی که در مورد آن دوره کاملاً واضح است این است که نباید چیزی وجود داشته باشد که اشاره‌ای به کمونیسم داشته باشد. یک دانش‌آموز به دلیل خواندن کتابی درباره "ماتریالیسم دیالکتیکی"¹⁵ تعلیق می‌شود و حتی سخنرانی‌های خوشامدگویی درباره شرارت‌های کمونیسم است. این مسائل در فیلم تا حدی طعنه‌آمیز هستند.

دانش‌آموزان تمام کارهای تمیز کردن و آماده‌سازی غذا را انجام می‌دهند، و تشویق و ترغیب برای شرکت در یک مسابقه تنیس در واقع یک آواز مشترک غیر سنتی است. چرا که همانطور که انتظار می‌رود، همه دختران به طور کامل با این شرایط هماهنگ نیستند. حتی اگر از لحاظ سطحی و ظاهری با کدهای اجتماعی سخت مدرسه هماهنگی داشته باشند. تومیکو (کیکو کیشی) در روز نخست سال تحصیلی که با معرفی موسس مدرسه و سخنرانی‌های معمول افتتاحیه آغاز می‌شود، به دلیل بستن روبان سرزنش می‌شود (او تیپ قابل تشخیص تری دارد). او چشمان خود را به مقررات احمقانه بالا می‌بندد و سرپیچی می‌کند و از دختران دیگر کمک می‌گیرد تا هنگامی که دیر وقت با دوستانش بیرون می‌ماند، از مسئولان پنهان کنند. اما مقاومت او تنها منفعلانه است و هیچ اعتراض ایدئولوژیکی واقعی نسبت به اخلاق مدرسه جز ناراحتی از وضع موجود ندارد. تومیکو بیشتر نماینده کل بدنه دانشجویی می‌شود. وقتی دانشگاه در نهایت شورش می‌کند، فهرست خواسته‌های آن‌ها چندان اجتماعی نیست، بلکه خواستار آزادی بیشتر برای رفت و آمد، تا دیروقت بیدار ماندن، حرف زدن در شکل‌گیری مقررات به جای پیروی از قوانینی است که پیش‌تر وضع شده است. بنابراین تومیکو با وجود یوشی (با بازی تاکامینه که بسیار احساسی‌تر از فیلم‌های دیگر به نظر می‌رسد). کمی تحریک می‌شود. یوشی سه سال بزرگتر است، و دیر به دانشگاه آمده، در تلاش

¹⁵. dialectical materialism

برای ادامه تحصیل است اما از پیشامد روزگار کافی است با همان قوانین مدرسه که اصرار دارد او زود بخوابد، مانع تحصیل اش شود. (تنها به خاطر مقررات بسته دانشگاه و اجازه نداشتن برای مطالعه پس از خاموش شدن رسمی چراغ!).

آکیکو (یوشیکو کوگا) تنها دانش آموزی است که آشکارا کمونیست است. آکیکو که از یک خانواده فوق العاده ثروتمند و کاملاً متصل و با نفوذ است. او به طور آشکارا با فضای ظالمانه در مدرسه مخالف می کند. اما اعضای هیئت علمی وانمود می کنند که متوجه نمی شوند زیرا پدرش یکی از بزرگترین اهدا کنندگان کمک مالی به مدرسه است. با این حال، همانطور که یکی دیگر از دانشجویان فعال در زمینه سیاسی اشاره می کند، پیشنه ی آکیکو به این معنی است که هیچ مشکلی برای او در این مبارزه وجود ندارد. احتمالاً هرگز رنج نخواهد بُرد، زیرا همیشه با امتیازات خانودگی اش محافظت شده و خواهد شد. فومی (کازوکو یاماموتو)، یک سوسیالیست تُندرو، از تعهد آکیکو به هدف اش شکّ می کند و نگران است که در پایان او فقط یک اعتراض کوچک علیه خانواده اش شکل دهد و سرانجام به دنیای لژها و خانه های تابستانی اش برمی گردد. آکیکو با این اتهام فومی مواجه می شود که او این کار را فقط به این دلیل انجام می دهد که می داند خطری ندارد. با وجود اشتیاق او، آکیکو به سختی می تواند استدلال های فومی را مورد نقد قرار دهد. او همان چیزی است که امروزه ما اغلب آن را «لیموزین لیبرال»¹⁶ می نامیم که همیشه پول بابا را برای بازگرداندن دارد و در تعطیلات مدرسه همچنان به اسکی یا قایقرانی می رود تا در نهایت با مردی به همان اندازه ثروتمند ازدواج کند. از آنجایی که آکیکو می داند این نقد بر او دُرست است، بیشتر شخصیت او حول عذاب درونی او ساخته شده است، آنچه به این آگاهی اضافه می شود آن است که ثروت پدرش از سودجویی های جنگی و معاملات مشکوک در دوران اشغال به دست آمده است. به هر حال او به خاطر احساسات واقعی خودش در مورد وضعیت دنیای مُدرن به طور فردی و به طور کلیّ به زنان مربوط می شود، نیز درگیر است.

این جامعه، با اطمینان جامعه ای سَرسخت مَرَدسالار است. اگر چه این زنان در تحصیلات عالی هستند، اما بیشتر آنها برای تکمیل هنرهای زنانه آمده اند که در اصل یک کار خانگی است. آنها برای دنیای کار یا تبدیل شدن به افراد با نفوذ در مقام خود آماده نیستند، بلکه صرفاً برای حمایت از همسران و پسران به عنوان ستونهایی از نظم اجتماعی که به سرعت در حال زوال است، آماده می شوند. از طرفی کسانی که آنها را به آنجا فرستاده اند بسیار مایل به حفظ آن هستند. با این حال، برای بسیاری از دختران اوضاع بیشتر از دیگران تغییر می کند. تومیکو چشمانش را از قوانین برگردانده و مطابق میل خودش هر طور که دوست دارد کار انجام می دهد. اما حتّی اگر سرانجام بخواهد شاهد تغییر اوضاع در مدرسه باشد، بیشتر به نفع خودش است. تومیکو معنایی به عنوان یک گام برای تحولات گسترده اجتماعی نمی بیند و شاید حتّی از انواع تغییراتی که آکیکو و فومی به دنبال آن هستند ترس دارد.

به نظر می رسد آکیکو و فومی و تا حدّی تومیکو دارای درجاتی از عاملیت هستند که دیگران آن را در داستان غم انگیز یوشی که زندگی وی به لطف اعمال خودخواهانه و بی رحمانه پدرش، عمدتاً نابود شده است، مشاهده نمی کنند. او از یک خانواده نسبتاً ثروتمند است، یوشی سه سال در یک بانک کار کرده و در این مدّت با جوانی جدّی به نام شیمودا آشنا شده و عاشق او شده است. با این حال، پدرش مصمم است که او ازدواج "خوب" کند تا احساس برتری خود را به عنوان یک عضو از طبقه متوسط افزایش دهد. او دخترش را ابزاری بیش برای خود نمی داند و به فکر و احساس او توجه نمی کند. برای مقاومت در برابر خواسته هایش برای یک ازدواج ترتیب داده شده، یوشی در مدرسه ثبت نام کرد و ناامید است که به مدّت کافی بماند تا شیمودا تحصیلات خود را به پایان برساند تا آنها بتوانند ازدواج کنند.

¹⁶. *Limnaecia Leucomita*

یوشی در هر حال گرفتار است - او نمی تواند به خانواده اش اعتماد کند. در عین حال نمی تواند به راحتی آنها را ترک کند، و هنوز نمی تواند ازدواج کند. اگر مدرسه را ترک کند، به مردی اعتماد خواهد کرد (پدرش) که قصد فروش او را دارد. اما زندگی او در اینجا (دانشگاه) بد است و هیچ کس نمی تواند به او کمک کند. همه آنچه او از موسسه آموزشی یاد می گیرد، سرزنش و دستورالعمل گرفتن یا لگد کردن آزادی است. او خود را برای دختران دیگری که به لطف فاصله سنی نسبتاً جزئی او را کم فروغ می دانند، سنگین می داند. آنها نمی توانند حسن اضطراب و ناامیدی او را کاملاً درک کنند.



سرانجام در مقابل هیئت مدرسه فاشیست، دختران با هم متحد می شوند و خواستار آزادیهای علمی و اجتماعی هستند. آنها اصرار دارند که هیچ آموزشی بدون آزادی وجود ندارد، اما روشهای قدیمی به سختی از بین می روند. "چرا ما باید چنین رنج ببریم؟" چرا واقعاً تنگنای ظالمانه رژیم قدیم ممکن است سرانجام باعث نابودی آن شود. اما این کشور قصد دارد با دو برابر کردن قوانین، مبارزه کند و جنگ برای آزادی طولانی خواهد بود، حتی اگر جوانان بخواهند پایدار بمانند.

کینوشیتا کاملاً تجربی گرایی بصری معمولی خود را کنار می گذارد و یکی از سراسرترین فیلم های سنتی ژاپنی خود را می سازد. آخرین دیدار عذاب آور یوشی از عشق واقعی اش در یک پیاده روی طولانی و خداحافظی عاشقانه بزرگ، در حالی که یوشی از قلعه کیوتو دست تکان می دهد، همزمان دوست پسرش در قطار دور می شود، با او به عنوان یک لکه کوچک در فاصله دور فیلمبرداری می شود به طوری که ما هرگز چهره او را نمی بینیم. حتی خودکشی یوشی خارج از صفحه نمایش اتفاق می افتد.

چند نکته:

باغ زنان به شدت مورد تحسین منتقدان زمان خود قرار گرفت، اما نه از سوی تماشاگران، و بنا بر گزارشها، کینوشیتا تصمیم گرفت از گفتن چیزهای مهم یا پیچیده در فیلمهای آینده اش دست بردارد.¹⁷ این البته توسط بسیاری از کارهای بعدی او

¹⁷. John Wakeman (ed.), World Film Directors, Vol. I (NY, 1987), p. 546

تکذیب شد، اما در سال‌های بعد، چه در ژاپن و چه در جاهای دیگر، به شهرت متفاوت او کمک کرد. این نگاهی پیچیده و دقیق به زیرساخت خاصی از جامعه ژاپن در زمان سردرگمی و آشفتگی بزرگ در این کشور است. بنابراین از منظر جامعه‌شناختی و تاریخی جذاب است، و تحریف آن به یک رساله فمینیستی ساده اندیشی خواهد بود. به نظر می‌رسد کینوشیتا بیشتر به روابط اجتماعی و سیاسی می‌پردازد تا سرنگونی پدرسالاری، و به ویژه به براندازی مکتب (و در نتیجه جامعه ژاپنی) تفکر آزاد که باید همراه با آموزش واقعی باشد. بنابراین، بسیاری از جنبه‌هایی که جالب‌تر هستند، جنبه‌هایی هستند که برای یک مخاطب غیرمتخصص گیج‌کننده یا غیرقابل درک است. البته هر فردی ممکن است جنبه‌های مهمی از آن را از دست بدهد. با این وجود، این یک فیلم ضروری برای هر کسی است که تلاش می‌کند انتقال ژاپن از اشغال به نوعی استقلال و از سنت به مدرنیته را درک کند.

بخش مهمی از این تحلیل از هیلی اسکولون^{۱۸} و وب فیلم ژاپنی^{۱۹} گرفته شده است. آنها میان کوگا و کیکو و هیدکو، دو تن اول را انتخاب کرده‌اند. تقلیل هیدکو به فمینیست که تنها از پدرش و نه همسر آینده‌اش می‌خواهد مستقل باشد، به نظر درست نیست. من با کسانی که یوشی را انتخاب می‌کنند موافق هستم. به باور من کینوشیتا شاید قصد داشته این مفهوم را برساند که کمونیست، سوسیالیست و صدای مخالف لزوماً به معنای آزادی نیست. آزادی مفهومی انتزاعی است و افراد بر سر معنای آن اتفاق آرا ندارند. شاید خودکشی یوشی بر این استدلال صحنه بگذارد.

¹⁸. <https://windowsonworlds.com/2019/01/18/the-garden-of-women-%E5%A5%B3%E3%81%AE%E5%9C%92-keisuke-kinoshita-1954/>

Hayley Scanlon - 2020

¹⁹. <https://japanonfilm.wordpress.com/2020/06/27/garden-of-women-onna-no-sono-1954>

یک آمریکایی که به رغم تحلیل فیلم‌های ژاپنی از ۲۰۱۸ نام خود بر روی بلاگ نیارده است.

Profile:

Movie: Twenty-Four Eyes
Romaji: Nijushi no hitomi
Director: Keisuke Kinoshita
Screenwriter: Keisuke Kinoshita (Novel: Sakae Tsuboi)
Producer: Shôchiku
Cinematographer: Hiroyuki Kusuda (B&W)
Release Date: September 15, 1954
Runtime: 149 min
Color: black and white
Genre: Drama 1920s 1930s II World War Education Childhood
Language: Japanese
Country: Japan
Played: Ôishi Sensei
Was: 30

۲- بیست و چهار چشم:

فیلم "بیست و چهار چشم" به کارگردانی کیسوک کینوشیتا در یکصد و پنجاه و چهار دقیقه محصول ۱۹۵۴ ژاپن است. داستان فیلم اقتباسی از یک زمان توسط نویسنده زن ساکای تسوبوی است، که پیامدهای فاشیسم ژاپن از ۱۹۲۷ تا ۱۹۴۶ را از نگاه یک معلم جوان و شاگردانش دنبال می‌کند. این فیلم شرح حال ظریف و عاطفی از تعهد بی بدیل یک معلم به دانش آموزان، حرفه و احساس اخلاق است. هیدوکو تاکامینه نقش اصلی داستان و همان معلم جوانی با لباس و تمرین آموزشی مدرن به دوازده دانش آموز را بازی می‌کند. (دوازده کودک، بیست و چهار چشم عنوان را توضیح می‌دهند) از همان نخست تدریس، نگران کودکان جزیره در کلاس اول است. این دانش آموزان در زندگی معلم نقش مهمی دارند و غمده نگرانی (چه بر سر آنها خواهد آمد) او در دوره ای است که ژاپن ثبات سیاسی ندارد. این فیلم در جامعه ی یک جزیره دور افتاده از سال ۱۹۲۸ با کلاس اول دانش آموزان تا یک سال بعد ادامه می‌یابد. نگاهی همزمان و هوشیارانه به مضامینی چون: جنگ، سنت و مدرنیتته، پیری و مرگ. تماشای شاگران در حال رشد و روبرو شدن با واقعیت های زندگی است. فیلم درام و احساسی با ریتمی کند است، غالباً صحنه هایی با بار خشونت و اکشن در آن دیده نمی شود. از طرفی نشان‌دهنده تغییرات سیاسی رخ داده در ژاپن در اوج ظهور و سقوط ماوراء ملی گرای ژاپن در دوره شووا^{۲۰} است.

دیالوگ های کم نظیر و سکوت و نگاه های عمیق، نقاط قوت این فیلم هستند. دو محرک دلتنگی یعنی کودکی و فوروساتو^{۲۱} است، که در طول فیلم بارها آواز می خوانند. معلم اگر چه از یک طبقه ی متوسط است، اما در جریان فیلم با مشکلاتی چون:

^{۲۰}. Shwa 1926-1989

^{۲۱}. فوروساتو (Furusato) که به معنای "خانه ی قدیمی" یا "زادگاه" می باشد، یک آهنگ مشهور کودک ژاپنی در سال ۱۹۱۴ است. در این ترانه فردی توصیف می شود که در یک سرزمین دور دست مشغول کار است و احساس دلتنگی خود را برای تپه ها، مزارع و خانه ی کودکی خود بیان می کند. دولت ژاپن آهنگ فوروساتو را به عنوان آهنگ کودکان ژاپنی برگزیده است. موسیقی توسط تیچی اوکانو (Teiichi Okano) و ترانه توسط

پذیرش از سوی دانش آموزان و والدین آنها، سپس با انتقاد عقیدتی از سوی مسئولان آموزشی، سپس محرومیت ها و خسارات در زمان جنگ بر خانواده (همسر و فرزندانش) و دانش آموزان روبرو می شود. فیلم در نهایت با همبستگی خزن انگیز بین معلم و شاگرد اصلی وی با صفوفی از تأسف و تأثر از رنج های دهه های گذشته به پایان می رسد. این فیلم نگرش مشخصی، یعنی نگرانی از غم و اندوه به جای پشیمانی نسبت به جنگ جهانی دوم را در بین ژاپنی ها نشان می دهد. به بیانی بیست و چهار چشم در واقع به تحکیم نگرش اندوه و احساس کلی قربانی شدن کمک کرد.^{۲۲} وقتی فکر می کنید که سال ۱۹۵۴ سال دستاوردهای شگرفی در سینمای ژاپن بود - سال سانشوی مباشر، عاشقان مصلوب اثر میزوگوچی، آخرین گل داوودی ناروسه و هفت سامورایی کوروساوا - این فیلم یک کودتای حیرت انگیز برای کینوشیتا بود. (مجسمه ای از شخصیت های اصلی این فیلم در خیابانی در ژاپن ساخته شد).



تاتسویوکی تاکانو (Tatsuyuki Takano) سروده شده است. در اختتامیه بازی های المپیک زمستانی سال ۱۹۹۸ در ناگانو، این ترانه اجرا شد. در سال ۲۰۱۴ و به یادبود صدمین سالگرد ایت ترانه گروه کُر کودکان در ناگانو آن را اجرا کردند.^{۲۲} اندوه و احساس کلی قربانی. بلافاصله پس از پایان اشغال، هنگامی که خاطرات جنگ هنوز تازه بود، بیست و چهار چشم هم به عنوان علامت این نگرش های رایج و هم به عنوان کمک به تحکیم آنها عمل کرد. به همین دلیل مورد استقبال مخاطبان داخلی قرار گرفت و این امکان را به آنها داد که در عزاداری افراط کنند، تا آنچه بر سرشان آمده را فراموش نکنند.

Profile:

Movie: Carmen Comes Home

Romaji: Karumen kokyo ni kaeru

Director: Keisuke Kinoshita

Screenwriter: Keisuke Kinoshita

Producer: Shôchiku

Cinematographer: Hiroyuki Kusuda

Release Date: March 21, 1951

Runtime: 86 min

Color: color

Genre: Comedy, human rights, culture

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Kin Aoyama aka Lily Carmen

Was: 27

۳- کارمین به خانه می آید:

فیلم "کارمین به خانه می آید" به کارگردانی کیسوکو کینوشیتا محصول ۱۹۵۱ ژاپن در هشتاد و شش دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و شش سالگی نقش لیلی کارمین را بازی می کند. مدیران استودیو تصمیم گرفتند که بودجه فیلم را نه به میزوگوچی یا اوزو، بلکه به کیسوکو کینوشیتا، یکی از بزرگترین و غیرقابل پیش‌بینی‌ترین نویسندگان و کارگردانان ژاپنی بپردازند. در واقع، آنها فقط گفتند "اینجا - برو با این فیلم بساز، اما یادت باشد، این تمام فیلم رنگی است." شاید به همین دلیل، کینوشیتا یک نسخه سیاه و سفید را نیز فیلم‌برداری کرد که طبق گزارش IMDb، در واقع طولانی‌تر است، بنابراین شاید در مقطعی فیلم رنگی او تمام شده باشد.

اگر به بسیاری از ما این فرصت داده می شد که اولین فیلم رنگی واقعی را در صنعت خاص خود بسازیم، احتمالاً یک قطعه دوره‌می می ساختیم که شکوه و جلال لباس طبقه بالا را نشان می داد و هزاران بازیگر را به نمایش می گذاشت، فقط برای اطمینان از اینکه جمعیت حاضر می شوند. ممکن است نوعی فانتزی بسازیم که به ما اجازه دهد با لباس‌ها و مناظر و رنگ‌های نور دیوانه شویم. البته این همان کاری است که آمریکایی‌ها انجام دادند. کینوشیتا در عوض یک کمدی کوچک ملایم درباره زن جوان شیرینی ساخت که برای یک تعطیلات کوتاه از محل کارش در توکیو به روستای زادگاهش (جامعه کوچک) بازمی‌گردد.

با توجه به مشکلات نورپردازی فیلم رنگی و کنترل تعادل رنگی صحنه و لباس، طبیعتاً می‌خواهیم تا حد امکان زمان بیشتری را در استودیو بگذرانیم، جایی که می‌توانیم مطمئن باشیم هر اینچ از فیلم می‌تواند به درستی در معرض دید قرار گیرد. کینوشیتا در عوض به حومه شهر، به گونما نزدیک کوه آساما، نزدیک به صد مایلی از استودیوهای شوچیکو رفت. کینوشیتا با چیزی شروع می کند که شما فکر می کنید کلیشه ای است و با چیزی کاملاً غیرمنتظره و اغلب شگفت‌انگیز به پایان می

رسد. کارمن به خانه می‌آید لزوماً یکی از شاهکارهای کینوشیتا نیست، اما اگر کارهای او را نمی‌شناسید، فیلم خوبی برای شروع است. شما می‌توانید از دیگر آثار او شروع کنید، اما واقعاً مهم نیست - هیچ دو فیلمی شبیه هم نیستند.

حتی تعجب آورتر این است که چگونه با کارمن و بازگشت او رفتار می‌شود. کارمن یک رقصنده در یک کلوپ شبانه در توکیو است، در یک بازی دوگانه با بهترین دوستش (توشیکو کوبایاشی) که او نیز به روستا می‌آید. اگرچه هر دوی آنها به طور منظم تمرین می‌کنند تا "هنر" خود را کامل کنند، اما در واقع رقصنده‌های استریپ هستند.

کینوشیتا طبق معمول ما را غافلگیر می‌کند و هیچ کدام از این مسیرهای فیلم‌های آمریکایی را طی نمی‌کند. کارمن و دوستش هر دو به کار خود افتخار می‌کنند. وقتی کارمن به خانه می‌آید، انگار در حال رژه پیروزی است. خجالت کشیدن هرگز به ذهن آنها خطور نکرده است. خود کارمن شیرین‌ترین و ملایم‌ترین زن جوانی است که می‌توان انتظار ملاقاتش را داشت، آنقدر شیرین که گاهی فکر می‌کنی آیا واقعاً ذهنش دُرست کار می‌کند! (پدرش می‌گوید در جوانی گاوی به سرش لگد زده!) البته ریاکاری در شهر وجود دارد، اما مهربانی‌های زیادی نیز وجود دارد و به نظر می‌رسد هیچ‌کس به کارمن با تحقیر نگاه نمی‌کند - بیشتر، آنها فقط به او نگاه می‌کنند. آنها قبلاً می‌دانستند که چه کسی پس از بازدید از سیاره دیگری (توکیو) دوباره ظاهر می‌شود. حتی زمانی که این زوج نمایشی را اجرا می‌کنند، تماشاگران بیشتر متعجب به نظر می‌رسند تا شوکه شوند. به عنوان مثال، هنگامی که پرده شروع به کُنده شدن می‌کند، یا زنان میانسال با هیاهو از خانه بیرون می‌روند، هیچ سوت یا غوغایی وجود ندارد. تنها پدرش خجالت می‌کشد و در خانه می‌ماند و پولی را که کارمن به او می‌دهد به مدرسه محلی اهدا می‌کند، اما خواهر متاهلش به نظر می‌رسد به نوعی به او افتخار می‌کند. کارمن با خوشحالی به شهر برمی‌گردد تا حرفه‌اش را از سر بگیرد، و شهر با خوشحالی به زندگی روزمره‌اش باز می‌گردد، تقریباً انگار هرگز برای شروع آنجا نبوده است، و ما با بچه‌هایی که در حیاط مدرسه رقص می‌کنند به پایان فیلم می‌رسیم.

به یک معنا، شاید ما می‌توانستیم این را به عنوان یک فانتری ببینیم. باورش سخت است که زن جوانی به این جذابیت و در عین حال ساده در توکیو در دوران اشغال جان سالم به در برده باشد. یا اینکه در تجارت "رقصنده" بدون الکل و فحشا و حتی مواد مخدر زنده بماند و در عین حال بتواند سقفی بر سرش بگذارد و غذا در ظرف برنجش باشد. شاید برای کینوشیتا این تحقق آرزو بوده، راهی برای گفتن به والدینی که بچه‌هایشان خانه را ترک کرده‌اند که «به هر حال بچه‌ها خوب هستند» و به آن بچه‌ها در توکیو بگوید که هنوز فرصتی برای ارتباط با آنها وجود دارد. ریشه‌های قدیمی خود را بدون دست کشیدن از زندگی شهری خود حفظ کنند.

در واقع لیلی کارمن شخصیت مهمی است. این فیلم درباره بی‌گناهی در برابر فساد نیست، بلکه درباره دو نوع بی‌گناهی متضاد است. (تاکامینه وقتی نقش شخصیتی را بازی می‌کند که به خود ترحم نمی‌کند بسیار عالی است.) شخصیت‌های دیگر هم همه مهم هستند. پدر، خواهر، معلم، وام‌دهنده، صاحب هتلی که به بهانه ی سود از فرهنگ دم می‌زند (راننده کالسه که به او می‌گوید ذهن شما شبیه به آن ابرهاست!) و دیگران. آهنگساز کور شده از جنگ را با بازی شوجی سانو. حتی اگر کینوشیتا گفته می‌شود تلاش می‌کرد تا یک کمدی «فرار گریز» بسازد، به هر حال آهنگساز واقعاً فراری نبود، زیرا او هرگز از جنگی که آنقدر متنفر و نفرت‌انگیز بود، غافل نشد.

اگر چه کینوشیتا چنان بسیاری از کارگردانان ژاپن از جانب‌داری امتناع می‌کند، اما به نظر می‌رسد مدیر مدرسه بسیار باشکوه، هدفی در سر دارد که آینده ژاپن را از طریق آموزش فرهنگی به نمایش بگذارد. با این حال، کاملاً همه ساکنان آنقدر

لیبرال نیستند و بسیاری در ترس از یک وام دهنده فئودالیستی به نام ماروجو (کوجی میتسویی) زندگی می کنند که تجارت حمل و نقل محلی را اداره می کند. اما بیشتر پول خود را از طریق صدور وام های گزاف به دست می آورد. این برای ناامید شدن مردم محلی است.



مدیر مدرسه بسیار مشتاق است که کارمین بیاید و کمی از پیچیدگی های شهری خود را به دهکده بازگرداند، اما هیچ کس واقعاً نمی پرسد که کارمین درگیر چه نوع "هنر"ی است. مدیر مدرسه که مستقیماً برای صحبت با پدر کارمین، شوچی، که تنها چند روز پس از آخرین تقلب شرم آور کارمین از خواب بیدار شده، صحبت می کند، قصد دارد کارمین و دوستش را از اجرای برنامه ریزی شده شان منصرف کند. پدرش اما واکنش شگفت انگیزی دارد. با توجه به اینکه حقوق بشر رشته تحصیلی من بوده است، به گمانم بخشی از فیلم مساله ی فرهنگ و حقوق بشر را نشان می دهد. این مساله از گفتگوهای معلّم و پدر کارمین مشخص می شود. معلّم بر این باور است که کارمین به فرهنگ ژاپن کمک می کند، بر آن به عنوان "اساس ژاپن" تأکید دارد. از نظر پدر هنر کارمین فرهنگ نیست، جایی روی تپه، پدر از دختر بزرگش می پرسد: آنها اسب یا خوک هستند که لخت این اطراف می چرخند. جملات عامیانه ای که در برخی فرهنگ های دیگر هم گفته می شوند. به هر حال او آزاد است که شغل مورد علاقه اش را انتخاب کند. معلّم نیز مخالفت با اراده او برای رقصیدن را نقض حقوق بشر می داند.

از طرفی به نظر می‌رسد کینوشیتا نقدی بر اشخاصی دارد که در زمان گذار از سنت به مدرنیته خود را روشن اندیش جلوه می‌دادند. و وصله کردن خود به شهرهای ژمانتیک چون ونیز و پاریس و.. و هنرها و لباس های مُدرن خود را هنرمند نشان بدهند یا از مردم کلاهداری کنند. جایی که تاکامینه از شهر عشق ونیز می‌گوید و ترانه ای از گوندولاران ها^{۲۳} می‌خواند. ممکن است افراط در لباس و آرایش تاکامینه هم دلیل اصلی کینوشینا بر این مساله بوده است.^{۲۴} البته این حيله ی درونی فیلم هم می‌تواند باشد. کینوشیتا مضحک بودن هم روستاییان منزوی و هم ساکنان شهر پیچیده را به یک اثر کمیک عالی نشان می‌دهد. هیدکو تاکامینه چیزی شبیه به وحی است. او برخلاف تفکر اهالی یک دختر نمایشی حباب‌دار و سر به هواس^{۲۵}.

^{۲۳} . راننده کرجی ونیزی - ملوان گوندولا

^{۲۴} . خانم تاکامینه در خاطرات خود می‌نویسد، گریم آنقدر گرم و سنگین بود، به حدی که فکر می‌کردم خواهم مُرد.

^{۲۵} . بخشی از تحلیل فیلم از بلاگ فیلم ژاپنی گرفته شده است.

Profile:**Movie:** A Woman's Life**Romaji:** Onna no rekishi**Director:** Mikio Naruse**Screenwriter:** Ryoza Kasahara**Producer:** Toho**Cinematographer:** Jun Yasumoto (B&W)**Release Date:** Nov 16, 1963**Runtime:** 126 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Nobuko Shimizu**Was:** 39**۴- زندگی زنان:**

فیلم "زندگی زنان" به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۶۳ ژاپن در یکصد و بیست و شش دقیقه است. خانم تاکامینه در این فیلم سی و نه سال سن داشت و نقش نوبوکو شیمیزو را بازی می‌کند. فیلم از نسل پس از جنگ، چشم‌اندازی تاریک از رنج ذاتی بی‌پایان زن بودن در این مقطع از تاریخ را به تصویر می‌کشد، اما دست کم بارقه‌ای از امید و درک را نیز ارائه می‌دهد.

نوبوکو را در دوران معاصر (با فلش بک‌های طولانی) می‌بینیم، جایی که او مالک موفق یک سالن زیبایی در توکیو شلوغ دهه شصت است. او یک پسر بزرگ (از بدو تولد او را خدمتگذار امپراتور خواندند) دارد که به‌عنوان فروشنده ماشین کار می‌کند. اگر چه نوبوکو اغلب اوقات مشتریان را نمی‌پذیرد، اما زمان کمتری برای مادری دارد. به هر حال به خاطر پسرش کوهی خیلی چیزها را رها کرده است. زمانی که کوهی ناگهان می‌گوید که می‌خواهد ازدواج کند، زندگی نوبوکو هم در شرف تغییر است. معشوقه او مهماندار بار است که از دست یک مرد هرزه‌خشن و سمج! نجات پیدا کرده است. نیازی به گفتن نیست که نوبوکو هم به این دلیل (خودخواهانه) که حاضر نیست پسرش را «از دست بدهد» و هم به دلیل آنگ اجتماعی اضافه کردن زنی که در این خط‌شغلی قرار گرفته شده است، او را تأیید نمی‌کند.

همه اینها تقریباً به شکل نامربوط به هم وصل می‌شوند. زیرا تراژدی رخ می‌دهد که نوبوکو را مجبور می‌کند درباره‌ی تمام سال‌های طولانی رنجی را که تا این لحظه متحمل شده است، تردید کند. او با چنین ضربه ظالمانه و غیرمنتظره‌ای برخورد کرده است. یک ازدواج ترتیب داده شده و ازدواج اجباری خودش، خیانت شوهرش، جنگی که به قیمت خانه، دارایی و همچنین تمام خانواده اش تمام شد. در نهایت درد اجتناب‌ناپذیر عشق از دست رفته به عنوان مردی که می‌توانست او را نجات بدهد. همه‌ی اینها که به سرعت تا سالها از زندگی او پاک شده بودند دوباره ظاهر شدند. با نوع خوشایندی که ممکن است یک آشنایی معمولی در مهمانی چند سال پیش ایجاد شود. زندگی به نوبوکو ضربه‌های سختی وارد کرده است و حالا او نیز سخت شده است، اما شاید اگر به خودش اجازه دهد نرم شود، شاید چیزی باشد که ارزش زندگی برایش را داشته باشد.

زنانی با سِن مشابه در سال ۱۹۶۳ بدون شک در مجموعه تراژدی های شخصی بسیار رایج نوبوکو چیزهای زیادی برای شناسایی و همدردی پیدا می کنند. از آنها نیز انتظار می رفت که با شب عروسی ناخوشایند و غوطه ور شدن ناگهانی آن در خانواده ای ناآشنا به ازدواجی هماهنگ رضایت دهند. نوبوکو از این نظر خوش شانس بوده که شوهرش به اندازه کافی مرد خوبی است که در واقع به او علاقه زیادی داشت، هرچند در خانواده اختلاف وجود دارد و نوبوکو نیز باید توجه ناخواسته پدرشوهرش را تحمل کند. این تنش خانوادگی بعدها منفجر می شود، اما دُرست زمانی که تلاش های نظامی ژاپن بالا می رود و نوبوکو پسر کوچکش، کوهی را به دنیا می آورد. شوهر کوئیچی قبل از اینکه به ارتش فراخوانده شود به طور فزاینده ای نسبت به او سرد می شود و او را با یک کودک خُردهسال تنها می گذارد. نوبوکو در صحنه ای از فیلم به شوهرش می گوید: "این (خیانت) از جنگ هم برای من مهمتر است." اما هنگامی که در جمع زنان می نشیند، به او گفته می شود که باید خوشحال باشد که شانس آورده و همسرش هنوز در جنگ گُشته نشده است!



همه این مشکلات زمانی بدتر می شوند که جنگ تمام شود. اگرچه شرکت سابق کوئیچی در زمانی که او در جبهه بود حقوق او را پرداخت می کرد، اما اکنون به بیوه او اهمیتی چندانی نمی دهند. نوبوکو که کاری جز فروش برنج ندارد، دوباره با دوست دختر قدیمی شوهرش، آکیموتو که می خواهد به او کمک کند اما خودش در یک سری شرکت های غیرقانونی شرکت دارد، در تماس است. نوبوکو دو بار توسط مردی پُر سر و صدا و مست مورد آزار و اذیت قرار می گیرد که ابتدا در یک قطار شلوغ به او حمله می کند (هیچکس حتی سعی نمی کند به او کمک کند) و سپس دوباره در کافه ای که تنها با مداخله آکیموتو نجات پیدا می کند و دُرست در خیابان می رسد. نوبوکو شانس خود را برای خوشبختی قربانی می کند تا از کوهی مراقبت کند و به هیچ چیز دیگری جز بقا و موفقیت نهایی او اهمیتی نمی دهد. البته، کوهی ناسپاس است و احساس می کند در دام عشق شدید

مادرش به خودش گرفتار شده است. فداکاری های نوبوکو نیز او را کمی خودخواه (ترس از گرفتن پسرش در زندگی) کرده است. درک نحوه رفتار او بعداً با عروس جدید کوهی آسان است، اما اگر بخواید هر نوع ارتباطی با پسری که تمام دنیای او شده است حفظ کند، باید یاد بگیرد که به زن دیگری اجازه دهد تا آن را با او به شراکت بگذارد.

ناروسه در به تصویر کشیدن آرزوهای پنهان و عمیقی که زنان دوره ی او اغلب قادر به درک آن نبودند توانمند است. اما داستان این فیلم با ملودرام معاشقه می کند در حالی که از درگیر شدن به آن خودداری می کند. رنج بی پایان زنان در اواسط قرن بیستم به خوبی ترسیم شده است زیرا غم و اندوه جای خود را به دلشکستگی و از خود گذشتگی می دهد، اگرچه ناروسه در پایان فرصتی را برای شروع دوباره با امید به آینده ای روشن تر و گرم تر برای سه زن و یک نوزاد ارائه می دهد. ساختن دنیای فردا بدون بمب و جنگ و غم نهایت شادی فیلم است. او از طئنه به مذهبی های داخلی و آمریکایی های اشغالگر غافل نیست. دیالوگ هایی همانند: از زنده زنده سوختن فرار کردیم آمدیم جهنم، .. به جای گریه برای خدایان در بهشت یک نفر را خوشحال کن.. هنگامی که تاکامینه دنبال پنی سیلین برای پسرش می گردد به او گفته می شود ... نگو آمریکایی ها داروهای دارن که همه چیز را درمان می کند. (کنایه)^{۲۶}

^{۲۶}. بخشی از تحلیل این فیلم از هیلی اسکاتلون گرفته شده است. اما مساله ای که برای من بیش از همه مهم بود، مسائلی است که در میانه جنگ معمولاً فراموش می شود. البته کنایه های گاه و بی گاه در فیلم که به تحلیل افزوده شدند.

<https://windowsonworlds.com/2016/06/17/a-womans-story-%E5%A5%B3%E3%81%AE%E6%AD%B4%E5%8F%B2-mikio-naruse-1963>

Profile:

Movie: A Wanderer's Notebook- Her Lonely Lane

Romaji: Hourou-ki

Director: Mikio Naruse

Screenwriter: Toshirô Ide, Sumie Tanaka (Autobiography: Fumiko Hayashi)

Producer: Takarazuka Eiga Company Ltd

Cinematographer: Jun Yasumoto (B&W)

Release Date: Sep 29, 1962

Runtime: 124 min

Color: black and white

Genre: Drama, Biography

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Fumiko Hayashi

Was: 38

۵- دفترچه یادداشت سرگردان:

درام "دفترچه یادداشت سرگردان" یا "راه تنهای او" به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۶۲ ژاپن در یکصد و بیست و چهار دقیقه است. این فیلم بر اساس رمان زندگی نامه ای با همین عنوان از نویسنده فومیکو هایاشی است، که سومی تاناکا فیلم نامه ی آن را تهیه کرد. در سال ۱۹۵۱، میکیو ناروسه "ضیافت"^{۲۷}، اولین فیلمش بر اساس رمانی از فومیکو هایاشی با فیلمنامه ای از سومی تاناکا را ساخت. هایاشی در واقع قبل از پایان رمانش یا شروع تولید فیلم درگذشت، بنابراین احتمالاً هرگز با او دیدار نکرد، اما در ادامه سال‌ها، کار او همچنین منبعی برای فیلم‌های «آذرخش»، «ابراهیم شناور»، «همسر» و ... بود، همه فیلم‌هایی که منتقدان آنها را از بهترین فیلم‌های او می‌دانند. تقریباً همه‌ی این‌ها توسط تاناکا از هایاشی اقتباس شده‌اند. دوباره با فیلمنامه‌ای از تاناکا و در آن هیدکو تاکامینه، نقش هایاشی را در سن سی و هشت سالگی به تصویر می‌کشند.

فومیکو هایاشی زن جوانی است که نمی‌تواند شغل مناسبی پیدا کند. او ۱۹۲۰ همراه دوست پسر و همکلاسی اش که ترک اش می‌کند، به توکیو آمده‌اند. به امید ازدواجی خوب در این شهر است، اما با مادرش (فقیری نجیب!) اکنون به عنوان دستفروشان دوره گرد در خیابان‌ها پرسه می‌زنند. او در گوشه ای و بدون هیاهو می‌نویسد. دوستان فومیکو به او می‌گویند که نوشتن او در مورد زندگی فقیرانه اش عالی و چشمگیر است، اما هیچ شرکت انتشاراتی رمان زندگی نامه او را نخواهد خرید. مادرش به خاطر پدر ورشکسته اش او را ترک می‌کند. فومیکو نیز به عنوان یک دختر بار و کارگر کارخانه به کار خود ادامه می‌دهد و با نویسنده مشتاق دیگری به نام فوکوچی که او نیز در تلاش برای فروش آثار خود است، قرار می‌گیرد. او نوشته های فومیکو را مورد ستایش قرار می‌دهد و با نویسندگان بزرگ مقایسه می‌کند. با وجود اینکه هر کاری از دستش بر می‌آید برای او انجام می‌دهد و در حالی که او از سبیل رنج می‌برد از او مراقبت می‌کند، اما ضمن حسادت، فومیکو را مورد آزار لفظی

²⁷ . Repast

و در نهایت فیزیکی قرار می دهد. فومیکو هنگامی که متوجه می شود او دست کم دو همسر دیگر دارد، از آن خانه بیرون می رود. یاسوکا، مردی خونگرم و سخت کوش، از هر راه ممکن به فومیکو کمک می کند و از او خواستگاری می کند. اما او پیشنهاد او را رد می کند - برای فومیکو، یاسوکا بیشتر یک دوست است تا یک عاشق. پس از این کشمکش ها، فیلم با موفقیت ادبی فومیکو به پایان می رسد. در حالی که فوکوچی شرمسار از کرده ی خویش به او تبریک می گوید.

به یک معنا دیگر، این کتاب زندگی نامه سنتی یک هنرمند مشهور است، که سال ها مبارزه و طرد شدن را تا دستیابی به موفقیت بزرگ نشان می دهد. همراه با یک عاشقانه در طول مسیر که بی سرانجام است. چیزی که داستان هایاشی را متفاوت می کند این است که او قصد ندارد نویسنده شود، بلکه او به دنبال یافتن چیزی برای خوردن است. خاطرات او درباره فقر است، فقر سختی که غذای بعدی را به مهمترین ایده در ذهن شما تبدیل می کند. هیچ گروه شادی از رفقا برای او وجود ندارد، و مهم تر از آن، هیچ خانواده ای وجود ندارد که بتوانیم به آن برگردیم و هیچ شغل معمولی وجود ندارد. کار کردن حتی زمانی که او کار پیدا می کند (میزبان بار، عروسک نقاشی) تقریباً هیچ هزینه ای ندارد. وقتی مردی را پیدا می کند، به او کاملاً غیرقابل اعتماد است یا به فقیر بودن او به دیده تحقیر می نگرد. (با هر دو آن). با این حال، او هرگز به فحشا متوسل نمی شود، و هرگز انتظار ندارد که مردان از او حمایت کنند، که این چیز خوبی است زیرا آنها به هر حال نمی توانند این کار را انجام دهند.



نکته جالب اینکه نه ناروسه و نه تاکامینه برای دوست داشتنی کردن فومیکو تلاش نمی کنند. او با لباس کهنه، چهره ای پژمرده، و سرش که معمولاً در شانه های خمیده اش فرو رفته بود، از قبل مورد ضرب و شتم دنیا قرار گرفته است. او هرگز یاد نمی گیرد که خوشبختی جعلی را بسازد. او آن توله سگ رقت انگیزی نیست که از ارباب ظالمی پیروی کند که هنوز به عشق امید دارد. وقتی این اتفاق می افتد، مردها ارزشش را ندارند، اما او برای تکمیل خودش به عشق آنها وابسته نیست. او فقط به عشق متعهد می شود، بدون اینکه شخصیت خود را تسلیم کند. این نویسنده پشت میز می میرد و هنوز کار می کند. او هیچ ایده نجیبانه ای در مورد هنر ندارد و سعی نمی کند محبوب باشد. او کار می کند و در مورد آنچه می داند می نویسد. یکی شعر او را با «برگرداندن زباله ها» مقایسه می کند، صادقانه و واقعی، اما بی ظرافت و غیرجذاب. حتی در یک دوره کوتاه

پس از موفقیت، او همچنان سخت کار می کند اما همچنان ناخوشایند است. او درخواست‌های سازمان‌های خیریه را رد می‌کند، زیرا افراد دیگر باید بدون درخواست کمک، درست مانند او کار کنند. او تحسین برانگیز است اما دوست داشتنی نیست. در نهایت او را پیر و فرتوت همچنان در پشت میز کارش با خانه ای باشکوه و خدمتکار می بینیم.



این امر به ویژه در مورد فیلم‌های ناروسه صادق است، جایی که احساسات اغلب در کمین است، اما به ندرت آشکار می‌شود. البته این یکی از چیزهایی است که فیلم‌های دهه پنجاه ناروسه را غیرعادی کرده است، به خصوص آنهایی که بر اساس آثار هایاشی ساخته شده اند. دفتر یادداشت سرگردان نیز غیرمعمول‌ترین یادبود و یکی از مهم‌ترین آثار اوست^{۲۸}.

^{۲۸}. بخش مهمی از تحلیل این فیلم از "فیلم ژاپنی" گرفته شده است. این فیلم بسیار قابل تامل است.

Profile:**Movie:** Floating Clouds (literal title)**Romaji:** Ukigumo**Director:** Mikio Naruse**Writer:** Yôko Mizuki, Based on Floating Clouds (novel) by Fumiko Hayashi**Cinematographer:** Masao Tamai**Release Date:** June 6, 1955**Runtime:** 123 min**Color:** black and white**Genre:** Drama / War**Distributor:** Toho**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Yukiko Koda**Was:** 30**۶- ابرهای شناور:**

درام "ابرهای شناور" به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۵۵ ژاپن در یکصد و بیست و سه دقیقه است. این فیلم بر اساس رمانی با همین نام در سال ۱۹۵۱ توسط شاعر ژاپنی فومیکو هاپاشی نوشته شده است. رمان بعد از جنگ جهانی دوم نوشته شده است، و شامل موضوع مشترک سرگردانی پس از جنگ است. اینکه چگونه جنگ برای زن عشق ارمغان آورده و با پایان آن عشق اش را از او پس می‌گیرد. این داستان در سال ۱۹۶۷ بازسازی شده است.^{۲۹} خانم تاکامینه در سن سی سالگی نقش یوکیو را بازی می‌کند.

شخصیت اصلی یک زن هست (با بازی هیدکو تاکامیه)، که از هند، چین و فرانسه به عنوان دبیر به میهن برگشته و تلاش می‌کند تا در مکانی که پس از جنگ (ژاپن) تعلق دارد خود را پیدا کند. اما در نهایت به طور بی پایان در اطراف سرگشته و شناور می‌شود. یوکیکو (زن) به دنبال کنگو (مرد) می‌رود، که در زمان جنگ با او رابطه داشته است. آنها رابطه خود را تجدید می‌کنند، اما کنگو به یوکیکو می‌گوید که قادر به ترک همسرش نیست. همزمان فلاش بک‌هایی به دوران روشنشان در هندو چین با لحن‌های درخشان نشان داده می‌شود، که با حال اکنون آنها در تضاد است. این فلاش بک‌ها گشایشی غیرمنتظره، گذرگاه‌ها و مفرهایی در زمان گذشته و حال هستند.

خیلی ساده از همین خط داستانی هم می‌شود حدس زد که مضمون فیلم تغییر روابط و حالات انسانی پیش و پس از جنگ است. اینکه چطور جنگ بر عواطف آدم‌ها تاثیر می‌گذارد و چطور از سرگیری آنچه گذشته است به کاری دشوار بدل می‌شود. مخصوصاً وقتی می‌بینیم تومیوکا حالا دیگر گرفتار همسر بیمارش است و با دیدن دوباره یوکیکو بهت‌زده می‌شود. این تغییر رویکرد در همان اولین برخورد تومیوکا و یوکیکو روشن می‌شود، پیاده‌روی این دو در خیابان‌های خالی و قاب متحرک (بدون تأکید ناروسه به مسایل دیگر) بیشتر تضاد لباس سنتی تومیوکا و لباس امروزی یوکیکو را به ما یادآوری می‌کند. خیلی زود هم لباس تومیوکا عوض می‌شود و شعله رابطه دوباره روشن می‌شود. اتفاقاً این شیوه مشابه لباس پوشیدن را می‌شود در فیلم

²⁹. Two in the Shadow 1967 / Scattered clouds 1967

دنبال کرد، از زمانی که آنها همزمان یا لباس سنتی بر تن دارند یا لباس مُدرن دوباره همراه هم می‌شوند. همراهی تومیوکا و یوکیکو مکالمه‌هایی طولانی را شکل می‌دهد، اما این مسئله برای یوکیکو پیامدهایی دارد. در یکی از پیاده روی های طولانی شان است که زن به طرز کنایه و معناداری به دلداده اش می‌نگرد، ناروسه این صحنه را به مثابه یک گام نهادن ابدی طرح ریزی و ارائه می‌کند.



با این همه، تلاش ناروسه بر کاهش دادن رخدادهای فیلمنامه‌ای و چاشنی پیچ و خم‌های متعدد به داستان، «ابره‌های شناور» یک فیلم کاملاً مُدرن نیست و منحنی داستانش تا حدّ بسیاری متکی به تقسیم سه‌پرده‌ای و تحوّل شخصیت‌ها و نوعی تقدیرگرایی - سرنوشت محتوم عشق ممنوعه است. ناروسه برای نمایش تضاد میان رابطه امروز و رابطه قدیمی دو کاراکتر (رابطه‌ای که در هندوچین شکل گرفته بود)، با کات‌هایی خشن بین زمان حال و گذشته، ما را دُچار اضطراب و ناآرامی می‌کند. این رابطه دیگر رابطه گذشته نیست و هر چند تومیوکا و یوکیکو تلاش می‌کنند اما پرسه‌های طولانی‌شان در خیابان‌ها و خانه‌های شهر جنگ‌زده دیگر آن درخشش و شادی و سرخوشی رابطه پیش از جنگ را ندارد. در واقع ناروسه تنها با یک فیلم عاشقانه به ظاهر آرام و ساده توانسته، پوچی و انزوای جامعه ازهم‌پاشیده ژاپن را نشان دهد.

Profile:

Movie: Untamed Woman

Romaji: Arakure

Director: Mikio Naruse

Screenwriter: Yôko Mizuki (Novel: Shusei Tokuda)

Producer: Toho

Cinematographer: Masao Tamai (B&W)

Release Date: May 22, 1957

Runtime: 121 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Oshima

Was: 33

۷- زن رام نشده:

فیلم "زن رام نشده" یا "زن وحشی" به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۵۷ ژاپن در یکصد و بیست و یک دقیقه است. خانم تاکامینه در این فیلم نقش اوشیما را در سن سی و سه سالگی بازی می کند. در داستان و شخصیت پردازی، زن رام نشده، برای فیلم های ناروسه با هیدکو تاکامینه معمولی و البته بسیار خنده دار است.^{۳۰} به عنوان اوشیما، تاکامینه تبدیل به "زن خشره ای" ناروسه می شود. اوشیما مانند تقریباً همه زنان در جوزی ایگا^{۳۱} آن دوره و به ویژه در فیلم های ناروسه، با مردانی ملاقات می کند که در نهایت او را ناامید می کنند. اما وقتی این اتفاق می افتد، اوشیما آرام گریه نمی کند یا در سکوت رنج نمی برد. او گاهی اوقات کاملاً فیزیکی مبارزه می کند و وقتی اوضاع بد می شود، بارها و بارها به دنبال یافتن یک زندگی جدید می شود.

بر خلاف "زن خشره ای"^{۳۲} ایمامورا، اوشیما از یک خانواده خوب می آید. پدرش ادعا می کند که از یک خانواده سامورایی است، و از آنجایی که فیلم در سال ۱۹۱۲ شروع می شود، این موضوع هنوز اهمیت دارد. با این حال، اوشیما هرگز با مادرش کنار نیامد و از خانه فرار کرد تا توسط خانواده دیگری به فرزندی پذیرفته شود. وقتی برای او با پسر خوانده شان تقاضای ازدواج کردند، او دوباره فرار کرد. زیرا خیلی احمق بود و به نوعی با کن اوهورا، که یک خواربارفروشی داشت، ازدواج کرد. جایی که برای اولین بار او را روی صفحه نمایش می بینیم. به شکل سنتی واقعی، در حالی که با معشوقه هایش ملاقات می کند، مغازه را به او واگذار می کند و هر زمان که کار خوب پیش نمی رود، اوشیما را سرزنش می کند. وقتی می خواهد ادعا کند که بچه اش متعلق به او نیست، اوشیما وسایلی را به سمت او پرتاب می کند، پس از آن در راه خروج از خانه روی پله ها می افتد و بچه سقط می شود.

^{۳۰} این فیلم یکی از خنده دارترین فیلم هایی است که تا به حال دیده ام. ضمن اینکه توانایی هنرپیشگی تاکامینه را نشان می دهد.

^{۳۱} josei-eiga

^{۳۲} Insect woman

هر دو گروه از والدین از پس گرفتن او امتناع می ورزند، اما برادرش او را با خود به شمال می برد و سپس او را ترک می کند تا به دیدن معشوقه اش برود، بنابراین او در مسافرخانه ای به عنوان خدمتکار کار پیدا می کند. او واقعاً یک خدمتکار است، اما پدرش قبول نمی کند که او یک فاحشه نیست. او در واقع عاشق صاحب متاهل مسافرخانه (ماسایوکی موری) شده است که به همان اندازه جذاب و ضعیف و ناامیدکننده است. اوشیما حاضر نمی شود صیغه او شود و دوباره از خانه به توکیو فرار می کند، جایی که کار خیاطی پیدا می کند. او در آنجا با سرکارگر یک کارخانه یونیفرم (دایسوکه کاتو) آشنا می شود که به او استفاده از چرخ خیاطی را آموزش می دهد و او نه تنها زن کارخانه بلکه سریع ترین کارگر می شود. پس از مشاجره با یک افسر نظامی که تهدید کرده بود کار آنها را رد می کند، او و کاتو تصمیم می گیرند خیاطی خود را راه اندازی کنند. شکست می خورد، هر کدام برای بازسازی سرمایه خود کاری پیدا می کنند و پس از یافتن مکان جدید، دوباره شروع می کنند. این یکی آنقدر پیشرفت می کند که کاتو اکنون می تواند یک معشوقه داشته باشد که قبلاً یکی از معشوقه های شوهر اولش بوده است. اوشیما نیز با او مخالفت می کند و کارکنان (از جمله یک تاتسویا ناکادای جوان به عنوان الگوساز با ایده های جدید) را همراه خود می برد تا تجارت دیگری را راه اندازی کند.

مشکلات زندگی او در بسیاری از فیلم های مربوط به زنان رایج است، اما واکنش او به این مشکلات اینطور نیست. وقتی به او توهین می شود، او هم توهین می کند. هنگامی که به او سیلی می زند، مثل چند بار، با پرتاب اشیاء، سیلی و لگد زدن، استفاده از جارو یا گل آرایشی، حتی در یک سکانس شلنگ آب را روی کاتو می گیرد. همه آنها در فیلم های ژاپنی کم سابقه هستند، حتی در بسیاری از فیلم های معاصر.



در این مرحله باید تاکید کرد که اوشیما زیرک نیست. او هر کاری که یک همسر خوب ژاپنی قرار است انجام دهد انجام می دهد - او از خانه مراقبت می کند، امور روزمره تجارت را اداره می کند، آشپزی می کند، پشت سر شوهرش در ملاء عام راه می رود و در صورت لزوم رابطه جنسی برقرار می کند. اولین باری که او را می بینیم، او در حال کار است، دیوارهای خانه را تمیز می کند، و ماندگارترین تصاویر او در طول فیلم مربوط به کار است - نگهداری از کتاب ها، خوشامدگویی به مشتریان، خیاطی، تمیز کردن زمین، سرو غذا و نوشیدنی - و او این کارها را بدون شکایت انجام می دهد. او به کار اعتقاد دارد و تفکر سنتی او

این است که "ما باید بیشتر کار کنیم". او نه غمگین است و نه همسر رئیسی که در کمدهای دهه سی می یابیم. او جاه طلب یا حریص هم نیست. او هیچ وقت برای ثروتمند شدن تصمیم نمی گیرد، فقط برای تأمین هزینه های روزمره خود کار می کند. به طور خاص نمی خواهد مستقل باشد. اگر اوهارا همان مردی بود که فکر می کرد با او ازدواج می کرد، در آنجا می ماند و خانواده تشکیل می داد. اگر موری زنش را طلاق می داد و با اوشیما ازدواج می کرد، هر چقدر هم که فقیر باشند، با او در کوهستان ساکن می شد.

در عین حال، او به شدت آسیب پذیر است. درد او زمانی که شوهر اولش از قبول فرزندش امتناع می کند، شوکه و تحقیر او زمانی که موری حاضر به طلاق از همسر فعلی اش نیست و به او پیشنهاد می دهد که او را صیغه خود کند، خشم سرکوب شده او در حالی که می شنود معشوقه شوهرش به او در مورد روش صحیح درمان سخنرانی می کند. او نمونه هایی از تکاملینه در بهترین حالت او هستند.

مانند بسیاری از فیلم های ژاپنی، در مورد سکس بسیار است، اگرچه هیچ صحنه واقعی جنسی وجود ندارد. کاتو حتی در یک صحنه به کارمندانش می گوید که او را نادیده بگیرند، زیرا او "در این زمان هر ماه" بد اخلاق می شود. اوشیما خودش چیزها را آنطور که می بیند می نامد. با فرض اینکه زیرنویس ها دقیق هستند و به تعبیر مدرن نیستند، از او می شنویم که جملاتی مانند «لعنتی»، «شاخ»، «احمق» یا «معموم» را می گوید، که هیچ کدام معمولاً را در زیرنویس های دیگر فیلم های آن دوره نیستند.

از آنجایی که اوشیما مرتباً سخنرانی می کند، می شنویم که در فیلم های دیگر درباره اینکه یک همسر چگونه باید باشد، توضیح داده می شود. این نه تنها شامل کار زن خانه دار و کارمند تجاری بدون مزد است که او انجام می دهد، بلکه شامل نگرش و رفتار او در حین انجام آن می شود. نگرش و رفتار دقیقاً همان چیزی است که اوشیما رد می کند. او هرگز دعوا را شروع نمی کند، اما همیشه به مبارزه می پردازد، و اگر مرد آن را فیزیکی کند، به همان شکل پاسخ می دهد. بنابراین متوجه می شویم که بدون هیچ هشدار و پیش زمینه ای وارد یکی از مدرن ترین فیلم های فمینیستی شده ایم، درباره زنی که می خواهد زن باشد، اما همچنان هم در تجارت و هم در خانه با او برابری می کند.

بار دیگر چرخ خیاطی و دوچرخه را به عنوان نشانه های آشکار مدرنیته و استقلال زنان در ژاپن قرن بیستم می بینیم. تکاملینه برای دوچرخه سواری باید یک لباس "غربی" بپوشد. با وجود جزئیات بسیار زیاد فرهنگی، اوشیما و تکاملینه مورد ثابتی هستند. ناروسه اغلب از برخورد شخصیت های زنش به دیواری که توسط جامعه درست شده بود صحبت می کرد، اما برای یک بار هم می بینیم که اوشیما شخصیتی دارد که وقتی با آن دیوار برخورد می کند، پریده و یا شکافی درست می کند. درست مانند کاری که با صفحه نمایش انجام می دهد. شکی نیست که او به مشت زدن ادامه خواهد داد، هر قدم محکم اما هنوز یک پیشرفت کوچک است. شاید به این دلیل که او برای فیلم های ژاپنی و قهرمان های معمولی ناروسه یک ناهنجاری است.

Profile:

Movie: Devil's Temple

Romaji: Oni no sumu yakata

Director: Kenji Misumi

Screenwriter: Kaneto Shindô (Play: Junichirô Tanizaki)

Producer: Daiei Studios (Distributor: Daiei Films)

Cinematographer: Kazuo Miyagawa

Release Date: May 31, 1969

Runtime: 76 min

Color: color

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Kaede

Age: 45

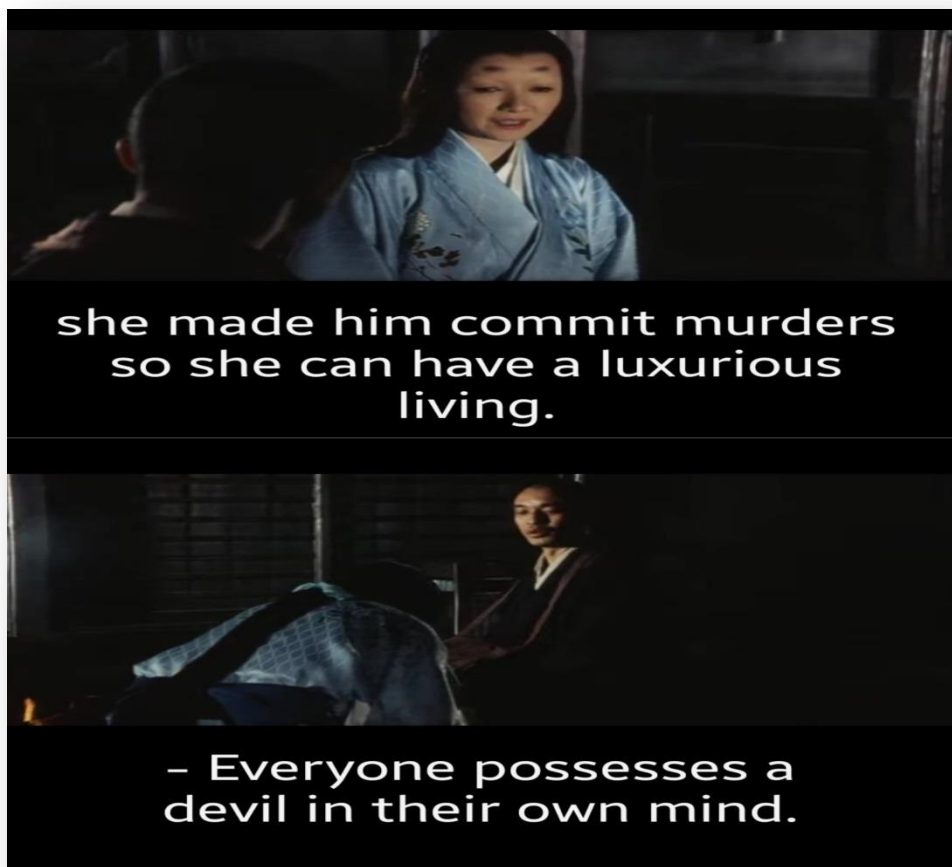
۸- مَعْبَد شیطان:

فیلم "معبد شیطان" با داستان اصلی از جون ایچیرو تانیزاکی و به کارگردانی کنجی میسومی در هفتاد و شش دقیقه محصول ۱۹۶۹ ژاپن است. در این فیلم خانم تاکامینه در سن چهل و پنج سالگی است، و نقش کائده را بازی می کند. این فیلم در مورد چهار شخصیت در دوره ی نانبوکوچو است که همگی به دنبال خوشبختی هستند. مردی که از جنگ برگشته است. زنی که شوهرش برای یک فاحشه او را ترک کرده است، و به بیداری او هنوز ایمان و امید دارد. زن دوم اغواگر، بیهوده، از خود راضی، و کاملاً متعهد به این ایده که می تواند هر چیزی را که می خواهد با بدنش بدست آورد. یک کشیش بودایی و شکت رایجی که در مورد تقوای آنها وجود دارد. البته کل فیلم هرگز در چیزی که اساساً یک فیلم با چهار شخصیت است گرفتار نمی شود. سؤال اساسی مطرح می شود: چه چیزی یک انسان را می سازد، راه معنویت و روح خوب چیست؟

زنی (تاکامینه) به معبدی ویران در جنگل کوهستانی نزدیک می شود. او در هر دری می ایستد و تقاضای ورود می کند، در حالی که باد به طرز شومی از میان درختان سوت می زند. در نهایت او دری را پیدا می کند که می تواند باز کند و همچنان که وارد می شود، بدون پاسخ به صدا کردن ادامه می دهد. شروع به انتظار ارواح می کنیم، که به نوعی همان چیزی است که در نهایت به ما داده می شود. اما این ارواح از گوشت و خون ساخته شده اند، که با بیرون آمدن شینتارو کاتسو از درون آشکار می شود.

زن سرانجام کلاه خود را بر می دارد و متوجه می شویم که او کائده است که به دنبال شوهری می گردد که او را به خاطر آیزن فاحشه ترک کرده است. شوهر که زمانی یک جوان نجیب بود، به راهزن تبدیل شده است. او به کائده دستور می دهد که برود، اما او بی سر و صدا و قاطعانه امتناع می ورزد و به سادگی به مدت شش ماه در کنار اطاق مستقر می شود، در حالی که مومیا و آیزن رابطه خود را در اتاق بعدی ادامه می دهند و تنها با حملات گاه به گاه مومیا برای دزدی و قتل قطع می شود. به نظر می رسد که این یک کشمکش بین دو زن برای مرد باشد، تا اینکه یک روز که مومیا در حال دزدیدن غذا است، یک کشیش

سرگردان جایی برای استراحت می خواهد. وقتی آیزن او را می بیند، یکدیگر را می شناسند. مرد از زمانی که ثروتش را از دست داده، کشیش شده است. آنچه در پی آن می آید مبارزه پیچیده مرد و زن، معنویت و خاکی بودن، عشق و وظیفه، عشق و شهوت، شرف و میل شخصی، جسم و روح و در نهایت زندگی و مرگ است. اصول یا نمادگرایی بودایی در فیلم نمایش داده می شود. همچنین فیلم از ابتدا تا انتها به شدت دراماتیک و جذاب است.



Profile:

Movie: Love and Separation in Sri Lanka- Love and Parting

Romaji: Suri Ranka no ai to wakare

Director: Keisuke Kinoshita

Screenwriter: Keisuke Kinoshita

Producer: Toho

Cinematographer: Asakazu Nakai

Release Date: 1976

Runtime: 116 min

Color: color

Genre: Romance, Drama

Language: Japanese, English, Sinhala

Country: Japan

Played: Jakaranta

Age: 52

۹- عشق و جدایی (در سریلانکا) :

فیلم "عشق و جدایی در سریلانکا" به کارگردانی کیسوکه کینوشیتا در یکصد و شانزده دقیقه محصول ۱۹۷۶ ژاپن است. خانم تاکامینه در این فیلم نقش یک بیوه هندی- ژاپنی به نام جاکارانتا که میلیونر هم هست را بازی می کند. او در زمان ساخت این فیلم، پنجاه و دو سال داشت.



سه کارمند ژاپنی برای تاسیس یک کارخانه جدید به کلمبو، پایتخت سریلانکا اعزام می شوند. یک تاجر ژاپنی به نام اوچی که زن و یک بچه دارد و جدا از هم زندگی می کنند به سریلانکا فرستاده می شود. او با یک زن زیبای ژاپنی با گذشته خاص آشنا

می شود. این دو با تاکامینه آشنا می شوند. در واقع فیلم عشق گذشته مردان و زنان، عشق دختران جزیره و نوجوانان ژاپنی، برادری و عشق یک زوج پیر مرموز را به تصویر می کشد. چهار درام عاشقانه مختلف در حالی که اپیزودهای آنها با هم مخلوط شده اند.

با توجه به پیشینه فیلم سازی کینوشیتا، روابط به نسبت سیاه ایجاد شده میان ژاپن و سریلانکا (نام قدیم Ceylon) پس از بمباران این کشور توسط ژاپن در جنگ جهانی! دوّم- ساده اندیشی است اگر این فیلم را تنها یک درام عاشقانه ببینیم. وابستگی اقتصادی سریلانکا به ژاپن و کمک در استقلال از انگلستان نیز بی ارتباط با انتخاب لوکیشن ها نیست. **لوکیشن ها یک همکاری بین قاره ای^{۳۳} را نشان می دهند.** یک فرودگاه بین المللی که با حمایت کانادا ساخته شده است. همچنین "جاده دوستی کانادا"^{۳۴} در فیلم نمایش داده می شود. هواپیمایی که در سال ۱۹۶۶ توسط شرکت هواپیما سازی بریتانیایی "هاکر سیدلی"^{۳۵} ساخته شد. نخستین هتل غیر هندی که جواهرسازی در آن قرار دارد و بنایی که نخستین معمار زن سریلانکایی ساخت. ساختمان پادشاهی (کندی) که دو پیروزی بر پرتقال داشت. درختان جاکاراندا بومی آمریکای جنوبی که زیاد در سریلانکا یافت می شوند. قرار گرفتن مجسمه ویکتوریا و بودا کنار هم. همه ی اینها تا حدّ زیادی همان مفهوم گفته شده را دارند.^{۳۶}

³³ . Intercontinental

³⁴ . Canada Friendship Road

³⁵ . Hawker Siddeley

³⁶ . بررسی لوکیشن ها از یک معمار سریلانکایی گرفته شده اند. به باور من این انتخاب کینوشیتا تا حدّ بسیاری به تحلیل رفته در متن بر می گردد.

Profile:

Movie: Where Chimneys Are Seen, The Four Chimneys

Romaji: Entotsu no mieru basho

Director: Heinosuke Gosho

Screenwriter: Hideo Oguni (Novel: Rinzo Shiina)

Producer: Shintocho

Cinematographer: Mitsuo Miura (B&W)

Release Date: March 5, 1953

Runtime: 108 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Senko Azuma

Was: 28

۱۰- جایی که دودکش ها دیده می شوند:

درام "جایی که دودکش ها دیده می شوند"، با نام های دیگری چون "چهار دودکش"^{۳۷} به کارگردانی هینوسوکه گوشو (کارگردان، مرد بدون امضا) محصول ۱۹۵۳ ژاپن در یکصد و هشت دقیقه است. اگرچه در زمان اکران اولیه مورد تمجید قرار گرفت، اما ظاهراً در ژاپن هم فراموش شده است. فیلم مسائلی زیادی به ببیننده ارائه می دهد.

کن اوهارا (راوی اصلی) یک منشی فقیر اما راستگو و درست کار است که با کینویو تاناکا در یک خانه کوچک ویران در حومه توکیو زندگی می کند. او با اجاره خانه مخارج زندگی خود را تامین می کند. با یک کشیش همسایه است، و دو اتاق طبقه بالا به هیدکو تاکامین و هیروشی آکوتاگوا، دانش آموزی که هزینه مدرسه را با کار خود می پردازند، اجاره داده شده اند. **نوزادی**^{۳۸} (گذشته مدفون) ناگهان در خانه رها می شود و همه چیز را به آشوب می کشاند. به دور از کلیشه ها، گوشو با فیلم نامه ای عالی از هیدئو اوگونی، (که تقریباً تمام فیلم های بزرگ کوروساوا را نوشته)، کار می کند. خود او هم از زمانی از رینزو شینا که سه فیلم در سال های ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۴ به گوشو ارائه کرد، اقتباس شده است. فیلم از احساسات عبور می کند و در عوض تصویری بیشتر و دقیق تری از ژاپن پس از جنگ به ما می دهد. مانند «ایکیرو»، یکی دیگر از فیلم نامه های اوگونی، تصویری از زندگی واقعی به شما می دهد، نه فقط جزئیات سطحی بلکه هسته انسانی آن. فیلمی که در آن هم اتفاقات خنده داری رخ می دهد و هم رازهای وحشتناکی فاش می شود.

^{۳۷} در فیلم "وقتی زنی که از پله ها بالا می رود" از صحنه دودکش ها هم ظاهراً با مفهومی مشابه بهره گرفته شده است.

^{۳۸} نوزاد، شاید یک بازدید کننده موقت، شاید نه، آنها را مجبور می کند در انتخاب های خود تجدید نظر کنند و ارتباط عاطفی را دوباره بیدار می کند که به دلیل سختی های جنگ قطع شده بود.

ادعایی در خود فیلم وجود ندارد، و هیچ کس موعظه نمی کند، هیچ کس معنای واقعی زندگی را توضیح نمی دهد. در واقع یکی از نکات این است که هیچ معنای واقعی وجود ندارد. این عنوان به چهار دودکش برجسته برای یک کارخانه بزرگ در دوردست اشاره دارد. آنها به گونه ای چیده شده اند که بسته به جایی که ایستاده اید، چهار، سه، دو یا حتی گاهی اوقات یکی دیده می شود. این فیلم کارکرد نمادگرایی و استعاره ی موثر از نظر انسانی است، به طوری که ما به تدریج متوجه می شویم که آنچه را که به عنوان اعمال ناشایست در هر شخصیتی می بینیم، کاملاً به این بستگی دارد که شما در رابطه با شخصیت او، در کجا ایستاده اید. همه اینجا در حال مبارزه هستند، همه در تلاش برای زنده ماندن هستند. اگر فیلم یک پیام اصلی دارد، اشتراک درد است. این است که باید گذشته را رها کنید. "زمان مناسب" ممکن است هرگز فرا نرسد، بنابراین شما فقط باید از بهترین چیزها استفاده کنید. خوشبختی شکننده است، اما ممکن است، فقط اگر بتوانید یاد بگیرید که سازش های مختلفی را که لزوماً همراه با آن هستند را بپذیرید.

هسته عاطفی فیلم کینویو تاناکا است که علیرغم روایت ابتدایی اوهارا، فیلم پیرامون او شکل می گیرد. او خانواده و به گمان خودش شوهرش را در بمباران توکیو از دست داده است. در نهایت، او اوهارا را می بیند و با او ازدواج می کند. هر دو آنها بسیار خوشحال به نظر می رسند. اما اوهارو متوجه می شود که قبل از ملاقات، مطلقاً چیزی از زندگی او نمی داند. مونولوگ او که در آن توضیح می دهد که پس از بمب گذاری به خانه آمده و اجساد را برگرداند تا شناسایی کند که واقعاً چه کسی مرده است، تصمیم او را به طور کامل توجیه می کند که از آن نقطه به بعد به هیچ کس دیگری وابسته نباشد، حتی یک ثبت نام خانوادگی جدید برای خودش به تنهایی تنظیم می کند. از نحوه زنده ماندن او در سالهای اشغال جزئیات دقیقی در دست نیست، اما تماشای چهره او در حین بیان این داستان دردناک است. لحظه ای آنقدر واقعی است که فراموش می کنید در حال تماشای یک هنرپیشه بزرگ هستید.

این نوزاد در واقع توسط شوهر پیرش که نمرده است به جا گذاشته است و او نوزاد را به نام تاناکا ثبت کرده است زیرا مادر واقعی ادعا می کند که آن را نمی خواهد. این امر اوهارا را در تنگنا قرار می دهد. او از این که می ترسد به جرم دو همسری متهم شود، از بردن نوزاد به پلیس وحشت دارد، اما مطمئناً کودک را نمی خواهد، نه تنها به این دلیل که مال او نیست، بلکه به دلیل هزینه هایش. همانطور که خودش می گوید، اگر کسی فقط به او بگوید کار درست چیست، همیشه کار درست را انجام می دهد. اما در زندگی واقعی، کسی نیست که به شما بگوید جز خودتان. این باعث می شود او احمقانه ترین چیزهایی را که می توانید تصور کنید، بگوید، مثلاً او را متهم به فریب این است که مخفیانه باردار است، با وجود اینکه او را می دید و در دو سال گذشته هر روز عصر با او می خوابید (نوزاد فقط چند ماهه است). حتی وقتی همسرش سعی می کند خودکشی کند، او چنان گیج می شود که آکوتاگوا کسی است که او را از رودخانه بیرون می کشد.

تاکامینه اگرچه بسیار جوانتر است، اما بار عاطفی خود را نیز دارد. او مردد است که ازدواج یا فرزند داشته باشد، زیرا خانواده خود را نیز در جنگ از دست داد و برادر کوچکش را در حالی که به دنبال غذا می گشت، بر پشت خود حمل کرد تا اینکه او نیز مُرد است.

کنزو، یک مقام دولتی است، او نوعی ضابط است که سعی می کند جریمه های مالیاتی را بگیرد و اموال کسانی را که نمی توانند پرداخت کنند، مصادره می کند. این نوع کار به شدت با احساس عدالت اجتماعی او در تضاد است، زیرا او می بیند که بیشتر افرادی که او به آنها سر می زند، چیزی برای پرداخت پول ندارند، اما مشکلات فراوان دیگری نیز دارند، چه سودی برای تبدیل آنها خواهد داشت. بیرون آمدن به خیابان ها؟ قابل پیش بینی است که او کمی به سنکو علاقه پیدا کرده است، اگرچه با توجه

به شرایط مالی وخیم هر دوی آنها، از پیگیری آن می ترسد. نیاز او به «عدالت» او را به جستجویی می فرستد تا شوهر سابق هیروکو را ردیابی کند و بفهمد واقعاً چه اتفاقی می افتد، اگرچه تحقیقات او بسیار بیشتر از حد انتظار طول می کشد و به زودی او را افسرده می کند. زمانی که در نهایت حقایق فاش می شود، موضوع شوکه و ناراحت کننده می شوند. کنزو آرزو می کند که از اول هیچ وقت خودش را اذیت نمی کرد. این چیزی سنگین را نشان می دهد، زیرا مشکلات به عنوان واقعی تلقی می شوند، نه اینکه صرفاً بهانه ای برای بالا بردن احساسات مخاطب باشد. در عین حال، فیلم اغلب بسیار خنده دار است. اما طنز اجباری است، بر اساس مشاهده زندگی واقعی، نه به عنوان شوخی.

ژاپنی آرام مدت هاست که اینجا از بین رفته است. آنها در دنیایی پُر سر و صدا زندگی می کنند. از طبل های کشیش که سرودها و دعاها را هدایت می کند تا رادیو ثابت. همسایه های دیگر هفت فرزند دارند. تاکامین در تمام طول روز مشغول خواندن تبلیغات در خیابان از بلندگو است. اگرچه جاده ای در کنار خانه ها به جای راه آهن وجود دارد، صدای راه آهن از دور شنیده می شود، حتی زمانی که تاکامین سعی می کند به داخل رودخانه برود هر چیزی که هر کسی می گوید یا انجام می دهد بلافاصله توسط دیگران شنیده می شود، و زندگی خصوصی فقط به گوش می رسد. (یک تظاهر)

جزئیات فرهنگی آنقدر متراکم است که فیلم می تواند یک سند تحقیقی درباره زندگی در اوایل دهه پنجاه ارائه کند. فقط چند مثال: رادیو در شب با یادآوری به همه برای خاموش کردن آتش، علامت می دهد. تاکامینه زغال چوب خود را با قرار دادن آن روی یک صفحه داغ برقی روشن می کند. هر گاه کسی چراغی را خاموش می کند، لامپ را باز می کند، حتی اگر سوئیچ هم وجود داشته باشد. تاناکا و اوهارا آنقدر پرشور می بوسند که تاناکا نه تنها وقتی تاکامینه آنها را از در باز می بیند خجالت می کشد، بلکه تاکامینه نیز اظهار می کند که اگر آنها چنین رفتار کنند واقعاً نمی تواند ازدواج کنند.

برای جلوگیری از داشتن فرزندان ناخواسته، اوهارا تقویمی دارد که روزهای خاصی از ماه را به طور برجسته مشخص کرده است، که نشان دهنده نوعی از روش .. است. تاناکا یک شغل نیمه وقت مخفی در پیست دوچرخه سواری دارد، ظاهراً نوعی راهنمایی مسابقه می فروشد، زیرا به نظر نمی رسد که او واقعاً یک کتابفروش باشد، که با یک کلاه آفتابگیر بزرگ به مشتریان علامت می دهد (به هر حال، جایگاه های دوچرخه سواری مملو از جمعیت است، بسیار متفاوت از استادیوم تقریباً خالی بیس بال در «چای سبز روی برنج» که تقریباً در همان زمان ساخته شده است. پیچیدگی های ثبت خانواده همچنان غیرقابل توضیح است. ظاهراً هیچ شناسنامه ای از پزشک یا ماما یا بیمارستان وجود ندارد، بنابراین شوهر قبلی می تواند ادعا کند که تاناکا در واقع مادر بوده است. و البته، سردرگمی های ناشی از جنگ و بمباران آتش سوزی که بسیاری از سوابق را از بین برده، این امکان را برای مردم ایجاد می کند که همه چیزهایی را که کاملاً درست نیستند، ادعا کنند. تاناکا نیز به طور کاملاً قانونی دوباره ازدواج می کند..

کفش ها یک تم بصری دویدن را ارائه می دهند، از اولین حضور تاناکا که کفش های همسرش را برای کارهایی که شدیداً به کفی های جدید نیاز دارند واکس زد. تاناکا وقتی تصمیم به خودکشی می گیرد بهترین جفت گتا را می پوشد، و آکوتاگوا هنگام نجات او باید برای نجات یکی از لباس هایش که در گل و لای گیر کرده است، برگردد. تاکامینه دوستی دارد که پس از بیرون آمدن در موقعیت معشوقه اش، همراه با مادر واقعی نوزاد راه می رود که بند بند روی گتا او را می شکنند. دوست یکی از کفش های پاشنه بلندش را به او می دهد و با هم در امتداد جاده لنگ می زنند، جایی که با یک زن دیگر روی چوب زیر بغل ملاقات می کنند.

جزئیات فیلم به قدری متراکم است که حتی فضایی برای وارد شدن به داستان عاشقانه عجیب بین آکوتاگوا و تاکامینه، یا پرداختن به داستان واقعی شوهر پیر پس از پیدا شدن او، یا مادر واقعی کودک، ندارد. دوستی که با خوشحالی زندگی یک معشوقه را انتخاب می کند و به همان اندازه با خوشحالی از آن کنار می رود. (در بیان فیلم)

برخی از دیالوگ ها شاید مردم پسند: خوش به حال بچه ها حتی اگر با بمب تهدید بشوند... هر کسی می تواند در مورد عدالت حرف بزنه.. فکر کردی کی هستی؟ نکنه فکر میکنی صاحب اختیار همه ای ؟ ... بچه ها اجازه دارند هر زمان که می خواهند گریه کنند و هر چقدر که می خواهند سر و صدا کنند، اما از بزرگسالان انتظار می رود هر چقدر هم که دردناک باشد لبخند بزنند و تحمل کنند...



Profile:**Movie:** When a Woman Ascends the Stairs**Romaji:** Onna ga kaidan wo agaru toki**Director:** Mikio Naruse**Screenwriter:** Ryuzo Kikushima**Producer:** Toho**Cinematographer:** Masao Tamai (B&W)**Release Date:** Jan 15, 1960**Runtime:** 111 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Keiko Yashiro**Was:** 35**۱۱- وقتی زنی پیشرفت می کند:**

فیلم "وقتی زنی از پله ها بالا می رود" یا "وقتی زنی پیشرفت می کند" به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۶۰ ژاپن در یکصد و یازده دقیقه است. خانم تاکامینه در سن سی و پنج سالگی نقش کیکو (که توسط شخصیت‌های دیگر «ماما» نامیده می‌شود) را بازی می‌کند.

یک بیوه جوان که به سی سالگی نزدیک می‌شود، میزبان یک بار در گینزا است. او که متوجه می‌شود بزرگ‌تر (سن) می‌شود، پس از صحبت با مدیر بارش، کوماتسو، تصمیم می‌گیرد که می‌خواهد بار خودش را باز کند تا اینکه دوباره ازدواج کند. (با توجه به گزینه های محدودی که جامعه ژاپنی پس از جنگ ارائه می‌کرد.) برای انجام این کار، او باید وام هایی را از برخی مشتریان مرفه که به بار او مراجعه می‌کنند، تضمین کند. اما موفقیت چندانی ندارد. در همین حال، یوری یک کارمند سابق، بار خود را در همان نزدیکی باز کرده است و در نتیجه اکثر مشتریان سابق کیکو را از او می‌گیرد. او با یکی از معتمدان بار خود، جونکو، مکان‌هایی را برای بار خود جستجو می‌کند. در حالی که کیکو با یوری ناهار می‌خورد، یوری که ظاهراً در کارش به خوبی کار می‌کند، نشان می‌دهد که عمیقاً بدهکار است و نمی‌تواند از عهده ی پرداخت طلبکارانش برآید. او به کیکو می‌گوید که قصد دارد یک خودکشی جعلی بسازد تا از طلبکارانش دور بماند. کیکو از اینکه روز بعد متوجه می‌شود که یوری واقعاً مُرده است، شوکه می‌شود. او در تمام مدت برای مرگش یا مقدار قرص‌های خواب‌آور برنامه‌ریزی کرده بود. کیکو از دیدن طلبکاران یوری که خانواده او را برای پول در حالی که هنوز در سوگواری هستند سرزنش می‌کنند، شوکه می‌شود. ضمن اینکه خبر خودکشی یوری، جاه طلبی او را بیشتر تضعیف می‌کند.

پس از تشخیص زخم معده کیکو، او برای بهبودی به خانه خانواده‌اش می‌رود. اما معلوم می‌شود که او باید به آنها پول بدهد تا برادرش زندانی نشود. در عین حال هزینه عملی را که برادرزاده اش که در اثر فلج اطفال ناتوان شده است را نیز می‌پردازد تا بتواند دوباره راه برود. کیکو به آنها می‌گوید که نمی‌تواند به آنها پول بدهد زیرا باید ظاهر خود را با یک آپارتمان گران قیمت و کیمونو حفظ کند. اما با اکره موافقت می‌کند، و هر برنامه ای برای باز کردن بار خود را متوقف می‌کند. (مقاومت ناپذیر)

پس از اینکه کیکو برای کار به بار خود باز می‌گردد، مردی که برای مدت کوتاهی از او پذیرایی می‌کند از او خواستگاری می‌کند. وقتی معلوم می‌شود که او یک کلاهبردار است، فوجیزاکی، یک تاجر علاقه‌مند به او را مورد توجه قرار می‌دهد. در حالی که به او قول می‌دهد که بعد از خوابیدن با او پول بدهد، به او می‌گوید که برای کار به اوزاکا منتقل شده است و نمی‌تواند خانواده اش را رها کند. کوماتسو عاشق کیکو است، اما به دلیل احترامی که نسبت به شوهر مرده اش دارد و عزم او برای خوابیدن با مردان دیگر، هیچ تلاشی برای بیان این موضوع انجام نداده است. او از کیکو می‌خواهد که با او ازدواج کنند و با هم یک بار جدید باز کنند. با این حال، کیکو رد می‌کند و می‌گوید که ازدواجی مانند این نمی‌تواند کارساز باشد، زیرا آنها همدیگر را خیلی خوب می‌شناسند، و اگرچه او نمی‌تواند به زبان بیاورد، اما فوجیزاکی متاهل را دوست دارد. کوماتسو که هنوز عاشق کیکو است، پس از رد پیشنهاد ازدواج او، بار را ترک می‌کند. کیکو دوباره سر کار بر می‌گردد و از پله‌ها بالا می‌رود و تظاهر می‌کند که خوشحال است.

هرچند کیکو، دیر از سرنوشت بی‌رحمانه خود آگاه می‌شود، با این حال، مشخص نیست که آیا صعود تنها بر اساس یک آرزوی برآورده نشده است یا رسیدن به یک درک ویرانگر از تقلیل حاشیه‌ای او.. اینکه این پله‌ها تیرگی، خیانت و رواقی‌گرایی روشن‌گرانه است که زن را به پذیرش بیهودگی صعود خود سوق می‌دهد. پله‌ها برای کیکو به جایی نمی‌رسند. وقتی زنی از پله‌ها در بارهای ناحیه گینزا بالا می‌رود، پا به فضایی مردانه از افسران میانسال یقه سفید می‌گذارد. در اینجا، زنان به یک کالا تقلیل می‌یابند که در یک بازار اجتماعی برای عمل متقابل قرار می‌گیرند. آنها زیبایی و صمیمیت خود را نوعی سرگرمی قرار می‌دهند و اغلب به شدت جنسیت می‌گیرند و دائماً برای لذت بخشیدن به مردان می‌شوند. پدرسالاری تضمین می‌کند که محدودیت‌ها در برآورده کردن خواسته‌های جنسی مردان و گاهی اوقات تنهایی، پوچی و سرخوردگی زندگی آنها است.

کیکو اخلاقیات و شخصیت خود را بالاتر از مشکلات مالی خود قرار می‌دهد. این باعث می‌شود مردان اطراف او در پی جذب او، اغوا کردن اش و صدمه زدن به نفس مردانه اش را دشوار بدانند. این تحریک غیرمستقیم به مردانگی، پویایی قدرت جنسیتی را تغییر می‌دهد. شخصیت اخلاقی درست و حفظ خود او در تضاد با دختر بارفروشی کلیشه‌ای قرار می‌دهد که آزادی پولی را به کار می‌گیرد و خود را در پایین‌ترین حدّ عرضه می‌کند. در یکی از صحنه‌ها، به او پیشنهاد می‌شود که در ازای رضایت جنسی، یک کمک مالی برای بازکردن بار دریافت کند، که او کاملاً آن را رد می‌کند. اما همکار جوان او جونکو (ریکو دان) از این فرصت استفاده می‌کند تا وضعیت اقتصادی خود را بهبود بخشد. کل اپیزود از رفتاری که این مردان با زنان دارند، مانند یک چیز دور ریختنی، منجر کننده است. چیزی که حتی ناراحت کننده تر است این است که مردان از آن زمان تغییر نکرده‌اند و شاید بدتر شوند.

ناروسه این ویژگی متضاد سنتی (کیکو) با وسترن (دختران بار) را با بکارگیری تصاویر سیاه و سفید، طراحی دقیق صحنه کلپ‌های شبانه پر از موسیقی جاز و نواری پر زرق و برق تشدید می‌کند. منطقه گینزا ناروسه توسعه اقتصادی و فرهنگی است که در توکیو اتفاق می‌افتد. سطحی بودن این نهاد تجاری به خوبی با شخصیت‌های مجلل نوشته شده در ویرانه تضاد دارد.



(در این فیلم در صحنه ای تاکامینه را با چهار دودکش می بینیم که اساس فیلم "جایی که دودکش ها دیده می شوند" را شکل می دهد. به نظر می رسد که ناروسه از معنا و مفهوم مشابه آن فیلم نیز بهره برده است. اینکه بستگی دارد از کدام زاویه به پیشرفت یک زن نگاه بشود.)

Profile:**Movie:** Danger Stalks Near/ Hanging by a Thread / A Candle in the Wind/ Insufficient Light**Romaji:** Fuzen no tomoshibi**Director:** Keisuke Kinoshita**Screenwriter:** Keisuke Kinoshita**Producer:** Shôchiku**Cinematographer:** Hiroyuki Kusuda (B&W)**Release Date:** Sep 1, 1957**Runtime:** 79 min**Color:** black and white**Genre:** Comedy ,Heist Film**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Yuriko**Was:** 33**۱۲- شمعی در باد:**

فیلم "نزدیک ساقه های خطر" با نام های دیگری چون: "شمعی در باد"، "آویزان به یک نخ" و "نور ناکافی" محصول ۱۹۵۷ ژاپن در هفتاد و نه دقیقه است. خانم تاکامینه نقش یوریکو را در سین سی و سه سالگی بازی می کند. سه تن از اوباش^{۳۹} شایعه پیرزنی ثروتمندی را می شنوند که در خارج از روستا زندگی می کند و وقتی با عروسش خلوت می کند تصمیم می گیرند وارد خانه شوند و پول نقد او را بدزدند. این یک داستان کلتی اولیه برای فیلم های جنایی در سراسر جهان است. اما این یک فیلم به نویسندگی و کارگردانی کیسوکو کینوشیتا است، بنابراین قبل از اینکه بدانیم (پیش ذهنیت)، فیلم به چیزی کاملاً متفاوت تبدیل شده است. کینوشیتا که اغلب به عنوان یک احساسات گرا در نظر گرفته می شود، اما همانطور که بسیاری از کمدی هایش نشان می دهند، او کاملاً از تلخی و بدبینی مصون نبود. برای کلاهبرداران، روز چیزی جز ناامیدی نیست. هر بار که آنها آماده حمله به خانه می شوند، یک نفر جدید از راه می رسد تا ننه و پولش هرگز تنها نباشند. به سرعت به طنز تاریک پوچ فرو می روند، زیرا متوجه می شویم که به همان اندازه پول زدایی وجود دارد، و دزدی در داخل خانه در حال انجام است.

دو مرد اوباش خیابانی، از یک مرد جوان عصبی و ناراحت که برای بازگشت به کشور به پول نیاز دارد، می خواهند تا به آنها بپیوندند. تا در یک نقشه دزدی از خانه ای در حومه شهر متعلق به پیرزنی بدجنس که تصور می کنند باید مقدار زیادی پول نقد را در آن پنهان کرده باشد، مشارکت کند. با تماشای مکان قبلی، آنها می دانند که معمولاً فقط یوریکو خانه دار (هیدکو تاکامینه)، پسر خردسالش کازوئو، و مادر بزرگ بدخلق تتسو (آکیکو تامورا) در خانه هستند. با این حال، امروز، آرزوهای آنها نسبت به جرم و جنایت خنثی خواهد شد، زیرا همه چیز در اقامتگاه ساتو انجام می شود - خانه نشینان درهم و برهم، خواهران با مشکلات، مردان تعمیرکار تاتامی و چهره های مرموز از گذشته همه به این معنی است که امروز روز بسیار بدی برای سرقت است. اما برای سرگرمی خیلی خوب است.

³⁹ . hoods

کینوشیتا عمداً صحنه را با بازیگران آشنا، هیدکو تاکامینه و کیچی سادا در نقش‌هایی که به‌طور قابل‌توجهی رنگ‌زدایی شده اند، به هم می‌زند - او با یک عینک گرد مسخره و با یک خال صورت گول‌پیکر طراحی شده تا آنها را «معمولی» جلوه دهد، اما به‌طور تصادفی توجه را به ستاره‌شان جلب می‌کند. ساتوها یک خانواده بسیار معمولی هستند، زیرا به شدت شیفته پول و وضعیت نامطمئن خود در اقتصاد رو به بهبود اما همچنان دشوار پس از جنگ هستند. تتسو نامادری کانشیگه است و شاید به همین دلیل است که او از همسرش می‌خواهد تا ظلم به خود را تحمل کند زیرا تتسو پیر شده است و احتمالاً مدت زیادی در نخواهد ماند، به این معنی که این فقط یک بازی انتظار است تا زمانی که آنها خانه را به ارث ببرند. هر چه که باشد، تتسو پیرزنی پستی است که تنها سرگرمی اش نیشگون گرفتن پول و سفرهای گاه به گاه به سینما است، جایی که درام‌های دلچسبی درباره فرزند پرستی تماشا می‌کند. نگرش متکبرانه او شاید به این دلیل است که کلاهداران تصور می‌کنند پول نقد در خانه وجود دارد، اما گاهی اوقات افراد بدجنس هستند زیرا واقعاً پول ندارند نه اینکه ذاتاً خسیس باشند.

با این وجود، چنگ آهنی تتسو به آرامی واحد خانواده را از بین می‌برد. کانشیگه (که نامش به طعنه به معنای "پول چند برابر شدن" است و از خواندن نامش کانجی استفاده می‌کند که اغلب توسط پستیچی اشتباه خوانده می‌شود) مخفیانه به خانه می‌رود تا به همسرش بگوید که در یک مسابقه مقام دوم را به دست آورده است و نگران است که اگر تتسو متوجه شود انتظار سهم او از جایزه را دارد. پیرزن آنقدر بدجنس است که حتی برای استفاده انحصاری خود، تخم مرغ‌های خود را همراه با چای در کمد شخصی اش نگه می‌دارد و زمانی که یوریکو در حال انجام کارهایش است، درها را قفل می‌کند، زیرا در فکرش احساس "ناامنی" می‌کند. خانه - یک حالت ذهنی طعنه آمیز است وقتی متوجه می‌شویم که دقیقاً چگونه تتسو توانست این خانه را به عنوان یک بیوه جنگی تنها بلافاصله پس از شکست بخرد.



تتسو، به نوعی، صرفاً از موقعیت خود به عنوان مادرسالار در سرکوب عروس یوریکو استفاده می‌کند و هر حرکت او و خواهرانش را که از آنها انتقاد می‌کند به رغم نام‌های "شاد"شان کسل‌کننده هستند اما همچنین به خاطر آنها تنبیه می‌کند. عدم وجود فضایل سنتی ساکورا (توشیکو کوبایاشی) به دلیل نیاز به کمک به ساتوها می‌رود - شوهرش متهم به اختلاس شده است، اما امیدوار است که یوریکو در ازای کمک در کارهای خانگی به او غذا بدهد، فقط این زوج در نهایت بر سر سی‌ین

و مقداری کرکر ناپدید شده به هم می افتند. در همین حال، خواهر دوم ایامه (ماساکو آریساوا) نیز ظاهر می شود اما با یک "دوست" (یوشیهیده ساتو) که امیدوار است بعد از اینکه آنها یکی از قدیمی ها را بیرون انداختند، به دلیل سوزاندن سوراخی در تشک تاتامی با اتو، بتواند ساکن جدید آنها شود. نه تتسو و نه یوریکو نمی توانستند کاملاً در مورد وجود دانشجوی آزاد شده میوکو (هیروکو ایتو) مستأجر قبلی که دیر وقت می رفتند و مجلات را می چرخانیدند، فکر کنند، اما یک مسافر مرد نیز چیزی نبود که آنها در ذهن داشتند.

عوامل استرس زا اقتصادی مداوم در پیوندهای خانوادگی شروع به از بین رفتن کرده اند. تتسو پیرزن خوبی نیست، اما احتمالاً زندگی در خانه ای که می دانید همه منتظر مرگ شما هستند، خوب نیست. حداقل کازوئو کوچک آنقدر صادق است که اعتراف کند که مادر بزرگ را فقط وقتی به او آب نبات می دهد دوست دارد. به نظر می رسد یوریکو شخصیتی مسئول برای هر دو خواهرش باشد، اما از اینکه آنها برای پول به او تکیه می کنند در حالی که از هدایای مختلفی که آنها به نفع خود می آورند، از جمله مقدار زیادی کیک ماهی از محل اقامت احتمالی/ایامه (اگر او این کار را انجام ندهد) ناراحت است. تحت تأثیر جذابیت های مشکوک میوکو اغواگر قرار می گیرد که اصرار دارد بقیه روز را در اتاق خالی خود بنشیند زیرا قبلاً اجازه امروز را پرداخت کرده است). در همین حال، تلاش یوریکو برای از دست دادن یک جفت گتا بلند قد ناخواسته که "هدیه" رئیس کانشیگه بود (که در مورد پول جایزه نیز شنیده بود) منجر به اتهام تلاش برای قتل می شود که گویی امیدوار بود تتسو پس از تلاش برای مرگش سقوط کند. سارقان تمام روز را در بیرون نشستن و تماشای آمد و شدهای مضحک هدر داده اند، در حالی که وقت خود را صرف اعتصاب می کنند تا پلیس در مورد یک موضوع کاملاً نامرتب به آنجا برسد. به نظر می رسد، درون و بیرون آنقدرها که ممکن است فکر کنید در جامعه ای که همه چیز یک معامله است و همه پیوندها بر اساس کینه و مال پرستی متقابل ساخته شده است متفاوت نیست.

وقتی یک جنایتکار واقعی و خطرناک ظاهر می شود که به دنبال انتقام از مادر بزرگ است که دارایی خانواده اش را دزدیده است، و او مجبور می شود فاش کند که او فقط وانمود می کند که پس انداز دارد تا بتواند در اطراف بقیه اعضای خانواده رئیس شود. در همین حال، سه پانکی که ما با آنها شروع کردیم، تسلیم شدند و با هجوم پلیس ها فرار کردند تا خانه را با مرد مسلح فراری در داخل محاصره کنند.

این فیلم نگاهی اغراق آمیز، اما در عین حال واقع بینانه به زندگی روزمره خانه دار مدرن حومه شهر را به ما ارائه می دهد، در حالی که هابی برای کار به شهر سفر می کند، با اینکه که از جامعه سنتی دور است و با همه چیز کنار می آید. اگر نقد اجتماعی ضمنی وجود داشته باشد، مربوط به تخریب در زمان جنگ نیست. بلکه نمونه ای دیگر از فیلم هایی است که به شیوه ای نگاه می کنند که کشور و خانواده به خود اجازه می دهند با غربی سازی تعمیم یافته تغییر کنند.

Profile:**Movie:** A Husband's Chastity: Fall Once a gain & If Spring Comes**Romaji:** Otto no teiso – aki futatabi- haru kitareba**Director:** Kajirô Yamamoto**Screenwriter:** Chiio Kimura, Kajirô Yamamoto (Story: Nobuko Yoshiya)**Producer:** Photo Chemical Laboratories**Release Date:** April 21, 1937**Runtime:** 85 & 104 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:****Was:** 13**۱۳- عفت شوهر در دو قسمت: سقوط یک بار دیگر و اگر بهار بیاید (دوباره پاییز):**

فیلم "عفت شوهر" یا "پاکی مرد خوب" در دو قسمت به کارگردانی کاجیرو یاماموتو محصول ۱۹۳۷ ژاپن در مجموع یکصد و هشتاد و نه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن سیزده سالگی است. "عفت شوهر" یکی از موفق ترین رمان های محبوب دهه ۱۹۳۰ ژاپن بود. داستان در بیان پیامدهای رابطه خارج از ازدواج شوهر با بهترین دوست همسرش، ایده عفت یا وفاداری مرد را برجسته می کند. واژه ی Teisō، اصطلاحی با معانی مختلفی مانند "وفاداری به همسر" و "بی گناهی جنسی قبل از ازدواج" است. داستان مجموعه ای کلیدی از مفاهیم مرتبط با هویت زنانه را نشان می دهد که هرگز به عنوان یک فضیلت مردانه مورد نیاز نبوده است. همانطور که نویسنده یوشیا نوبوکو (فمنیست و همجنس گرا بیشتر با روابط افلاطونی!) نویسنده داستان هانا) اشاره می کند، در ژاپن بر «عفت زن» تأکید می شود، اما «ایده «عفت و پاکدامنی شوهر» به راحتی فراموش می شود. "عفت شوهر" به عنوان اثری شناخته می شود که این استاندارد دوگانه جنسی را مورد انتقاد قرار می دهد. با این حال، به جای تمرکز بر این یک جنبه، پیچیدگی متن را با تجزیه و تحلیل رمان از طریق درگیری ضمنی آن با مسائل برابری و تفاوت جنسیتی، مفاهیمی حیاتی برای درک هویت زن ژاپنی قبل از جنگ را برجسته می کند. این اثر به عنوان ایده ای پیشرو برای انتقاد از نابرابری های قانونی و اجتماعی برای زنان استفاده می کند و این دیدگاه را که ویژگی های جنسیتی و نقش های اجتماعی طبیعی و از پیش تعیین شده هستند، را مشکل ساز می بیند. اما، در عین حال، داستان مفهوم تفاوت جنسیتی را تقویت می کند، به ویژه از طریق تصاویری از خلوص و مادری زنانه، به شیوه هایی که آینه تغییرات در جنبش های خاص زنان و چشم انداز وسیع تر اجتماعی-سیاسی است. این رمان محبوب از طریق تعامل انتقادی خود با ایده هایی درباره جنسیت و پیشرفت اجتماعی/جنسی، دریچه ای به جامعه ژاپنی اواسط تا اواخر دهه ۱۹۳۰ ارائه می کند.

بر این اساس این رمان این فیلم به همین نام در سال ۱۹۳۷ منتشر شد و درام تلویزیونی در سال های ۱۹۶۲ ، ۱۹۶۵ و ۱۹۷۵ نیز پخش شد. همچنین آهنگ موضوعی به همین نام در فیلم به خوانندگی ساجیکو چیبا وجود دارد و ترانه های دیگری هم خوانده شده است.



یک نکته ی حاشیه ای درباره ی قسمت دوم فیلم اینکه؛ پیداست که ژاپنی ها به گربه علاقه مند هستند که شاید پیشینه ی تاریخی هم دارد. معمولاً هم در مکان عمومی به همراه آنها نیست و بیشتر در خانه ها هستند. اما در این فیلم یک سگ بر دوش زن در مکان عمومی دیده می شود.

Profile:**Movie:** Yearning**Romaji:** Midareru**Director:** Mikio Naruse**Screenwriter:** Zenzo Matsuyama (Story: Mikio Naruse)**Producer:** Toho**Cinematographer:** Jun Yasumoto (B&W)**Release Date:** January 15, 1964**Runtime:** 98 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, War**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Reiko Morita**Was:** 39**۱۴- حسرت:**

فیلم "اشتیاق"، "حسرت" یا "آرزو" به نویسندگی (فیلمنامه زنزو ماتسویاما) و کارگردانی میکیو ناروسه، محصول ۱۹۶۴ ژاپن در نود و هشت دقیقه است. خانم تاکامینه که در این فیلم سی و نه سال داشت، در نقش ریکو موریتا بیوه جنگ را بازی می کند. داستان فیلم در مورد بیوه جنگی ریکو است که بهترین سالهای زندگی خود را در حین مدیریت خواربارفروشی به خانواده شوهر مرحومش سپری کرده است. خانواده نقشه می کشند تا مغازه را خراب کنند و به جای آن یک سوپرمارکت بسازند و ریکو را از جایگاه برتر بیرون کنند. مانند بسیاری از فیلمهای ناروسه، پس‌زمینه فیلم نقطه مهمی از تغییر اجتماعی در فرهنگ ژاپنی را نشان می‌دهد، در این مورد ورود سوپرمارکت‌های مدرن با تأثیر اجتناب‌ناپذیر آنها در از بین بردن فروشگاه‌های مواد غذایی خانوادگی محلی است.

ریکو که شوهرش را در جنگ از دست می‌دهد، بمباران مغازه ی خانواده اش را ویران می کند. او برای بازسازی اش تنها می ماند تا بقیه اعضای خانواده فرار کنند. او هجده سال به دلیل عشق به شوهر مُرده و مادرش مغازه را اداره می کند. فیلم هجده سال بعد شروع می شود، زمانی که یک سوپرمارکت جدید تهدید برای آنها است. خواهر شوهرهای ریکو توطئه می کنند تا مغازه را به سوپرمارکت تبدیل کنند و از شرُ بیوه برادرشان خلاص شوند. در همین حال، برادر شوهر جوانتر بازمانده، کوچی موریتا بیست و پنج ساله بعد از دست دادن شغل، معمولاً مُست و مشغول خوابیدن و قمار است. در این بحران، او به خواهرشوهرش که دوازده سال از او بزرگتر است، اعتراف می کند. اینکه همیشه او را دوست داشته و نمی تواند با آن کنار بیاید. ریکو از او مراقبت می کند، اما به شیوه ای مادرانه و خواهر بزرگترش. بعد مدتی ریکو او را طرد می کند و تصمیم می گیرد به خانه نزد خانواده اش بازگردد و تهدید می کند که اگر او این کار را متوقف نکند، خودکشی می کند. این وضعیت برای خواهران مناسب است، اما کوچی او را در قطار طولانی دنبال می کند. در راه، او نرم می شود و آنها در مسافرخانه ای روستایی پیاده می شوند، جایی که می توانند صحبت کنند. او رویکردهای خود را از سر می گیرد، اما در آخرین لحظه، نمی تواند با

صمیمیت با کوچی روبرو شود. کوچی دوباره مست می شود و ریکو را صدا می کند. از او می خواهد که به خانه برمی گردد. صبح، ریکو از پنجره به بیرون نگاه می کند و می بیند که او را با برانکارد به دهکده می برند، صورتش پوشانده شده است. یکی می گوید از صخره سقوط کرده است. ریکو به دنبال او می دود اما می لنگد. دویدن طولانی تاکامینه پس از حمل جسد مُرده در خیابان و زمانی که برای نخستین بار به طور تصادفی از پنجره خود را می بیند، یکی از پیچیده ترین لحظات در سینمای ژاپن (یا جهان) از نظر احساسی است. مهم نیست که در مورد «تصاویر زنان» چه احساسی دارید، اما این لحظه ای تاثیر گذار است. تقریباً نیمی از فیلم صامت است. ناروسه به چشمان تاکامینه اعتماد دارد و به این اعتماد تا پایان فیلم، خیانت نمی شود.



Profile:**Movie:** Flowing**Romaji:** Nagareru**Director:** Mikio Naruse**Screenwriter:** Toshirô Ide, Sumie Tanaka (Novel: Aya Koda)**Producer:** Toho**Cinematographer:** Masao Tamai (B&W)**Release Date:** Nov 20, 1956**Runtime:** 117 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Katsuyo, Otsuta's daughter**Was:** 32**۱۵- سیلان:**

فیلم "سیلان"، "خانه گیشا"، "روان و جاری" یا "ریزش"، به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۵۶ ژاپن در یکصد و هفده دقیقه است. خانم تاکامینه در سن سی و دو سالگی نقش کاتسویو را بازی می کند. این فیلم ناروسه اغلب با "خیابان شرم"^{۴۰} میزوگوچی مقایسه می شود، اما به "زن در شایعه"^{۴۱} بسیار نزدیک تر است.

دو گیشا از یک مهمانی بی حال برمی گردند باز هم ما داخل یک خانه گیشا هستیم با دختری (تاکامینه) که هیچ بخشی از کسب و کار را نمی خواهد، اما در سطحی بسیار متفاوت از آنچه در «زن در شایعه» است عمل می کند. در اینجا به نظر می رسد که گیشاها در خانه زندگی می کنند اما در خانه کار نمی کنند، به طوری که مادر اوتسوتا بیش از آنکه صاحب یک عملیات کامل مانند تاناکا در فیلم میزوگوچی باشد، یک مامور/مدیر برای زنان است. و شکی نیست که زنان فقط گیشا/سرگرمی هستند. همانطور که دو نفر در هنگام بازگشت از مهمانی بحث می کنند، وقتی مهمانی و موسیقی دارید سرگرم کننده است و تنها کاری که باید انجام دهید این است که حرف های احمقانه به مردان بزنید. یکی از زنان در نهایت به اصرار پدرش می رود تا در فاحشه خانه کار کند، بنابراین واضح است که این نوع کار در این خانه در دسترس نبود. بنابراین، **نگاهی دلسوزانه و تقریباً نوستالژیک به یکی از سنتی ترین فرهنگ های ژاپنی می شود، زیرا به آرامی توسط تغییرات ژاپن مدرن در حال نابودی است.** ماهیت نامطمئن آن، تغییر فرهنگی به ویژه در صحنه هایی با حضور نوه دختری که در هنر آموزش می بیند، در حالی که دختران خانواده از ادامه تجارت خانوادگی امتناع می ورزند، مشهود است و نوستالژی را می توان در صحنه مشاهده کرد که یک گیشا جدید در منطقه برای معرفی رسمی او دور می زند و زنان مانند یک نوزاد تازه نفس غوغا می کنند و به او سر می زنند، اگر چه او هنوز رقابت بیشتری برای زنان مَسن در این خانه دارد.

⁴⁰. Street of Shame

⁴¹. The Woman in the Rumor

با این وجود، این کار تجارت خوبی نیست و یکی از دختران (تاکامینه) حتی سعی می‌کند به شغل خیاطی روی بیاورد. (اگر چه شاید همزمان فکر می‌کند می‌تواند از این طریق پول بیشتری از شغل گیشا که برای آن آموزش دیده است، به دست آورد). اما بزرگترین مشکل این است که اوتسوتا (ایسوزو یامادا) که قبلاً توسط شوهرش رها شده بود، اکنون بدهی بزرگی را بر دوش می‌کشد. به نظر می‌رسد تعداد زنانی که در فیلم‌های ژاپنی کسب‌وکاری دارند، یا خود را برای حمایت از مردی که مریض است، نمی‌تواند زندگی خود را تامین کند یا به سادگی علاقه‌ای ندارد، فروخته‌اند، بی‌شمار است. بدتر از آن، بدهی اوتسوتا به خواهر خودش است. وقتی اوتسوتا حامی جدیدی را که خواهرش برای او تعیین کرده است را رد می‌کند، خواهر در واقع ناراحت می‌شود. اما به یاد داشته باشید، خواهر در واقع ادعا می‌کند که اوتسوتا خود را به خواهر فروخته است و باید با هر کسی که خواهر انتخاب می‌کند بخوابد.

فیلم‌های مدرن ژاپنی بیش از هر سینمای کشور دیگری درباره پول صحبت کنند. همه ی موقعیت‌ها و روابط بیرون و اغلب در داخل خانواده شامل پول قرض شده، بدهکاری، مطالبه ی پول شده است، و حتی در بسیاری از فیلم‌های دوره ای نیاز به پول است، نه طمع، بلکه یک نیاز اساسی فقط برای زنده ماندن، است. به عنوان مثال منجر به فروش دختر می‌شود. ژاپن خیلی دیرتر از هر کشور صنعتی دیگر به بانکداری مدرن رسید، بنابراین ما تقریباً هرگز صحنه را که فردی پشت میز مدیر بانک است نمی‌بینیم. حتی در آن فرهنگ عمومی هم، فیلم‌های ناروسه حتی بیشتر از همیشه از نقشی که پول بازی می‌کند آگاه هستند در بهترین فیلم‌هایش، به‌ویژه در دهه ی پنجاه، او تقریباً به طور انحصاری با زنان طبقه‌ای سر و کار دارد که درست بالاتر از فقر واقعی هستند، جایی که پول نسبتاً کمی بسیار مهم می‌شود، مانند این فیلم.



همه اینها توسط خدمتکار وفادار (تاناکا) مشاهده می‌شود، که زمینه ای را فراهم می‌کند که به ما یادآوری می‌کند که چه کسانی افراد خوب هستند و چه کسانی نه چندان خوب. اینکه یک زن در آن زمان می‌توانست بدون شوهر و فحشا هم زندگی کند. مانند بسیاری از جوسی ایگوی ناروسه، جهت آنقدر شفاف است که شما متوجه آن نمی‌شوید. جنبه‌های گریان‌کننده‌تر و

ملودراماتیک‌تر کم‌اهمیت می‌شوند، شاید به این دلیل که خود مردان کاملاً نامرئی هستند. بنابراین باید گفت، اجراها پیچیده، دقیق و کاملاً باورپذیر هستند. زیرا او تقریباً هیچ‌وقت به بازیگرانش کارگردانی نمی‌کرد.

Profile:

Movie: The Munekata Sisters

Romaji: Munekata kyodai

Director: Yasujirō Ozu

Screenwriter: Kogo Noda, Yasujirō Ozu (Story: Jiro Osaragi)

Producer: Shintocho

Cinematographer: Joji Ohara (B&W)

Release Date: August 25, 1950

Runtime: 112 min

Color: black and white

Genre: Drama Alcoholism Melodrama Jealousy Disease/illness Family Relationships

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Mariko

Was: 26

۱۶- خواهران مونکاتا:

فیلم "خواهران مونکاتا" به کارگردانی یاسوجیرو اوز محصول ۱۹۵۰ ژاپن در یکصد و دوازده دقیقه است. خانم تاکامیه در بیست و شش سالگی است و نقش ماریکو را بازی می کند. فیلم با اقتباسی از رمان جیرو اوساراگی و در استدیو شینتیهو ساخته شده است. در سرتاسر فیلم، گاه به گاه جمله ای از دون کیشون روی کافه نشان داده می شود: "می نوشم گاهی با مناسبت و دلیل، گاهی بی مناسبت ...^{۴۲}

اگرچه ممکن است در نهایت به مالیخولیایی تبدیل شوند، فیلم های یاسوجیرو اوزو اغلب کارهای شادی هستند که در آن افراد مهربان مشکلات زندگی را با وقار رواقی تحمل می کنند. شرورهای کمی وجود دارند، فقط کسانی که تلاش می کنند زندگی کنند، حتی در حالی که زندگی سخت است. با این حال لحن این فیلم کمتر شاد است و به شکل دوسوگرا قهرمان خود را به دلیل پایبندی به برخی مسائل که محکوم به ناراحتی هستند و شخصیتهایی که اصرار دارند نجیب هستند.

دو خواهر صاحب نام، ستسوکو (کینویو تاناکا) و ماریکو (هیدکو تاکامینه)، در توکیو زندگی می کنند، جایی که ستسوکو یک بار کوچک را اداره می کند که از خانواده حمایت می کند در حالی که شوهر بداخلاقش میمورا (سو یامامورا) مدت هاست که بیکار است. پدر آنها، آقای مونکاتا (چیشو ریو)، به کیوتو بازگشته است، جایی که یک پزشک در صحنه های آغازین فیلم به ستسوکو می گوید که او از مراحل پایانی سرطان رنج می برد، اما به طرز شگفت انگیزی تا پایان فیلم سالم است. طرز فکر کیوتو به آقای مونکاتا می آید، زیرا همانطور که او می گوید ژاپن مملو از زیباییهای قدیم است، اگرچه ماریکو از معابد و کاخهای زیاد

⁴². I drink upon accasion sometimes, upon no accaion "Don Quixote"

انتقاد می کند (کیوتو شهر معبدها) حتی مجسمه ها را هم مسخره می کند. او آرزوی بازگشت به مدرنیته را دارد. دو خواهر در حالی که در شهر هستند، با دوست قدیمی، هیروشی (کن اوهارا) برخورد می کنند.

ماریکو، زن جوانی که منحصراً به مدهای مُدرن غربی لباس می پوشد، از شکست عاشقانه خواهرش آگاه شده و تصمیم می گیرد این جفت را دوباره به هم برساند. او از شوهر بداخلاق خواهرش رنجیده است و مدت ها است که می داند ازدواج ستسوکو شکست خورده است. در درون مدرنیته ظاهری خود، ماریکو در مورد نقش های جنسیتی سنتی به طور شگفت انگیزی محافظه کار است و از میمورا به خاطر ناتوانی در تأمین خانواده آن گونه که انتظار می رود یک مرد انجام دهد، دلخور است. او مردی است که ناامیدی بر او غلبه کرده، روزهایش را در حالت مستی و بازی با گربه های ولگرد می گذراند تا اینکه به طور جدی دنبال شغلی بگردد، غرور مرد زخمی در ناراحتی آشکارش از این واقعیت که همسرش از طریق تجارتي که خودش اداره می کند از او حمایت می کند. ماریکو به او می گوید که مرد شود!

ماریکو طرز فکر خواهرش را "کهنه" می داند، در حالی که ستسوکو "مدرنیته" خالی او را که چیزی بیش از شستشوی مغزی اجتماعی نمی داند که او را وادار می کند کورکورانه فقط از آنچه "مد" است پیروی کند و بدون اینکه خودش فکر کند، تایید می کند. آقای مونکاتا گفته بود کسانی که از دیدن زیبایی در چیزهای قدیمی امتناع می کنند، به سادگی «نادان» هستند، اما وقتی از آنها خواسته شد که بین خواهران داوری کنند، موضع مبهم تری اتخاذ می کند. تو خودت هستی و خواهرت خواهرت است، او اصرار می کند، تو طرز فکر خودت را داری و هیچ کدام اشتباه نمی کنند، فقط باید راهی را انتخاب کنی که برایت مناسب تر است. با این حال، او در برابر طرز فکر "مد" ماریکو احتیاط می کند و به او یادآوری می کند که خوب نیست که تحت تأثیر روندهای غالب قرار بگیریم، آنچه مهم است این است که عمیقاً فکر کنید و برای زندگی خود ارزش قائل شوید.



بعداً ماریکو «مدرنیته» را به‌عنوان «کهنه نشدن به‌رغم گذشت سال‌ها» توصیف می‌کند، اما بلافاصله می‌گوید که دقیقاً نمی‌دانم به چه معناست. شاید برای مقابله با اخراج قبلی ستسوکو مینی بر اینکه چیزهای جدید هرگز قدیمی نمی‌شوند زیرا دوام نمی‌آورند. در هر صورت، او هنوز هم از بسیاری جهات کودکی است که احساسات پیچیده‌ای را درک نمی‌کند و ممکن است توضیح دهد که چرا او به طور ناگهانی از هیروشی خواستگاری می‌کند که گویی قصد دارد از طرف خواهرش با او ازدواج کند. او همچنین به طور ناعادلانه ای در برابر یک بیوه حيله گر، ظاهراً "دوست" هیروشی از پاریس که ممکن است عاشق او باشد یا نباشد، برخورد می‌کند، اما واضح است که در قلب او جایگزین ستسوکو نشده است. با این حال ستسوکو درگیری دارد، و کمک مالی هیروشی را می‌پذیرد تا بار را باز نگه دارد، اما از پیشنهاد شوهرش که چیزی نادرست بین آنها وجود دارد، خشمگین است. بالاخره او یک زن «قدیمی» است. خواهران مونکاتا خشونت خانگی را نیز به عنوان دلیل مجدد ازدواج در نظر می‌گیرد، زیرا میمورا با عصبانیت چندین سیلی به صورت همسرش می‌زند، اما خوشبختانه در اینجا به جای تولد دوباره رابطه آنها، این نشانه مرگ است. میمورا دوباره مردانگی خود را نشان داده است، اما فقط به او نشان داده است که چقدر مستأصل و پوچ شده است. همسرش دیگر برای او احترامی قائل نیست چه برسد به عشق.

با این حال میمورا به کنترل احساسات خود ادامه می‌دهد و به این معناست که شکست رابطه تنها تقصیر ستسوکو است، زیرا هرگز او را دوست نداشته است. او به آرامی خود را از رنجش و ناامیدی عاشقانه نابود کرده است. به نظر می‌رسد، اگرچه هیروشی برای اعتراف به احساساتش ترسو تر از آن بود، اما هرگز عشق خود به ستسوکو را فراموش نکرده است و این احتمال وجود دارد که او بتواند با کنار گذاشتن طرز تفکر «سنٹی» خود («مد» به روش خودش)، جدا شدن از شوهرش برای ازدواج. اما در نهایت کد اخلاقی او این اجازه را نخواهد داد. احساس گناه بر قلب ستسوکو سایه می‌اندازد و این احساس را در او ایجاد می‌کند که دیگر اجازه خوشبختی را ندارد و باید آرزوهای واقعی خود را قربانی کند تا شکست ازدواجش را جبران کند. بارقه‌ای از امید نیز در عزم هیروشی برای صبر باقی می‌ماند.

Profile:**Movie:** Lightning**Romaji:** Inazuma**Director:** Mikio Naruse**Screenwriter:** Sumie Tanaka (Novel: Fumiko Hayashi)**Producer:** Daiei Eiga**Cinematographer:** Shigeyoshi Mine (B&W)**Release Date:** October 9, 1952**Runtime:** 87 min**Color:** black and white**Genre:** Drama Family Relationships**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Kiyoko**Was:** 28**۱۷- آذرخش:**

فیلم "آذرش" به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۵۲ ژاپن در هشتاد و هفت دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و هشت سالگی نقش کیوکو را بازی می کند. فیلم های ناروسه در این دوره، که بسیاری از آن ها (مانند این یکی) اقتباس هایی از رمان نویس و شاعر فومیکو هایاشی هستند، در جایی کوتاه تر از ملودرام کامل متوقف می شوند، اگرچه احساسات به وضوح در زیر سطح آرام نماهایش می چرخد. به نظر می رسد که کارهای هایاشی علاقه خاصی به ساختن زندگی برای خود زنان داشته است و کارهای او توسط تاکامینه (یکی دیگر از همکاران همیشگی ناروسه در این دوره) به طرز درخشانی منتقل می شود. تاکامینه، مانند ستسوکو هارا و مانند بسیاری از بازیگران بزرگ، احساسات زیادی را از طریق چشمان خود منتقل می کند، اگرچه تاکامینه (و شخصیتی که او در اینجا بازی می کند، کیوکو) جنبه سخت تری دارد که شاید در پاسخ به اصرار خانواده اش ایجاد شده است. در این دوره پس از جنگ به ازای هر ۲۳ زن، یک مرد وجود دارد و مطمئناً برادر ناتنی او علاقه چندانی به زندگی مشترک ندارد، در حالی که یکی دیگر از دوستان خانوادگی، یک نانوایی دارد، و برای او انتخاب می شود. تنها سطحی از تفاهم بین مادر (کومکو اورابه) و دختران است. اما این سوال بر لبان همه است: کجا می توانیم برای کیوکو شوهر پیدا کنیم؟ این شخصیت ها آینده ای دارند؟

هیچ اتفاقی در فیلم نمی افتد، یا بهتر بگوییم پُر از حوادث است - مشاجره ها، دعوای خواهرانه، درگیری های خانوادگی، آدم های ترسناک (و همچنین آدم های خوب) - اما هیچ چیز واقعاً بزرگی وجود ندارد، هیچ بیماری وجود ندارد که یکی از آنها را بکشد، هیچ زندگی وجود ندارد - رویدادی که همه آنها دور هم جمع می شوند، جنگی در کار نیست، فقط جریان زندگی است.

مادر و دو خواهر بزرگ تاکامینه به عنوان شوهر ایده آل، یک نانوایی محلی را پیشنهاد می دهند، اما به او علاقه ای ندارد. او کوچکترین عضو خانواده با دو خواهر و یک برادر است. مادر او چهار بار ازدواج کرده است، بنابراین هر فرزند پدر متفاوت و شخصیت بسیار متفاوتی دارد. نویکو، اگرچه با مردی به ظاهر بسیار خوب ازدواج کرده است، اما فاحشه است و فقط به

"هدایای" که به او می دهند، علاقه مند است که این کار او را به بدهکاری می کشاند. میتسوکو ملایم و سنتی است، وقتی بعد از مرگ ناگهانی شوهرش متوجه می شود که او در حالی که مغازه را اداره می کرده است، با یک معشوقه و فرزندش بود، شوکه می شود. برادر هیچ شغلی ندارد، با مادر زندگی می کند، تنها کمک او به خانواده جوایزی است که از سالن پاجینکو به خانه می آورد. فقط کیوکو (تاکامینه) به نظر می رسد نسبتاً خودآگاه است.

در نهایت، ما متوجه خواهیم شد که بسیاری از "هدایای" نوپکو^{۴۳} در واقع از ناوایی است که او با او رابطه نامشروع داشته است. وقتی میتسوکو پس از مرگ شوهرش مغازه لباس فروشی قدیمی اش را می بندد و بخشی از پول بیمه را برای باز کردن یک قهوه بار استفاده می کند، کیوکو اوایل روز افتتاحیه می رسد تا ناووا را پیدا کند که از پله ها از اتاق خواب پایین می آید. بنابراین بدیهی است که او نمی تواند انتخاب خوبی برای شوهر باشد، اگر چه کیوکو قبل از اینکه پیشنهاد او را رد کند هیچ یک از اینها را نمی دانست. کیوکو به آپارتمان خودش نقل مکان می کند، در همسایگی یک پیانیست و خواهرش. و ما فرض می کنیم که جرقه ها در شرف پرواز هستند وقتی می بینیم که او خوش تیپ است و شگفت انگیزتر از همه در یک خانواده ژاپنی، وقتی خواهرش یک روز بیرون کار می کند لباس ها را می شوید. اما فیلم تا آنجا پیش نمی رود. در عوض، کیوکو با مادرش ملاقات می کند، با هم آذرخش را از دور تماشا می کنند، می خندند و کیوکو مادرش را به خانه می برد.



شاید منظور کوروساوا از عمق آشوب رودخانه ناروسه، حداقل در این فیلم سکانس پایانی باشد...^{۴۴}

^{۴۳}. او وقتی شاد است به گربه لگد می زند، وقتی غمگین است به او محتاج است!

^{۴۴}. تعجب می کنم چطور در تحلیل ها این سکانس دیده نشده است. شاید به دلیل ثانیه های پایان فیلم باشد. به هر حال با این صحنه، به شخصه تمام فیلم را در ذهنم دوباره مرور کردم!

این یکی از «رودخانه‌های آرام» ناروسه است که درام‌های زیادی در آن اتفاق می‌افتد، اما در زیر سطح اتفاق می‌افتد. به عنوان مثال، ما هیچ ایده‌ای نداریم که شوهر چگونه مرده است - کیوکو در پایان سفر اتوبوس خود پیامی دریافت می‌کند که به خانه برود، و در صحنه بعدی یک محل ملاقات کوچک در پشت خانه وجود دارد که با هم غذا می‌خورند. هیچ انفجار بزرگی وجود ندارد که در نهایت تصمیم کیوکو را برای نقل مکان آشکار کند و آشتی با مادرش بدون عذرخواهی یا تلاش آشکار برای آشتی اتفاق بیفتد. شاید این به هیچ وجه منحصر به فیلم‌های ناروسه نباشد.

این فیلم همچنین عادت ژاپنی‌ها را دارد که تماشاگر را بدون هیچ گونه نمایش سنتی به وسط ماجرا می‌اندازند. به عنوان مثال، کیوکو از پنجره اتوبوس خود به بیرون نگاه می‌کند و زن و مردی را می‌بیند که منتظر عبور از خیابان با هم هستند. تا مدت‌ها بعد متوجه نشدیم که این مرد شوهر میتسوکو بوده است (او دیگر هرگز دیده نشده است) و هیچ ایده‌ای نداریم که آن زن کیست تا زمانی که با بچه‌ای بر پشت ظاهر شود و از بیمه میتسوکو پول بخواهد. زیرا شوهرش همیشه از او مراقبت می‌کرد. کیوکو در مغازه میتسوکو در برگه اش نشسته معرفی می‌شود و ما نمی‌دانیم که عضوی از خانواده هستند تا اینکه بعداً آنها را با مادر ببینیم. هیچ کس هرگز توضیح نمی‌دهد که چگونه و چرا مادر چهار شوهر مختلف داشته است. همه بچه‌ها خیلی قبل از سال‌های جنگ به دنیا آمدند. در واقع نمی‌دانیم که آنها از نظر حقوقی شوهر واقعی بوده‌اند یا خیر، اما تشریفات ازدواج در این دوران و در این سطح از جامعه، همانطور که در بسیاری از فیلم‌ها دیده‌ایم، چیزی بیش از تصمیم برای زندگی مشترک نیست.

اگرچه ما وضعیت اوزو را داریم، اما دنیای اوزو نداریم. این توکیوی شلوغ از مغازه‌های کوچک تک‌نفره‌ای است که روز به روز زندگی می‌کنند، از مردمی که امرار معاش می‌کنند، اما به سختی، که در آن شغل معمولی و قابل اعتماد کیوکو در بیرون غیرعادی است. این فقر نیست، اما دنیایی از گزینه‌های محدود است. بر خلاف دختران مجرد در بسیاری از فیلم‌های اوزو، کیوکو نمی‌خواهد زندگی خود را وقف پدر و مادرش کند. با این وجود، این دنیایی است که در آن پیوندهای خانوادگی هنوز همه چیز هستند، علیرغم اینکه وقتی توصیف می‌شود خانواده‌ای ناکارآمد به نظر می‌رسد. بنابراین، عمل ساده کیوکو و مادرش که عصر به خانه راه می‌روند، به یک نقطه اوج احساسی تبدیل می‌شود.

این فیلم اولین همکاری مهم ناروسه و تاکامینه پس از جنگ است.^{۴۵} اما در اینجا او تازه یاد می‌گیرد چگونه از مهارت قابل توجه او استفاده کند. همانطور که تاکامینه اکنون یاد می‌گیرد که چگونه نقش بزرگسالان پیچیده را بازی کند. با این وجود، نشانه‌هایی از تاکامینه بزرگ در آینده وجود دارد، مانند نگاه حسرت‌آمیز او به قفسه‌های پر کتاب مستأجر طبقه‌ی بالا که بیش از یک صفحه گفتگو به ما درباره زندگی او می‌گوید ...

^{۴۵}. تاکامینه در اولین فیلم پس از جنگ ناروسه، نوادگان تارو اوراشیما ظاهر شده بود، اما نه به عنوان نقش اول.

Profile:**Movie:** Hit and Run, Moment of Terror**Romaji:** Hikinige**Director:** Mikio Naruse**Screenwriter:** Zenzo Matsuyama**Producer:** Toho**Cinematographer:** Rokurô Nishigaki (B&W)**Release Date:** April 16, 1966**Runtime:** 100 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, crime**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Kuniko, the Mother**Was:** 42**۱۸- بزن و فرار کن!**

فیلم "بزن و فرار کن" یا "لحظه وحشت" به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۶۶ ژاپن در یکصد دقیقه است. خانم تاکامینه در سن چهل و دو سالگی، با نام کونیکو در این فیلم نقش مادر کودک گشته شده را بازی می کند. در واقع این فیلم آخرین همکاری ناروسه با تاکامینه است، معمولاً توسط اکثر منتقدانی که زحمت نوشتن در مورد آن را به عنوان نشانه ای از افول تاکامینه به خود می گیرند، در این فیلم رد می شود. کوروساوا ظاهراً به سبک ملودرام ناروسه به عنوان «یک رودخانه بزرگ اشاره می کند. با سطحی آرام و جریانی خشمگین در اعماق آن»، و این همان سطح آرامی است که اکثر منتقدان آن را تحسین کرده اند. با این حال، این فیلم همانند رودخانه وارد تنگه ها شده است و جریان خروشان درست روی سطح است.

همسر یک تاجر ثروتمند در حالی که با معشوق کوچکتر از خودش دعوا می کند، کودکی را با ماشین زیر می گیرد. از اینکه مبادا با معشوق اش پیدا شود صحنه را ترک می کند. مادر کودک البته ویران شده است. وقتی متوجه می شود که پلیس درباره ی کسی که پشت فرمان بوده اشتباه کرده است، قول انتقام توسط خودش را می دهد. او در خانه تسوکاسا خدمتکار می شود و راه های مختلفی برای کشتن پسر پنج ساله اش طراحی می کند. شناسایی تدریجی راننده واقعی، وارد کردن او به خانه و تلاش های او برای انجام انتقامش باعث می شود یکصد دقیقه پر از تعلیق و جزئیات به وجود بیاید.

تاکامینه یک هنرپیشه شگفت انگیز بود، اما در بیشتر موارد به قیافه ی گویا، واکنش ظریف، احساسات سرکوب شده ای که از اکثر زنان ژاپنی آن روزگار انتظار می رفت محدود می شد. اما در اینجا، محدودیت ها از بین رفته اند و ما می توانیم طیف کاملی از احساسات را از او ببینیم. از این نظر، این یک وسیله تماشایی برای یک بازیگر زن است و او از آن نهایت استفاده را می کند. او از شوک و ناامیدی به خشم و سپس ناامیدی می رسد، تا اینکه در نهایت به دیوانگی پایان می یابد. جملات مردم پسند به نسبت زیادی میان او و برادرش رد و بدل می شود، همانند: "خدایانی وجود ندارند. آنها تنها برای انسانهای خوشبخت و پولدار هستند." (

در فلاش بک ها می بینیم که تاکامینه قبل از ازدواج یک تن فروش بوده است. او همیشه به شیوه‌ای «مُدرن» لباس می پوشد، اما به دلیل نامشخص بودن یک مادر مجرد که به‌عنوان پیشخدمت کار می‌کند (شوهرش در حین کار در یک حادثه‌ی صنعتی درگذشت، و بدیهی است که او به میزان قابل‌توجهی غرامت دریافت نکرده است). بنابراین ما به دنبال تضادی در وضعیت هستیم که در آن افراد مرفه نه تنها از جامعه بلکه از همه مسئولیت‌های اجتماعی جدا هستند.

توطئه‌های تاکامینه در خانه زن قابل توجه هستند. مهمترین آنها تلاش برای کشتن تسوکاسا و پسر پنج ساله اش است. این یک فیلم خوب است و درک اینکه چرا این فیلم اغلب نادیده گرفته می شود دشوار است، مگر اینکه عمداً به دلایل سیاسی نادیده گرفته شود. نویسنده و/یا خود ناروسه بیش از یک بار به برخی مسائل فرهنگی، سیاسی و تاریخی دست زدند که ممکن است برخی را کمی ناراحت کند. (فرار از مسئولیت افراد قدرتمند).



Profile:

Movie: The River Fuefuki
Romaji: Fuefukigawa
Director: Keisuke Kinoshita
Screenwriter: Keisuke Kinoshita (Novel: Shichirô Fukazawa)
Producer: Shôchiku Eiga
Cinematographer: Hiroyuki Kusuda
Release Date: Oct 19, 1960
Runtime: 113 min
Color: black and white
Genre: Drama Historical 16th Century 17th Century
Language: Japanese
Country: Japan
Played: Okei
Was:36

۱۹- رودخانه فوئوکیگاوا:

فیلم "رودخانه فوئوکیگاوا" به کارگردانی کیسوکو کینوشیتا محصول ۱۹۶۰ ژاپن در یکصد و سیزده دقیقه است. خانم تاکامینه در این فیلم نقش اوکئی را در سن سی و شش سالگی بازی می کند. کینوشیتا در این فیلم، برای نخستین بار چشم خود را به رویدادهای واقعی در تاریخ ژاپن دوخته است. متأسفانه، از آنجایی که هفتاد سال در دو ساعت است، حفظ هر گونه ارتباط عاطفی با شخصیت ها دشوار است، حتی با پیر شدن هیدکو تاکامینه در طول تاریخچه خانوادگی اش.

فیلم بیش از شصت سال را در طول جنگ های قبیله ای که در نهایت حل و فصل نشدند، پوشش می دهد. در قرن شانزدهم، (چیزی شبیه جنگ های رُزها در انگلستان)، توکوگاواها پس از سال ۱۶۰۰ کنترل شوگونات را در دست گرفتند. با این حال، کینوشیتا به جای تمرکز بر اشراف و سامورایی ها، داستان آن دوران را از طریق زندگی یک خانواده دهقانی که در کنار پُل فوئوکوکی، در غرب ادو و شمال کوه فوجی (در منطقه ای مورد مناقشه در آن دوران) زندگی می کنند را روایت می کند.

بر فراز پل رودخانه، ارتش ها می آیند و می روند، و مردان جوان خانواده فرار می کنند تا به آنها بپیوندند. همیشه فراموش می کنند که وقتی اقوام بزرگ ترشان همین کار را کردند، هیچ چیز خوبی حاصل شان نشد. اگر هیچ چیز دیگری نباشد، ارتش هیجان و راهی برای خارج شدن از مزرعه و امرار معاش ارائه می دهد، که همیشه برای مردان جوان در طول تاریخ جذابیت داشته است، اما در این دوره هنوز هم قابل تصوّر بود که یک فرد عادی با انجام یک عمل آشکار و شجاعت در میدان جنگ به درجه سامورایی ارتقا یابد. (همانطور که در اروپا از لحاظ نظری امکان لقب شوالیه برای یک سرباز عادی وجود داشت).

همانطور که انتظار می رود، هیچ چیز خوبی از هر یک از این گشت و گذارها بر روی پل حاصل نمی شود. مردان جوان استعداد عجیبی در انتخاب جهت اشتباه قضیه دارند. بخش مهمّ موضوع این است که آنها حتی نمی دانند طرف حقیقی کدام گروه است. جنگ ها به دلایلی بسیار بالای سرشان اتفاق می افتند و اربابان بزرگ همه نامرئی هستند و هیچ علتی وجود ندارد

که کسی بتواند آن را بفهمد. شخصیت‌ها خیلی مختصر و معمولی‌تر از آن هستند که نمادهای عمومی دهقانان باشند. این نکته کاملاً واضح است که جنگ‌ها صرفاً به نفع کسانی است که در رأس هستند، و هدف آن‌هایی که پایین‌تر هستند صرفاً جنگیدن و پایداری است. در گفتگویی کنایه آمیز و چند پهلو پسر جوان وقتی مادرش تا کامینه او را از رفتن به جنگ منع می‌کند پسر به او می‌گوید: " با غذا درست کردن برای سربازها و یا به جبهه رفتن سود بیشتری عایدت می‌شود." ...



Profile:**Movie:** The Bridge Between aka, Mother Country**Romaji:** Sanga ari**Director:** Zenzo Matsuyama**Screenwriter:** Eijiro Hisaito , Zenzo Matsuyama**Producer:** Shôchiku Eiga**Cinematographer:** Hiroyuki Kusuda (B&W)**Release Date:** April 29, 1962**Runtime:** 127 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, War**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Kishimo Inoue**Was:** 38**۲۰- سرزمین مادری:**

فیلم "سرزمین مادری" یا "میان پل" به کارگردانی زنزو ماتسویاما محصول ۱۹۶۲ ژاپن در یکصد و بیست و هفت دقیقه است. خانم تاکامینه در این فیلم در سن سی و هشت سالگی نقش کیشیمو را بازی می کند. سختی زندگی مهاجران ژاپنی در ایالات متحده آمریکا به طور خاص بعد از حمله به پرل هاربر، دستمایه ی نویسندگان ژاپنی بوده است. چه کسانی که از نزدیک آن را تجربه نکرده بودند همانند نویسنده اصلی این فیلم ایجیرو هیسایتو، و چه نویسندگان بزرگی مانند توشیو موری^{۴۶} که از نزدیک شاهد آن بوده اند.

داستان فیلم حدود بیست سال از اواخر دوران تایشو تا پایان جنگ را در بر می گیرد. در سال ۱۹۱۹، گروهی از مهاجران ژاپنی به هاوایی می رسند. در میان آنها یوشیو اینو و همسرش کیشیمو و سومی، زن جوانی (که به زودی آماده ازدواج) هستند. زمین هاوایی خاکی سرد و سخت بود و آنهایی که نمی توانستند برگردند در سکوت با مزارع نیمه گرمسیری کار می کردند. اما پس از سال ها کار سخت، یوشیو کار معلمی پیدا می کند. در حالی که همسرش موفق می شود یک خواربار فروشی کوچک باز کند. اما با نزدیک شدن به جنگ، زندگی برای مهاجران ژاپنی در یک کشور خارجی پیچیده تر می شود. ضمن اینکه تفاوت در تفکر بین والدین مهاجر و فرزندان زاده و بزرگ شده هاوایی نیز مساله دیگر فیلم است. البته وابستگی به سرزمینی که هر کدام در آن متولد شده اند طبیعی است.

فیلم با صحنه کشتی حامل افرادی که از ژاپن به هاوایی مهاجرت می کنند شروع می شود. هیدکو تاکامینه می گوید: «بیا ما هم خاک، هاوایی شویم.» با این حال، وقتی دو پسر به عنوان شهروند هاوایی به دنیا آمدند و بزرگ شدند و هرگز به ژاپن نرفتند. (تنها پسر بزرگتر همراه جسد پدرش) تنها پیکر شوهرش به ژاپن بازگردانده شد، اما در آن زمان، جنگ جهانی دوم آغاز می شود. سخت است فیلمی پیدا کرد که پرل هاربر را نه از چشم آمریکایی ها بلکه از نگاه مهاجران ژاپنی به هاوایی و نسل

⁴⁶ Toshio Mori

دوم آنها ببینید. این دیدگاه چه در زمان خود و حتی امروز دیدگاه تامل برانگیزی است. دو پسر هیدکو تاکامیه در موقعیت‌های مختلف جان خود را از دست می‌دهند، برادر بزرگ‌ترشان به‌عنوان یک آمریکایی در هاوایی در جنگ شرکت می‌کند و در ایتالیا می‌میرد، و برادر کوچک‌ترش پس از بازداشت به‌عنوان «بیگانه دشمن» در ژاپن می‌میرد. این یک تراژدی است. شاید یادداشت خودکشی پسر بزرگ «من برای انسان‌ها می‌جنگم، نه برای ژاپن یا آمریکا» موضوع اصلی این فیلم بود. زندگی مادر و فرزندى که در سرما زجر می‌کشند ادامه یافت، اما مینگ پسر بزرگ‌تر نیز مُرد. و جنگ تمام شد. طولی نکشید که ایچیرو، که در پایان جنگ در ژاپن مستقر شده بود، خبر مرگ هارو را نیز به او داد. سوگواری از دست دادن دو پسرش بی‌اندازه بود. کینو با خاک آرامگاه مینگ به هاوایی بازگشت...



Profile:**Movie:** Horse**Romaji:** Uma**Director:** Kajirô Yamamoto**Screenwriter:** Akira Kurosawa(uncredited), Kajirô Yamamoto**Producer:** Toho**Release Date:** March 11, 1941**Runtime:** 129 min**Color:** black andwhite**Genre:** Drama, Horses, war**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Ine Onoda**Was:** 17**۲۱-اسب:**

فیلم "اسب" به کارگردانی کاجیرو یاماموتو محصول ۱۹۴۱ ژاپن در یکصد و بیست و نه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن شانزده سالگی نقش اینه را بازی می کند. ظاهرا با همکاری آکیرا کوروساوا و آخرین کار او به عنوان دستیار کارگردان است. اثری نیمه مستند است که فیلمبرداری آن سه سال به طول انجامید.



دختر جوانی به نام اینه از یک خانواده روستایی فقیر چیزی جز داشتن یک اسب نمی خواهد. خانواده او به زودی یک مادیان آبستن را می گیرند که برای نگهداری از آن در زمستان قرارداد بسته اند. مشکلات مالی خانواده را به سمت لبه تباهی سوق می دهد و نه آنها و نه اسب چیز زیادی برای خوردن ندارند. اسب بسیار بیمار می شود و دامپزشک تشخیص می دهد که فقط

علف آن را نجات می دهد. اینه مایلها را از میان برفها تا چشمه‌ای آب گرم پیاده‌روی می کند که در آن علفها در تمام طول سال رشد می کنند و جان اسب را نجات می دهند. آن چشمه یک اسب را به دنیا می آورد و به نظر می رسد اینه بالاخره اسبش را خواهد داشت.

رد پای جنگ از زبان وزیر توجو در ابتدا شنیده می شود و حراج جلسه انتخاب اسب جنگی است. هنگامی که اسب بزرگ می شود، دولت دستور می دهد آن را به حراج گذاشته و به ارتش بفروشند، زیرا صورت حساب های پرداخت نشده خانواده را مجبور می کند که آن را بفروشد. اینه برای پس انداز کردن اسبش در یک کارخانه کار می کند. در روز حراج، اسب فروخته می شود. ضمن نشان دادن فداکاری زن جوان در زمان جنگ (یک فیلم ملی)، ناراحتی از چنین تصمیمی به نوعی ضد جنگ بودن فیلم را نشان می دهد.

Profile:

Movie: Chocolate and Soldiers

Romaji: Chokorēto to Heitai

Director: Takeshi Sato

Screenwriter: Akiko Ishikawa, Masaru Kobayashi, Noriko Suzuki

Producer: Teppei Himuro

Cinematographer: Kyoji Yoshino

Release Date: November 30, 1938

Runtime: 74 min

Color: black and white

Genre: Drama, War

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Shigeko

Was: 14

۲۲- شکلات و سربازان:

فیلم "شکلات و سربازان" به کارگردانی ساتو تاکشی محصول سال ۱۹۳۸ ژاپن در هفتاد و چهار دقیقه است. احتمالاً این فیلم اقتباسی از نمایشنامه "بازوها و مرد"^{۴۷} از جورج برنارد شاو است که ۱۹۰۸ یک آپترا ضد جنگ از آن اقتباس شده است. اگر چه این فیلم تلاش شد در خدمت سیاست ملی قرار بگیرد، اما جنبه های انسانی آن قابل چشم پوشی نیست.



⁴⁷. Arms and the man 1908

این فیلم داستان سرباز معمولی ژاپنی را به عنوان یک فرد و به عنوان عضو یک خانواده نشان می دهد. حتی سربازان چینی دشمن را به عنوان افراد شجاع به تصویر می کشد. این یک فیلم "اومانستی" در نظر گرفته می شود که به احساسات انسانی سرباز و خانواده اش بسیار توجه دارد. پدری سخت کوش برگه قرمز دریافت می کند، و به جبهه اعزام می شود. او با نوشتن نامه به خانه، با خانواده اش در تماس است. این نامه ها شامل بسته بندی شکلات است که از همزمانش جمع شده است. پسرش در حال جمع آوری لفافه ها برای خرید یک جعبه شکلات رایگان است. این مرد داوطلب مامور یک عمل شجاعانه می شود و به جوخه انتحاری می پیوندد. قبل از رفتن او، نان و یک فنجان را که پسرش به او هدیه داده است، می نوشد و (همانطور که در فیلم های دیگر "انسان گرایانه" اتفاق می افتد) لبخند می زند تا نشان دهد قصد دارد با همزمانش بمیرد. پسر همزمان با رسیدن شکلات های رایگان خبر درگذشت پدرش را دریافت می کند. او قسم می خورد انتقام بگیرد؛ شرکت شکلات به او بورسیه می دهد. این فیلم در کنار فیلم هایی مانند "گل و سربازان" و "افسانه فرمانده تانک نیشیزومی"، ارتشی نجیب، مطیع و شریف ژاپن را که برای دفاع از امپراطور و ژاپن می جنگد" نشان می دهد. همزمان انسانیت سربازان را به تصویر می کشد.

Profile:**Movie:** Could I but Live, I Am a Grain of Barley, But**Romaji:** Ware hitotsubu no mugi naredo**Director:** Zenzo Matsuyama**Screenwriter:** Zenzo Matsuyama**Production:** Toho**Release Date:** August 18, 1964**Runtime:** 108 min**Color:** black and white**Music:** Masaro Sato**Genre:** Medical, Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Mistress, Rinko Wife**Age:** 40**۲۳- می توانم زندگی کنم، اما:**

فیلم "می توانم، زندگی کنم اما" یا "من یک دانه جو هستم، اما"، به کارگردانی و نویسندگی زنزو ماتسویاما محصول ۱۹۶۴ ژاپن در یکصد و هشت دقیقه است. خانم تاکامیه در سن چهل سالگی نقش همسر رینکو را بازی می کند.

فیلم اثری است که بوروکراتی را به تصویر می کشد که وسواس زیادی برای ریشه کن کردن فلج اطفال کودکان از یک تماس تلفنی اشتباه دارد. موضوع بسیار سنگین است. در واقع، بسیاری از مردم ممکن است در دوران مدرن به اهمیت این موضوع نرسند. اما اتفاقات ناخوشایندی در کشور ژاپن افتاد. آزمایش انسان برای تایید واکسن های زنده ضروری است، که آخرین راه حل برای این وضعیت است. بخش های گمدی در فیلم گنجانده شده و البته صحنه ای از بازدید از مرکز فلج اطفال در پایان فیلم نیز وجود دارد. (فیلم را با فضای آن روزگار باید دید. اگر چه در زمان کوید ۱۹ نیز شرایط به نسبت مشابهی وجود داشت).

یک روز، ماسایوشی ساکاتا، یکی از مقامات وزارت کشاورزی تماس تلفنی از زنی دریافت می کند که به طور غیرعادی هیجان زده بود و فریاد می زد. این یک تماس اشتباه بود که به شوهرم بگویم فرزندم فلج اطفال دارد. چند روز بعد، ساکاتا اخبار مربوط به فاجعه یک بیمار فلج اطفال را از تلویزیون تماشا کرد و صدای غم انگیز پشت تلفن را به وضوح به یاد می آورد. از آن زمان، ریشه کن کردن فلج اطفال به آرزوی دیرینه ساکاتا تبدیل شده بود. یک روز، معشوقه ساکاتا، (یومی) میزبان بار، کوماگای، گزارشگر تلویزیون آسیایی را معرفی کرد که تراژدی تعداد زیادی از بیماران فلج اطفال در هوکایدو را پوشش بدهد. ساکاتا از کوماگای شنیده بود که یک واکسن زنده توسط دکتر سابقین از اتحاد جماهیر شوروی به عنوان داروی پیشگیری کننده برای فلج اطفال ساخته شده است، و بلافاصله نزد پروفیسور هیراثوکا، یکی از مقامات فلج اطفال، رفت تا ایمنی آن را تایید کند. با این حال، پروفیسور هیراثوکا قدرت حمایت مطلق از ایمنی آن را نداشت. ساکاتا به طرز ناامیدانه ای اطلاعات مربوط به فلج اطفال را جمع آوری می کرد. با انجام این کار، ساکاتا متقاعد شد که چیزی جز یک واکسن زنده برای جلوگیری از فلج اطفال وجود ندارد. با این حال، برای استفاده از آن، آزمایشات انسانی برای اطمینان از ایمنی آن مورد نیاز است. ساکاتا

با همکاری پروفیسور هیرائوکا و کوماگای تصمیم گرفت تا داده های لازم برای آزمایش انسان را ایجاد کند. گاهی اوقات، فلج اطفال با سرعت بیش از حد گسترش می یابد، افکار عمومی برافروخته می شود، و آزمایش های بیولوژیکی انجام می شود. با این حال، توموکو نموتو، یک پزشک زن که یک برادر شوهر مبتلا به فلج اطفال دارد، از مصرف داروهایی که نمی توان ایمنی آنها را تضمین کند، امتناع می ورزد. با این حال، رینکو نیز قبل از متقاعد کردن ساکاتا آمده است: "چاره ای جز قربانی کردن یک نفر برای کمک به نود و نه نفر نیست." آزمایش انسانی موفقیت آمیز بود. وزیر بهداشت و رفاه حجم زیادی واکسن زنده وارد کرد و تصمیم به تزریق واکسن زنده گرفت. با این حال، در آن زمان ساکاتا دوران سختی گذراند، از یومی جدا شد و توکیو را ترک کرد.



Profile:

Movie: Dr. Hanaoka's wife, The wife of Seishu Hanaoka

Romaji: Hanaoka Seishu no tsuma

Director: Yasuzô Masumura

Screenwriter: Kaneto Shindô

Producer: Daiei Eiga

Cinematographer: Setsuo Kobayashi

Release Date: 1967

Runtime: 100 min

Color: black and white

Genre: Drama, Medical, Biography

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Otsugi, Umpei's mother

Was: 43

۲۴- زنِ دکتر سیشو هانائوکا:

فیلم "زنِ دکتر هانائوکا" به کارگردانی یاسوزو ماسومورا محصول ۱۹۶۷ ژاپن در یکصد دقیقه، شرح زندگی واقعی یک پزشک ژاپنی است. خانم تاکامینه در این فیلم چهل و سه سال دارد و با نام اوتسوگی در نقش مادر سیشو بازی می کند. این فیلم توسط کانتو شیندو از یک رُمان محبوب اقتباس شده است، و نسبت به همکاری‌های قبلی با واکائو ماسومورا، فیلمی بسیار محدودتر است. احساسات و خشم بیشتر به شیوه جوسی-ایگا^{۴۸} دهه پنجاه نشان داده می‌شوند، اما ناگفته نماند که با زبان عاطفی آشکاری که در اوایل دهه شصت وارد فیلم‌های زنان ژاپنی شده بود.

سیشو هانائوکا اولین فردی بود که یک بیهوشی عمومی کارآمد ساخت که به او اجازه انجام عمل‌های جدی را می داد. اما از آنجایی که او این کار را در سال ۱۸۰۴ ژاپن انجام داد، در بقیه جهان شناخته نشده بود، جایی که اولین بیهوشی عمومی مدت‌ها اعتبار داشت. بسیار زودتر از یک پزشک آمریکایی در دهه ۱۸۴۰ بود. به این ترتیب، ممکن است انتظار داشته باشیم که فیلمی "درباره هانائوکا" زندگی‌نامه‌ای از دکتری باشد که بر شانس‌های طولانی و حتی مخالفت‌های عمومی غلبه می‌کند، مانند داستان لویی پاستور یا گلوله جادویی دکتر ارلیش. در عوض، همانطور که از عنوان پیداست، داستان همسرش، یا به طور دقیق تر، داستان رقابت همسرش و مادرش برای محبت او را داریم. مسلماً این به ما دقیق ترین و پیچیده ترین تصویر را در فیلم از موقعیت همسر و مادر در ساختار خانواده سنتی ژاپنی می دهد.

کای (با بازی واکائو^{۴۹}) دختری که مدت‌هاست که اوتسوگی (هیدکو تاکامینه) را از راه دور تحسین می‌کند، زیرا زیبایی، ظرافت‌اش، و تجسم زنانگی کاملش را نشان می‌دهد. او از اینکه به او می‌گویند با سیشو، پسر تاکامینه ازدواج خواهد کرد

⁴⁸ Josei-eiga

⁴⁹ . واکائو با کارگردانی ماسومورا، بیست فیلم عجیب و غریب ساخت، که مطمئناً یکی از پایدارترین و پربارترین همکاری‌ها در تاریخ سینماست.

بسیار هیجان زده است. زیرا به این معنی است که او برای اوتسوگی دختر خواهد شد. در سرتاسر جهان غیرعادی نیست که همسر پسر، دختر و/یا خدمتکار مادرش شود، اما به ندرت می‌بینیم که این رابطه آنقدر واضح به تصویر کشیده شود که در مراسم عروسی کای، زمانی که سیشو حتی آنجا نیست و در شهر دیگری است، کنار مادر شوهرش می‌خوابد. کای آشکارا با مادرشوهرش به جای پسرش ازدواج می‌کند، و برای مدتی بیشتر شیفته اوتسوگی است تا سیشو. اگر چه در نقدها، به میل برای لزبین اشاره شده است، اما این آرزوها در سطح اشتیاق باقی می‌مانند. به نظر شدت سطح دخالت در زندگی زن و شوهر های جوان در زندگی سنتی ژاپن را نشان می‌دهد. (خود تاکامینه رابطه ی خوبی با مادرشوهرش نداشت) البته اوتسوگی در خلوت خانه اش همان چیزی نیست که کای در انظار عمومی دیده بود. او نه تنها یک کمال گرا، بلکه یک مادر حسود، مادرشوهر خبیث است. به همین دلیل رابطه بین این دو زن به زودی بسیار متشنج می‌شود، اما به شیوه‌ای آرام و کم بیان که از زنان ژاپنی مناسب و خوب انتظار داریم، نمایش داده می‌شود.

خود دکتر هانائوکا ظاهراً از این رقابت غافل است، بنابراین کاملاً روی کار خود متمرکز است. کار او به آزمایش زیادی نیاز دارد، که فیلم هم آن را نمایش می‌دهد. سوژه معمول او گربه است، بنابراین تماشای این قسمت از فیلم لزوماً برای گربه‌دوستان به‌طور خاص و دوستداران حیوانات (به‌طور کلی) لذت‌بخش نیست. در نهایت او فکر می‌کند که فرمول موفقیت‌آمیزی دارد، اما باید قبل از انجام عمل جراحی روی یک بیمار واقعی، آن را روی انسان آزمایش کند. مادر و همسر به رقبای بازتری تبدیل می‌شوند تا برای او فداکاری کنند، رقابتی که اوتسوگی در نهایت برنده می‌شود، با نتایج مخرب، زیرا اولین دوز بسیار قوی است و عوارض جانبی جدی دارد. اما فیلم تمام نشده است و رقابت برای عشق او تا زمان مرگ مادر شوهرش ادامه دارد.

در نهایت اینکه این فیلم بینش دقیقی از روابط سنتی خانوادگی و همچنین جشن تاریخی یک قهرمان ژاپنی ناشناخته ارائه می‌کند. این فیلم پیچیدگی بیشتری نسبت به بیوگرافی معمولی دارد.



Profile:**Movie:** Daughters, Wives and a Mother**Romaji:** Musume tsuma haha**Director:** Mikio Naruse**Screenwriter:** Toshirô Ide, Zenzo Matsuyama**Producer:** Toho**Cinematographer:** Jun Yasumoto**Release Date:** May 21, 1960**Runtime:** 123 min**Color:** color**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Sakanishi Kazuko, Shingo's wife**Was:** 36**۲۵- دختران، همسران و یک مادر:**

فیلم "دختران، همسران و مادر"، به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۶۰ ژاپن در یکصد و بیست و سه دقیقه است. خانم تاکامینه نقش عروس خانه (ساکانیشی) را در سین سی و شش سالگی بازی می کند. نبود حرف ربط در عنوان که معمولاً با "او" نشان داده می شود، خلاصه‌ای از نقش‌ها و نه جدایی آنها از یکدیگر است.

این فیلم نگاهی به یک خانواده ی نه مرفه اما به دور از فقر است. دقیقاً در نقطه‌ای که تنها یک اشتباه مالی می‌تواند همه چیز را نابود کند. پدر فوت شده ی یک خانه و مقداری زمین در حاشیه توکیو برای خانواده گذاشته است و به نظر می رسد فرزندان در ژاپن جدید ساکن شده و در آن پیشرفت کرده اند. پسر بزرگ ازدواج کرده است. او یک پسر دارد و یک حقوق بگیر متوسط است. دختر بزرگتر سنائه (ستسوکو هارا) با خانواده ای ثروتمند ازدواج کرده است. دختر وسطی کائورو ازدواج کرده و با شوهر حقوق بگیر و مادرش زندگی می کند. پسر کوچکتر ریچی عکاس و متاهل است، در حالی که دختر کوچکتر، اگرچه هنوز در خانه زندگی می کند، یک مدل/بازیگر بالقوه است.

همانطور که از عنوان مشخص است، این فیلم در واقع بررسی نقش زنان در جامعه ژاپن است. حتی زمانی که جامعه غربی تر می‌شود، مواضع سنتی همچنان قوی است. این را همسر موری (هیدکو تاکامینه) به بهترین شکل نشان می‌دهد، که به عنوان همسر پسر بزرگ، زنی است که در واقع با مادر خانواده زندگی می‌کند. او را مادر صدا می‌زند، کارهای خانه و آشپزی را انجام می‌دهد، با این حال از حضور (تصمیم گیری) در این خانواده کنار گذاشته شده است. جلسات خانوادگی برای مقابله با دو بحران برای خانواده است. بحران شماره یک زمانی اتفاق می‌افتد که هارا به خانه باز می‌گردد، ظاهراً برای دیدار کوتاه، اما قصد طلاق پس از پانزده سال ازدواج را دارد. در آنجا شوهرش در یک تصادف جاده ای جان خود را از دست می دهد و از آنجایی که فرزندی ندارد، توسط خانواده شوهرش به خانواده قدیمی اش بازگردانده می شود. مشکل فوری این است: آیا می توانیم در سن سی و شش سالگی برای او شوهر جدیدی پیدا کنیم؟ او در واقع دو گزینه را پیدا می کند. یکی یک استاد چای بیوه از

کیوتو است که توسط یک دوست خانوادگی به روش سنتی معرفی شده است. دیگری تاتسویا است که به طور قابل توجهی جوان‌تر است، که صاحب چند تاکستان است جایی را تامین می کند که ریجی عکس‌های تبلیغاتی آن را انجام می‌دهد و در نگاه اول خجالتی است و عاشق او می‌شود.

بحران شماره دو، برای کل خانواده فاجعه آمیز است. موری که برای بقیه اعضای خانواده ناشناس است، ملکی را رهن کرده است تا به عموی ناتنی تاکامینه وام تجاری بدهد. او برای محافظت از وام خود که در سر رسید قابل بازپرداخت نیست، هارا را متقاعد می کند که نیمی از پول خود را به او بدهد تا دوباره به او وام بدهد تا به عمویش برای حل بحران کمک کند. عمو ورشکست می شود و ناپدید می شود، اما وام مسکن هنوز باید بازپرداخت شود. این امر مستلزم فروش خانه است که پس از آن دیگر چیزی برای جدا شدن خانواده باقی نمی ماند. هر کدام باید راه های جداگانه خود را بروند، با این سؤال بزرگ که: چه اتفاقی برای مادر می افتد؟

این موضوع در مورد کائورو نیز به وجود می آید. شوهر او کاملاً تحت نظر مادرش، هاروکو سوگیمورا، همیشه قابل اعتماد است. او خسیسی است که با لبخند همه چیز را کنترل می کند، اما او یک پسر وابسته واقعی به مادرش است. خواهر مقداری بیشتر از پول هارا را برای یک آپارتمان قرض می‌کند تا این زوج بالاخره بتوانند با هم تنها بمانند، اما مادرش به چیزی که او آن را پناهگاه می‌گوید فرار می‌کند، در واقع یک خانه سالمندان در اصطلاح مدرن. وقتی متوجه می‌شود که می‌خواهند هزینه اتاق و ... را از او بگیرند، تصمیم می‌گیرد به خانه بازگردد، اما وانمود می‌کند که این فقط به این دلیل است که پسرش قول داده هرگز او را ترک نکند. (آنچه برای پول هارا اتفاق می افتد یکی دیگر از این نکات است که هرگز توضیح داده نشد. شاید مهم نباشد!)

همه چیز کمرنگ است، البته، حتی جلسه خانوادگی که تمام اشتباهات مالی موری آشکار می شود. همه خونسردی خود را حفظ می کنند، حتی دو خواهر و برادر کوچک که "مدرن ترین" هستند. هارا و مادر البته با فروتنی همه چیز را می پذیرند، زیرا برادر بزرگتر سرپرست خانواده است. مهم نیست که لباس چقدر غربی باشد (فقط هارا و مادر کیمونو می پوشند)، ساختار سنتی خانواده همچنان یک قانون است.

این فیلم تقریباً وارد قلمرو جدیدی برای ستسوکو هارا می شود. در بیشتر موارد، او دختر اوزو است که در یک ازدواج ترتیب داده شده بدون هیچ وابستگی عاطفی خاصی به شوهری که هرگز نمی بینیم زندگی می کند. هنگامی که او به خانه خانواده اش بازگشت، او دختری همیشه خندان، مطیع و فداکار است که برای نگهداری آن هزینه زیادی می پردازد و در نهایت با ازدواج مجدد موافقت می کند زیرا مرد نیز پذیرفته است که مادرش را بپذیرد. اما در این بین ملاقات هایی با ناکادای وجود دارد که برای دیدن او سفرهای ویژه ای به توکیو انجام می دهد. پس از یک شام با رقص، آنها به آپارتمان ریجی می روند. او آنجا نیست، اما ناکادای یک کلید دارد و او را دعوت می کند. به طرز شگفت انگیزی، او می رود. همانطور که در فیلم‌های دیگر آن زمان دیده‌ایم، توافق برای رفتن با هم به یک آپارتمان غریب یا مسافرخانه یک توافق ضمنی برای رابطه جنسی است. همه اینها با تهیته چای و ... به تعویق می افتد، اما در نهایت آنها همدیگر را می بوسند. آنها حرکات یک بوسه را انجام می دهند، در حالی که سر ناکادای تمام تماس های ممکن را با دوربین مسدود می کند، اما واضح است که هارا می خواهد بوسه را برگرداند. هر گونه پیشرفت بیشتر با تماس تلفنی ریجی که می گوید در راه است قطع می شود، بنابراین ناکادای فقط به خانه او می رود. در پایان ناامید می‌شوند و اتفاقی نمی‌افتد.

آنکه بیش از همه جایگاه ناخوشایندی دارد و حتی نمی تواند مادر شوهرش را نزد خودش نگه دارد تا کامینه است. او در جلسات خانوادگی حق اظهار نظر ندارد، اما در خانه سخت کار می کند. زمانی که به خود جرات بیان درخواستی دارد، ستسکو هارا او را ناامید می کند...



Profile:**Movie:** Immortal Love, Bitter Spirit**Romaji:** Eien no hito**Director:** Keisuke Kinoshita**Screenwriter:** Keisuke Kinoshita**Producer:** Shôchiku Eiga**Cinematographer:** Hiroyuki Kusuda (B&W)**Release Date:** Sep 16, 1961**Runtime:** 103 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, Romance, war, forced marriage (Description)**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Sadako**Was:** 37**۲۶- عشق جاودانه:**

فیلم "عشق جاودانه" یا "عشق ابدی"، با نام مستعار "روح تلخ"^{۵۰} به کارگردانی کیسوکه کینوشیتا محصول ۱۹۶۱ ژاپن در یکصد و سه دقیقه است. خانم تاکامینه در این فیلم نقش ساداکو را در سن سی و هفت سالگی بازی می کند. در یک بازه زمانی سی ساله، این فیلم داستان ساداکو را روایت می کند که تحت فشار قرار می گیرد تا با هیبی، پسر جانباز جنگ و فلج صاحبخانه ازدواج کند. اگرچه او عاشق تاکاشی، مرد جوان و تُوهی دستی از همان روستا است. تاکاشی بعداً با توموکو ازدواج می کند، اما نه او و نه ساداکو نمی توانند محبت و عشق متقابل گذشته خود را فراموش کنند. شاید دلیل عنوان فیلم این موضوع باشد، یا اساساً یک عنوان فریبنده است، زیرا فیلمی درباره ازدواج بدون عشق است. عنوان بهتر ممکن است «نفرت جاودانه» باشد.

این فیلم که در پنج فصل روایت می شود، در سال ۱۹۳۲ آغاز می شود، زمانی که ناکادای از جنگ منچوری برای همیشه فلج شده بازمی گردد. او که پسر صاحبخانه محل است، ساداکو را می بیند که در غیاب اش به زنی زیبا تبدیل شده است. بلافاصله عاشق او می شود (بیشتر شبیه هوس رانی است)، عادت دارد در روستای کوچک سر راهش را بگیرد. به او تجاوز می کند. ساداکو وقتی باردار می شود، سعی می کند خود را غرق کند، اما پدرش او را نجات می دهد. ناکادای حربه فشار دیگری دارد و پدرش کرایه پدر تاکامینه را افزایش می دهد تا در واقع او را با مزرعه معامله کنند. اما ساداکو نیز به نوبه خود عاشق تاکاشی است که هنوز از جنگ برنگشته است. در نهایت هیبی با استفاده از موقعیت و نفوذ پدرش، و دروغ درباره ی مرگ تاکاشی ساداکو را مجبور به ازدواج با خود می کند. ما شاهد بیش از ۲۹ سال زندگی مشترک آنها هستیم، تا اینکه تاکاشی بر می گردد. پسر اولش در نتیجه ی همان تجاوز ناکادای متولد می شود.

⁵⁰ . Bitter Spirit

در فصل دوم که از سال ۱۹۴۴ شروع می شود، زمانی است که اتووا پس از فراخواندن به ارتش در دهکده ظاهر می شود تا زندگی کند. او در نزدیکی هیروشیما مستقر است و به یک بیماری طولانی مبتلا می شود. اما حتی این ازدواج نیز آسیب دیده است، زیرا او تاوا به خوبی می داند که او هرگز بر عشق خود به تاکامینه غلبه نکرده است و زمانی که ناکادای به او تجاوز می کند آسیب بیشتری می بیند.

فصل سوم در سال ۱۹۴۹ است، زمانی که سادا بدون اتووا به مزرعه خانوادگی خود بازگشته است، جایی که پسرش با فرزندان بعدی تاکامینه دوست می شود، ساداکو نه به او و نه پسرش نمی تواند علاقه ای داشته باشد، تا حدی که پسرش اقدام به خودکشی در همان جایی می کند که سالها پیش ساداکو در آن قصد گشتن خودش را داشت. او دیگر نمی توانست طبیعت فلاکت بار زندگی خانوادگی شان را تحمل کند، به همین دلیل خود را در همان جریان آب (که تاکامینه هنگام باردار بودنش به او قصد خودکشی داشت) می کشد.



فصل چهارم مربوط به سال ۱۹۶۰ است و به ملاقات پسر باقی مانده در کالج و اکنون فراری از پلیس به دلیل فعالیت های کمونیستی و شرکت در اعتراضات/شورش ها علیه معاهده آمریکا می پردازد. فصل پنجم نیز ما را به سال ۱۹۶۱ می برد، زمانی که دختر تاکامینه با پسر سادا فرار کرده است و اکنون به همراه فرزندشان در بستر مرگ به دیدار او برمی گردد. هسته اصلی این فصل کالبد شکافی طولانی ازدواج آنها توسط تاکامینه و ناکادای است که با آرام ترین لحن ژاپنی اما با این وجود اعمال وحشیانه انجام شده است.

جزئیات داستان نشان می دهد که چگونه وضعیت خانوادگی تاکامینه در روستایی در مهلکه و فروپاشی با تاریخ سیاسی اخیر ژاپن همپوشانی دارد و آن را هدایت می کند. بلافاصله متوجه شویم که چگونه ناکادای، نماینده طبقه قدیمی سامورایی، نه تنها فلج شده است، بلکه حسن اخلاقی او به طور کامل به وسیله جنگ از بین رفته است، حتی از همان ابتدا که ژاپنی ها پیروز می شدند. و البته ارجاعات هیروشیما و دانشجوی کمونیست نیز پیام آشکاری دارد.

کینوشیتا بیشتر فیلم را در نزدیکی کوه آسو، تقریباً تا آنجا که می‌توانست از توکیو دور کند و در اوکیناوا نباشد، فیلم می‌گیرد. او مناظر ناآشنا به ما می‌دهد، به ویژه آبشار دراماتیکی که در آن خودکشی‌ها به صحنه می‌روند، همزمان نشان می‌دهد که جامعه تا چه حد از "مُدرن شدن" فاصله دارد. مردان لباس‌های غربی می‌پوشند و قطار می‌تواند به آن‌ها برسد، اما دنیای قرون وسطایی است که جایی برای تاکامینه ندارد. پدرش نمی‌تواند او را پس بگیرد زیرا او برای سرزمینش کاملاً به ناکادای وابسته است. تنها در سال ۱۹۶۱ است که او واقعاً توانایی تهدید دارد، اینکه می‌رود و با دختر متاهلش زندگی می‌کند.

Profile:

Movie: As a Wife, As a Woman, The Other Women, Poignant Story

Romaji: Tsuma to shite onna to shite

Director: Mikio Naruse

Screenwriter: Toshirô Ide, Zenzo Matsuyama

Producer: Toho

Cinematographer: Jun Yasumoto

Release Date: May 30, 1961

Runtime: 106 min

Color: Color

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Miho Nishigaki

Was: 37

۲۷- به عنوان یک زن...به عنوان همسر:

فیلم "به عنوان همسر..به عنوان یک زن" با نام های مستعار "زنان دیگر" و داستان تلخ "به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۶۱ ژاپن در یکصد و شش دقیقه است. خانم تاکامینه نقش میهو را در سن سی و هفت سالگی بازی می کند.



میهو، معشوقه پروفسور متاهل کیجیرو، سالها است که بار گینزا متعلق به او و همسرش آیاکو را مدیریت می کند، به این امید که روزی بتواند به عنوان قدردانی از تلاش هایش، آن را مالک شود. در عوض، آیاکو آن را برای خرید جدید رهن می کند که منجر به درگیری بین زنان می شود. کیجیرو از طرفداری او اجتناب می کند و رابطه خود را با میهو ادامه می دهد. میهو با تشویق دوستان، وکیل مینامی را استخدام می کند تا حقوق پایان کار را مطالبه کند. وقتی امید او برای برنده شدن در پرونده

از بین می رود، تصمیم می گیرد برای حضانت فرزندان کیجیرو، هیروکو و سوسومو، که فرزندان طبیعی و حقیقی او هستند، که توسط کیجیرو و آیاکو نابارور بزرگ شده اند، مبارزه کند. در آخرین رویارویی بین کیجیرو، آیاکو و میهو، بچه ها متوجه می شوند که میهو که همیشه به عنوان عمه به آنها معرفی شده بود، مادر واقعی آنهاست.

هیروکو بزرگترها را به خاطر عدم صداقتشان سرزنش می کند و از درگیر شدن در نقشه ها و برنامه های آنها امتناع می کند. مدتی بعد، هیروکو با ناامیدی از پدر و مادرش، با یکی از دوستان دانشجویی اش نقل مکان کرد. میهو که با مبلغ ناچیزی غرامت می گیرد، قصد دارد یک فروشگاه غذای خیابانی باز کند، در حالی که آیاکو در فکر طلاق است. این یک رابطه ی انسانی متراکم است، و ضعف جهان انسان ها را نشان می دهد. فضای سرد تنهایی کودکان نیز شرم آور است.

Profile:

Movie: Eyes of Children, Children's Viewpoint, Through a Children Eye

Romaji: Kodomo no me

Director: Yoshiro Kawazu

Screenwriter: Zenzo Matsuyama, Ineko Sada

Producer: Shôchiku Eiga

Cinematographer: Hiroyuki Kusuda (B&W)

Release Date: Jan 15, 1956

Runtime: 86 min

Color: black and white & color

Genre: Drama, Family

Music: Tadashi Kinoshita

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Kiyoko

Was: 31

۲۸- چشمان بچه ها:

فیلم "چشمان بچه ها" یا "دیدگاه کودکان" یا "باور کودکان" به کارگردانی یوشیرو کاوازو محصول ۱۹۵۶ ژاپن در هشتاد و شش دقیقه است. داستان فیلم از زمان اینیکو سادا اقتباس شده است. خانم تاکامینه نقش کیوکو را در سین سی و یک سالگی بازی می کند.



اسامو میتامورا، دانش آموز کلاس سوم، با پدرش در یک خانه شهری زندگی می کند. مادرش فوت کرده است و پدرش شونجی دوباره با دندانپزشک ساچیکو (میکو تاکامینه) ازدواج می کند. با این حال او تصمیم می گیرد به کلینیک دندانپزشکی والدینش کمک کند، و خواهر کوچکتر شونجی، کیوکو، از اسامو مراقبت می کند. با این حال، کیوکو ازدواج می

کند. شونجی نیز تصمیم می گیرد به ناگویا نقل مکان کند. فقط ساچیکو نمی توانست با او به ناگویا برود، بنابراین شونجی مجبور شد به تنهایی کار کند. در نهایت شونجی تصمیم می گیرد به خاطر خودش و پسرش از ساچیکو جدا شود.

Profile:**Movie:** Oh, My Son**Romaji:** Shodo satsujin: Musuko yo**Director:** Keisuke Kinoshita**Screenwriter:** Keisuke Kinoshita, Hideo sato (Story)**Producer:** Shôchiku, Tokyo Broadcasting System (TBS)**Release Date:** September 15, 1979**Runtime:** 129 min**Color:** color**Genre:** Drama, Crime**Distributor:** Shochiku**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Yukie Kawase**Age:** 55**۲۹- وای پسرم:**

فیلم "وای پسرم" یا "به خاطر پسرم" با فیلم نامه ای از کینوشیتا و ریوجی سونادا - برگرفته از داستانی بلند از هیدئو ساتو و به کارگردانی کیسوکو کینوشیتا محصول سال ۱۹۷۹ ژاپن در یکصد و بیست و نه دقیقه است. این فیلم آخرین بازی خانم تاکامینه است، و در پایان این فیلم به عنوان بازیگر بازنشسته شد. او در این فیلم پنجاه و پنج سال سن داشت و نقش یوکی، مادر قربانی یک قتل تصادفی را بازی کرد.

از آنجایی که قاتل هیچ گونه توان مالی برای جبران خسارت این خانواده را ندارد، از طرفی مجازات چنین جرمی سبک است. بنابراین پدر و مادر با تلاش و زحمت و سفر به سراسر ژاپن فشار می آورند تا قوانینی برای حمایت مالی از خانواده ی قربانیان ایجاد شود. ظاهرا این فیلم افکار عمومی را برانگیخت و به ایجاد سیستم کمک به قربانیان جرائم کمک کرد.

شوزو کاواسه، که یک کارخانه شهری در منطقه صنعتی را اداره می کند، به دلیل اثرات جوشکاری بینایی اش کم شده است. بنابراین تنها پسرش به نام تاکشی که ۲۶ سال سن دارد، قرار است در این کارخانه کار کند. یک شب، تاکشی در حالی که با یکی از دوستانش از ماهیگیری در همان حوالی به خانه می رفت، توسط یک مرد خیابانی از ناحیه شکم مورد اصابت چاقو قرار می گیرد. در حالی که آخرین نفس هایش را می کشد، در آغوش پدر یک جمله می گوید: "انتقام خون مرا بگیر.."

این حمله مرموز سر و صدای زیادی به پا کرد، اما جنایتکار توسط خانواده اش دستگیر شد. او یک پسر بود که توسط یک متهم به یاکوزا مورد حمله قرار گرفت و سعی کرد هر کسی را بکشد زیرا می توانست! پلیس با ماموران گانگستر یاکوزا تماس گرفت و از آنها سوال پرسید اما آنها مسئولیت این قتل را نپذیرفتند، زیرا می گفتند اگر می خواهند به گروه ببیوندند باید

کارهای بزرگ انجام دهند ضمن اینکه نگفتند که باید مردم را بکشند. به همین دلیل پلیس نمی توانست گانگسترها را تعقیب کند.

شوزو (پدر) که از بی دلیل بودن ماجرا، ضربه روحی شدیدی خورده بود کارخانه اش را می فروشد. ناراحتی، خواب و غذا را از او گرفت، و وقتی از جایش بلند میشد تنها سر مزار تاکشی می رفت. ماتسوزاکی، یک خبرنگار روزنامه که این پرونده را پوشش می داد، نزد شوزو آمد و گفت که محاکمه در دادگاه منطقه یوکوهاما آغاز خواهد شد. بنابراین شوزو به همراه همسر و برادرزاده اش به دادسرای ناحیه رفتند. اما وقتی متهم را دید که به دادگاه آورده شد، چاقویی که مخفی کرده بود را بیرون آورد که او را بگشود. اما توسط همسر و برادرزاده اش منع می شود.



به نظر می رسد پسر جنایتکار تحت تاثیر شرایط پیچیده محیط خانواده ی خود قرار گرفته است، به همین دلیل به سراغ باندبازان رفته و دست به جنایت زده است و از خانواده او (متهم) خبری نیست. حکم او از پنج تا ده سال زندان است. شوزو به دلیل سبک بودن حکم خشمگین می شود، اما دلیل این تصمیم این بود که متهم سن کمی دارد و با توجه به شرایط مختلف جا برای بازپروری او وجود دارد.

شوزو که احساس می کرد پسرش ناحق گشته شده است، برای مشاوره حقوقی رایگان به اداره دولتی رفت. پاسخ این بود که در سیستم فعلی ژاپن، قربانیان جنایت را می توان به دلیل همکاری با پلیس در تحقیقات و دستگیری ها یا به عنوان شاهد از طرف دادستان شهادت داد. شوزو با احساس سردی بیش از حد، فکر می کند که این قانون ممکن است اشتباه باشد. او از آن روز کتاب های تخصصی در مورد حقوق را خریداری می کند و شروع به مطالعه (خود آموز) می کند.

علاوه بر این، شوزو از خبرنگار ماتسوزاکی می شنود که شخصی وجود دارد که از روی یک کودک عبور کرده و توسط شخصی مانند پسر خودش گشته شده است و به ملاقات شخصی به نام ناکازاوا می رود. تبهکاری که به دختر ناکازاوا حمله کرده بود در بازجویی پلیس شهادت داد که او را خفه کرده و با خود چاقو برده تا کسی را بگشود. شوزو پس از شنیدن داستان ناکازاوا

احساس کرد که با پرونده پسرش وجه اشتراک دارد، اما به نظر می‌رسد ناکازاوا پسر دیگری دارد حتی اگر دخترش را از دست بدهد، بنابراین او شرایطِ بهتر از خودش دارد که تنها پسرش و فرزندش را از دست داده است. شوزو با گفتن این حرف ناکازاوا را آزار داد. اما شوزو پشیمان می‌شود و تصمیم می‌گیرد با خانواده‌های داغدار قربانیان جنایت ملاقات کند و حقایق بیشتر بداند.

او با پولی که از فروش کارخانه به دست آورده بود به سراسر کشور سفر کرد و طی سال‌ها با خانواده‌های داغدار قربانیان زیادی آشنا شد. معلوم شد که نه تنها از دست دادن خانواده‌هایشان غمگین بودند، بلکه بسیاری نیز به دلیل از دست دادن کارگران در مزیقه مالی بودند. شوزو سپس با ناکاتانی، استاد دانشگاه که در زمینه جرم‌شناسی تحصیل می‌کند، ملاقات کرد و این نظریه را شنید که دولت باید سیستمی برای جبران خسارت قربانیان جنایت و خانواده‌های داغدیده آنها ایجاد کند. با این موضوع، شوزو از خانواده‌های داغدار قربانیان جنایت دعوت به همکاری می‌کند، امضاهای حمایت جمع‌آوری می‌کند و طوماری را به مسئولین مربوطه ارائه می‌کند.

در آن زمان، شوزو دچار وخامت چشمگیری در بینایی خود شده بود. دکتر اعلام کرد که نابینایی او تنها یک مسئله‌ای است که به گذشت زمان بستگی دارد. با این وجود، شوزو در حالی که توسط همسرش همراهی می‌شد، به حرکت اش ادامه داد. او که در رسانه‌ها شهادت داد، سرانجام دولت را به اقدام در این باره مجبور کرد. با این حال، شوزو مدت کوتاهی پس از آن در همان بیمارستانی که تاکنشی مُرد، درگذشت.

Profile:

Movie: Stake Out

Romaji: Harikomi

Director: Yoshitaro Nomura

Screenwriter: Shinobu Hashimoto (Novel: Seicho Matsumoto)

Producer: Shôchiku Eiga

Cinematographer: Seiji Inoue (B&W)

Release Date: Jan 15, 1958

Runtime: 116 min

Color: black and white

Genre: Thriller, Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Sadako Yokokawa

Was: 33

۳۰- گمین:

درام-جنایی "گمین" به کارگردانی یوشیتارو نامورا محصول ۱۹۵۸ ژاپن در یکصد و شانزده دقیقه است. خانم تاکامینه در این فیلم نقش ساداکو یوکوکاوا را در سن سی و سه سالگی بازی می کند. یوشیتارو نامورا که بیشتر با ژانر جنایی شناخته شده است، از منبع مکرر الهام فیلم های خود سیچو ماتسوموتو، بهره گرفته است. کسی که وقایع نگار روشنگری از زندگی مردم عادی در جامعه پیچیده پس از جنگ بود. این فیلم نیز بار دیگر با الهام از داستان کوتاه ماتسوموتو، در ظاهر یک فیلم پلیسی است، اما نه در مورد جنایتکار فراری بلکه یک پلیس در حال فرار، که در انتخاب عروس خود مردد است.^{۵۱} زنی که دوستش دارد اما از ازدواج با او می ترسد، زیرا خانواده اش فقیر هستند. فشار برای قبول یک ازدواج هماهنگ و ترتیب داده شده با دختر بسیار خوب بر او وجود دارد. اما به سال های طولانی پشیمانی، بدبختی و تنهایی منجر شود.

فیلم، مانند بسیاری از فیلم های نومورا، با سفری آغاز می شود که دو پلیس سرکش توکیو سوار قطاری طولانی از یوکوهاما می شوند و تمام مسیر را تا استان کیوشو طی می کنند، جایی که ممکن است دنیایی دور از کلان شهر شلوغ باشد. آنها با ظاهر شدن به عنوان فروشنده موتور، اتفاقی در یک مسافرخانه محلی می گیرند که مشرف به خانه یک زن خانه دار غمگین است. ساداکو دوست دختر سابق مردی در حال فرار، ایشی است که مظنون به داشتن یک اسلحه برای کشتن صاحب یک مغازه در حین سرقت است. از پلیس جوان تر، یوکی به شدت از ساداکو ناامید است و شکایت می کند که او بزرگ تر از سن اش به نظر می رسد و در واقع کاملاً کسل کننده است، «ظاهر معمولی».

^{۵۱} . به طور کلی، فیلم های رویه ای پلیسی تنها بخش کوچکی از صنعت فیلم ژاپن را تشکیل می دهند. داستان های جنایی در روزنامه ها و کتاب فروشی ها رایج بودند، اما بیشتر این داستان ها از کائن دویل یا آگاتا کریستی پیروی می کردند، که شامل یک معمای پیچیده بود که باید توسط یک کارآگاه خصوصی باهوش حل شود. پس از جنگ، بسیاری از این فیلم ها راه خود را به پرده سینما پیدا کردند، با سریال های مهمی که شامل کارآگاه خصوصی بانای، ادوگاوا رامپو آکیچی یا کوسوکه کیندایچی می شد، فقط چند مورد را نام برد. اما خود کارآگاه پلیس اساساً روی صفحه نمایش ناشناخته بود.

همکار بزرگ‌ترش، شیموکا به او یادآوری می‌کند که بیشتر مردم کسل‌کننده و معمولی هستند، اما وقتی او را تماشا می‌کند، یوکی به نوعی نسبت به ساداگو احساس همدردی می‌کند و او را بیشتر همنوع می‌بیند تا یک مظنون. بعدها از ساداگو می‌شنویم که ازدواج او باعث شده است که هر روز احساس خستگی، بی‌هدف، و چیزی برای زندگی کردن نداشته باشد. اینکه تصمیم او برای ازدواج مانند نوعی خودکشی بوده است. "یک زن متاهل بدبخت است" یوکی از مشاهده زندگی ساداگو ابراز تاسف می‌کند. در حالی که او با جدیت سعی می‌کند بهترین کار خود را به عنوان یک زن خانه دار انجام دهد، ازدواج با یک بانکدار میانسال خسیس که حتی دَرَب برنج را قفل می‌کند، او را سرزنش می‌کند، یا اینکه چرا آتش حمام را زودتر روشن نکرد و فقط دادن صد پِن در روز برای خانه داری در حالی که او از سه فرزند ازدواج قبلی او مراقبت می‌کند. شیموکا در تلاش برای تشویق او به مسیر دُرست، اعتراف می‌کند که ازدواج پیک نیک نیست، اما بسیاری حاضرند در کنار مرد مناسب، سختی را تحمل کنند.



"مرد دُرست" یوکی را به فکر فرو می‌برد. واضح است که ساداگو به مرد مناسبی نرسیده است، به همین دلیل است که هیچ نشانه‌ای از زندگی در او نمی‌بینید. او آشکارا نمی‌خواهد به زن دیگری این احساس را بدهد، یا شاید دوست نداشته باشد مانند او در کنار زن اشتباه باقی بماند. متوجه می‌شویم که معضل او حاد است زیرا او خود را بر سر دوراهی می‌بیند که بین دو زن درگیر شده است و با انتخابی مشابه با انتخاب او روبرو می‌شود که بیشتر متوجه می‌شود که ساداگو پشیمان است. همسر شیموکا نقش واسطه را ایفا می‌کند و او را تحت فشار قرار می‌دهد تا با یک دختر بسیار خوب که خانواده اش صاحب حمام محلی است، موافقت کند. او به صراحت می‌گوید که سعی نمی‌کند او را مجبور به ازدواجی کند که او نمی‌خواهد، اما دوست دارد حتی اگر جواب منفی باشد، جواب بدهد تا همه بتوانند قدم پیش نهند. به دلایلی او آن را رد کرده است. یوکی عاشق یومیگو است، اما یومیگو قبلاً یک بار او را رد کرده است، زیرا خانواده او به شدت فقیر هستند، به طوری که آنها در شرف اخراج هستند و هر شش نفر مجبور می‌شوند به یک خانواده کوچک نقل مکان کنند. یوکی با تعمق در معضل عاشقانه‌اش، بیشتر با ساداگو همدردی می‌کند و از فرار آنها به خاطر اینکه او را در چنین موقعیت دشواری قرار داده است ناراحت می‌شود و مکرراً به سایر افسران هشدار می‌دهد که مطمئن شوند مطبوعات نام ساداگو را متوجه نشوند.

زندگی راحت برای طبقه متوسط با رسوایی بالا می‌رود. در حالی که او کاملاً بی‌تقصیر است. ایشی فراری، مرد بدی نیست بلکه متأسف و ناامید است. او برای یافتن کار به توکیو رفته، اما یکی از بسیاری از مردان جوانی شد که در اقتصاد پیچیده پس از جنگ گم شده بودند و از یک شغل معمولی با دستمزد پایین به شغل دیگری روی آوردند. اکنون که از بیماری سل غیرقابل درمان رنج می‌برد، خود را در رویای اولین عشق خود می‌بیند. آهنگ‌های ملایم آهنگ محلی معروف زادگاه^{۵۲} که بر سر این زوج می‌پیچد، در حالی که آنها در حال زاری از عشق از دست رفته در چشمه‌های آب گرم زیبا هستند در حالی که یوکی از پشت درخت نزدیک به آنها جاسوسی را ادامه می‌دهد.

هر دو از تصمیم جوانی خود برای جدایی، به شدت پشیمان هستند. شکست در مبارزه برای عشق، چیزی است که آنها را به اینجا کشانده است. به زندگی‌هایی با بدبختی ناامیدانه و درمان ناپذیر که تنها با حسرت و تنهایی پُر شده است. ساداگو زندگی کنونی خود را نوعی تنبیه می‌بیند، در نهایت تصمیم می‌گیرد شوهرش را ترک کند و با ایشی که به او گفته است برای سه سال آینده برای رانندگی بولدوزر به اوکیناوا برود فرار می‌کند، اگرچه شاید بتوانیم حدس بزنیم که او شرایط متفاوتی دارد. ایشی در ذهن خود اظهار تاسف می‌کند: «دنیا اینگونه است، همه چیز آنطور که شما می‌خواهید پیش نمی‌رود»، اما حقیقت این است که انتخاب‌هایی از قبل انجام شده است و مسیر شما به اندازه یک ریل راه آهن تنظیم شده است. ساداگو نقشه فرار را می‌کشد، اما تنها کاری که یوکی می‌تواند انجام دهد این است که او را با همدردی و کرایه‌ی قطار نزد شوهرش بفرستد و ما را نگران کند که شاید او بالاخره برنگردد. پلیس ایشی را دستگیر می‌کند و ساداگوی غمگین را پشت سر می‌گذارد. یوکی با خرید بلیط برای بازگشت خود، مکشی می‌کند تا تلگرام بفرستد. او انتخاب خود را کرده است این مانند ساداگو نیست، درسی گرفته شده است. او با ازدواج به توکیو برمی‌گردد، اما این کار را با سبکی در گام برداشتن از گذشته‌ی سفت و سخت اجتماعی به سوی آینده‌ی آزادتر انجام می‌دهد، و عشق را به عنوان یک لنگر در دنیایی که به طور فزاینده‌ای گیج‌کننده شده است، قرار می‌دهد.

بی‌حوصلگی با تنش شدید متناوب می‌شود و لایه‌های پیچیدگی به تدریج آشکار می‌شود زیرا فیلم به تأملی در مورد معنای ازدواج و زندگی یک زن خانه‌دار مُدرن تبدیل می‌شود. وقایع به کندی پیش می‌روند، اما خود فیلم خسته‌کننده نیست.

⁵². Furusato

Profile:

Movie: Happiness of Us Alone
Romaji: Na mo naku mazushiku utsukushiku
Director: Zenzo Matsuyama
Screenwriter: Zenzo Matsuyama
Producer: Tokyo Eiga Co Ltd
Cinematographer: Masao Tamai (B&W)
Release Date: Jan 15, 1961
Runtime: 128 min
Color: black and white
Genre: Drama Deafness Family Relationships
Music: Hikaro Hayashi
Language: Japanese
Country: Japan
Played: Akiko Katayama
Was: 36

۳۱- خوشبختی تنهای ما:

فیلم "خوشبختی تنهای ما" یا "بی نام، فقیر و زیبا" به کارگردانی زنزو ماتسویاما محصول ۱۹۶۱ ژاپن در یکصد و بیست و هشت دقیقه است. خانم تاکامینه در این فیلم نقش آکیکو را در سن سی و هشت سالگی بازی می کند. فیلم بر اساس داستانی واقعی از دوران سخت پس از پایان جنگ جهانی دوم ساخته شده است.

این فیلم احتمالاً نخستین فیلم ژاپنی است که به طور جدی به افراد دارای معلولیت می پردازد. داستان آن یکی از بهترین بررسی های تاریخ ژاپن پس از جنگ است که توسط زوج «متوسط» دیده می شود. در این مورد، این زوج هر دو ناشنوا هستند، اما داستان آنها انعکاس زندگی بسیاری از خانواده هایی است که ما در بسیاری از فیلم های دیگر دیده ایم، با تفاوت در مقیاس زمانی، که از سال ۱۹۴۵ شروع می شود و بمب افکن های آمریکایی از بالای سرشان می گذرد و در سال ۱۹۶۱ به پایان می رسد.

آکیکو، همسر جوانی است که اولین بار او را می بینیم که در حال جستجوی پناه در برابر بمبها و گرفتن فرزندی است که مادرش گشته شده است. شوهرش با بیماری مالاریا از جنگ برمی گردد و خیلی زود می میرد و خانواده ی او کودک را پشت سر او به پلیس تحویل می دهند. آکیکو به دلیل آسیب عصبی که در سه سالگی متحمل شد، ناشنوا است، اما در مدرسه ای برای کر و لال ها تحصیل کرد. او در یک ملاقات مجدد با کاتایاما دیدار می کند که از بدو تولد کاملاً کر و لال است اما آنها می توانند از طریق زبان اشاره ای که هر دو در مدرسه یاد گرفته اند ارتباط برقرار کنند. او می ترسد که دو ناشنوا نتوانند به تنهایی زنده بمانند، اما سرانجام او را متقاعد می کند که با او ازدواج کند و با هم سعی می کنند در فقر و سردرگمی سال های اشغال زندگی کنند. اما کودک آنها وقتی می میرد که یک سارق در حالی که آنها خواب هستند وارد می شود و کودک به داخل برف می خزد و در آنجا می میرد زیرا هیچ کدام صدای گریه او را نمی شنوند. وقتی کارخانه می سوزد و وقتشان را در

خیابان ها می گذرانند، شوهر کارش را از دست می دهد. او در نهایت شغلی پیدا می کند که با ماشین های چاپ کار کند، جایی که ناشنوایی او یک مزیت است، در حالی که او با یک فرزند جدید دست و پنجه نرم می کند. مادرش گرانبهاترین سنجاق خود را برای خرید چرخ خیاطی می فروشد و آکیکو اکنون این فرصت را دارد که از طریق کمیسیون به عنوان یک خیاط محلی به خانواده کمک کند.



هنگامی که مادر آکیکو به خانه ی آنها می رود، سیستمی را برای او ایجاد می کند تا هنگام گریه کودک آنها را بیدار کند، به نظر می رسد که آنها مشکلی بیش از همسایه های "عادی" ندارند. همه فقیر هستند، همه همیشه کار می کنند. هر دو می توانند بخوانند و بنویسند. از آنجایی که او در حدود سه سالگی ناشنوا شد، آکیکو می تواند به اندازه کافی صحبت کند تا بتواند از پس بچه بربیاید، اگرچه او حروف بی صدا زیادی را از دست داده است. بنابراین صحبت او کودکانه و واژگان او بسیار محدود است. با این حال، اگر مردم آهسته صحبت کنند، او می تواند با افراد غیر ناشنوا با لب خوانی ارتباط برقرار کند، بنابراین آنها مطرود نیستند. مشکلات اجتماعی واقعی زمانی شروع می شود که پسرشان مدرسه را شروع می کند. او هر روز دعوا می کند زیرا پسران دیگر پدر و مادرش را مسخره می کنند. با بزرگتر شدن، از آنها خجالت می کشد و غیرقابل کنترل به نظر می رسد. سپس از چند سال می گذریم و متوجه می شویم که وقتی او به پایان مدرسه ابتدایی نزدیک می شود، این عصبانیت بر علیه افرادی تبدیل شده است که سعی می کنند حقوق کمتری به آنها بپردازند یا هزینه بیش از حد از آنها دریافت کنند، زیرا آنها واقعاً نمی توانند بحث و جدل کنند، حتی باعث شرمساری خیاط و افزایش کمیسیون های مادرش می شود. این در حالی است که محبت او به پدر و مادر افزایش یافته است.

طبیعتاً اکثر صحنه های این زوج به زبان اشاره انجام می شود، و ما و تماشاگران ژاپنی را در یک موقعیت قرار می دهند، زیرا هر دوی ما باید زیرنویس را بخوانیم. البته این به قدرت بزرگ تاکامینه و آن چشم های رسا، در انتقال مفهوم کمک می کند. اما او

فیلم را با کیجو کوبایاشی ارائه می دهد، شخصیت هر مرد ژاپنی آن دوره، که می داند چگونه از چهره اش برای دوربین استفاده کند. صحنه های فوق العاده ای در کنار هم وجود دارد، مانند زمانی که آنها «اولین قرار» خود را به یاد می آورند تا گیج شدن پسر و مادرشان یا صحنه ای واقعاً تکان دهنده در حالی که از واکنش های راه آهن مختلف با یکدیگر صحبت می کنند در حالی که او تلاش می کند او را متقاعد کند که به خانه بازگردد. زمانی که به پایان احساسی می رسیم که امیدوار بودیم راهی برای اجتناب از آن بیابند.

فیلم سنگین نیست و لحظات کمدی سبکی برای جبران سختی های این زوج دارد. هنگامی که یک سرباز آمریکایی ناآگاهانه به او پول کمتری برای واکس چکمه هایش می دهد، کاتایاما او را تا پایگاه تعقیب می کند، جایی که بعداً او را در محاصره ی هفتاد دو جفت چکمه براق می بینیم. مانند بسیاری از فیلم های ژاپنی، خانواده همیشه راهی برای گذران زندگی پیدا می کنند. تا اینکه برادر ناگهان ظاهر می شود، مدتی با آنها زندگی می کند. سپس از کاتایاما پول قرض می گیرد و ناپدید می شود. اما بعداً دوباره بر می گردد تا چرخ خیاطی گرانبهای آکیکو را بدزدد. خواهر آکیکو نیز به توکیو رفته و مسیر فاحشگی را به سوی رفاه در پیش گرفته است. وقتی آخرین بار او را دیدیم، او در یک آپارتمان مدرن است، معشوقه یک مرد چینی که می خواهد او را به هُنک کنگ ببرد و فقط می تواند خانواده اش را افرادی تصور کند که ممکن است از او پول بخواهند. مهم نیست که چه سختی هایی ممکن است وجود داشته باشد، کارگردان ها به دو اصل ثابت فیلم های ژاپنی متوسل می شوند: شادی واقعی در خانواده پیدا می شود، مهم نیست چقدر فقیر هستید، و پاسخ هر مشکل جدیدی سخت تر کار کردن است.

این زوج در فقر و ویرانی شهرشان در تلاش برای ساختن زندگی ثابت هستند، اما نه احساساتی می شوند و نه بهانه ای می آورند. البته کنایه های سنگینی به دو طرف جنگ هم در فیلم می بینیم. دوربین تابلویی را نشان می دهد که بر روی آن نوشته است: "باغ وحش انسان ها"^{۵۳}، سپس گفتگوی اشاره ای بین تاکامینه و کوبایاشی بر روی پله ها در باغ وحش رد و بدل می شود: کوبایاشی می گوید: "این باغ وحش برای حیوانات نیست. این باغ وحش برای آنهاست که در طول جنگ یک خطر بودند و باید به خواب می رفتند"

در پایان این فیلم نمونه دیگری! از «هیچ کار خیر بدون پاداش نمی ماند» را نشان می دهد. تاکامینه پسری که در اوایل فیلم در جریان بمباران نجات داده بود، برای ابراز قدردانی برمی گردد و ناخواسته باعث مرگ تاکامینه می شود.

Profile:**Movie:** Our Silent Love, The Happiness of Us Alone; Father and Child**Romaji:** Chichi to ko: Zoku Na mo naku mazushiku utsukushiku**Director:** Zenzô Matsuyama**Screenwriter:** Zenzô Matsuyama, Chikomagawa Zashu (Story)**Producer:** Tokyo Eiga Co Ltd**Release Date:** May 20, 1967**Runtime:** 114 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Music:** Toro Fonamora**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Akiko Katayama**Age:** 43**۳۲- عشق خاموش ما:**

فیلم "خوشبختی تنهای ما؛ پدر و فرزند" با "پدر و پسر، فقیر و زیبا بی نام"، یا "عشق خاموش ما"، دنباله ای بر «خوشبختی تنهای ما» به کارگردانی زنزو ماتسویاما محصول ۱۹۶۷ ژاپن در یکصد و چهارده دقیقه است. خانم تاکامینه در سن چهل و سه سالگی است و نقش آکیکو کاتایاما را بازی می کند. این فیلم بازتاب اجتماعی زیادی را برانگیخته بود، چند سال پس از اثر قبلی، شخصیت اصلی پسر کوچک و سرکش بزرگ شده است. فیلم تبعیض ها و رنج هایی را که برای فرزندی که از یک زوج ناشنوا به دنیا می آید، مانند اشتغال و ازدواج را به تصویر می کشد. اما بر خلاف قسمت پیشین پایانی آرام دارد.

برخلاف کار قبلی که صحنه های پس از جنگ چشمگیر بود، آداب و رسوم مدرن مانند ساختمان ها، ادارات، کلوپ ها و غیره بسیار زیاد است. تصاویر به عمد درج شده اند و آن را به فیلمی کاملاً متفاوت تبدیل می کنند. از نیمه دوم فیلم، ملودرامی بین یوکو نایتو و ریو تامورا، که باید فقط شخصیت های فرعی باشند، شکل می گیرد. آنها همان رابطه بین هیدکو تاکامینه و کیجو کوبایاشی در اثر قبلی هستند و صحنه ای که دو نفر که به فضاهای منزوی رانده شده بودند، عشق خود را به زبان اشاره به یکدیگر نشان می دهند، صحنه قطار (صحنه معروف) در اثر قبلی را دنبال می کنند. ترکیبی که خود کوبایاشی، شخصیت اصلی اثر قبلی، در آن دخالت می کند، جالب است، اما داستان در مسیری عجیب از کنترل خارج می شود.

ایچیرو کاتایاما با نمرات عالی از دانشگاه فارغ التحصیل می شود، اما پدرش میچیو فردی رده پایین بود و نمی توانست وارد یک شرکت معروف شود. بنابراین به عنوان یک کارگر تنها مشغول به کار شد. ایچیرو معشوقی به نام یوکو میاتا داشت. با این حال، یوکو که متوجه شد پدر ایچیرو، پایین رده است ایچیرو را ترک می کند. ایچیرو که برافروخته شده بود، کارخانه را ترک می کند. از مادر بزرگش درخواست پول توجیبی می کند و شروع به بازی با دوستان ناباب کرد. یک شب، شینتارو ساکای، رئیس نجاری ساکای، که در حال نوشیدن ... و در حال صحبت با مهماندار بود، به او توصیه می کند که به شرکت او بپیوندد. این یک داستان رویایی برای ایچیرو بود. ایچیرو طوری کار می کرد که انگار در شرکت نجاری ساکای متولد شده بود. در

نهایت، ایچیرو به عنوان رئیس بخش منصوب شد. او به همراه پدرش، میچیو، به خانه ساکای دعوت می شوند. این جشن با تنها دختر ساکای، میو بود. ساکای قصد داشت در آینده شرکت را به ایچیرو بسپارد و دخترش را به ازدواج ایچیرو درآورد. میچیو از رابطه خوب غیرمنتظره خوشحال بود. با این حال، ایچیرو علیه ایده محاسباتی ساکای در مورد نادیده گرفتن محبت میان طرفین برآشفته می شود. او کار در شرکت را رها می کند. از طرفی میو معشوقی به نام نانجو داشت که فردی پایین رتبه بود. نانجو نیز از دانشگاه با رتبه خوب فارغ التحصیل شده بود، اما به دلیل اینکه یک فرد پایین رتبه بود نتوانست ازدواج کند. بنابراین به عنوان کارگر مشغول به کار شد. با این حال، ساکای حاضر به ازدواج این دو نشد. میچیو برای ادامه ازدواج ایچیرو، نانجو را به خانه زوج پایین رده راهنمایی کرد. نانجو که از واقعیت ازدواج ناخوشایند بین افراد کم دست آگاه بود، تلاش کرد با میو خودکشی کند. خوشبختانه هر دو نجات یافتند. ایچیرو که می دانست این پدرش میچیو بود که آنها را به اعماق ناامیدی سوق می دهد، با خشونت پدرش را سرزنش کرد. ایچیرو وقتی دید پدرش به شدت پشیمان است، گریه کرد. تصویری از زندگی تحقیرآمیز پدرش میچیو به مدت پنجاه سال را مرور می کرد. زمان می گذرد و ایچیرو سخت برای میو و نانجو کار می کند. میچیو نیز آکیکو (تاکامینه) را به یاد آورد که برای بزرگ کردن ایچیرو سختی های مادام العمر را متحمل شده بود.



Profile:

Movie: The Happiness of Us Alone Part II ; Mother and Child

Romaji: Zoku namonaku mazushiku utsukushiku: Haha to ko

Director: Zenzo Matsuyama

Screenwriter: Zenzo Matsuyama

Producer: Tokyo Ega Co Ltd

Release Date: May 20, 1967

Runtime:

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Akiko

Age: 43

۳۳- شادی تنهایی ما: "مادر و فرزند":

فیلم "شادی تنهایی ما: مادر و فرزند" قسمت دوم "پدر و فرزند"، محصول ۱۹۶۷ ژاپن است. فیلم زندگی سه زن را نشان می دهد که همه یک وجه اشتراک "فرزندخواندگی" دارند. کارن یک فیزیوتراپیست که از اینکه در نوجوانی دخترش را برای فرزندخواندگی رها کرده و پشیمان است. الیزابت یک فرزند خوانده بود و اکنون یک وکیل موفق است، اما زندگی شخصی او فاقد صمیمیت و گرما است. لوسی و همسرش نتوانسته اند باردار شوند و اکنون امیدوارند که برای تکمیل خانواده شان یک نوزاد را به فرزندگی قبول کنند.

Profile:**Movie:** Somewhere Under the Broad Sky, Somewhere beneath the Wide Sky**Romaji:** Kono hiroi sora no dokoka ni**Director:** Yoshiro Kawazu**Screenwriter:** Yoshiko Kusuda**Producer:** Shôchiku Eiga**Cinematographer:** Toshiyasu Morita (B&W)**Release Date:** Nowamember 23, 1954**Runtime:** 109 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Yasuko, Ryoichi's sister**Was:** 30**۳۴- جایی زیر آسمان بی انتها:**

درام "جایی زیر آسمان گسترده یا بی انتها" به کارگردانی ماساکی کوبایاشی محصول ۱۹۵۴ ژاپن در یکصد و نه دقیقه است. فیلم داستان چندین نسل از یک خانواده ای در شهر توکیو است که دارای یک فروشگاه مشروبات الکلی هستند، و بر عدم توانایی در عملکرد خود غلبه می کنند چرا که از طریق یکدیگر درک می کنند چگونه با مشکلات فردی خود کنار بیایند. (سخت است که مشکلات آنها را بحران بنامیم) همه چیز به طور مستقیم و سبک، بدون ملودرام و بدون احساسات بیش از حد انجام می شود.

ما از سال های جنگ، به دلایل واضح، چیز زیادی از شومین-گیکی^{۵۴} سنتی ندیده ایم. اما در اواسط دهه پنجاه، اقتصاد ژاپن به اندازه ای تثبیت شده بود که بازاری برای فیلم های مربوط به زندگی روزمره کسانی وجود داشت که نه ثروتمند بودند و نه فقیر و با بحران های آسیبزا مواجه نبودند. در اینجا تقریباً یک سال از زندگی یک کسب و کار کوچک خانوادگی را می بینیم که پایدار است و با هیچ بحران مالی قابل تشخیصی روبرو نیست، اگرچه مادر و پسر هنوز بسیار مراقب سوابق و پول هستند. به عنوان مثال، این فاصله بسیار زیادی با وجود پرمخاطره در مادر دارد، اگرچه تا هر گونه نشانه ای از ثروت واقعی نیز فاصله زیادی دارد.

کیچی سادا و یوشیکو کوگا یک زوج جوان هستند با نامادری قدیمی و خواهرشان، هیدکو تاکامینه و برادر کوچکش و... زندگی می کنند. همه افراد دارای مسائلی هستند. خانم کوگا احساس می کند که به خاطر راه های غیرمعمول و کوچک خود انتخاب شده است، خانم تاکامینه افسرده است زیرا در اثر بمب گذاری و آسیب دیدگی دچار لنگی شده و احساس بی فایده بودن می کند. چرا که نامزد او در نهایت از جنگ بازگشت و به محض اینکه می بیند او لنگ می زند، قرار را به هم می زند. خانم اورابه

⁵⁴. shomin-geki

جوانان را نمی فهمد، و ایشیها ما در مورد همه چیز؛ دوستانش مجبورند سخت کار کنند، آنها اغلب بی خانمان هستند و همه افراد دیگر را انتخاب می کنند. اوضاع در ژاپن پس از جنگ در حال بهبود است، اما هنوز فقر زیادی وجود دارد.



در این میان سادا است که همه چیز را کنار هم نگه دارد. او سخت کوش، مهربان و دوست داشتنی است. این یک کمدی خانوادگی است، اما خانواده ای به مراتب پیچیده تر و شکننده تر از نوعی است که یاسوجیرو اوزو در مجموعه فیلم هایش به تصویر می کشید و خوشبختی و بقای خانواده به بازپرداخت روابط و آداب بستگی ندارد، بلکه به کشف آن بستگی دارد. اینکه چه چیزی باعث خوشبختی فرد می شود و خانواده به اندازه کافی مراقبت می کنند تا از این انتخاب ها حمایت کنند ... و حتی آنها را به سمت انجام این انتخابها گره می زند. این یک آشفتگی خوب و پیچیده از یک داستان است که دارای گروهی از بازیگران برجسته است و همانطور که از ناراحتی شکننده به شادی آرام تبدیل می شوند. این فیلم به مراتب واقعی تر، گویاتر و آموزنده تر از یک داستان است. (خوشبختی فقط هنگامی مشترک است که واقعی باشد. تولستوی)

اگر مضمونی وجود دارد، آن راهی است که اندیشه عشق در سراسر جامعه گسترش می یابد. همانطور که مادر می گوید، در زمان خود زنان پس از ازدواج یاد گرفتند که شوهرشان را دوست داشته باشند، اما اکنون انتظار دارند قبلاً آنها را دوست داشته باشند. نمونه بارز هیروکو، دختری دوست داشتنی از روستایی است که اولین پسرش ریویچی با او ازدواج کرده است. او نه تنها سابقه مادام العمری در امور تجاری ندارد، بلکه این ازدواج مسائل غیرمنتظره ای را ایجاد می کند که در فیلم های دیگر آن دوره کمتر ذکر شده است. از آنجایی که او برای عشق ازدواج کرده است، اولین پیوند او با خانواده در همه شرایط، شوهرش است، نه مادرشوهرش، و به طور مشابه اولین پیوند با اوست، نه مادرش.

این نشان دهنده چند جنگ خانوادگی بزرگ است، اما در واقع هیچ کدام وجود ندارد. خانواده اغلب انتقادی هستند، اما نه به گونه ای که باعث مشاجره یا انتخاب همیشه خطرناک طرفین شود. هیچ اشاره ای وجود ندارد که زن به نوعی برای کنترل خانواده یا تلاش برای کنترل شوهر مهربان خود تلاش می کند. او هنوز کاملاً یاد نگرفته است که چگونه خود را جا بیناندازد،

اما همانطور که یوشیکو کوگا در بهترین بازی خود بازی کرد، در حسن نیت و قصد او برای در نهایت جا افتادن شگی وجود ندارد.

همه پایان خوشی دارند، حتی شخصیت تا کامینه که عشق را با یک کارگر قدیمی در تجارت تجربه می کند که اکنون به عنوان یک کشاورز در کوهستان زندگی می کند. (به طور غیرقابل توضیحی، او را شون دون^{۵۵} می نامند، که به نظر می رسد یک نام چینی یا کره ای است تا ژاپنی، اگرچه مینورو اوکو، بازیگر متولد ژاپن، نقش او را بازی می کند.)

⁵⁵. Shun Don

Profile:

Movie: The Opium War
Romaji: Ahen senso
Director: Masahiro Makino
Screenwriter: Hideo Oguni (Idea: Keiji Matsuzaki)
Producer: Toho
Cinematographer: Joji Ohara (B&W)
Release Date: January 14, 1943
Runtime: 115 min
Color: black and white
Genre: Drama Musical War 19th Century
Language: Japanese
Country: Japan
Played: Rei Ran (Li Lan)
Was: 19

۳۵- جنگ تریاک:

فیلم "جنگ تریاک" با روماجی "آهن سنسو" به کارگردانی ماساهیرو ماکینو محصول ۱۹۴۳ ژاپن در یکصد و پانزده دقیقه است. خانم تاکامینه در سن هجده سالگی نقش لی لان را در کنار ستسکو هارا بازی می کند. آهن سنسو در ژاپن به اولین جنگ تریاک اشاره دارد. داستان فیلم نیز به این جنگ نخست اشاره دارد.



فیلمی درباره جنگ تریاک که در آن سلسله چینگ توسط یک انگلیسی تسخیر شده است. اما داستان برگرفته از فیلم "یتیمان طوفان" دیوید واک گریفت^{۵۶} است. داستان یک دختر نابینا (تاکامینه) و خواهرش که در سردرگمی (ستسکو هارا) است. از آنجایی که ژاپن در حال جنگ با بریتانیا است، فقط ژاپنی ها نقش چینی ها و انگلیسی ها را بازی می کنند. سکانس هندی در آغاز، یکی از صحنه های "زندگی یک بنگال لنسر"^{۵۷} است، و صحنه سوزان خارج از زبان در پایان، یکی از صحنه های "شیکاگو"^{۵۸} است. تصویربرداری با ساخت یک مجموعه باز بزرگ در شهر نومازو انجام شده است.

⁵⁶ .David Wark Griffith - Orphans of the Storm

⁵⁷ . The Lives of a Bengal Lancer 1935

⁵⁸ . Chicago 1927

Profile:

Movie: The Day of laughing and crying, laughing and crying Day

Romaji: Nakinagara warau hi

Director: Zenzô Matsuyama

Screenwriter: Zenzô Matsuyama

Release Date: June 11, 1976- International 1977

Runtime:

Color: color

Genre: Drama

Music: Chuji Kinoshita

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Yukiko Nakai

Age: 53

۳۶- روز خنده و گریه:

فیلم "روز خنده و گریه" یا "روز خنده، در حالی که گریه می کنید"، یا "روزی که در حال گریه می خندی" به کارگردانی زنزو ماتسویاما محصول ۱۹۷۶ ژاپن است.^{۵۹} خانم تاکامینه در سن پنجاه و سه سالگی است، و نقش یوکیکو ناکای را بازی می کند. عکاسی داخل ساختمان در استودیوی کیوتو گرفته شده است، اما به نظر می رسد بقیه ی در قسمت های مختلف فوکویاما گرفته شده اند. (افراد مشهور محلی مدارس هم در آن هستند.) این فیلم تنها در برخی از سینماها اکران شده است، و معمولاً هم موجود نیست.



^{۵۹} . این فیلم همچنین آخرین کار کیو ساکاموتو است.

داستان فیلم، مبارزه با سردی جامعه آن زمان را به تصویر کشیده که به سمت فردای مبهم حرکت می کند. این یک فیلم سرگرم کننده نیست، بلکه بخشی از غم و ناراحتی و پیچیدگی زندگی است. بنابراین توجه به چنین مسأله ای در محیط اجتماعی آن زمان اجتناب ناپذیر است.

تصادفی به دلیل ناشنوا بودن پسر بزرگ خانواده (کیچی) که چهار سال دارد رُخ می دهد. تازه خانواده در بیمارستان و پس از مرگ او متوجه این موضوع می شوند، که دلیل آن تزریق بیش از حد آنتی بیوتیک در سال پیش از آن بوده است. فیلم رنج والدین با کودکان ناشنوا (که حتی نمی توانند کلمات را به زبان بیاورند) را به تصویر می کشد. فیلم غم انگیزی است که تعصب و تبعیض در مناطق روستایی نسبت به کودکان ناشنوایی را به تصویر می کشد. همچنین این واقعیت تلخ که حتی اگر بتوانید آن را در یک مرکز تخصصی رها کنید، حرف های کودک به راحتی برگردانده و بیان نمی شود. به یقین واقعیت برای والدینی که فرزندان بیمار دارند بسیار سخت است. این فیلم نیز عاطفه و مبارزه ی یک زوج جوان با فرزند ناشنوایشان را نشان می دهد.



پشت صحنه ی فیلم...

Profile:

Movie: The Twilight Years

Romaji: Kōkotsu no hito

Director: Shirō Toyoda

Screenwriter: Zenzo Matsuyama Based on The Solitary Person by Sawako Ariyoshi

Producer: Company Geiensa

Cinematographer: Kozo Okazaki

Release Date: January 15, 1973

Runtime: 102 min

Color: black and white

Genre: Drama

Distributor: Toho

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Akiko (Nobutoshi's wife)

Age: 48

۳۷- سال های گرگ و میش^{۶۰}:

فیلم "سال های گرگ و میش" به کارگردانی شیرو تویودا^{۶۱} محصول ۱۹۷۳ ژاپن در یکصد و دو دقیقه است. فیلم بر اساس رمان بلندی با نام "آدم منزوی"^{۶۲} نوشته ساواکو آریوشی ساخته شده است. یک اثر ادبی است که به زوال عقل (زوال عقل و پیری شناسی) می پردازد. به دلیل علاقه زیاد، «آدم منزوی» در آن زمان به یک کلمه رایج تبدیل شد. با اقتباس از این رمان فیلم های چندی ساخته شد، که فیلم تویودا نخستین آن است. اهمیت موضوع از آن رو است، که درک کمتری از این مسأله در آن دوران وجود داشته است. داستان این فیلم نیز درباره ی زنی است که از پدر شوهرش که دُچار زوال عقل شده مراقبت می کند. در سکانس پایانی نیز تنها کسی که آشک می ریزد اوست.

خانواده تاجیبانا با شیگزو ۸۴ ساله، پسر و همسرش نوبوتوشی و آکیکو و فرزندش توشی زندگی می کنند. موزو از زمانی که همسر پیرش درگذشت، پیرتر شده و به دلیل شوک مرگ او زوال عقل اش به سرعت پیشرفت کرده است. حتی چهره ی دخترش کیوکو را که با خانواده دیگری ازدواج کرده بود، فراموش کرده است. برعکس، چهره پسرش را فراموش نکرده و به عنوان یک ارادل در مورد آن فکر می کند. روزهایی بود که ناگهان از خانه بیرون می رود و نیمه های شب بارها آکیکو را از خواب بیدار می کند. آکیکو با فوجیدا، وکیل شرکت حقوقی که در آن کار می کند، مشورت می کند، اما در مورد موزو به او گفته می شود که افسردگی سالمندی و بیماری روانی پیری است و تنها یک بیمارستان روانی برای جدا کردن موزو وجود دارد. رشته ی ناامیدی به آکیکو نیز سرایت می کند. یک روز بارانی، آکیکو با دیدن شیگزو که از دیوار آن طرف جاده به

^{۶۰}. نام انگلیسی

^{۶۱}. تاکامینه در کتاب خود در باره ی این فیلم نوشته است؛ کارگردان، تویودا اغلب در صحنه ظاهر نمی شد، احتمالاً به دلیل بیماری اش بوده است.

^{۶۲}. Solitary Person

سفیدی گل‌ها و زوج جوان دانشجو نگاه می‌کرد، تحت تأثیر قرار گرفت. آکیکو فکر می‌کرد که موزو حسّ زیبایی و زشتی خود را از دست نداده است.



آن شب، در حالی که آکیکو به دور نگاه می‌کرد، شیگزو در وان حمام غرق شد و باعث ذات الریه حاد در او شد. با این حال، به طور معجزه آسایی بهبود یافت. کلمه "غفلت" که قلب آکیکو را تسخیر کرده بود، به طور کامل پاک شد. از آن روز بهترین استفاده را می‌کند، و تصمیم می‌گیرد خودش از او مراقبت کند. اگر چه پیری شیگزو بیماری قابل توجهی بود. در آن زمان، یاماگیشی و امی که ازدواج کرده اند، از آنجا می‌روند. موزو اکنون حتی نام آکیکو را فراموش کرده و او را "موشیموشی" صدا می‌کند، اما به دلایلی آنقدر وحشتناک است که به روش‌های مختلف از موزو مراقبت می‌کند. با این حال، رفتار عجیب شیگزو متوقف نشد. در توالت بسته بود و فضولات روی تاتامی مالیده شد، و سایر پیشآمدها ...

Profile:**Movie:** Sky yukaba: Burial in the Clouds**Romaji:** Sora yukaba : Kumo no bohyō yori**Director:** Manao Horiuchi**Writer:** Hiroyuki Agawa(original story) kumo no bohyo (Burial in the Clouds) 1955**Production:** Shochiku Ofuna**Release Date:** January 9, 1957**Runtime:** 105 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, War**Music:** Masayoshi Ekda**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Sachi, Tetsuo's Sister**Age:** 33

۳۸- آسمان یوکابا: مدفون در آبرها

فیلم "آسمان یوکابا: مدفون در آبرها" یادبود جنگ به کارگردانی مانائو هوریوچی در یکصد و پنج دقیقه محصول ۱۹۵۷ ژاپن است. فیلم از اثر ادبی منحصر به فرد هیرویوکی آگاوا نویسنده دوران جنگ و متولد هیروشیما، با نام "مدفون در ابرها" اقتباس شده است. زمان مستند جنگی بر اساس دفتر خاطرات ایوانو یوشی خلبان کامیکازه سابق و بیان رنج دانشجویان نیروی هوایی-دریایی است که برای تبدیل شدن به اعضای کامیکازه در طول جنگ آموزش می دیدند. خانم تاکامینه در سن سی و سه سالگی نقش ساچی خواهر تیتسو را بازی می کند.

در سال ۱۹۴۵، جیرو یوشینو، آکیرا فوجیکورا و تتسو ساکای که از دبیرستان تا دانشگاه فارغ التحصیل می شوند، به عنوان سرباز دانشجو به سپاه تفنگداران دریایی اوتاکه پیوستند. سال بعد، پس از گذراندن دوره مقدماتی، به نیروی هوایی کورا رفتند. یوشینو تحت هدایت کاپیتان یامادا آموزش های اولیه را دریافت کرد. سرانجام، به عضویت سپاه کیوشو درآمد و جان به کف به زندگی ادامه داد. یوشینو هنگام بیرون رفتن با دختر خانواده فوکای، هاتسوکو، که اتفاقی او را در باغ می بیند، آشنا می شود. در حالی که ساکای سعی می کرد به یکی از خواهران بزرگترش (تاکامینه) اطمینان دهد، اوضاع جنگ متشنج می شود. در زمستان، هر سه به نیروی هوایی و نیروی دریایی ملحق خواهند شد. دانش آموخته ها نیز یاد می گیرند که به رویارویی با مرگ نزدیک است و وسایل و (خاطرات) به یاد ماندنی خود را دور می ریزند. بلافاصله پس از آن، همه آنها به صورت یک سپاه ویژه برای حمله تشکیل می شوند، اما فوجیکورا که توسط ستوان ارشدش آیزاوا برای درخواست عدم کفایت پرواز به دلیل فشار خون بالا پیشنهاد شد، پرواز نمی کند. یوشینو دوباره با دختر مورد علاقه اش هاتسوکو دیدار می کند و در حالی که از عطش برای زندگی می سوزد، او را در آغوش می گیرد. با این حال، سرانجام روز موعود فرا می رسد و ساکای ابتدا پرواز می کند. فوجیکورا و یوشینو پس از شنیدن آخرین تماس از او، به اتاق خود بازگشتند. دستور پرواز گرفتند. دو مردی که به آرامش رسیدند، آخرین مشروب را سرکشیدند و به رهبری کاپیتان نوموتو در آن سوی ابرها ناپدید شدند.



این احترام نظامی به خواهر بخش مهمی از معنا و محتوای فیلم است.

Profile:**Movie:** Times of Joy and Sorrow, The Lighthouse**Romaji:** Yorokobi mo kanashimi mo ikutoshitsuki**Director:** Keisuke Kinoshita**Screenwriter:** Keisuke Kinoshita**Producer:** Shôchiku Eiga**Cinematographer:** Hiroyuki Kusuda**Release Date:** December 1, 1957**Runtime:** 162 min**Color:** color**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Kiyoko Arisawa**Was:** 33**۳۹- زمان شادی و غم:**

فیلم "زمان شادی و غم" به کارگردانی کیسوکو کینوشیتا محصول ۱۹۵۷ ژاپن در یکصد و شصت و دو دقیقه است. خانم تاکامینه در این فیلم در سن سی و سه سالگی نقش کیوکو را بازی می‌کند. این فیلم خانواده‌ی فانوس‌داران از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۵۷ را روایت می‌کند. با توجه به تاریخ، لزوماً زمان شادی و غم برای کل ژاپن نیز هست. کینوشیتا با تمام این موارد، موفق به تولید یک فیلم غیردراماتیک می‌شود که مانند یک تبلیغ عمومی پخش می‌شود که توسط خود فانوس‌بانان نیز تامین مالی می‌شود و با تکرار مداوم "سرود فانوس‌داران" که معمولاً خوانده می‌شود. ظاهراً کینوشیتا با نگرهبانان همدردی خاصی داشت، زیرا ۳۰ سال بعد او فیلم فانوس دریایی دیگری ساخت، هرچند با خط داستانی متفاوتی که تنها ده سال را در بر می‌گرفت.

اولین بار شیرو را در سال ۱۹۳۲ میبینیم که همسر جدیدش کیوکو را به فانوس دریایی اش در قسمت جنوبی ژاپن می‌آورد. این یک ازدواج قبلاً صورت گرفته است. (در یک صحنه آنها می‌گویند "در قطار ازدواج کرده اند."). او مردی خجالتی است که حتی وقتی دیگران برای دیدارشان بیرون می‌آیند، پشت همسر جدیدش پنهان می‌شود.

به دلایل غیرقابل توضیح، خانواده هر چند سال یک بار جابه‌جا می‌شوند، به طوری که اولین فرزند، یک دختر، توسط شیرو در برف‌های هوکایدو با استفاده از یک مقاله از مجله به عنوان راهنمای شان پیش از اینکه ماما به آنها برسد، به دنیا می‌آید. پس از مدتی، پسری متولد می‌شود، اما در شهر، بنابراین شیرو ماه‌ها او را نمی‌بیند. در نهایت این نقل و انتقالات آنها را در جزیره ای جنوبی قرار می‌دهد که تنها با فرزندان‌شان هستند و کیوکو به روستایی در یک جزیره بزرگتر نقل مکان می‌کند تا بچه‌ها بتوانند دوستان و در نهایت مدرسه داشته باشند. حرکت‌ها و نقل مکان‌های مختلف خانواده را جدا می‌کند و دوباره به هم می‌پیوندد، همانطور که آنها را از دوستانی که در پست‌های قبلی ایجاد شده‌اند جدا کرده و دوباره متحد می‌کنند (به نظر می‌رسد هیچ دشمنی وجود ندارد). پسر دوباره بدون حضور پدرش می‌میرد و دختر در نهایت می‌رود تا با پسر خانواده ای که در رستوران آنها کار می‌کرد ازدواج کند.

به نظر می‌رسد کینوشیتا به طور کلی بیشتر به مناظر، که مطمئناً متنوع و گاهی تماشایی است، بیشتر علاقه مند است. (بحران هایی خارج از دوربین). لحظات عاطفی به اطرافیان می‌رسد، مانند رئیسی که همسرش از انزوا دیوانه شده است، یاران جوانی که همسرش در راه بیمارستان در سورتمه جان خود را از دست می‌دهد، یا نگهبان جوانی که توسط پسران روستا مورد تعرض قرار می‌گیرد. پسرش بعد از پرل هاربر وارد ارتش شد. پسر آنها در واقع کشته می‌شود. او برای جنگ خیلی جوان بود، اما ظاهراً وقتی در امتحان ورودی دانشگاه مردود شد، آنقدر ناامید شده بود که با غریبه‌هایی شروع به دعوا کرد، یکی از آنها او را با چاقو زد. اما از آنجایی که ما این اتفاق را نمی‌بینیم، به طور خاص آن را درک نمی‌کنیم و احساس می‌کنیم که کینوشیتا مرگ را صرفاً به این دلیل که به صحنه ای اشک آور نیاز داشت، صورت داده است.

کینوشیتا مراقب است که تاریخ هر حرکت را بر اساس رویدادهای جنگ، از حادثه شانگهای در سال ۱۹۳۲ تا زمان گزارش شدن بمب اتمی، تعیین کند. عجیب است، اگرچه ما اغلب دیده‌ایم که مردم به اخبار از رادیو گوش می‌دهند، اما به سخنرانی امپراتور گوش نمی‌دهند. در عوض یک تیترو روزنامه به ما نشان داده می‌شود که در آن، امپراتور صرفاً «توصیه» به تسلیم شدن دارد. ما شاهد انفجار بمبی در خارج از خانه آنها هستیم، پس از آن صحنه ای از کیوکو و کودکان در یک پناهگاه، سپس مونتاژی از هواپیماها که بر فراز فانوس‌های دریایی پرواز می‌کنند و لیستی از نگهبانان کشته شده توسط حملات آمریکایی‌ها. با این حال، پس از جنگ، تاریخ‌ها کمی مبهم می‌شوند، تنها با تغییر بازیگرانی که نقش بچه‌ها را بازی می‌کنند یا سبیل جدید شیرو حدس زده می‌شود که جنگ تمام شده است. اما درباره ی اشغال ژاپن چیزی گفته نمی‌شود.



اغلب ما متوجه نمی‌شویم که این زوج از هم جدا شده اند تا زمانی که دیدار مجدد را ببینیم. او از فانوس دریایی تاریک در حال مشاهده هواپیما است. از بی فایده بودن جنگ شکایت می‌کند و او را احمق خطاب می‌کند. سپس به او می‌گوید که این باعث خوشحالی او می‌شود، زیرا سال‌های زیادی از ازدواجش گذشت تا او را احمق خطاب کند. صحنه کوتاه دیگری در ذهن می‌ماند. همانطور که آنها برای تهاجم آینده آمریکا آماده می‌شوند، ما شاهد مانورهای نظامی هستیم - آنها زنان روستایی با چوب‌های تیزه مانند هستند. سپس برای دفع تانک‌ها و مسلسل‌های آمریکایی آماده می‌شوند.

کینوشیتا چندین فیلم درباره سال‌های طولانی جنگ ساخته است که در زندگی غیرنظامیان منعکس شده است که معروف‌ترین آن‌ها «بیست و چهار چشم» است. علی‌رغم داشتن هیدکو تاکامینه و کیجی سادا به عنوان زوج اصلی، این احتمالاً کمترین موفقیت را دارد، مجموعه‌ای از تصاویر متوالی بدون هیچ ارتباط عاطفی خاصی است. این امکان وجود دارد که فیلم به بیانی وظیفه‌شیر و همکارانش که دائماً در مورد آن در قبال فانوس دریایی صحبت می‌کنند، جایگزین همه وفاداری‌های دیگر از جمله خانواده می‌شود. و کیوکو حاضر است جدایی طولانی از او را از طریق وظیفه خود در قبال فرزندانش تحمل کند.

Profile:**Movie:** Flirtation in Spring, Spring Caprice**Romaji:** Haru no tawamure**Director:** Kajirō Yamamoto**Screenwriter:** Kajirō Yamamoto**Release Date:** April 12, 1949**Runtime:** 109 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, Romance**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Ohana**Was:** 25**۴۰- معاشقه در بهار:**

فیلم "معاشقه در بهار" یا "هوس بهاری" و یا "گل‌هایی که تنها زندگی می‌کنند" به کارگردانی و نویسندگی کاجیرو یاماموتو محصول ۱۹۴۹ ژاپن در یکصد و نه دقیقه است. این فیلم به طور مشترک توسط انجمن هنرهای فیلم و سینتوهو تولید شده است. داستان فیلم اقتباس ژاپنی پس از جنگ جهانی دوم از نمایشنامه فرانسوی محبوب ماریوس مربوط به دو دهه قبل آن است. خانم تاکامینه در سن بیست و پنج سالگی نقش اوہانا را بازی می‌کند.

در آغاز دوران میجی، دوران پرتلاطم دوره ادو به پایان رسیده بود. ماساکیچی رویای رفتن به یک کشور خارجی ناشناخته را می‌بیند که هنوز ندیده است و می‌خواهد کشور دارای تمدن را با چشمان خود ببیند. به خصوص پس از دیدن کشتی که به اسکله بریتانیا در یوکوهاما آمد، از اینکه اشتیاق کشوری متمدن دور از کشور خودش را دارد، به وجد آمده است. او جوانی است که بین دوست دخترش و عشقش دریا درگیر است. او هوس زیادی به غرب دارد.

یک روز یکی از خدمه ژاپنی کشتی نورمانجا به همراه رئیس ملوان به «ایرفونایا» آمد. آنها در حین نوشیدن با ماساکیچی در مورد نیویورک، سنگاپور و پاناما صحبت می‌کنند و رویاهای ماساکیچی با گوش دادن به آنها تحریک می‌شود. علاوه بر این، ملوان ارشد به ماساکیچی می‌گوید: "اگر می‌خواهی به خارج از کشور بروی، من تو را خدمه ی نورمانجا می‌کنم، پس لطفاً قبل از ترک بندر بپرس." وقتی ماساکیچی این را می‌شنود، دیگر نمی‌تواند بماند.

با این حال، ماساکیچی یک زن مورد علاقه به نام اوہانا دارد. اوہانا دختری ۱۹ ساله است و از کودکی با ماساکیچی همبازی بوده و عاشق ماساکیچی است. ماساکیچی نیز از احساسات او آگاه بود، اما به جای آن رویای رفتن به دریا و کشور را داشت.

در همین حال، توکوبی، ارباب فروشنده کیمونو در شهر، همسرش را از دست داد و احساس تنهایی کرد، او عاشق اوہانا می‌شود. یک روز توکوبی رسماً برای گرفتن او به عنوان همسرش اقدام می‌کند. ماساکیچی بین رویاها و عشق در نوسان است، اما در آستانه خروج نورمانجا، اوہانا از او دور می‌شود.



صبح روز بعد، ماساکیچی سعی می کند از فکر رویایی خود در مورد مهاجرت دست بردارد. اما وقتی او هانا، ماساکیچی را در حال رنج می بیند، با اشاره به ازدواج اش با توکوبی، ماساکیچی را به زور بیرون می فرستد. ماساکیچی با احساس خیانت به راه می افتد.

پس از مدتی بارداری او هانا کشف می شود. توکوبی برای درخواست ازدواج می آید، اما هانا مؤدبانه امتناع می کند و به او می گوید که بچه ماساکیچی را باردار است. با این حال توکوبی همه اینها را می دانست و سعی می کرد با تظاهر به بی اطلاعی او را به دست همسرش برساند. هانا که تحت تأثیر محبت عمیق توکوبی قرار گرفته بود، پیشنهادی از توکوبی دریافت می کند.

یک سال و نیم بعد، او هانا با خیال راحت پسری به دنیا آورده و با توکوبی به خوشی زندگی می کند. ماساکیچی به آنجا برمی گردد. ماساکیچی که فهمیده بود که او هانا فرزند او را به دنیا آورده است، در مقابل توکوبی و دیگران ظاهر می شود تا او هانا و کودک را دوباره به دست آورد. با این دیدگاه که هانا همان احساسات گذشته را دارد. اما او با پدر و مادر و فرزندش با محبت عمیق و شدید توکوبی به خوشی زندگی می کند. ماساکیچی دوباره سوار کشتی می شود و به راه افتاد. او هانا و پسر او را زمان رفتن می بینند.

Profile:

Movie: The Rickshaw Man

Romaji: Muhomatsu no issho

Director: Hiroshi Inagaki

Screenwriter: Hiroshi Inagaki, Mansaku Itami (Story: Shunsaku Iwashita)

Producer: Toho

Cinematographer: Kazuo Yamada

Release Date: April 22, 1958

Runtime: 103 min

Color: color

Genre: Drama Feudal Japan Remake

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Yoshiko Yoshioka

Was: 34

۴۱- ریکشا ران:

درام "زندگی ماتسوی رام‌نشده" یا "ریکشا ران"^{۶۳} به کارگردانی ایناگاکای در یکصد دقیقه محصول ۱۹۴۳ ژاپن است. بعدها ایناگاکای این فیلم را با نام "مرد ریکشا" و با بازی هیدکو تاکامینه در نقش یوشیکو یوشیدا در سن سی و چهار سالگی و بازی میفونه در سال ۱۹۵۸ بازسازی کرد. گرچه فیلم جایزه ونیز را از آن خود کرد و از شهرت بیشتری برخوردار است، اما فیلم نخست از مشکلات احساسی بازسازی رنگ و صفحه گسترده رنج می برد. فیلم با پرداختن به دوره ی می جی - مونو (درام‌های تاریخی در عصر روشنگری دوران می جی) در واقع از تمجید نظامی‌گری اجتناب می کند. فیلم اصلی بهترین فیلم در بین چندین فیلم جنگی است که در دوره می جی ساخته شده است، و عقب نشینی در تاریخ به دلیل اینکه توسط کارگردانان تحت فشارهای فزاینده ارتش قرار گرفت. به طوری که ده دقیقه از فیلم توسط دولت ژاپن سانسور شد. پس از جنگ توسط نیروهای اشغال دوباره سانسور دیگری شد، هشت دقیقه دیگر نیز قطع شد. عناصر موجود متأسفانه ناقص هستند، از فیلم‌های سانسور هجده دقیقه ای چیزی باقی نمانده است. یک فیلم بسیار حيله گرانه ساخته شده که در آن هیچ وقت قطعی نیست که آیا قهرمان تقریباً به استانداردهای سنتی پایبند هستند، یا نه.

ماتسوگورو (میفونه) یک راننده ضعیف و تنگدست ریکشا است که روحیه شاد و رفتار خوش بینانه او را به محبوب شهر تبدیل کرده است. ماتسو به پسری آسیب دیده، توشیو کمک می کند و توسط والدین پسر استخدام می شود. او عاشق بیوه ی یک کاپیتان جوان ارتش می شود، که در فرهنگ آن زمان کار درستی نبوده است. چرا که یک نقطه ی قوت است که منجر به مرگ نهایی و با شکوه می شود. یا اینکه این یک ضعف محض است، و زندگی او را کاملاً بی ارزش می کند. به هر حال سطح زرنگی زن بسیار بالاتر از مرد و این ازدواج را تا حدی غیر ممکن می کند.

^{۶۳} . نسخه دیجیتالی در ۸۳ دقیقه در سال ۲۰۲۰ در توکیو منتشر شد. یک مانگا هم از این فیلم در هفته نامه ی Shonen Jump منتشر شد.

ماتسو یک مرد ریکشا است و وقتی اولین بار در اولین صحنه او را می بینیم، پلیس در حال بازرسی خانه او است. او تحت تاثیر مشروبات الکلی است که شب گذشته با یک پلیس خارج از لباس فرم درگیر شده بود و نمی خواست کرایه ماتسو را پرداخت کند. اما همانطور که او داستان را برای دوستان خود تعریف می کند، آن را به شوخی تبدیل می کند، بنابراین او لاف نمی زند. بعداً وقتی فروشنده بلیط کابوکی اجازه نمی دهد او به طور رایگان وارد شود (که ظاهراً یک رسم تبلیغاتی برای مردان ریکشا است) چنان خشمگین می شود که بلیط می خرد و سپس قابلمه آشپزی را در جعبه خود نصب می کند. این کار افراد حساس تری را که در اطراف او هستند خشمگین می کند که منجر به نزاع دیگری می شود.

یک روز گروهی از پسران با چوب از کنار او عبور می کنند. یکی از پسران می افتد و پایش می شکند. ماتسو او را به مادر و سپس به دکتر می رساند. پدر این پسر یک نظامی است، که ماتسو را می شناسد زیرا او یک بار یک ژنرال را "همسر" خوانده است. به زودی شوهرش بیمار می شود و می میرد، و زن بیوه با کمال تعجب از ماتسو می خواهد که هنگام بزرگ شدن پسر را زیر نظر داشته باشد، زیرا پسر به او علاقه مند شده است. ماتسو مشروبات الکلی را کنار می گذارد و برای پسر پدری جایگزین می شود تا اینکه بالاخره پسر به دانشگاه می رود. پس از مرگ او، متوجه می شویم که او هر "هدیه" ای را که مادر برای کمکش به او داده بود، بدون هزینه پس انداز کرده و حتی حساب پس انداز پسر را نیز راه اندازی کرده است. اگرچه اختلاف طبقاتی باعث می شود که آنها دیگر ازدواج نکنند، اما هیچ نشانه ای از این موضوع وجود ندارد. ماتسو به او احترام می گذارد، اما او واقعاً عاشق پسر می شود، نه مادر.



آنچه مادر از ماتسو می خواهد انجام دهد این است که "پسر را سر سخت پرورش دهد". این همان چیزی است که تمام جامعه ژاپن از مردان جوان خود درخواست می کردند. زیرا یک پسر خوب ژاپنی برای خدمت به امپراتور باید باشد. اما به عنوان یک مادر، وقتی پسر درگیر دعوی بزرگی می شود و از ماتسو کمک می خواهد، می ترسد. اگرچه پسر و ماتسو یک رابطه شخصی نزدیک برقرار می کنند، اما این ماتسو است که رام می شود تا پسر که سرسخت می شود. هنگامی که پسر اولین ضربه خود را در نزاع در مدرسه دریافت می کند، سعی می کند فرار کند. فقط توسط ماتسو متوقف می شود که وارد مبارزه می شود تا به او نشان دهد که چگونه باید این کار را انجام داد، اولین مبارزه ای که ما از زمان نزدیک شدن به ماتسو دیده ایم. این فیلم مملو

از اطلاعات اجتماعی و فرهنگی است که همه اینها امری مسلم و غیرقابل توصیف برای چشم خارجی است. این با قدرت فیلم
تداخلی ندارد اما در بعضی مواقع ممکن است حواس پرتی باشد که مخاطبان اصلی را آزار ندهد.

Profile:

Movie: Ballad of a Worker

Romaji: Futari de aruita iku haru aki

Director: Keisuke Kinoshita

Screenwriter: Keisuke Kinoshita

Producer: Shôchiku Eiga

Cinematographer: Hiroyuki Kusuda (B&W)

Release Date: August 12, 1962

Runtime: 102 min

Color: black and white

Music: Chuji Kinoshita

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Torae Nonaka

Was: 38

۴۲- تصنیف یک کارگر:

فیلم "تصنیف یک کارگر" یا "ما دو نفری که با هم راه می رفتیم" به کارگردانی کیسوکه کینوشیتا محصول ۱۹۶۲ ژاپن در یکصد و دو دقیقه است. اثری که خود کینوشیتا بر اساس کتاب آهنگ کونو میچیکو به نام «آواز نبوغ جاده»^{۶۴} نوشته است. خانم تاکامینه در نقش تورائه در این فیلم سی و هشت سال سن دارد.



⁶⁴. The songbook "Song of Road Ingenuity" by Michiko Kono.

پس از جنگ جهانی دوم، یک سرباز سابق به نام یوشیو و همسرش زندگی خود را با کار کردن در مشاغل ساده می گذرانند تا پسرشان را بزرگ کنند و او را به مدرسه بفرستند. یوشیو به عنوان جاده ساز در زادگاهش مشغول می شود. اما با این کار حمایت از پدر و مادر و همسر و فرزندانش دشوار است. توارئه همچنان همسرش را حمایت می کند. این یک فیلمی انسانی است که زیبایی و استحکام پیوند زن و شوهر را در قالب وقایع نگاری با دست اندرکاران و بازیگران فیلم "زمان غم و شادی" به تصویر می کشد.

Profile:**Movie:** The Human Condition III: A Soldier's Prayer**Romaji:** Ningen no joken III**Director:** Masaki Kobayashi**Screenwriter:** Masaki Kobayashi, Zenzo Matsuyama, Koichi Inagaki (Novel: Jumpei Gomikawa)**Producer:** Ninjin Club, Shôchiku**Cinematographer:** Yoshio Miyajima (B&W)**Release Date:** January 28, 1961**Runtime:** 190 min**Color:** black and white**Genre:** War Drama Army Psychological Drama II World War 1940s Sequel**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Hinanmin no Onna**Was:** 36**۴۳- سه گانه وضع بشری: دُعای یک سرباز**

فیلم سیاه و سفیدِ وضعِ بشری، یک سه گانه ی^{۶۵} حماسی - ضدّ جنگ به کارگردانی ماساکی کوبایاشی محصول ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۱ ژاپن است. این درام اومانیستی، در نه ساعت و چهل و هفت دقیقه یکی از طولانی ترین فیلم های تاریخ سینما به شمار می رود. قسمت نخست با نام: "عشق بزرگتری وجود ندارد"^{۶۶}، است. قسمت دوّم با نام: "جاذبه ی ابدیت"^{۶۷}، و قسمت سوم با نام: "دُعای یک سرباز"^{۶۸} می باشد. این فیلم بر اساس رُمان شش جلدی با همین نام توسط جونپی گومیکاوا ساخته شده است، و البته تجربه های شخصی کارگردان ماساکی کوبایاشی نیز در زمان جنگ بدان تزریق شده است. خانم تاکامینه در قسمت سوم نقش هینانمین را بازی می کند.

شخصیت اصلی داستان مردی به نام کاجی، یک سوسیالیست (متّهم به چپ بودن در دوره ی نظام راستگرای ژاپن) و صلح طلب را نشان می دهد که بر خلاف باورهای خودش باید در ماشین جنگی ژاپن شرکت کند. در حقیقت این فیلم داستان رنج و بقای انسان و کاوشگر محدودیت های بشری در نظام توتالیتر و ستمگر جنگ جهانی دوّم در ژاپن را به معرض نمایش می گذارد. وضع بشری در منچوری تحت اشغال ژاپن، بین سال های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۵ متمرکز است. در قسمت نخست تلاش های کاجی برای آشتی دادن میان ایده آل های انسانی خود با واقعیت دوره ای است که ژاپنی ها کارگران چینی را مورد استثمار قرار می دادند. برای اینکه این آسرای چینی که به کارگری در معدن گماشته شده اند از فکر فرار بیرون بیابند و بهتر کار کنند برایشان زنان فاحشه فرستاده اند. کاجی در مقام سرپرست یک معدن است که در بهبود شرایط کار و رفاه کارگران چینی می کوشد، به این وضع اعتراض می کند، اما متّهم به خیانت می شود و او را به خدمت سربازی می فرستند. حالا کاجی

⁶⁵. Trilogy

⁶⁶. No Greater Love 1959

⁶⁷. The road to Eternity 1959

⁶⁸. A Soldiers Prayer 1961

سربازی با تفکرات کمونیستی است، که در پی دفاع از ضعیف ترین قشر است. زندگی در پادگان تفاوت چندانی با زندگی در زندان برای او ندارد. او در ارتش از خشونت بیزار است و به همین خاطر افسران را علیه خود برمی‌انگیزد. در پایان این قسمت او همراه جوخه اش عازم خط مقدم علیه روسیه می‌شود. ژاپن از روسیه شکست می‌خورد. کاجی از نبرد جان سالم به در می‌برد، اما برای جلوگیری از کشف سربازان اتحاد جماهیر شوروی از موقعیت او مجبور است با دست خالی و بدون اسلحه خود یک سرباز دیوانه ژاپنی را بکشد. فیلم با فریاد کاجی به پایان رسید که؛ "من یک هیولا هستم، اما من هنوز زنده‌ام!" و در جستجوی ناامید سایر بازماندگان ژاپنی در حرکت است.

در قسمت سوم فیلم به اوج نگاه ضد جنگ خود می‌رسد. در این قسمت حقیقت خشن‌تر و تاریک‌تری را می‌بینیم که بر ذهن کاجی اثر گذاشته است. او که توسط ارتش سرخ اسیر شده، زخمی است و در زندان اردوگاه‌های POW شکنجه شده است. کاجی پس از شکست ژاپن و در راه بازگشت نزد همسرش، اسیر روس‌ها می‌شود. او درست همانند اسیران چینی، به عنوان اسیر جنگی مورد بد رفتاری و بهره‌کشی روس‌ها قرار می‌گیرد. اما فرار می‌کند، با این حال سرانجام در سرما و بوران، در بیابان‌های پوشیده از برف جان می‌دهد. در اینجا سرنوشت یک مرد به سرنوشت کل کشور تسری می‌یابد. او خواستار دفاع از ارزش‌های انسانی بوده است که؛ هیچ کدام از طرف‌های منازعه (ژاپن، چین، روسیه و پشتیبانی آمریکایی‌ها)، بدان اعتقادی نداشته‌اند. ضمن اینکه؛ این فیلم اعتراض دولت آمریکا را برانگیخت و سفارت آمریکا در ژاپن تهیه‌کننده را فرا خواند. از او خواسته شد که فیلم را تغییر دهد، تا ایالات متحده را با یک تصویر منفی نشان ندهد.



هرسه‌گانه‌ها نشان می‌دهند که چگونه رفته‌رفته کاجی از یک شخصیت ایده‌آلیست به شخصیتی غم‌انگیز تبدیل شده و ایمان خود را نسبت به همه چیز از دست می‌دهد. اگرچه بسیاری به دنبال پایان بهتری بودند که به نفع کاجی باشد. اما این فیلم تأثیر واقعیت بر ذهنیت کاجی را نشان می‌دهد و به‌نوعی پایان زندگی تمام افراد ایده‌آلیستی است که می‌خواستند با جامعه راست‌گرا و ظالم سیستم حکومتی در ژاپن مبارزه کنند. تلاش انسانی قهرمانی که می‌خواهد تحت تأثیر زمانه‌اش قرار نگیرد و اسیر بی‌عدالتی‌هایی که در جهان وجود دارد، نشود. البته به دلیل که خود کوباباشی درگیر با جنگ جهانی شده، مصائب و

ویرانی‌های ناشی از جنگ را از نزدیک لمس کرده بود. بنابراین هرگز سعی نکرد که تاریخ را دوباره بسازد، به این معنا که هرگز چون برخی سینماگران بعد از جنگ ژاپن، نخواست با مظلوم نشان دادن ارتش ژاپن در جنگ جهانی دوم تاریخ را از نو بنویسد. او با ایدئولوژی امپریالیستی ژاپن در آن زمان مخالف بود. تا آخر عمر به چنین دیدگاه و منتقد فرهنگ کُنشگرایانه ژاپن پایبند بود.

از ویژگی‌های فیلم‌های کوبایاشی تنهایی آدم‌های اوست. او در صحنه‌های فیلم‌هایش اغلب از بازیگران کمی استفاده می‌کرد تا تنهایی آن‌ها را به مخاطبش نشان دهد. کوبایاشی با استفاده از سایه‌ها و دوربینی که فضاهای خالی را بیشتر نشان می‌دهد، مخاطب را از لحاظ حسّی، با این تصوّر روبه‌رو می‌کند که صحنه، زیادی خالی است. این فیلم نیز حکایتی از تنهایی آدم‌هایی است که (آنگونه که رفت) می‌خواهند زندگی کنند. کوبایاشی ایده ماشین جنگ را با مهارت زیر سؤال می‌برد و در نهایت ارتش را مقصر می‌داند و ایدئولوژی‌هایی که به جایگاه انسان بی‌توجه باشند را فاقد ارزش معرفی می‌کند.

سؤال‌های زیادی در این فیلم ضدجنگ مطرح می‌شود که قابل تعمق هستند، اینکه؛ آیا می‌توان زندگی شماری را قربانی محافظت از زندگی سایرین کرد؟ در چه شرایطی به جایگاه انسانی ارتقاء می‌یابیم؟ و چگونه می‌توان در زمان جنگ انسان‌دوست باقی ماند؟

Profile:**Movie:** Wild Geese**Romaji:** Gan**Director:** Shirô Toyoda**Screenwriter:** Masashige Narusawa (Novel: Ogai Mori)**Producer:** Daiei Studios**Cinematographer:** Mitsuo Miura (B&W)**Release Date:** September 15, 1953**Runtime:** 104 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, romance**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Otoma**Was:** 29**۴۴- غازه‌های وحشی:**

فیلم "غازه‌های وحشی" با نام مستعار "معشوقه" بر اساس رمانی از موری اوگای و به کارگردانی شیرو تویودا محصول ۱۹۵۳ ژاپن در یکصد و چهار دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و نه سالگی است و نقش اوتاما را بازی می‌کند. تویودا، که به خاطر اقتباس‌هایش از ادبیات برجسته شهرت دارد، چند تغییر کلیدی در رمان موری ایجاد می‌کند و در واقع یک قهرمان دوران شووا را در دنیای شناخته‌شده میجی قرار می‌دهد.

این یک فیلم خوب در آن سال است. با در نظر داشتن اینکه؛ سال ۱۹۵۳ سال اوگتسو، داستان توکیو، ورودی آبِ گِلِ آلود، تراژدی ژاپن، برج نیلوفرها، گیشای میزوگوچی، دروازه جهنم، نامه عاشقانه، همسر، برادر بزرگتر، خواهر کوچکتر، یوکوبو، شوهر و همسر، و قبل از طلوع، از یک طرف و هفت سامورایی، عاشقان مصلوب، و سانشوی مباشر در طرف دیگر است. مانند بسیاری از جوسی ایگاها (تصاویر زنان)^{۶۹} خلاصه داستان آن ملودراماتیکِ آشک آور^{۷۰} نشان می‌دهد، اما در واقع اینطور نیست. بلکه در فیلم مسائل زیادی وجود دارد. (نه صرفاً دراماتیزه کردن یک رمان).

اوتاما فکر می‌کند که با مردی مجرد ازدواج کرده بود که معلوم می‌شود یک مرد دو زنه^{۷۱} است. حالا دیگر باکره نیست و به حال خود و پدر پیرش رها شده است. اوتاما پیشنهاد یک خواستگار محلی را می‌پذیرد. به او گفته می‌شود که تاجر موفقی به دنبال همسر جدیدی برای مراقبت از فرزندانش است و پس از یک دوره سوگواری مناسب (برای زن فوت شده اش) با او ازدواج می‌کند. این نیز به نظر می‌رسد دروغ است - او یک مرد نزول خور^{۷۲} است و هنوز کاملاً متاهل است. خواستگار به او بدهکار بود و اوتاما را برای پرداخت بدهی خود می‌خواهد. به زودی متوجه می‌شود که چه اتفاقی افتاده است، اما نزول خور بیش از حد سخاوتمند است و پدرش او را تحت فشار قرار می‌دهد تا رابطه را ادامه دهد. او توسط سایر زنان در خیابان طرد می‌شود،

⁶⁹. josei-eiga ("women's pictures")

⁷⁰. Tear-jerker

⁷¹. bigamist

⁷². Loan-shark

تا حدی به این دلیل که او یک «معشوقه یا فاحشه» است، همچنین به این دلیل که او معشوقه نزول خوری است که همه به آن بدهکار هستند و آنها را تحقیر می کند. با توجه به موقعیت اوتاما یک زن نمی تواند به تنهایی در عصر میجی و امتیازات طولانی آن به فتودالیسم زنده بماند.

در این میان یک دانشجوی جوان خوش تیپ پزشکی وجود دارد که عاشق اوتاما می شود، اما عشق اش هرگز اعلام نمی شود. او برای تحصیل به اروپا می رود و او را رها می کند، تا به غازه‌های وحشی را که از برکه پرواز می کنند نگاه کند. لحظه ای به یاد ماندنی زمانی فرا می رسد که معشوقه و همسر به طور تصادفی در خیابان با هم آشنا می شوند و هر دو متوجه می شوند که چترهای آفتابی یکسانی دارند و اوتاما کیمونویی از ابریشمی که شوهر به همسرش قول داده بود پوشیده است و همه در سکوت سپری می شود. مهم نیست که چقدر ارتباط عمیق است، این عشقی است که قرار است شکست بخورد - اوتاما زن یک نزول خور است و او کادا یک دانشجوی پزشکی با جاه طلبی های بین المللی است. آنها در دنیاهای مختلف زندگی می کنند و به قول دوستش (جوکیچی اونو)، این هنوز دوران میجی است، روزگار اجازه نمی دهد.



با این وجود، حتی اگر شیفتگی کوتاه او محکوم به فنا باشد، صرفاً خواستن چیز دیگری باعث تغییر در طرز فکر اوتاما می شود. این عمل فردگرایی شدید که او را وادار می کند تا با نیروهای مرد مسلط در زندگی اش که انتخاب‌های خودخواهانه چیزی جز بدبختی برای او ایجاد نکرده است به مبارزه بپردازد، معمولاً به نام حفظ هماهنگی اجتماعی به شدت مجازات می شود، اما ظهور اوتاما متفاوت است. عنوان افتتاحیه به ما یادآوری کرد که این زمانی بود که غازه‌های وحشی هنوز در آسمان بالای توکیو پرواز می کردند. به نظر می رسد به این معناست که پرندگان دیگر اینجا پرواز نمی کنند، آزادی یا امکان واقعی برای پرواز در

عصر مدرن شووا وجود ندارد، اما اوتاما زنی است که در قفس میجی به دام افتاده است و ناگهان متوجه می شود که درها همیشه باز بوده اند. انتخاب‌های او به منزله یک زندگی تحقیرآمیز و در عین حال راحت مادی تحت انقیاد، یا مسیر آزادی فردگرایانه در پذیرش خواسته‌های واقعی‌اش است. رویای او برای نجات عشق واقعی ممکن است شکسته شده باشد، اما قلب اوتاما، حداقل، سرانجام از قفس‌های دوقلوی ستم اجتماعی و مردسالارانه رها شده است.

در آشفتگی شدید بلافاصله پس از جنگ، تعجب آور نیست که ژاپن به آخرین باری که با چنین سردرگمی و آشفتگی مواجه شده بود برای سرنخ‌هایی در مورد چگونگی برون رفت از وضعیت فعلی شوکه کننده خود به گذشته نگاه کند. اوتاما خود را در چهارراهی مشابه زنان دهه ۱۹۴۰ می‌بیند، در حالی که آنها با آزادی‌های جدید روبرو هستند، اما همچنان بین سنت و مدرنیته گیر می‌افتند. آنها توسط یک جامعه محافظه کار محدود شده اند. در ژاپن دهه ۱۸۸۰ یکی از تضادهای شدید سنت و مدرنیته به سرعت در حال گسترش است. پس از گشودن درهای خود به دنیای خارج، این کشور عجله زیادی دارد تا به کسانی که در صحنه جهانی همتای خود می‌داند، برساند در نتیجه، افکار و ارزش‌های غربی به کشور سرازیر می‌شود و خیر و شر را به همراه دارد.

Profile:

Movie: Carmen Falls in Love, Carmen's innocent Love

Romaji: Karumen junjo su

Director: Keisuke Kinoshita

Screenwriter: Keisuke Kinoshita

Producer: Shôchiku

Cinematographer: Hiroyuki Kusuda (B&W)

Release Date: Nov 13, 1952

Runtime: 103 min

Color: black and white

Genre: Comedy

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Carmen

Was: 28

۴۵- کارمین عاشق می شود:

فیلم "کارمین عاشق می شود"^{۷۳} با نام دیگری چون: "عشق بی گناه کارمین"، به کارگردانی کیسوک کینوشیتا محصول ۱۹۵۲ در یکصد و سه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و هشت سالگی نقش کارمین را بازی می کند. کارمین این فیلم یک تاکامینه فداکارتر از زن برهنه^{۷۴} ی مبتذل فیلم «کارمین به خانه می رود» است. **ادعاهای کارمین برای هنرمند بودن همراه دوست اش در توکیو ادامه دارد.** او همچنان به "هنر خود" - رقص برهنه - مشغول است. او در پانتومیم داستان کارمین با موسیقی آشنا می شود که توسط یک گروه چهار نفره نواخته می شود (رقص و استریپ) اجرا می کند. او داوطلب می شود تا برای یک مجسمه ساز سورئالیست، سودو هاجیمه، ژست بگیرد سپس عاشق او می شود. او از اینکه معشوق کسی باشد خجالت می کشد. از طرفی حاضر نمی شود برای مدل شدن برهنه شود، در نهایت اخراج می شد. او اخراج می شود و مجبور می شود چندین شغل تحقیرآمیز را با لباس های احمقانه برای مشاغل مختلف انجام دهد. همه رشته ها در نهایت در یک تجمع سیاسی جمع می شوند که در آن هویت های اشتباه کارمین را روی صحنه می بینند که به طور تصادفی تجمع را نابود می کند. کارمین همیشه این را «هنر» می داند که باید دائماً آن را تمرین کند او فحشا را پایین ترین راه برای امرار معاش می داند و حتی زمانی که اوضاع در بدترین حالت خود است از انجام آن امتناع می کند، بنابراین واضح است که او همچنان کار خود را از نظر جنسی غیر مرتبط می داند.

دو نوزاد در فیلم وجود دارد، یک دختر بچه متعلق به دوست کارمین و همکار سابق، آکیمه (کوبایاشی توشیکو) است. او که قبلاً در فیلم اول خود را نرم تر در مورد مردان نشان داده بود. پدر بچه ی آکیمه کمونیست شد و آنها را رها کرده است. در ابتدا به نظر می رسد که کارمین با زندگی سخت شده است، به آکمی درباره شرارت های مردان سخنرانی می کند و حتی سعی

^{۷۳}. فیلم رنگی گرفته شد که خراب شد، بنابراین فقط می توان آن را سیاه و سفید دید.

^{۷۴}. "برهنه" اصطلاحات سختی برای ترجمه یا درک از فرهنگی به فرهنگ دیگر هستند.

می کند او را وادار کند که بچه را رها کند. بچه ی دیگر (پسر) را ساتاکه به دنیا آورد، که به عنوان یک زن زیرک و حریص که توسط سودو رها شده است. (هم سودو و هم مادرش او را "شلخته" می نامد).

مادر بسیار زشت چیدوری، ساتاکه کوماکو، بیوه یک سپهبد است او در اولین انتخابات دموکراتیک بر اساس طرحی برای تسلیح مجدد و کاهش مالیات (طنز سیاسی) برای شرکت در انتخابات (کنگره) نامزد می شود. او فکر می کند که کارمن مادر بچه سودو است. نامزد انتخابات سعی می کند کارمن را بخرد، که بپذیرد بدون پرداخت هزینه ای سودو را رها کند(که هیچ کاری برای فرونشاندن خواسته های زنی که پسرش را بزرگ می کند)



هم هنرمند و هم شلخته با هم ازدواج می کنند تا ملکی به ارزش ۳-۴ میلیون ین بدست آورند که تحت کنترل بیوه ساتاکه است. هیچ توضیحی در مورد اینکه چرا ازدواج ضروری است وجود ندارد. حدس می زنم شرط ارث باشد که مرحوم سپهبد! تعیین کرده است. خدمتکار (خانواده) هنرمند، با بازی هیگاشیاما چیکو، خانواده خود را در یکی از حملات بمب اتمی از دست داده و دائما نگران هر صدای بلند دیگری است که در توکیو پخش می شود. (آیا ژاپنی ها در حدود ۱۹۵۲ این را خنده دار می دانستند؟)

طرح های مختلف در یک گردهمایی انتخاباتی برای ساتاکه کوماکو، که سودو پذیرفته است در آن سخنرانی کند، به هم نزدیک می شوند. او توسط پدر کمونیست کودک آکیمه مورد آزار و اذیت قرار می گیرد. کارمن خشمگین او را محکوم می کند و نامزد او را روی صحنه می خواند - و علاوه بر دفاع از محبوب، تنفر خود را از هر جنگ دیگری ابراز می کند.

در زمان ساخت فیلم، اولین دولت منتخب پس از جنگ بدون نظارت (مستقیم) آمریکایی ها که به طور رسمی به اشغال پایان داده بودند، تشکیل می شد، اگرچه پایگاه های آنها به دلیل جنگ کره همیشه وجود داشت. سیاستمدار احتمالی زن روی یک سکوی تجدید معنوی و تسلیح مجدد نظامی که در آن زمان یک موضوع قوی و بسیار تفرقه انگیز بود، در حال رقابت است.

فیلم در واقع نه با کارمن، بلکه با خدمتکار که نتایج انتخابات را می خواند و آنقدر ناراحت است که در خیابان با غریبه ها برخورد می کند، به پایان می رسد. ژاپنی ها در آن زمان می دانستند که او از چه چیزی نگران است. یکی از سیاستمداران اصلی آن

روز، نوبوسوکه کیشی، جنایتکار جنگی محکومی بود که آمریکایی‌ها به دلیل مواضع ضد کمونیستی‌اش آزاد کرده بودند و سپس از آن حمایت کردند، و حزب او قصد داشت ژاپن را دوباره مسلح کند. در زمان ساخت فیلم، انتخابات هنوز برگزار نشده بود، بنابراین کینوشیتا در حال پیش بینی چنین وضعی بود. (همانطور که اتفاق افتاد، کیشی تا سال ۱۹۵۵ نتوانست قدرت را به دست گیرد، در آن زمان آمریکایی‌ها و عموم مردم دیگر علاقه‌ای به تسلیح علنی ژاپن نداشتند).^{۷۵}

^{۷۵}. معلوم نیست که آیا این یکی دیگر از محصولات فرهنگی است که توسط آمریکایی‌ها ارائه شده است یا صرفاً نتیجه سانسور ژاپنی‌ها است.

Profile:

Movie: World of Love: Tomi the Wildcat
Romaji: Ai no sekai: Yamaneko Tomi no hanashi
Director: Nobuo Aoyagi
Screenwriter: Satoshi Kisaragi, Shin Kurokawa
Producer: Toho
Cinematographer: Takeo Ito (B&W)
Release Date: January 14 1943
Runtime: 93 min
Color: black and white
Genre: Drama
Language: Japanese
Country: Japan
Played: Tomi Yamaneko
Was: 19

۴۶- جهان عشق: تومی گربه وحشی

فیلم "جهان عشق: تومی گربه وحشی" به کارگردانی نوبئو آئویاگی محصول ۱۹۴۳ ژاپن در نود و سه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن نوزده سالگی نقش یامانکو را بازی می کند. اگر چه این فیلم بیشتر احساسی است، اما بینش متفاوتی از زنان در جبهه خانگی در سال ۱۹۴۳ به ما می دهد.

تومی که اکنون شانزده سال دارد، از زمانی که مادرش در هفت سالگی فوت کرده است، بیشتر تنها زندگی کرده است. به دلیل مشکلات با پلیس، او اکنون به جای یک مدرسه، به یک "مؤسسه" در حومه شهر، همراه با یک معلم جدید خانم یامادا فرستاده می شود. این مؤسسه بیشتر شبیه فیلم "برج درون نگری" هیروشی شیمیزو^{۷۶} است، اما فقط برای زنان جوان است ساکنان آن غذای خود را می کارند، برای خودشان می پزند و تمیز می کنند و زبان، موسیقی و خیاطی به آنها آموزش داده می شود. هیچ حصاری وجود ندارد و گاه به گاه فراری ها به سادگی توسط مقامات محلی بدون هیچ مجازاتی بازگردانده می شوند. با این حال، برخلاف فیلم شیمیزو، هیچ یک از دختران در واقع کودکانی پیش از نوجوانی نیستند. مایه تعجب است که بینیم دختر شانزده ساله ای که معمولاً در سن ازدواج است هنوز به عنوان یک نوجوان با او رفتار می شود. از این نظر، بیشتر شبیه مؤسسه ای در فیلم "جانور سفید"^{۷۷} اثر ناروسه است، هرچند هرگز کوچک ترین اشاره ای وجود ندارد که هیچ یک از دختران در فحشا دست داشته اند.

تومی از همان ابتدا یک بیگانه است، زیرا از صحبت کردن با دیگران امتناع می کند. حتی یک کلمه به قاضی، به یامادا، یا به هیچ یک از دختران دیگر نمی گوید. او در دوران کودکی تنهایی اش آنقدر به پوسته خود رانده شده است که حتی ساده ترین سنت ها، مانند معرفی رسمی هم، نمی توانند در او راه پیدا کنند. او در ایستگاه قطار فرار می کند، نظرش تغییر می کند و بر

⁷⁶ . The Introspection Tower 1941

⁷⁷ . White Beast 1950

می گردد. سپس دوباره در دروازه‌های موسسه فرار می‌کند، فرار او از میان جنگل و حوضچه‌هایی که تنها توسط یک دیوار صخره‌ای ناگهان مسدود شده است. اما او مبارزه می‌کند و دختران دیگر شروع به صدا زدن او می‌کنند.



پس از یک دعوی جدی با "دختر سر پست" که در هر گروهی یافت می‌شود، تومی به سمت جنگل حرکت می‌کند، جایی که او شگفتی طبیعت و آزادی را در یک دوربین دوست داشتنی احساس می‌کند. با این حال، شب فرا می‌رسد و او شروع به دیدن رؤیاهایی می‌کند که او را چنان می‌ترسانند که صبح به طرز وحشیانه‌ای در میان درختان و نه‌رها می‌چرخد تا اینکه کلبه‌ای خالی با برنج روی آتش پیدا می‌کند. دو پسر کوچک برمی‌گردند، حیرت زده می‌بینند که هیچ غذایی وجود ندارد، و تومی سرانجام از سایه بیرون می‌آید و صحبت می‌کند و به آنها می‌گوید که متأسفم اما آن را خورده‌ام. او غذای بیشتری برای آنها درست می‌کند و با آمدن طوفان، با آنها هم‌خانه می‌شود. آنها مهارت‌های لازم برای پخت و پز و یافتن چوب و غیره را می‌دانند، زیرا مادرشان مُرده است و پدرشان یک شکارچی است که مرتباً آنها را با برنج کافی می‌گذارد که تا بازگشت او دوام بیاورد. آنها به تدریج تومی را به عنوان خواهر بزرگ خود قبول می‌کنند و حتی یکی از آنها در حالی که برای خواب در کنار هم هستند می‌گوید که او بوی مادر را بر او حس می‌کند. متأسفانه، اکنون که برنج در حال تغذیه سه نفر است، به اندازه کافی دوام نمی‌آورد و تومی شروع به یورش به دهکده مجاور برای غذا می‌کند. این کار گروهی از مردم محلی را به کابین می‌آورد و پدر بازگشته تقریباً به او شلیک می‌کند، زیرا فکر می‌کند پسرها را ربوده است.

اگرچه عنوان کامل نشان می‌دهد که ما یک عاشقانه پیدا خواهیم کرد، اما تومی عاشق یک مرد نمی‌شود. او از طریق عشق به پسران و معلم جوان رهایی عاطفی خود را پیدا می‌کند و اکنون پس از بازگشت به مؤسسه، به عضوی شاد و پذیرفته شده در جامعه تبدیل می‌شود. یعنی تا زمانی که آخرین فرار خود را انجام دهد، با خوشحالی از دامنه تپه می‌دود تا دوباره به پسران کوچک و پدرشان بپیوندد. در مجموع، آنقدر که به نظر می‌رسد احساساتی نیست، تا حدی به این دلیل که موسیقی در بیشتر قسمت‌های فیلم کم است، اما بیشتر به دلیل شدت و باورپذیری کامل تاکامینه است.

با این حال، حتی در این داستان، یادآوری از جبهه جنگ را می‌یابیم. در یکی از دعوایها، یک پروژه خیاطی که دختران مشغول کار هستند پاره می‌شود. رهبر مؤسسه سپس در مورد چگونگی نیاز سربازان به این آیتم سخنانی می‌کند و تک‌بخیه ممکن است به پیروزی در جنگ کمک کند. (امداد پشت جبهه) در غیر این صورت، هیچ نشانه‌ای از وقوع جنگ وجود ندارد.

Profile:**Movie:** Two lida**Romaji:** Futari no iida**Director:** Zenzo Matsuyama**Screenwriter:** Miyoko Matsutani(story)Zenzô MatsuyamaYôji Yamada**Producer:** Two lida Productions**Release Date:** No 6,1976**Runtime:** 110 min**Color:** Color**Genre:** Drama, War**Music:** Kinoshita Chuji**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Grandmother**Age:** 52**۴۷- دو ایدا:**

فیلم "دو ایدا" به کارگردانی زنزو ماتسویاما محصول ۱۹۷۶ ژاپن در یکصد و ده دقیقه است. به عنوان یک فانتزی ضد جنگ با هدف اعلام اومانیسیم واقعی از طریق عشق به مادر و فرزند ایجاد شد. دو ایدا یک اثر ادبیات کودکان ژاپنی از نویسنده کودکان و نوجوانان میوکو ماتسوتانی است.^{۷۸} این اولین قسمت از هر پنج قسمت از مجموعه "داستان نائوکی و یوکو" است که همچنان همچنان بخش های تاریک جامعه مانند: جنگ و آلودگی را روشن می کند. این اثری است که تراژدی بمب اتم را از طریق تعامل بین برادران و خواهران کوچکتر و صندلی اسرارآمیزی که در اطراف حرکت می کند و کلماتی را بیان می کند، منتقل می کند.

در اواسط دهه ۱۹۶۰، در یک تعطیلات تابستان، برادران و خواهران نائوکی و یوکو سفر کاری مادرشان را در هانائورا در استان هیروشیما، جایی که پدر بزرگ و مادر بزرگ او در آنجا زندگی می کنند، سپری خواهند کرد. در روز رسیدن به هانائورا، نائوکی یک صندلی مرموز را می بیند. صندلی مانند یک حیوان در کنار جاده راه می رود و زمزمه می کند «اینای، اینای، دوکونیمو، اینای» و در یک ساختمان قدیمی به سبک غربی ناپدید می شود. روز بعد، نائوکی یوکو و یک صندلی را در حال بازی در ساختمان به سبک غربی می بیند. به گفته صندلی، دختری به نام "ادا" در سالن زندگی می کرد، اما یک بار ناپدید شد و یوکو همان ایدا است. یوکو همچنین با نام مستعار ایدا، و اصرار دارد که ساختمان به سبک غربی خانه خودش است، احتمالاً به این دلیل که او جوان است. در نهایت، زنی به نام ریتسوکو که در همسایگی زندگی می کند، از وضعیت با خبر می شود. با همکاری ریتسوکو، معلوم می شود که ایدا، صندلی، با انداختن بمب اتمی بر شهر هیروشیما به همراه خانواده اش مرده است. همانطور که یوکو مانند ساکنان یک ساختمان به سبک غربی عمل می کرد و کلمات و بازی هایی را می دانست که نائوکی نمی دانست، نائوکی به تدریج شروع به فکر کرد که یوکو ممکن است تناسخ ایدا باشد.

^{۷۸}. تفاوت هایی میان فیلم و داستان وجود دارد.

نائوکی به صندلی در ساختمانی به سبک غربی می گوید که ایدا ده ها سال پیش مُرده است. با این حال، او به صندلی گوش نمی دهد و پاسخ می دهد که باید سه خال در پشت او وجود داشته باشد تا نشان دهد که یوکو همان ایدا است. وقتی یوکو پشتش را نشان می دهد، هیچ خال وجود ندارد. با دانستن حقیقت، صندلی از هم می پاشد و بی حرکت می شود.

پس از بازگشت نائوکی و دوستانش به توکیو، نامه ای از ریتسوکو حقیقت را فاش می کند. ریتسوکو ایدای صندلی بود. ریتسوکو در سه سالگی در معرض بمب اتمی قرار گرفت و پدر و مادرش مُردند و توسط والدین خوانده فعلی او تحت مراقبت قرار گرفتند. پس از آن به بیماری سرطان خون ناشی از بمباران اتمی مبتلا شد و پس از بهبودی با نائوکی و دوستانش آشنا شد و پس از بازگشت نائوکی به خانه هویت او را شناخت، و حالا ریتسوکو به دلیل شرایط بد جسمانی مجبور به پذیرش مجدد شد. صندلی توسط ریتسوکو تعمیر شده بود، اما او گفت که دیگر صحبت نخواهد کرد. نامه ی ریتسوکو با آرزوی او برای بهبودی از بیماری، به دنیا آوردن دختری در آینده و نشستن او روی آن صندلی به پایان می رسد. نائوکی آرزوی بهبودی ریتسوکو، احیای صندلی و شادی همه را دارد و داستان به پایان می رسد.



یوجی یامادا در مورد این اثر توسط دخترش در حدود سال ۱۹۷۱ شنیده بود. حتی از زبان دخترش که در آن زمان دانش آموز دبستانی بود، به دلیل تصویر فوق العاده اش همچنان مجذوب این اثر بود، بنابراین تصمیم گرفت آن را به فیلم تبدیل کند و با رضایت میوکو ماتسوتانی برای نمایش آن شروع به کار کرد. با این حال، اولین پیش نویس یامادا از نظر خود یامادا بسیار دور از اصل بود. به همین دلیل، چندین سال از توقف تولید گذشته بود و بازگشت تولید به مسیر دشوار بود. اما با شرکت زنزو ماتسویاما در تولید، فیلم با موفقیت از سر گرفته شد. در زمان تولید، سی و یک سال پس از بمبهای اتمی هیروشیما و ناکازاکی بود و در این مدت بازماندگان جدیدی از بمبهای به دنیا آمدند و به عنوان اثری تولید شد که برای والدین همه افراد جذاب باشد.

در آن زمان در تولید، جزوه سناریویی با بلیت همکاری تولیدی برای جمع آوری بودجه تولید پخش شد و یوجی یامادا نیز برای ایجاد پیش نویس نهایی بر اساس دیدگاه های افراد بیشتری در مورد سناریو مشارکت داشت. رویکردی نو و بدیع در پیش گرفت. جزوه سناریو حدود بیست هزار نسخه فروخت و می توان گفت این فیلم توسط حدود ۲۰۰۰۰۰ نفر ساخته شده است. زنو ماتسویاما در این جزوه توضیح می دهد که هنوز هم بازماندگان بمب اتمی و کسانی که از بیماری های آلودگی رنج می برند در یک دنیای به ظاهر صلح آمیز وجود دارند. این بحث مطرح شد که آموزش صلح واقعی بدون نگاه کردن به کسانی که در پشت صحنه بودند امکان پذیر نخواهد بود.

Profile:

Movie: My Hobo

Romaji: Burari burabura monogatari

Director: Zenzo Matsuyama

Screenwriter: Zenzo Matsuyama

Production: Toho Film (Eiga) Co. Ltd

Release Date: Nov 23, 1962

Runtime: 98 min

Color: Color

Genre: Comedy

Music: Hikaru Hayashi

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Komako Kuwata

Was:38

۴۸- دوره گرد من:

فیلم "دوره گرد من" به کارگردانی زنزو ماتسویاما^{۷۹} محصول ۱۹۶۲ ژاپن در نود و هشت دقیقه است. فیلم (طنز جدی!) داستان یک دوره گرد باهوش (کوبایاشی)، و یک زن کلاهبردار (تاکامینه) است که وانمود می کند قربانی بمب اتمی ناکازاکی است که برای امور خیریه پول جمع می کند. همچنین دو کودک یتیم که وارد یک خانواده غیر معمول ژاپنی می شوند. اگر چه فیلم خیلی سال پیش ساخته شده است اما داستان انسان هایی است که در آرزوی آزادی هستند، و این مساله در دوران مدرن هم قابل همدردی است. در تیتراژ فیلم ابتدا یک مرد و سپس و افرادی به طناب بسته شده اند، و به شکل دیوانه وار می چرخند. چرا افراد درگیر ماجرا با طناب بسته شده اند؟



^{۷۹} . دوّمین فیلم ماتسویاما در جایگاه کارگردان است.

جونپی (کوبیاشی) و کوماکو (تاکامینه) دوباره در کیتاکیوشو به هم می پیندند تا به توکیو بروند. آن شب، جونپی در اسکله از کوماکو خواستگاری می کند. اما کوماکو شرط می گذارد در صورتی که او حقوق بگیر شود، ازدواج می کنند. صبح روز بعد، وقتی جونپی از خواب بیدار می شود، می بیند هشتاد هزار پنی که پس انداز کرده بود، نیست. جونپی که هنگام سرقت پولش عجله داشت شتابان به ایستگاه می رود، اما کوماکو دیگر آنجا نبود و علاوه بر آن مجبور شد تا دو کودک رها شده را با خود همراه ببرد. کودکان رها شده تاکئو کومیاما و ماریکو نام داشتند و والدین آنها قبلاً مرده بودند و توسط عمه ای در ناکازاکی بزرگ شده بودند. به نظر می رسد خاله با عمویی که در یک شرکت ساختمانی در توکیو کار می کند رابطه خوبی با آنها دارد. جونپی به جایی رسیده بود که برای سیر کردن بچه های گرسنه و رها شده غذا ذخیره کرده بود، اما دیگر غذایی وجود نداشت و نامه ی کوماکو آنجا بود. او نوشته بود؛ "کنسرو ماهی قزل آلا خوشمزه بود. پولی که از شما بُردم یک سپرده ثابت در بانک سانوا باز می کنم. وقتی حقوق بگیر شوید ازدواج می کنم. من زودتر از موعد به توکیو می روم. بیا در یوراکوچو همدیگر را ببینیم."

به این ترتیب جونپی و دو کودک با گدایی، و سواری رایگان به توکیو سفر می کنند. اما احساسات عمه و خاله ی بچه ها تغییر کرده است و بچه ها فرار می کنند. تاکامینه می گوید: "انسانها همین هستند" در نهایت بچه ها با جونپی و کوماکو بزرگ می شوند. "آزادی انسان تنها در دنیای انسان است. زندگی سخت یک زندگی واقعی است. آزادی واقعی در آن وجود دارد!"

Profile:**Movie:** Ginza "Street Girle", can-can Girl in Ginza**Romaji:** Ginza kankan musume**Director:** Koji Shima**Screenwriter:** Haruyasu Nakada, Kajirô Yamamoto**Producer:** Shintocho**Cinematographer:** Akira Mimura**Release Date:** Agust 16, 1949**Runtime:** 68 min**Color:** black and white**Genre:** Comedy**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Aki**Was:** 25**۴۹- "دختر خیابانی" در گینزا:**

فیلم "دختر خیابانی، در گینزا" به کارگردانی کوچی شیما محصول ۱۹۴۹ ژاپن در شصت و هشت دقیقه می باشد. خانم تاکامینه در سن بیست و پنج سالگی ضمن خواندن ترانه معروف و نوستالژیک این فیلم، نقش آکی را بازی می کند. ادعا می شود که واژه ی "Kankan" توسط کاجیرو یاماموتو ابداع شده است. به معنای "عصبانی از کانکان" معنی دیگر "دختر روسپی" برگرفته از "پان پان" که برای سربازان آمریکایی در آن زمان به کار می رفت. (بیشتر شباهت ریتم) این همان معنای "جریان ستارگان" است که در سال ۱۹۴۷ منتشر شد، و فریاد قلب یاماموتو بود که از دنیای تاریک پس از جنگ ابراز تاسف می کرد. وقتی تاکامینه از هاتوری در مورد آهنگسازی و شعر پرسید: "Kankan" به چه معناست؟، پاسخ نداشته، حکایتی این است که هیچ یک از آنها نمی دانستند. از آنجایی که اولین شعری که شیزوکو کاساگی در فیلم نوشته است، "کاور کانکان" است، این احتمال وجود دارد که او یک قایق سوار باشد. به هر حال معنای واقعی آن را ظاهراً کسی جز نویسنده نمی داند.

داستان آمیزه ای از فیلم موزیکال آمریکایی و فروتنی سینمای ژاپن است. آهنگی که تاکامینه در این فیلم می خواند، در آن زمان آهنگ پرطرفدار بود. راکوگوکا شینشو اکنون بازنشسته شده است و با همسر و فرزندانش زندگی متوسطی دارد. تاکامینه با دوستش شیزوک کاساگی می خواهند با شینشو و خانواده اش زندگی کنند. با اینکه شخصیتی بشاش دارند، از صبح یک آهنگ می خوانند و کم کم ناامید می شوند. برادرزاده شینشو تاکسوک که گروه گر را سازماندهی می کند و خود را وقف خوانندگی می کند.



با این حال، واقعیت سخت است و دختران بدون پول نمی توانند رنگ یا پیانو بخرند. اما این بدان معنا نیست که برای همیشه دور بمانند. در همین حال، وقتی آکی با تیم لوکیشن یک شرکت فیلمبرداری آشنا می شود و از او خواسته می شود که برای عکسبرداری برود. شیزوکو کاساگی نقش بهار را بازی می کند و تاکامینه نقش پاییز را بازی می کند. بهار یک خواننده و پاییز یک نقاش است و هر سه انگیزه برای هنرمند شدن دارند. این دو مبلغ هنگفتی معادل هزارین به عنوان هزینه اجرا دریافت خواهند کرد و با نظارت تتسو شیرای که در طول اجرا با او آشنا شدند، دوباره می خوانند و همچنان خواننده خواهند بود.

Profile:

Movie: Dimple of Tokyo

Romaji: Tokyo no ekubo

Director: Shuei Matsubayashi

Screenwriter: Hideo Oguni

Producer: Shintocho

Cinematographer: Joji Ohara (B&W)

Release Date: Jan 15, 1952

Runtime: 88 min

Color: black and white

Genre: Comedy Romance

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Kyoko Mine

Was: 28

۵۰- گودی توکیو:

فیلم "گودی توکو" اولین اثر شو ماتسوبایاشی محصول ۱۹۵۲ ژاپن در هشتاد و هشت دقیقه است. فیلم کمدی پس از جنگ، و یکی از شاهکارهای بزرگ است. خانم تاکامینه در سن بیست و هشت سالگی نقش کیوکو مینه را بازی می کند.

توکیو در حدود سال ۱۹۵۱ تقریباً متروکه است. تنها در ۶ یا ۷ سال بعد به چنین شهری تبدیل خواهد شد. اغلب گفته می شود که بازسازی ژاپن پس از جنگ معجزه آسا بود، اما وقتی به این شکل نشان داده می شود، ما را به یاد سرزندگی فوق العاده مردم ژاپن در آن زمان می اندازد.

نوبوکو کاواکامی که در فوکاگاوا زندگی می کند، آن روز در اتوبوس برای امتحان ورودی می رود. رفت و آمد با اتوبوس در آن زمان بسیار شلوغ بود. هر بار که راننده فرمان را می چرخاند، مسافر دزدی می کند. نوبوکو فریاد می زند: "وای، کیف پولم ناپدید شد"، "این یک جیب بُر است، یک جیب بُر در اتوبوس هست." "هی راننده، اتوبوس را همان طور که هست در پاسگاه پلیس بگذار." "مرد عینکی به اشتباه به جای جیب بُر دستگیر می شود، و اعتراف نمی کند. (جنایتکار واقعی با گذاشتن یک کیف پول در جیب این مرد فرار کرد) نوبوکو به طور اتفاقی با تاکامینه را که پلیس زن هست، دیدار می کند. جیب بُر به بازداشتگاه برده می شود. نوبوکو که با عجله به امتحان ورودی رفته بود، با موفقیت از بین دو هزار متقاضی انتخاب می شود. به دلیل مراجعه به مدیر عامل (کن اوهارا) و بیرون آوردن زبانش (سمت راست) استخدام شد. و به عنوان منشی مدیر عامل کیکونیا بوسان استخدام شد. با این حال، مدیر عامل از آن روز ناپدید شد. جیب بری که نوبوکو دیروز بیرون انداخت، مدیر عامل بود. در اولین روز ورود او به دفتر، در اولین ملاقات بین نوبوکو و بونتارو کونیا، مدیر عامل انبوهی از اسناد در مقابل اش، نوبوکو را از مخمصه نجات می دهد. نوبوکو با کیوکو مشورت می کند و تصمیم می گیرد از بونتارو فرار کند و آن را در خانه نوبوکو بگذارد. بونتارو که عینکش را برداشته و سبیل هایش را تراشیده بود، زمانی که در شهری دورافتاده زندگی می کرد که در آن مردم فقیر اما خوب زندگی می کردند، احساس کرد که برای اولین بار با حقیقت زندگی اش ارتباط برقرار کرده است.



در همان زمان، از طریق نوبوکو، توان درک کاملی از وضعیت شرکت از دیدگاه کارمندان پیدا کرد. بونتارو که پس از معرفی توسط دایساکو، پدر نوبوکو، در یکی از شرکت‌های تابعه به عنوان یک صنعتگر در یک کارخانه کنسرو شغلی پیدا کرد، به زودی هویت واقعی خود را فاش کرد، شرکت را اصلاح کرد و اولین قدم را به عنوان مدیر عامل برمی دارد.

این فیلم یک درام فرار از تعلیق غیر محتمل است که در آن یک مدیر عامل بلندپایه وانمود می کند که منشی جدید است، در خانه ای در مرکز شهر زندگی می کند و با زندگی مردم عادی ترکیب می شود، اما راحت، خندان و عاشقانه است. این یک داستان است. حتی به عنوان یک کمدی هم سرشار از انسانیت است، و کار جالبی است.

Profile:**Movie:** Four Weddings, Four Marriages**Romaji:** Yottsunokekkon**Director:** Nobuo Aoyagi**Screenwriter:** Yasutaro Yagi (Story: Osamu Dazai)**Producer:** Toho**Cinematographer:** Kiyoe Kawamura (B&W)**Release Date:** September 28, 1944**Runtime:** 63 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Keiko**Was:** 20**۵۱- چهار ازدواج:**

فیلم "چهار ازدواج" به کارگردانی نوبو آئویاگی محصول ۱۹۴۴ ژاپن در شصت و سه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست سالگی نقش کیکو را بازی می کند. بر اساس داستان کوتاهی اثر اسامو دازای است. او گفته بود: من تحت تأثیر قرار گرفتم که در اواسط جنگ چین زمان عبوس نوشتم، اما می فهمم و حواسم به سانسور هست. توهو نسخه اصلی را متناسب با سیاست قانون ملی فیلم تطبیق داده است. دختر بزرگ (تاکاکو آیری) دختر دوم (ایسوزو یامادا)، دختر سوم (هیساکو یامانه) و دختر چهارم (هیدکو تاکامینه) هستند. قهرمان فیلم تاکامینه است و قصد ترتیب ازدواج برای دوست اش که به جنگ رفته است را دارد. در خطوط شخصیت ها، کلمات شجاعانه ای گفته می شود که به نظر می رسد زمان جنگ باشد، اما کل فیلم آرام است، و سایه های کمی از "روح جنگی" در آن وجود دارد.



Profile:

Movie: Snow-Flake

Romaji: Sasameyuki

Director: Yutaka Abe

Screenwriter: Toshio Yasumi (Novel: Junichirô Tanizaki)

Producer: Shintocho

Cinematographer:

Release Date: 1950

Runtime: 145 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Taeko

Was: 26

۵۲- خواهران ساسامیوکی:

فیلم "خواهران ساسامیوکی" به کارگردانی یوتاکا آبه محصول ۱۹۵۰ ژاپن در یکصد و چهل و پنج دقیقه است. خانم تاکامینه نقش تائکو را در سن بیست و شش سالگی بازی می کند. برای فیلم هزینه تولید سی و هشت میلیون ین که تا آن زمان بی سابقه بود، سرمایه گذاری شده بود. فیلم بر اساس شاهکار استاد ادبی جونچیرو تانیزاکی ساخته شده است. این نخستین اقتباس سینمایی از رمان (که به چند زبان برگردانده شده) او به همین نام است، که سه بار فیلم سینمایی شد.



دو خواهر بزرگتر از خانواده ثروتمند سابق و حالا متوسط ماکيوکا از اوزاکا که قبلاً ازدواج کرده اند، برای خواهر سوم، يوكيکو، به دنبال شوهر می گردند. يوكيکو در سن سی سالگی هنوز ازدواج نکرده است زیرا بسیاری از ازدواج های يوكيکو به دلیل غرور خانواده ماکيوکا رد شده اند. بدتر از همه، نام يوكيکو در یک روزنامه محلی با اشتباه گرفتن تانکو ذکر شد. تانکو با اوکوهاتا فرار کرد. با این حال، چهارمین و آخرین دختر یعنی تانکو، یک طراح عروسک و زنی با ذهن باز به نظر می رسد. او در این جهنم با چشم پوشی از سنت به دنبال پیدا کردن دوست پسر است. ستارگان محبوب رانکو هانای، يوكيکو تودورومی، هيساکو یامانه در کنار تاکامینه برای نقش های چهار خواهر انتخاب شده اند. عنوان زمان البته خواهران ماکيوکا می باشد. ظاهراً امپراطور شوا نیز آن را خوانده است.

داستان در خانه ای قدیمی در اوزاکا از پاییز ۱۹۳۶ (شوا ۱۱) تا بهار ۱۹۴۱ (شوا ۱۶) می گذرد، و غم و شادی زندگی روزمره چهار خواهر را توصیف می کند. همچنین به عنوان اثری که فرهنگ زندگی هانشینکان را در دوران مدرنیسم هانشینکان به تصویر می کشد، شناخته می شود. اگرچه زندگی مردم اوزاکای طبقه بالا را به تصویر می کشد و زرق و برق آلود است، اما ویرانی در آستانه فروپاشی قبل از جنگ جهانی دوم را نیز در خود دارد. داستان غم و اندوهی شاعرانه را نیز از خود جاری می کند دارد، اما روند فروپاشی فرهنگ اوزاکا (سنب) را نیز به تصویر می کشد. به هر حال محتوای فیلم برای جنگ مناسب نبوده است. توسط متفکین مورد انتقاد قرار می گرفت.

Profile:**Movie:** A flower blooms**Romaji:** Hana hiraku - Machiko yori**Director:** Kon Ichikawa**Screenwriter:** Yaeko Nogami(story)Toshio Yasumi**Producer:** Shintocho Film Distribution Committee**Release Date:** April 13, 1948**Runtime:** 85 min**Color:** Black and White**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Machiko Sone**Was:** 24**۵۳- گلی شکوفه می دهد:**

فیلم "گلی شکوفه می دهد" یا "گلِ ماچیکو شکوفه می دهد" به کارگردانی کُن ایچیکاوا محصول ۱۹۴۸ ژاپن در هشتاد و پنج دقیقه است. خانم تاکامینه نقش ماچیکو را در سن بیست و چهار سالگی بازی می کند. فیلم اقتباسی از رمان خانم یاکئو نوگامی (نام اصلی: کوتگاوا یائه) است. سو گیری فکری در آن زمان طعم عجیبی دارد، اما فضایی وجود دارد که آینده زنان مستقل را می گشاید.



در آن زمان، دانشجویان جوان در آرزوی ایده های جدید در جستجوی آزادی بودند. ماچیکو که در خانه ای با اعتبار بزرگ شد، از ازدواج فرار می کرد و با پسران به عنوان پژوهشگر جامعه شناسی در دانشگاه درس می خواند. مادر و خواهر ماچیکو هر دو زنان محبوبی بودند که بر اساس و همچون شخصیت خودش به عنوان یک همسر آرام، اصرار داشتند هر چه زودتر با

ماچیکو ازدواج کند. هنگامی که ماچیکو از یوناگو، یک فارغ التحصیل که برای تسویه می رود، او را به سکی، مرد جوان رنگ پریده متکبر معرفی می کنند. ماچیکو که متوجه شده بود سکی در ارتباط با جنبش ایدئولوژیک دانشجو به قید وثیقه آزاد شده است، به دلایلی نگران او بود. هنگامی که ماچیکو به طور اتفاقی در یک نمایشگاه با سکی ملاقات کرد، ماچیکو گفت که او کسی است که نیروی زندگی فوق العاده ای داشت و شکسته شده، اما او گفت که بیشتر از زندگی فقیرانه اش تحت تأثیر قرار گرفت. مردی را دیدم که هرگز پیش از او نشناختم. وقتی ماچیکو تصمیم می گیرد با سکی ازدواج کند، یوناگو را می بینیم. چیزی که از دهان یوناگو می شنویم این واقعیت باورنکردنی بود. مردی که ماچیکو به او اعتماد دارد و فکر می کند زندگی قدرتمندی دارد، مردی بی شرم و هوسران است. حتی به خاطر رنجش ماچیکو، مرد به سردی به دروغ گفت که رنج شخصی یوناگو ربطی به اندیشه اجتماعی، بیکاری یا اعتصاب ندارد. در پایان ماچیکو به تنهایی خداحافظی می کند...

Profile:**Movie:** The Kiss, The First Kiss, Women's Ways (segment 3)**Romaji:** Kuchizuke, Onna Doshi (segment 3)**Directors:** Masanori Kakei(segment 1), Hideo Suzuki(segment 2), Mikio Naruse(segment 3)**Screenwriter:** Yôjirô Ishizaka(author) (segment 1.2.3.)Zenzô Matsuyama(screenplay)**Production:** Toho**Release Date:** Sep 21, 1955**Runtime:** 115 min**Color:** Black and White**Genre:** Romance, Drama, Anthology**Music:** Ichiro Saito**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Akiko Kaneda**Was:** 31**۵۴- زنان:**

"کوچیزوکه" شامل سه قسمت «بوسه»، «دختری در مه» و «زنان» محصول ۱۹۵۵ ژاپن با سه کارگردان مختلف در یکصد و پانزده دقیقه است. بخش سوم سی و دو دقیقه می باشد. هر سه داستان با نگاهی به تصویرهای روزمره زندگی پس از جنگ از یوجیرو ایشیزاکا گرفته شده اند، فیلمنامه هم از زنزو ماتسویاما است. خانم تاکامینه در سن سی و یک سالگی در داستان سوم به کارگردانی ناروسه نقش آکیکو را بازی می کند. این فیلم درباره ی ارتباط بین انسان ها در فضای جامعه است.

این قسمت داستان زوج ناخوشایند کن اوهارا و هیدکو تاکامینه است. بر اثر یک حسادت کوچک از آکیکو (هیدکو تاکامینه)، بین همسرش دکتر شهر یوزو کاندای (کن اوهارا) و پرستار کیوکو (میکو ناکامورا) اشتباه و بدی برداشتی صورت می گیرد. در ابتدا، آکیکو کفش های یوزو را هنگامی که به خانه می آید برق می اندازد، اما درست قبل از بیرون رفتن، وقتی کیوکو را می بیند که به طور معمولی دوباره به خودش از نظر ظاهر رسیده است، به حرف می آید. بیان مقاومت ناپذیر هیدکو تاکامینه دقیقاً چاشنی فیلم ناروسه است. آکیکو که نسبت به رابطه بین شوهرش و پرستار شک دارد، از خاطرات کیوکو که به طور تصادفی آن را خواند که نوشته است: "من معلم را دوست دارم" و این باعث عذاب کشیدن او می شود.

به خودش می قبولاند که چیز مهمی نیست، و بیشتر ناشی از حسادت است. کیوکو به موقعیت اش حسادت می کند. آکیکو با بردارش (ایزو براش) مشورت می کند، اما او را نصیحت می کند. سپس با شوهرش مشورت می کند تا برای کیوکو شریک ازدواج پیدا کند. تاکامینه می گوید: "شنیدم که او با کیوکیچی (کجو کوبایاشی) سبزی فروش رابطه خوبی دارد..!" این فیلم کمی بعد از «ابراهام شناور» (۱۹۵۴) با ناروسه ساخته شده، و حسادت هیدکو تاکامینه همچون فیلم «قلب یک همسر» است و بین آنها شباهت وجود دارد.

همچنین مساله شگفت‌انگیز این است که کیوکو از میکو ناکامورا، که معمولاً جاز را با صدای بلند می‌خواند و می‌خندد، ناگهان حالتی تنهائی نشان می‌دهد. احتمالاً هیچ بستگانی ندارند. در این دوران ممکن است خانواده اش را به دلیل آسیب های جنگ از دست داده باشد. احساس ضعفی نسبت به آریزو، یک دکتر میانسال دارد، انگار که آرزوی ستاره ای به سبک وسترن را دارد. حالت تاریک کیوکو او را بی خیال می کند. برای کیوکو، کیویوشی، یک مرد جوان خوب که به نوعی احمق است، یک فرد عالی برای کیجو کوبایاشی است. کیجو کوبایاشی در فیلم ناروسه معمولاً مردی مهربان است که زندگی شفاف دارد. از نظر کیوکو، ازدواج با کیوکیچی به این معنی است که خانواده کیوکیچی متعلق به او می شود. این شادی و امید این فیلم است.



عشق آکیکو به همسرش با رفتن کیوکو به همسرش بیشتر می شود. خوشبختانه، آنها در نهایت با هم کنار می آیند، که باعث خوشحالی هیدکو شد. شوهرش که شیطنت های او را درک می کند به او می گوید که چیزی بین آنها نبوده است. همه چیز خوب است که به خوبی تمام می شود، با این تفاوت که دکتر اکنون باید یک پرستار جدید پیدا کند... و این یکی بسیار زیباتر از قبلی است. روزهای رنج و حسادت آکیکو دوباره آغاز می شود.

Profile:

Movie: A Wife's Heart

Romaji: Tsuma no kokoro

Director: Mikio Naruse

Screenwriter: Toshirô Ide

Producer: Toho

Cinematographer: Masao Tamai (B&W)

Release Date: March 5, 1956

Runtime: 101 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Kiyoko

Was: 32

۵۵- قلب یک همسر:

درام "قلب یک همسر" به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۵۶ ژاپن در یکصد و پنجاه و شش دقیقه است. خانم تاکامینه در سن سی و دو سالگی است و نقش کیوکو را بازی می کند. این یک اثر بلند پروازانه است که ظرافت های عشق همسران را به تصویر می کشد. این داستان پول است، و داستان انسان دوستی که حتی بستگانش هم نمی توانند آن را باور کنند.



کیوکو با همسرش شینجی و مادر او در خانه خانواده اش زندگی می کند، جایی که این زوج متاهل یک فروشگاه مواد غذایی نه چندان موفق را اداره می کنند. اگرچه ازدواج آنها خوشایند نیست، اما عمل گرایانه است و هر دو بر سر طرح افتتاح یک

کافی شاپ اضافی در خانه، با وجود مخالفت های مادر، توافق دارند. کیوکو از برادر دوستش سومیکو، که کارمند بانک (کنکیچی) است، درخواست وام می کند که او موافقت می کند. اندکی بعد، زنیچی، برادر بزرگ شینجی، شغل خود را از دست می دهد. زنیچی به همراه همسر و مادرش، کیوکو و شینجی را تحت فشار قرار می دهد تا پول را به او بدهند تا کسب و کار خودش را شروع کند. با اینکه هم کیوکو و هم شینجی مخالف نقشه زنیچی هستند، اما آرام آرام کوتاه می آیند. وقتی به کیوکو می گویند که شینجی با یک دوست و دو گیشا به چشمه آب گرم رفته است، احساس حقارت می کند. در همان زمان، میان او و کنکیچی یک محبت متقابل ایجاد می شود که هرگز آشکارا آن را نشان نمی دهند. وقتی شینجی متوجه می شود که کیوکو با کنکیچی در ملاء عام دیده شده است، پیشنهاد می کند که او را رها کند، اما کیوکو در نهایت با شوهرش می ماند و تأیید می کند که آنها باید پروژه خود را برای باز کردن یک کافه ادامه دهند. آفتاب بهاری به سوی دو نفری که سبک در کنار هم راه می رفتند جاری بود. در این فیلم برادر کیوکو (توشیرو میفونه) از او حمایت می کند. دو سال پیش از این فیلم یکی از هفت سامورایی را بازی کرد. در این فیلم بازی باطراوتی دارد و الکل نمی نوشد...

Profile:**Movie:** A Woman's Place, The Wiser Age**Romaji:** Onna no za**Director:** Mikio Naruse**Screenwriter:** Toshirô Ide, Zenzo Matsuyama**Producer:** Toho**Cinematographer:** Jun Yasumoto (B&W)**Release Date:** Jan 14, 1962**Runtime:** 111 min**Color:** black and white**Genre:** Drama Family Relationships**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Yoshiko, Ishikawa-ke no yome**Was:** 37**۵۶- زنان مکان:**

فیلم "زنان مکان" به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۶۲ ژاپن در یکصد و یازده دقیقه است. خانم تاکامینه در سن سی و هفت سالگی نقش یوشیکو را در فیلم بازی می کند. به جای فیلمی در مورد یک زن، فیلمی در مورد خیلی ها می بینیم. در این فیلم از ناروسه، یک دیدگاه مثبت قابل توجه از موقعیت های زنان وجود دارد، که نه پایان های شاد، و نه ناامیدی فاجعه بار دارند.

پدر کینجیرو، که دارای مقداری دارایی و یک فروشگاه خانوادگی است، دو همسر داشته است. اولی دو پسر برای او به دنیا آورد. کانتو، که سه سال قبل از شروع فیلم درگذشت، و جیرو، که اکنون یک مغازه نودل فروشی دارد. دو دختر نیز بودند - رانکو، که متاهل است و یک دختر نوجوان دارد و یک ساختمان آپارتمانی کوچک را اداره می کند، و اومکو، که در خانه زندگی می کند اما یک مدرسه گل آرایبی موفق دارد و همچنین مراسم چای را تدریس می کند. پس از ازدواج با همسر دومش، آکی، دو دختر دیگر به دنیا آمدند: ناتسکو، که شغل اداری داشت، اما از کار بیکار شد و برای کار در مغازه نودل فروشی برادرش رفت، و یوکیکو، که هنوز در اواخر نوجوانی بود. همچنین میچیکو، متاهل و در ابتدای فیلم در شهر دیگری زندگی می کند. سپس یوشیکو، بیوه پسر بزرگتر با پسر نوجوانش به نام کن هستند.

همانطور که معمول است، یوشیکو به عنوان همسر پسر بزرگ (با اینکه او زنده نیست) و مادر تنها نوه پسر، در واقع خانه و فروشگاه را اداره می کند. تاکامینه همچون فیلم "اشتیاق" نقش زنی را در همان موقعیت بازی می کند، اما در اینجا خانواده سعی نمی کنند او را مجبور به ازدواج نامطلوب کنند تا از شر او خلاص شوند. ازدواج های احتمالی برای همه دختران مجرد دیگر وجود دارد، اما هیچ چیز جدی برای او نیست، و او عاشق کسی نمی شود. (ترس از دست دادن پسر خود به دلیل همین سنت، یکی از دلایل عدم علاقه یوشیکو به شوهر جدید است.) اگرچه اومکو در یک دیدگاه فکر می کند که او یک رقیب

است. مانند ستسوکو هارا در داستان توکیو، او از والدین مراقبت می‌کند و زمانی که آنها به فروش خانه بزرگ فکر می‌کنند و برای روزهای آخرشان به خانه‌ای کوچک نقل مکان می‌کنند، او برای مراقبت از آنها می‌رود.

دنیای یوشیکو نه به دلیل ناامیدی در عشق، بلکه توسط نوع جدیدی از تراژدی که مستقیماً با شرکت جدید ژاپن مرتبط است ویران می‌شود. او می‌خواهد پسرش به دبیرستان و سپس دانشگاه برود تا شغل خوبی پیدا کند، اما او در مدرسه خوب عمل نمی‌کند. اما او به جای آزار دادنش او را تشویق می‌کند. به هر حال او مدام نمرات ضعیف می‌گیرد، به همین دلیل است که یوشیکو شروع به جستجوی معلم خصوصی می‌کند. بعد از اینکه در امتحان ورودی مردود شد، قطار به او برخورد می‌کند. پلیس آن را تصادفی تشخیص می‌دهد، اما یوشیکو نمی‌تواند از اینکه او را مجبور به خودکشی کرده است، احساس گناه نکند. در فیلم‌های قبلی، اغلب دیده‌ایم که بچه‌های باهوش معمولاً به دلیل مالی از فرصت ادامه تحصیلات عالی محروم شده‌اند. اما به ندرت شاهد فشار والدین برای وارد کردن کودک به مدرسه خوب بوده‌ایم تا بتواند پیشرفت کند، به ویژه زمانی که یک تجارت خانوادگی وجود داشته باشد که به طور طبیعی به فرزند ارث می‌رسد. این مسأله در فیلم‌های بعدی ژاپنی دیده می‌شود، اما در زمان خود ایده نسبتاً جدیدی بود.



به دلیل مرزبندی شدید در لباس، ما انتظار داریم که جنگ نسل‌ها یا درگیری بین مدرن و سنتی را پیدا کنیم، اما این هرگز شکل نمی‌یابد. آکی، رانکو و اومکو همیشه کیمونو می‌پوشند، در حالی که میچیکو، ناتسوکو و یوکیکو همیشه لباس‌های دهه شصت می‌پوشند، به جز مراسم رسمی سال سوم به مناسبت مرگ کانتو و مراسم تشییع جنازه کن. یوشیکو بین این دنیاهاست، او دامن و بلوز در خانه می‌پوشد و برای بیرون رفتن کیمونو می‌پوشد. این سنتی‌ترین دختر، اومکو، است که اعلام می‌کند با هر کسی که بخواهد ازدواج می‌کند، در حالی که ناتسوکو "مدرن‌ترین" تصمیم می‌گیرد ازدواج ترتیب داده شده را بپذیرد. همه با نامادری به‌عنوان مادر رفتار می‌کنند، بدون هیچ کینه‌ای قابل مشاهده از سوی فرزندان بزرگ‌تر و هیچ شکاف عاطفی قابل مشاهده‌ای بین کودکان بزرگ‌تر و کوچک‌تر. آنها اساساً خانواده‌ای شاد و دوست‌داشتنی هستند که با چند مشکل روبرو می‌شوند و در نهایت راه خود را پیدا می‌کنند. به یک معنا؛ رویاهای هیچکس واقعاً برآورده نمی‌شود، این یک فیلم معمولی ناروسه است. با این حال، به استثنای از دست دادن پسرش توسط یوشیکو، زندگی هیچ یک از زنان دیگر به طور کامل نابود نمی‌شود.

Profile:

Movie: Flower-Picking Diary

Romaji: Hana-tsumi nikki

Director: Tamizo Ishida

Screenwriters: Noriko Suzuki, Nobuko Yoshiya

Producer: Toho Eiga

Cinematographer: Ichio Yamazaki (B&W)

Release Date: October 31, 1939

Runtime: 73 min

Color: black and white

Genre: Drama

Music: Sichi Sozoki

Language: Japan

Country: Japan

Played: Eiko Shinohara

Was: 15

۵۷- خاطرات چیدن گل:

فیلم "خاطرات چیدن گل" به کارگردانی تامیزو ایشیدا محصول ۱۹۳۹ ژاپن در هفتاد و سه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن پانزده سالگی نقش ایکو شینوهارا را بازی می کند. فیلم همچنین مناظری از اوزاکای قبل از جنگ نشان می دهد. میتسورو سادا که تازه وارد اوزاکا شده است، با مدرسه جدید خود آشنا می شود. پروفیسور کاجیما او را به همکلاسی های جدیدش معرفی می کند. ایکو شینوهارا، میتسورو دوستی را از سر می گیرد و دو دختر نوجوان جدایی ناپذیر می شوند. اما به دنبال شکستن عهد، دو دوست با هم اختلاف پیدا می کنند و دیگر با هم صحبت نمی کنند. ایکو مدرسه را ترک می کند، و مایکو شده است.



در این سکانس دیالوگ های خوبی گفته می شود، با اینکه هر دو در سن نوجوانی هستند.

دانش آموزان قبل از جنگ تا مقطع ابتدایی تحصیلات اجباری داشتند و دبیرستان های پنج ساله پسرانه و دبیرستان های پنج ساله و مدارس عملی دخترانه برای دختران وجود داشت. البته کنکور دارند. پسرها بعد از فارغ التحصیلی از دبیرستان می توانند دوره های مقدماتی دبیرستان و دانشگاه را ادامه دهند و فکر می کنم سیستم نهایی دانشگاه بود. دختران معمولاً زمانی که دبیرستان را ترک می کنند ازدواج می کنند، اما برخی از آنها به مدرسه حرفه ای (کالج زنانه) و دبیرستان دخترانه عادی (اوجانومیزو و نارا) رفتند. مدرسی به نام دانشگاه مسیحی زنان ژاپن و دانشگاه مسیحی زنان توکیو وجود داشت، اما از نظر نهادی دانشگاه نبود.

Profile:

Movie: Miss. Hanako

Romaji: Hanako-san

Director: Masahiro Makino

Screenwriter: Yukio Sugiura, Kenta Yamazaki

Producer: Toho

Cinematographer: Seiichi Kitsuka (B&W)

Release Date: February 25, 1943

Runtime: 71 min

Color: black and white

Genre: Drama, Musical Comedy, romance, war,

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Chiyoko, Goro's sister

Was: 19

۵۸- دوشیزه هاناکوسان:

فیلم "دوشیزه هاناکوسان" به کارگردانی ماساهیرو ماکینو محصول ۱۹۴۳ ژاپن در هفتاد و یک دقیقه است. خانم تاکامینه در سن هجده سالگی نقش چیوکو را بازی می کند. یک کمدی موزیکال کاملاً ساده و شاد، متأثر از فیلم‌های بازی برکلی^{۸۰}، علیه سیاست ملی در زمان جنگ است. ظاهر طنز آمیز اعزام نیرو توسط کاتسوهیکو هایدا و یوکیکو تودوروکی با نقاب و رقص مضحکی به نظر می رسد، اما این مضحکه و سفیدی عجیب همان "ژاپن" است. با بریدن تصویر تودوروکی که گریه می کند، این وهم آور بودن ابدی شده است.



⁸⁰. Busby Berkeley

یک افسانه شهری ژاپنی درباره روح دختر جوانی به نام هاناکو سان است که به توالی های مدرسه سر می زند. مانند بسیاری از افسانه های شهری، جزئیات منشأ افسانه بسته به روایت متفاوت است. نسخه های مختلف داستان شامل این است که هاناکو سان روح دختری از دوران جنگ جهانی دوم است که در جریان یک حمله هوایی کشته شد، یا توسط والدین یا غریبه ای به قتل رسید، یا مرتکب خودکشی در توالی مدرسه شده است.

افسانه های مربوط به هاناکو سان تا حدی در مدارس ژاپن محبوبیت پیدا کرده است، جایی که کودکان ممکن است همکلاسی های خود را برای احضار هاناکو سان به چالش بکشند. این شخصیت در رسانه های مختلف از جمله فیلم، مانگا، انیمه و بازی های ویدیویی به تصویر کشیده شده است.

Profile:

Movie: Composition Class

Romaji: Tsuzurikata kyoshitsu

Director: Kajirô Yamamoto

Screenwriters: Chiio Kimura, Masako Toyoda

Producer: Toho

Cinematographer: Akira Mimura

Release Date: August 21, 1938

Runtime: 87 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japa

Played: Masako

Was: 14

۵۹- کلاس انشاء نویسی:

فیلم "کلاس انشاء نویسی"^{۸۱}، "کلاس نحوه املاء کردن" یا "کلاس چگونه مقاله بنویسیم" به کارگردانی کاجیرو یاماموتو محصول ۱۹۳۸ ژاپن در هشتاد و هفت دقیقه است. خانم تاکامینه در سن چهارده سالگی نقش ماساکو را بازی می کند. با دنبال کردن یک دختر دوازده- سیزده ساله در طول سال تحصیلی به وسیله ی مقاله‌های مدرسه‌اش، کلاس انشاء نویسی یکی از واضح‌ترین و دقیق‌ترین و جالب‌ترین نگاه‌های موجود به زندگی یک خانواده در طبقه کارگر ژاپن قبل از جنگ را به ما می‌دهد.

ماساکو دانش‌آموز کلاس ششمی بسیار باهوشی است و دستورات معلم اش را برای نوشتن جدی می‌گیرد. او شروع به نوشتن مقاله‌ها از مشاهداتی مفصل درباره خانواده و جامعه نزدیک خود می‌کند، و سپس شاهد اجرا و نمایش آن‌ها هستیم. ما در مورد خانواده - پدر، یک قلع‌ساز، مادر، یک برادر کلاس دومی و یک برادر پیش‌دبستانی - و نحوه کنار آمدن آنها و عادت‌های عجیب و غریب برادران می‌آموزیم. سپس شروع به نقل وقایع مختلف می‌کند، مانند کشتن مرغ برای غذا. همسایه‌ای که شوهرش ترک اش می‌کند. کسی که به خانواده یک جفت خرگوش می‌دهد.

معلم، انشا درباره این وقایع را بدون اینکه به او بگوید به مجله می‌فرستد و منتشر می‌شود. با این حال، باعث ایجاد بحران می‌شود زیرا ماساکو برخی اظهارات تحقیرآمیز را در مورد خانواده همسایه تکرار می‌کند که به نوعی ثروتمندتر هستند و کنترل محلّه را در دست دارند و می‌توانند مانع از کار پدرش شوند. معلم از خانواده ماساکو و خانواده ثروتمندتر عذرخواهی می‌کند، و به نظر می‌رسد همه چیز از بین می‌رود، اما با آمدن زمستان، روزهای سخت نیز پیش می‌روند. زن همسایه برمی‌گردد، در حال حاضر مسیحی شده است که دائماً دعا می‌کند، اما می‌بیند که شوهرش اکنون یک زن بیست ساله جدید دارد و دوباره ناپدید می‌شود. کار پدر را که می‌شود، شخصی دوچرخه‌اش را می‌دزدد. خانواده روزها بدون غذا می‌مانند و در نهایت فروش

^{۸۱}. اگر ترجمه تحت اللفظی صحیح باشد، معلم با درخواست از دانش‌آموزان برای نوشتن درباره تجربیات خود و تشویق به بیان خود بیش از کپی سنتی متون و تمرین شکل‌دهی حروف، کاملاً انقلابی عمل می‌کند.

ماساکو را به عنوان یک گیشا در نظر دارند. سرانجام، آن بحران از بین می‌رود، زیرا پدر بالاخره یک شغل ثابت پیدا می‌کند و ماساکو فارغ‌التحصیل می‌شود و آماده می‌شود تا به کار در یک کارخانه برود.



بیشتر فیلم به طور طبیعی از دیدگاه ماساکو روایت می‌شود و هیدکو تاکامینه، خودش هم سن شخصیت، بیش از حد توانایی دارد که توجه ما را به خود جلب کند. یک صحنه طولانی به طور خاص نگاهی اجمالی به بازیگر زن بزرگ آینده به ما می‌دهد. او از مدرسه به خانه می‌آید و متوجه می‌شود که خانواده به طور غیرمنتظره‌ای برنج می‌خورند و با عجله به سمت میزی می‌رود که همه از قبل غذا می‌خورند. همانطور که مادر به او اشاره می‌کند، او، زن جوان زیبایی که باید در خیابان دیده باشد که در حال آموزش گیشا شدن ماساکو است، ناگهان اشتهای خود را از دست می‌دهد و ما می‌توانیم در تغییر وضعیت بدن او و سردی مکالمه جدیدش را ببینیم. از چند پله جلوتر پرید و از قبل به این فکر می‌کند که آیا برنج جدید از پولی که از فروش او به دست آورده‌اند، خریده شده است. خوشبختانه هنوز این اتفاق نیفتاده است، اما او در مورد این حادثه انشا می‌نویسد که معلم به طور تصادفی آن را پیدا می‌کند. فقط بعداً متوجه می‌شویم که پس از خواندن مقاله، معلم پول کافی برای ادامه راه را به خانواده قرض داده است، بنابراین ماساکو می‌تواند کلاس ششم را تمام کند.

پس از فارغ‌التحصیلی، ماساکو برای کار با انبوهی از زنان راهپیمایی می‌کند، قبل از آن احساس راحتی و غیرعادی قابل توجهی در کل فیلم وجود دارد. بچه‌ها به طور طبیعی و به شیوه‌ای قابل تشخیص خانوادگی عمل می‌کنند.

برای کسی که به دنبال چگونگی زندگی مردم شهری ژاپنی است، پر از جزئیات جالب است. بچه‌ها دعاهای زن مسیحی را بسیار خنده دار می‌دانند و به سختی می‌توانند جلوی خنده‌های خود را بگیرند. انتقال بین فصل‌ها و دوره‌های مدرسه با آهنگ‌های کودکان مشخص می‌شود که همیشه ترجمه نمی‌شوند، اما حداقل آهنگ‌های ژاپنی هستند و نه اقتباسی از ملودی‌های غربی که اغلب در فیلم‌های دیگر می‌شنویم.

این فیلم در واقع بر اساس یک یا چند مقاله از یک ماساکو توپودا واقعی ساخته شده است که توسط چییو کیمورا اقتباس و گسترش یافته است. کارگردان این فیلم کاجیرو یاماموتو است، فردی کاملاً متفاوت از کارگردان پس از جنگ، ساتسوئو یاماموتو. معمولی بودن راحت آن چیزی غافلگیرکننده است، زیرا آثار اصلی این یاماموتو یک چوسینگورا دو قسمتی و «جنگ در دریا» بود که پرل هاربر را بسیار مؤثر بازسازی کرد، اما قبل از جنگ او بیشتر به خاطر کمدی هایش شناخته می شد. با این حال، مانند مقاله‌های ماساکو، «کلاس انشاء نویسی» معمولاً از فاصله‌ی متوسط، بدون موعظه یا نمایش بیش از حد، و بدون تحمیل طنز، مشاهده می شود. به راحتی می‌تواند در کنار فیلم‌های اوزو «کیهاچی» یا «چهار فصل کودکان» شمیمزو، که از نظر سازمانی شبیه به آن‌ها است، بایستد، اما با کنجکاوی اضافه‌ای که از دیدگاه یک دختر جوان روایت می‌شود.

Profile:

Movie: The Tattered Wings, Distant Clouds

Romaji: Tooi kumo

Director: Keisuke Kinoshita

Screenwriter: Keisuke Kinoshita, Zenzo Matsuyama

Producer: Shôchiku Eiga

Cinematographer: Hiroyuki Kusuda (B&W)

Release Date: Agu 31, 1955

Runtime: 99 min

Color: black and white

Genre: Drama, Romance

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Fuyuko Terada

Was: 31

۶۰- بال های پاره پاره:

فیلم "بال های پاره پاره" همچنین با نام "ابرهای دور دست" به کارگردانی کیسوک کینوشیتا محصول ۱۹۵۵ ژاپن در نود و نه دقیقه است. خانم تاکامینه در این فیلم نقش فویوکو را در سن سی و یک سالگی بازی می کند.گاهی اوقات با یک فیلم ژاپنی روبرو می شوید که هر چقدر هم که فیلم های دیگر را دیده باشید، قابل درک نیست. به دلیل برخی از آداب و رسوم اجتماعی که معمولا از درک افرادی خارج است. به هر حال سوال اساسی این فیلم این است: چرا یک زن نمی تواند آزادی انجام خوشبختی خود را داشته باشد؟



هیدکو تاکامینه زن جوانی است که به خاطر خانواده اش، به جای عشق اولش، ازدواج با پسر الکی ثروتمند را انتخاب کرده است. حالا او اکنون مرده است، اگرچه با توجه به سن فرزندش، به سختی می توان مرگ او را در زمان جنگ دانست. او با فرزندش در خانه همسرش به زندگی ادامه می دهند. از ناکجاآباد، عشق قدیمی او دوباره ظاهر می شود، قبل از شروع به کار در هوکایدو برای آخرین بار به خانه او می آید. این داستانی نیست که در جهت خاصی جریان داشته باشد، عشق کودکی نیست، عشق دو بزرگسال است.

آنها با هم به پیاده روی می روند و روی یک پل صحبت می کنند که به نوعی به رسوایی تبدیل می شود. او از تاکامینه می خواهد که با او بیاید، اما بعد از اینکه با عجله به ایستگاه می رود، نمی تواند با او برود، چرا که این کار خیلی رسواکننده خواهد بود. بنابراین تنها می ماند تا در نهایت دوباره با او ازدواج کنند. (پیاده روی مفتضحانه) ظاهراً در فرهنگ وقت محدود ژاپن صحبت کردن یک زن بیوه با یک مرد درست نبوده است.

البته اینطور نیست که او در خانه باشد، زیرا او بیشتر روز خود را صرف صحبت با انواع مردان، چه در خانه و چه در خارج از خانه می کند. آنها را نمی بوسند. حتی دست هم نمی گیرند. اما به نوعی دیده شدن در حال راه رفتن با هم و در نهایت عبور از یک پل همه چیز را تغییر می دهد. همین مشکل در "کوه های سبز" به وجود می آید، جایی که یک دختر نوجوان با پسری از روی پل به خانه می رود و «رسوایی» حاصل منجر به طرد شدن او توسط همکلاسی هایش به دلیل بی حرمتی به کلاسشان می شود و والدینشان تهدید به اخراج از مدرسه می کنند. اما بازی تنیس با دامن خیلی کوتاه با یک پسر کاملاً قابل قبول است!!

Profile:

Movie: Dark the Mountain Snow

Romaji: Rokujo yuki-yama tsumugi, Rokujo Snowy Mountain Pongee

Director: Zenzô Matsuyama

Screenwriter: Zenzô Matsuyama

Producer: Toho Company

Release Date: oct 9, 1965 (Japan) May 13, 1966 (international)

Runtime: 106 min

Color: Black and White

Genre: Drama

Music: Masaro Sato

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Ine Rokujo

Was:42

۶۱- تاریکی کوه برفی:

فیلم "تاریکی برف کوه" یا "تاریکی کوه برفی"، درام زنانه به کارگردانی زنزو ماتسویاما محصول ۱۹۶۶ ژاپن در یکصد و شش دقیقه است. فیلم جامعه روستایی در شمال (دریای سیاه) ژاپن با برف سنگین و ترسناک را نشان می دهد. ترس و ارزشمندی انسانها بدون تکیه بر حقه های پُر زرق و برق به تصویر کشیده شده اند. واقع گرایی درباره ی مادرشوهری که با قدرت به عروس اش فحش می دهد و او را اذیت می کند. (همانطور که در زندگی واقعی تاکامینه رابطه ی خوبی با مادرشوهرش نداشت).



در این دهکده ماهیگیری با مردمان تَهی دَسْت، خانواده ی گونو روکوجو نیز زندگی می کنند. خانواده روکوجو یک سُنّت دویست ساله در یوکیاما تسوموگی دارند و خانواده ای هستند که خون امپراطور روکوجو را یدک می کشند، و خانواده ای مغرور هستند. در دوران شووا، نسل نهم کیومون، که رئیس خانواده روکوجو بود، مخالفت اطرافیان را نادیده می گیرد و با گیشا چشمه آب گرم محلّی اینه ازدواج کرد. آنها صاحب یک پسر می شوند. با این حال، کیومون پس از رکود جنگ بدهکار می شود و در پایان خودکشی می کند. بعد از فوت شوهرش چون از ابتدا مخالف ازدواج او بودند پشتوانه اش را از دست می دهد و با تمام بی احترامی های اقوامش از جمله مادرشوهرش را مواجه می شود.

Profile:**Movie:** A Ripple in a Morning**Romaji:** Asa no hamon**Director:** Heinosuke Gosho**Screenwriter:** Kenosuke Tateoka, Jun Takami**Producer:** Ikuji Hirao**Release Date:** May 1, 1952**Runtime:** 104 min**Color:** Color**Genre:** Drama, Sport**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Atsuko Takimoto**Was:** 28**۶۲- امواج صبحگاهی:**

فیلم "امواج صبحگاهی" یا "امواج در صبح" یا "تنفس بعد از جنگ" یا "ساخت ژاپن" به کارگردانی هینوسوکه گوشو محصول ۱۹۵۲ ژاپن در یکصد و چهار دقیقه تولید شرکت شینتوهو است. خانم تاکامینه در بیست و هشت سالگی نقش آتسوکو را بازی می کند. آتسوکو منشی رئیس یک شرکت تجاری کوچک است. او به زبان انگلیسی مسلط است و معاملات را سازماندهی می کند. نام این اثر را هیدکو تاکامینه «اولین کار بازگشت به صبح» گذاشت به مناسبت سالی که از پاریس برگشت. پاداشی برای دکویی که به سلامت برگشته است. یک خانم اداری که دو مرد خوش تیپ به فکر او هستند. ایچی اوکادا همکار مرد جاه طلب دکو است که نمی تواند با او ازدواج کند. (به نظر می رسد هنوز آثار سوختگی زیادی در توکیو وجود دارد. ایچی اوکادا، یک فرد جاه طلب است که در یک شرکت کوچک کار می کند.)

کن اوهارا یک نفر ارشد در باشگاه قایقرانی دانشگاه ریو است. کیوکو کاگاوا یک راهبه در کوکوبونجی است، که تنها در یک صحنه به شکل راهبه ظاهر می شود. علاوه بر این، کونیکو میاکه در نقش یک بیوه جنگی ظاهر می شود که با فرزندانش در خانه دکو کار می کند. علاوه بر این، کومکو اورابه، که تنها فردی است که در یک خانه جن زده در عمارت ایکبه زندگی و کار می کند و کم شنوا است، نقش کمدی را بازی خواهد کرد.

با این حال، عمارت چه کسی بود، که از جنگ آسیب دیده است. عمارت زیبایی است و در شهر عمارت دهه بیست عصر شووا، ممکن است عمارت های نسوخته یا آسیب دیده ای وجود داشته باشد که قابل تعمیر نبود. شهر احتمالاً هنوز با بچه های یتیم آسیب دیده جنگ سرگردان بود و پسری زیر نهبان کفش می درخشید. منشی که نقش دکو را بازی می کند نامزدی داشت،

اما گفته می شود که او به جنگ فراخوانده شد و در جنگ جان باخت. دفتر عشق ا برای نخستین بار بسته شد. او برای کار در یک شرکت کوچک رفت.



ایچی اوکادا، یک کارمند جاه طلب اداری که فکر می کند باید در آینده به کشورهای توسعه یافته برسد و از آنها پیشی بگیرد، گفت: "ویلای امپراتوری کاتسورا هیچ تفاوتی با اقامتگاه بومیان دریای جنوب ندارد. شکست یک کشور فقیر. " منشی نقش دکو که فکر می کند کاتسورا امپریال ویلایی زیبایی ژاپنی دارد، با این کلمه احساس ناراحتی می کند و به برجسب «ساخت ژاپن» که روی مقوای بسته شده در انبار منتظر ارسال است خیره می شود.

در پس زمینه داستان عشق ساده و سبک مردان و زنان پس از جنگ، ژاپنی که در تلاش برای نجات از زیر آوار است ظاهر می شود. ما باید ریکآوری کنیم و جهشی به جلو داشته باشیم، اما نباید از خوبی های ژاپن غافل شویم. پیامی که هاینوسو که گوشو به یک فیلم تنهایی داد، پیامی تنهایی است. به عنوان یک فیلم، اگر بگویید عشق دیگری وجود ندارد، طرحی از عشق ضعیف مردان جوان حقوق بگیر و ژاپن پس از جنگ است، اما طبق معمول، مناظر اطراف ژاپن که فقط در آن زمان می توان به صورت واقعی دید. جالب است ببینید که چگونه خانه ها در مناطق شهری توکیو و ناگویا و مناظر رودخانه آساکوسا و سومیدا درست پس از جنگ زیر آوار مانده اند.

بیش از نیم قرن از زمان ساخت این فیلم می گذرد و مدت زیادی است که "ساخت ژاپن" به برجسبی تبدیل شده است که کیفیت قابل اعتماد را تضمین می کند، اما ژاپن و مردم ژاپن چقدر ثروتمند بوده اند؟ همچنین فکر کنید دیدن ژاپن و توکیو قدیمی در فیلم های قدیمی و فکر کردن به آنها شاید یکی از راه های لذت بردن از فیلم های قدیمی ژاپنی باشد.

Profile:**Movie:** Invitation to Happiness**Romaji:** Kôfuku eno shôtai**Director:** Yasuki Chiba**Screenwriter:** Yasutaro Yagi (Story & Screen)**Producer:** Shintocho**Cinematographer:** Kikuzô Kawasaki (B&W)**Release Date:** November 11, 1947**Runtime:** 91 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Music:** Akira Ifukub**Language:** Japanese**Country:** Japan**Plyed:** Hisa Shiina**Was:** 23**۶۳- دعوت به شادی:**

درام انسانی "دعوت به شادی" یا "دعوت به خوشبختی" به کارگردانی یاسوکی چیبایا محصول ۱۹۴۷ ژاپن در نود و یک دقیقه است. داستان و فیلم نامه از ریویچیرو یاگی می باشد. خانم تاکامینه در سن بیست و سه سالگی نقش هیسا را بازی می کند. یک معلم و همسرش که قبلاً مدیر یک مدرسه دخترانه بود، پس از پایان جنگ در جمع شاگردانش حضور می یابد. همه دانش آموزانی که بعد از مدت ها دیدار می کند، خوشحال به نظر می رسیدند و معلم هم راضی بود. اما برخی از آنها که نتوانستند به جلسه بیایند در جنگ بیوه شده و به قتل محکوم شدند. معلمان آنها را ملاقات می کنند، تشویق می کنند، به حرف های آنها گوش می دهند ...



Profile:

Movie: The joy of young expenses, The Joy of Youth

Romaji: Wakaki hi no yorokobi

Director: Takeshi Sato

Screenwriter: Chiio KimuraMiyajima Ryukichi

Producer: Toho CompanyToho Film (Eiga) Co. Ltd

Release Date: June 10, 1943

Runtime: 61 min

Color: black and white

Genre: Drama, Adventure

Language: Hapanese

Country: Japan

Played: Yuko Takamura

Age: 19

۶۴- شادی جوانی:

فیلم "شادی جوانی" به کارگردانی تاکشی ساتو محصول ۱۹۴۳ ژاپن در شصت و یک دقیقه است. خانم تاکامینه در سن نوزده سالگی در کنار ستسکو هارا نقش یوکو را بازی می کند. یوکو تاکامورا، بازیگر جوان کیوکو اومهرا، کالج خود را رها کرد و با معرفی اومهرا در بخش تحریریه یک مجله سینمایی مشغول به کار شد. یوکو در حالی بزرگ می شود که از سختی های کارش خجالت می کشد، اما توسط بزرگان، یاسوکو هوزومی و برادر کوچک تر کیوکو اومهرا، کاتسو، تشویق می شود.



Profile:

Movie: Home Sweet Home

Romaji: Waga ya wa tanoshi

Director: Noboru Nakamura

Screenwriter: Sumie Tanaka

Cinematographer: Yuuharu Atsuta (B&W)

Release Date: 1951

Runtime: 91 min

Color: color

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Tomoko, Kosaku's daughter

Was: 27

۶۵- خانواده خوشبخت ما:

فیلم گمدی سیاه و سفید "خانواده خوشبخت ما" محصول ۱۹۵۱ ژاپن، به کارگردانی نوبورو ناکامورا نود و یک دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و شش سالگی نقش توموکو را بازی می کند.



تاکاساکو اومورا یک همسر به نام نامیکو دارد و آنها دارای چهار فرزند هستند. همه آنها در یک آپارتمان اجاره ای نسبتاً کوچک زندگی می کنند. والدین از جاه طلبی های خلاقانه دو دختر بزرگ خود با استفاده از تمام ابزارهایی که در اختیار دارند حمایت می کنند. به توموکو اجازه می دهند نقاشی کند و نوبوکو در گروه گر آواز بخواند. وقتی پدر به خاطر وفاداری اش به شرکت

(۲۵ سال خدمت مستمر) جایزه نقدی دریافت می کند، خانواده غرق در شادی می شوند. با این حال، خانواده به زودی متوجه می شوند که مرز باریکی بین خوشبختی و ناراحتی وجود دارد. جایزه نقدی پدر در بازگشت از مراسم اهدای جوایز به سرقت رفت. توموکو امیدی به ادامه ی کار خود ندارد. نامیکو بچه ها را از این فاجعه آگاه نمی کند و لباس های ضروری خود را می فروشد تا کمبود را جبران کند. علاوه بر این، خانواده باید اخبار غم انگیز دیگری را تحمل کنند- آنها باید آپارتمان را ترک کنند. اما نقاشی توموکو هنگام تخلیه وسایل خانه، از باغ خانه همسایه اتفاقاً چشم صاحب خانه همسایه را به خود جلب کرد و خریداری شد. تخلیه لغو می شود. اما شهرت توموکو به عنوان یک هنرمند با استعداد و یکی از نقاشی های او، شادی از دست رفته خانواده را باز می گرداند. در نهایت پرتره ناامید توموکو از مادرش برای نمایشگاه انتخاب شد. بنابراین خانه توانست به شکلی متواضعانه، دلگرم و متحد مثل همیشه ادامه دهد.

Profile:

Movie: Virgin treasure (Fighting Beautiful Sisters- Short Version)

Romaji: Shojo takara

Director: Kôji Shima

Screenwriter: Kan Kikuchi(story)Hiromasa Nimura(screenplay)Hiromasa Nomura

Producer: Shintocho

Music: Saito Ichiro

Release Date: January 3, 1950

Runtime: 89 min

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Magane Tachibana

Age: 26

۶۶- دعوی خواهران زیبا:

عنوان اصلی فیلم "کنج باکره" بوده است، اما نسخه ی کوتاه شده ی فیلم با نام "دعوی خواهران زیبا"، "و یا "سایه عشق" می باشد. این فیلم به کارگردانی شوجی تاکارا محصول ۱۹۵۰ ژاپن در هشتاد و نه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و شش سالگی نقش ماگانه را بازی می کند. داستان اصلی از کان کیکوچی درباره ی دعوی خواهران بر سر یک مرد، است. سانائو تاکاسوگی، خواهر بزرگتر که با مرد ثروتمندی به نام ساتوشی یامامورا ازدواج کرده است، معشوقه اش کن اوهارا را هم در نظر داشته است. اوهارا که با خواهرش ازدواج کرده و نمایشنامه نویس معروفی شده، پشیمان است.



Profile:**Movie:** 365 Nights**Romaji:** Sambyaku-rokujugo ya- Osaka-hen & Tokyo-hen**Director:** Kon Ichikawa**Screenwriter:** Kenosuke Tateoka, Masajiro Tojima**Producer:** Shintocho**Cinematographer:** Akira Mimura (B&W)**Release Date:** 1949**Runtime:** 119 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, romance**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Ranko Komaki**Was:** 24**۶۷- سیصد و شصت شب:**

فیلم "۳۶۵ شب- طوفان-روزهای آفتابی" به کارگردانی کن ایچیکاوا محصول ۱۹۴۹ ژاپن در یکصد و نوزده دقیقه است. داستان فیلم اقتباسی از رمان ماساجیرو توجیما است که فیلم های دیگری بر اساس آن ساخته شد. بازسازی این فیلم نیز در سال ۱۹۶۲ صورت گرفت. با توجه به اینکه، سال ۱۹۴۸ یک سال کبیسه و یک سال ۳۶۶ روز بود. در واقع این فیلم سال چهل و هشت با دو نسخه ی توکیو و اوزاکا به ترتیب در ۲۱ و ۲۸ سپتامبر در نود و نه و هشتاد و هشت و منتشر شد. بنابراین این فیلم باز نشر آنها در یک نسخه است. محبوبیت این فیلم و موسیقی متن آن در زمان خود تبلیغ و درآمد خوبی برای سازندگان آن داشت.

خانم تاکامینه در سن بیست و چهار سالگی نقش رانکو را بازی می کند. فیلم ژاپنی پس از جنگ با عاشقانه، تاریکی، دعوا، سرخوردگی، که ایچیکاوا یک بار دیگر موفق می شود در طول دو ساعت این داستان را سرپا نگه دارد (همانطور که گفته شد در ابتدا دو فیلم یک ساعت و بیست دقیقه بوده، البته با همان بازیگران، یکی با محوریت توکیو، دیگری در اوزاکا: این فیلم در سال ۴۹، این دو داستان را "فشرده" کرده است...)

کوروکو از اوزاکا فرار می کند، جایی که پدر تقریباً ورشکسته اش او را تحت فشار قرار می دهد تا با دختر مردی ثروتمند ازدواج کند و در توکیو عاشق یک زن جوان می شود. در مرکز داستان، کن اوهارا را می یابیم که بین دو آتش گرفتار شده است: یک زن به نام رانکو (هیدکو تاکامینه در نقشی بدجنس: اما هنوز هم شیرین) و دختر مستأجرش، تروکو. پس از یک بوسه افسانه ای، در وسط یک خیابان متروک، در شب، این پرونده بسته می شود. این عشق به ناچار به دلیل هزاران مشکل مختلف خنثی می شود (یک چک سرقتی، عکس های برهنه تروکو که بدون اطلاع او گرفته شده است، سرگردانی کن بین یک تاکامینه باهوش و یک پدر ورشکسته...). تروکو و کن دردها و بدبختی و ناامیدی های بسیاری را خواهند داشت اما هیچ چیز نمی گوید که دست در دست هم از خط پایان عبور نخواهند کرد.



(صحنه‌ای درخشان در ساحل بین کن و دو زن یا حتی صحنه‌ای که هیدکو هنگام تماشای جمعیتی که در مسابقات اسبسواری شرکت می‌کنند، کن را تعقیب می‌کند). کن که گرفتار داستان‌های پول و حسادت او شده است، خود را مانند یک مرد غرق در مشکل می‌بیند: او در نگاه اول در عشق تروکو "سنتی و خردمند" ذوب شد، اما سوء تفاهم‌های مختلف او را از تروکو دور می‌کند. کن درگیر تاکامینه مدرن و متخاصم است که مرد داستان ما در نهایت می‌تواند تصمیم درست را بگیرد، اما او این کار را بدون ایمان و باور واقعی انجام می‌دهد: او همه گزینه‌ها را در دست داشت تا خوشحال باشد، اما سرنوشت بر او بد شده است. البته فاجعه‌هایی هم به همراه خواهد داشت (التماس مادر تروکو از دخترش برای ازدواج با کن قبل از مرگش: غم انگیزترین ازدواج در جهان) شخصیت‌های ثانویه‌ای که طرح فیلم را تزلزل خواهند کرد (یک نقاش با ظاهری شیطانی، یک رقصنده سرکوب شده ... شخصیت‌ها، یکی از افراد مشکوک، که به نظر می‌رسد در این نسخه "قربانی" شده‌اند و به طور ناگهانی ظاهر می‌شوند و ناپدید می‌شوند.) و تسویه حساب‌ها! ایچیکاوا در حال حمام کردن فیلمش در باران و در فضایی شاد و قدیمی، فیلمی در سطح خوبی ارائه می‌دهد که در آن ناامیدی‌ها و ضربات سخت مانند ریسمان می‌افتند. اجرای ترسناک اوهارا (تجسم کلاس؛ سپس با یک دسته موی ساده بیرون زده، او کاملاً یک نوع افسرده را به تصویر می‌کشد که آماده غرق شدن در بدن است.). در این اثر کمتر شناخته شده از استاد ژاپنی (هنوز هم در صحنه پردازی در فضای باز و هم در کلوزآپ‌های چشمگیرش؛ همانطور که از کنارش می‌گذشتیم، چند صحنه بسیار قوی و کاملاً جسورانه که در آن یکی از شخصیت‌ها خود را ایستاده، رو به دوربین می‌بیند و به نوعی کناره‌گیری را برای عموم ایجاد می‌کند).

Profile:**Movie:** Goodbye**Romaji:** sayonara**Director:** Koji Shima**Screenwriter:** Hideo Oguni (Novel: Osamu Dazai)**Release Date:** June 28, 1949**Runtime:** 99 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Music:** Shizuichi Sozoki**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Kinuko Nagai**Was:** 25**۶۸- خداحافظ:**

فیلم "خداحافظ" به کارگردانی کوچی شیما محصول ۱۹۴۹ ژاپن در نود و نه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و پنج سالگی نقش کینوکو را بازی می کند. آسامو دازی در اواسط نگارش درگذشت، در واقع، توهو و تاکامینه از آسامو دازای خواسته بودند که این اثر را مستقیماً بنویسد. بعد مرگ او هیدئو اوگونی نویسنده فیلمنامه، با عجله یک پایان جدید اضافه کرد و توانست آن را به یک فیلم تبدیل کند.



تاجیما پس از پیشنهاد یک دختر ثروتمند عجیب و غریب، ناگهان مجبور می شود خود را آماده ازدواج کند. تاجیما لباس یک تاجر را پوشیده، و با گیشا و مهماندار معشوقش را میبینید تا داستان "خداحافظی" شروع شود. با این حال، تنها کیکو که در پایان باقی مانده بود، تنها با دیدن آن دو ناپدید می شود. تاجیما در نهایت به دختر شریک زندگی خود، کینویو، اشاره می کند، اما به دلایلی، او دو فرزند دارد. تاجیما به شدت حمله می کند، اما کینویو هرگز شکست نمی خورد و در نهایت به یک شکاف ختم می شود. در واقع کینویو همان کینوکو است و زمانی که دوست مدرسه اش کیکو با او مشورت کرد تا از تاجیما جدا شود، نمایشنامه ای ساخت. وقتی کینویو برای اولین بار پس از مدت ها از کیکو دیدن می کند.

سکین مدیر عامل برای صلاح شرکتش، از تاجیما می خواهد که با دختر یک ثروتمند نامزد کند. تاجیما در واقع یک مرد (زن دوست) است که همزمان چندین دوست دختر دارد که وقتی از دست آنها خسته شد آنها را با یک "خداحافظ" ترک می کند. در نهایت کیمیکو جوان یک روز در دفتر ظاهر می شود، که از لباس پوشیدن مانند افراد فقیر است اما یک روز با پوشیدن زیباترین لباس ها می رود. تاجیما از او خوشش می آید...

Profile:**Movie:** Love with the stars**Romaji:** Ai yo hoshi to tomo ni**Director:** Yutaka Abe**Screenwriter:** Naoyuki Hatta**Producer:** Nabui Aoyagi**Music:** Fumio Hayasaki**Release Date:** September 29, 1947**Runtime:** 95 min**Color:** Black and White**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Harue**Age:** 23**۶۹- عشق با ستاره ها:**

فیلم "عشق با ستاره ها" به کارگردانی یوتاکا آبه محصول ۱۹۴۷ در نود و پنج دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و سه سالگی نقش هارو را بازی می کند.



کونیپیکو (ریو ایکبه)، که برای اولین بار پس از گذشت ده سال از مزرعه کیتاجیما در هوکایدو دیدن می کند، با هارو (هیدکو تاکامینه)، دختر ماکيو، دوباره دیدار می کند. کونیپیکو از دیدن هارو که بسیار زیبا شده بسیار متعجب می شود، اما او هنوز یک دوشیزه معصوم بود. کونیپیکو و هارو شب را در یک رودخانه در مزرعه گذراندند. هارو در مورد داستان ستاره های زیبایی که کونیپیکو گفته بود کنجکاو و مشتاق بود. اما داستان رویای سرنوشت بود که بسیار زیبا و بسیار ماهرانه بود. چند ماه پس از بازگشت کونیپیکو به توکیو، هارو یک کودک ستاره زیبا در شکم خود داشت! هارو که قادر به تحمل مخالفت پدرش نبود، از

خانه بیرون می رود و به توکیو برای دیدن کونیهایکو می رود، اما او به فرانسه رفت، دیگر دیر شده بود. نوزاد نیز بر اثر بیماری می میرد، تلاش برای پذیرش قضاوت بدون اینکه در دادگاه مشخص شود که نوزاد با چه کسی بود.

Profile:

Movie: Virgin rainbow in hand

Romaji: Niji o idaku otome

Director: Kiyoshi Saeki

Screenwriter: Naoyuki Hatta

Producer: Shintocho Film Distribution Committee

Music: Fumio Hayasaka

Release Date: November 16, 1948

Runtime: 87 min

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Akiko Hojo

Age: 24

۷۰- رنگین کمان در آغوش دختر:

فیلم "رنگین کمان در آغوش دختر" و یا "باکره رنگین کمان در دست دارد"، به کارگردانی کیوشی سائکی محصول ۱۹۴۸ ژاپن در هشتاد و هفت دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و چهار سالگی نقش آکیکو را بازی می کند. یک فیلم موسیقایی بر اساس سمفونی "رنگین کمان" برای بزرگداشت فومیو هایاساکا است. هایاساکا یک موسیقیدان کلاسیک و موسیقی ساز فیلم بود. بیشتر همکاری او در آثار کوروساوا مانند: «هفت سامورایی» و میزوگوچی بود. اما او نیز مانند هیداکا، شخصیت اصلی این فیلم، به بیماری سل مبتلا شد و در سن ۴۱ سالگی درگذشت.



پرستار آکیکو عاشق هیداکا، یک نوازنده می شود. با این حال، هیداکا از سیل رنج می برد و نمی توانست به احساسات آکیکو پاسخ دهد، زیرا او در آهنگسازی نیز مشکل داشت و زندگی ضعیفی دارد. یک روز مردی به نام میتسودا در بیمارستانی که آکیکو در آن کار می کند پیدا می شود. زمانی که آکیکو در طول جنگ بیمار شد، به او کمک کرده بود. از آن زمان، او به دنبال آکیکو بوده است. میتسودا درخواست ازدواج با آکیکو داده است. آکیکو در این مورد دو دل شده است. میتسودا پسر رئیس شرکت و یک جنتمن سالم است. اطرافیان آکیکو ازدواج با میتسودا را توصیه کردند. با این حال، آکیکو نتوانست هیداکا را فراموش کند. یک روز آکیکو با میتسودا در یک شهر بازی بازی می کند، اما از رعد و برق ناگهانی غافلگیر می شود. آکیکو قول داد حتی اگر نتواند ازدواج کند با هیداکا زندگی کند.

Profile:

Movie: Higuchi Ichiyo
Romaji: Higuchi Ichiyo
Director: Kyôtarô Namiki
Screenwriter: Toshio Yasumi
Production: Toho
Release Date: May 31, 1939
Runtime: 83 min
Color: Black and White
Genre: Drama,
Music: Miro Sogahara
Language: Japanese
Country: Japan
Played: Midori
Was: 15

۷۱- ایچیو هیگوشی:

فیلم "ایچیو هیگوشی" به کارگردانی کیوتارو نامیکی، محصول ۱۹۳۹ ژاپن در هشتاد و سه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن پانزده سالگی نقش میدوری (نقش اصلی را ایسوزو یامادا^{۸۲} بر عهده دارد) را بازی می کند. داستان فیلم درباره ی زن رُمان نویس ژاپنی به نام ایچیو هیگوشی (نام واقعی ناتسوکو هیگوچی) است. از دوره میجی او اولین نویسنده زن حرفه‌ای ادبیات مدرن ژاپنی بود. به رغم زندگی کوتاه بیست و چهار ساله اش در داستان‌های کوتاه و شعر تخصص داشت و همچنین یک روزنامه‌نگار فعال بود. او در توکیو به عنوان فرزند چهارم و دومین دختر به دنیا آمد. والدین او از یک جامعه دهقانی در نزدیکی استان یاماناشی بودند. اما پدرش در سال ۱۸۶۷ موفق به کسب مقام سامورایی شده بود. بزرگ شدن در یک خانواده سامورایی که با دوره میجی لغو شد، برای او یک تجربه سازنده بود. البته فیلم به جای اینکه در مورد یک نویسنده باشد، درباره ی زن جوانی است که پدرش را ناامیدانه از دست داده است.



⁸². Isuzu Yamada

Profile:

Movie: The Sky of Hope, Hope Youth

Romaji: Kibo no aozora

Director: Kajirô Yamamoto

Screenwriter: Hideo Oguni, Kajirô Yamamoto, Kenta Yamazaki

Producer: Toho

Cinematographer: Hiroshi Suzuki (B&W)

Release Date: 1942

Runtime: 85 min

Color: black and white

Genre: Action War

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Hideko

Was: 18

۷۲- آسمان آبی امید:

فیلم "آسمان آبی امید" به کارگردانی کاجیرو یاماموتو محصول ۱۹۴۲ ژاپن در هفده دقیقه است. خانم تاکامینه در سن هفده سالگی نقش هیدکو را در کنار ستسکو هارا بازی می کند. هیدکو تاکامینه، دانش آموز دختری است که یک شیرینی فروشی باسابقه، انتظار داشته عروس نوه اش باشد. شریکی (ریو ایکبه) که در حالی که فکر می کرد هنوز متاهل است، خواستگاری می کند، تنها کسی بود که شکست بدی می خورد. زندگی چهار زوج به دو جوان (تاکامینه و دوست پسرش) که متعجب و حیران هستند که ازدواج چیست، نشان داده می شوند. در واقع ستسکو آنها را پرنده آبی می نامد.



گروه اول، همسری است که شوهری دارد که آوازخوانی بازیگوش است. همچنین همسر او قوی است. هیدکو و دوستانش وقتی به آنها نشان داده می شود که یک زن و شوهر پر زرق و برق و پولدار دعوا می کنند، ناامید می شوند. دسته دوم زن و شوهر شارلاتانی هستند که همیشه آرزوی ثروتمند شدن را دارند. همسر مرد یک گیشا است. برای هیدکو که در خانواده ای محکم با پدری سامورایی بزرگ شد، این دنیای متفاوتی است. در گروه سوم شوهر سرباز است. به یک معنا، با خانواده تر و با بچه های گستاخ. هیدکو اما پنهانی از پدر سرباز انتقاد می کند که برای فرزندانش بسیار مهربان است. هیدکو فکر می کند که چنین لوس کردن برای کودکان خوب نیست. **محوریت این فیلم اینجاست.** زوج چهارم یک مزرعه را اداره می کنند. زندگی روی زمین این نیز یک تصویر زوج ایده آل است.

به زوج سوم برگردید. حکم بسیج و اعزام به شوهر نظامی داده می شود. برای اولین بار، هیدکو می داند که چرا این پدر برای دخترش اینقدر شیرین و مهربان بود. پدر که یک سرباز است همیشه از مرگ آگاه است. شاید این آخرین باری باشد که دخترش را می بیند. نقش یک دختر شاد میکو ناکامورا است. پس از آن، خود آقای ریو ایکبه به میدان جنگ رفت و در حالی که گرسنه با مارها و مارمولک ها بود زنده ماند. زندگی او که به گذشته در طول جنگ نگاه می کند جالب است. و با وجود چنین تجربه سختی در آن آئوی سانمیاکو نقش یک مرد جوان را بازی کرد.

Profile:**Movie:** Beautiful departure**Romaji:** Uruwashiki shuppatsu**Director:** Satsuo Yamamoto**Screenwriter:** Ryûji Nagami(screenplay)Satsuo Yamamoto(screenplay)**Producer:** Toho CompanyToho Eiga (Tokyo)**Release Date:** February 21, 1939**Runtime:** 66 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, Family**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Natsuko Hôjô, Tomiko's younger sister**Age:** 15**۷۳- عزیمت زیبا:**

فیلم "عزیمت زیبا" به کارگردانی ساتسو یاماموتو محصول ۱۹۳۹ ژاپن در شصت و شش دقیقه است. خانم تاکامینه در سن پانزده سالگی نقش نانسکو خواهر کوچکتر ستسکو هارا (نخستین بار) را بازی می کند. مادر و فرزند دارای پدر مرحوم را می خورند و تنها تکیه ی آنها سرمایه گذاری در سهام دایی می باشد. با این حال، دایی نیز در بازار ورشکست می شود، تنها دختر کوچکتر (تاکامینه) سعی می کند واقعیت را ببیند.



اگر فروپاشی خانواده بورژوازی را ترسیم کنیم، اثر پیکایچی یاماساتسو است. با این حال، این خانواده با سقوط تا انتها، هیچ دردی احساس نمی کنند. ستسکو هارا تلاش می کند تا شغلی پیدا کند، اما احساس فلج شده دارد، بنابراین حتی اگر در مصاحبه به او حقوق بدهند، می گوید: "من نمی توانم کار کنم زیرا این مسخره است." مادر می گوید کلاس گل آرایی باز می کند، اما با شاگردانش شروع به ورق بازی می کند. تنها هیدکو تاکامینه، کوچکترین دختر، مدرسه را رها می کند و سعی می

کند کار کند. کسب و کار خانوادگی بهبود یافته است، و پایان خوشی دارد. این خانواده باید روزگار سخت تری داشته باشد، اما آیا فیلم تحت تأثیر پیشینه تاریخی تولید سال ۱۹۳۹ بوده است؟

ه‌ا‌را با غرور بسیار بالا سعی می‌کند تا کامینه را از خود دور کند و با مردان در ارتباط باشد. البته نمی‌توان گفت د‌کو چ‌ان دختر خوبی است، زیرا او خواهرش را احمق می‌داند و از فریب خوردن او توسط کارکنان اداری احساس خوبی دارد. ژاپن در سال ۱۹۳۹ یک دوره رو به مدرن بود. لباس تا کامینه و کلاه ستسکو ه‌ا‌را نشانه مُد روز آن زمان است. در ابتدا، اسکیت بازی با بزرگ زمستانی است! آیا این قبل از جنگ شگفت‌انگیز نیست؟ در واقع آن سال دهمین تورنمنت مسابقات قهرمانی اسکیت نمایشی ژاپن بود.

Profile:

Movie: Three Women of the North
Romaji: Kita no san-nin
Director: Kiyoshi Saeki
Screenwriter: Yûsaku Yamagata
Producer: Film Public Corporation, Toho
Cinematographer: Asakazu Nakai (B&W)
Release Date: Agust 15, 1945
Runtime: 72 min
Color: black and white
Genre: Drama II World War Planes
Language: Japanese
Country: Japan
Played: Yoshi Matsumoto
Was: 21

۷۴- سه زن در شمال:

فیلم "سه زن در شمال" به کارگردانی کیوشی سائکی محصول ۱۹۴۵ ژاپن در هفتاد و دو دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و یک سالگی نقش یوشی را بازی می کند. این داستان یک هواپیما در یک ماموریت مخفی است که با وجود مشکل موتور، طوفان های وحشتناک و بعداً حمله هوایی توسط آمریکایی ها، باید محموله سربازان خود را به یکی از جزایر کوچک شمالی ژاپن برساند. هرگز به ما گفته نمی شود که چرا این گروه خاص که تنها شش سرباز دارند، اینقدر مهم است؟ اما هواپیما مطمئناً عبور می کند.

علاقه واقعی به سه زن است که اپراتور رادیو هستند. در این زمان، اپراتورهای رادیویی هنوز از کد مورس استفاده می کنند، بنابراین آنها داوطلبان ارزشمندی هستند. اگرچه آنها یونیفورم پوش هستند و به رئیس خود سلام می کنند، اما مطمئن نیستیم که آنها در خود ارتش هستند یا در یک گروه غیرنظامی، و با کلاه های کوچک جذابشان بیشتر شبیه مهمانداران دهه شصت هستند تا سرباز. همانطور که ممکن است در فیلمی با بازی سه بازیگر زن انتظار داشته باشیم، تلاشی برای ایجاد بخش کمی عاشقانه وجود دارد. آکیکو، مستقر در پایگاه هوکای، عاشق ایوانو، یک هواشناس است که می رود تا مشاهدات خود را برای مطالعه برگرداند. ما فکر می کنیم او عشق را به اشتراک می گذارد، اما صحنه خداحافظی آنها کاملاً ژاپنی است، هر یک روی میزی از دیگری جدا می شوند. بدون هیچ چیزی جز یک نگاه یا تردید برای نشان دادن هرگونه احساسی که آنها در حال خداحافظی رسمی هستند. عاشقانه دیگر کمی متفاوت است. یوشی به همراه سربازان به پایگاهی که سومیکو در آن مستقر است می رسد، اما با وجود اینکه آنها در تمرین بهترین دوستان بودند، یوشی از صحبت با سومیکو خودداری می کند. ما فرض می کنیم که آنها بر سر یک مرد با هم درگیر شده اند تا اینکه سومیکو بالاخره طرف ماجرا را به او بگوید. مرد مورد نظر برادر یوشی است که سومیکو تصمیم گرفت با او ازدواج نکند، اما فقط به این دلیل که می خواست وظیفه خود را انجام دهد و آموزش اش را هدر ندهد و هنوز هم او را دوست دارد.

بدیهی است که قصد دارد همه را تشویق کند تا نقش خود را انجام دهند، حتی با شروع ورود بمب افکن های آمریکایی، فیلم ناخواسته به یک سند فمینیستی اولیه تبدیل می شود. این سه زن کار مردانه را انجام می دهند و سومیکو این کار را بهتر از یک مرد معمولی انجام می دهد، زیرا او هواپیمای تیر خورده را تنها با استفاده از سیگنال های رادیویی خود به فرود اضطراری در مه راهنمایی می کند. هنگامی که اپراتور رادیویی هواپیما سقوط می کند، یوشی داوطلب می شود تا اپراتور داخل هواپیما باشد و به خوبی از عهده این کار برمی آید، حتی در شرایطی که همه چیز سخت می شود. کیکو حتی زمانی که پایگاه او بمباران می شود، سیگنال های خود را برای هواپیما حفظ می کند. برای آنها ممکن است ازدواج همچنان مطلوب باشد، اما آنها نشان می دهند که می توانند کاری را که مردان انجام می دهند انجام دهند و به آن افتخار می کنند. ما فیلم های زمان جنگ بسیار کمی در دسترس داریم، بنابراین نمی دانیم این تصویر چقدر رایج بوده است، اما حداقل یک بار قبلاً آن را در زیباترین شکل دیده ایم، جایی که سازندگان زن بمبانداز اصرار دارند که به آنها همان سهمیه داده شود. ژاپنی ها ناخواسته پدر فمینیسم مدرن را کاشتند، زیرا در جنگ مشاغل اساسی را که وقتی مردان به جنگ می رفتند برای زنان باز می گذاشتند.



این فیلم از جهت دیگر جالب است زیرا دو ستاره جوان، ستسوکو هارا در نقش سومیکو و هیدکو تاکامینه در نقش یوشی را کنار هم قرار می دهد. که ستاره های بزرگ پس از جنگ شدند اما تا سال ۱۹۶۰ دوباره با هم ظاهر نشدند. فیلم تنها ۷۰ دقیقه است، بنابراین زمان کمی برای شخصیت پردازی واقعی وجود دارد. ما هیچ کدام را در سطحی نمی بینیم که در نهایت به آن می رسند، زیرا صحنه رویارویی آنها هنوز بسیار محتاطانه است، بدون خشم ملودراماتیک، و کارگردان، به شیوه ای سنتی، به نظر می رسد از نماهای نزدیک می ترسد. سومیکو توضیح می دهد که ازدواج فقط به تأخیر افتاده، نه لغو، و سپس یوشی گزارش می دهد که برادرش واقعاً در برمه کشته شده است، اما ما فقط گریه سومیکو را بعد از خروج از اتاق می بینیم. دوست سوم فقط برای مدت کوتاهی با یوشی ملاقات می کند که هواپیما در حال سوخت گیری است، بنابراین داستان هیساکو یامانه به طور مستقل عمل می کند.

برای تمام اهداف عملی، این آخرین فیلم ژاپنی ساخته شده در طول جنگ بود، زیرا در ۵ اوت ۱۹۴۵، یک روز قبل از بمباران هیروشیما اکران شد. شش سرباز در هواپیما آنقدر ضروری هستند که نمی توانند یک روز برای آب و هوای بهتر صبر کنند. ما

می‌بینیم که آمریکایی‌ها پایگاهی را بمباران می‌کنند و تاکامینه از B-29 بر فراز توکیو یاد می‌کند، اما هیچ‌کس در مورد خدمت به امپراتور صحبت نمی‌کند که هرگز نامی از او برده نشده است. چیزی که بارها و بارها می‌شنویم این است که «بهترین کار خود را انجام بده»، شعار رایج بسیاری از فیلم‌های ژاپنی، نه فقط در طول جنگ.

Profile:

Movie: Hideko, the Bus Conductor

Romaji: Hideko no shashô-san

Director: Mikio Naruse

Screenwriter: Mikio Naruse (Novel: Masuji Ibuse)

Producer: Nano Eiga

Cinematographer: Ken Azuma (B&W)

Release Date: September 17, 1941

Runtime: 54 min

Color: black and white

Genre: Comedy ,Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Okoma, the bus conductress

Was: 17

۷۵- هیدکو، راهنمای اتوبوس:

فیلم "هیدکو، راهنمای اتوبوس" به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۴۱ ژاپن در پنجاه و چهار دقیقه است. خانم تاکامینه در سن هفده سالگی نقش اوکوما را بازی می کند. به نظر می رسد اتوبوس فرسوده استعاره ای از سبک محافظه کارانه است. اما در ظاهر یکی از آن کمدی های سبکی است که قابل نقد نیست. هیچ اتفاق خاصی نمی افتد، شوخی ها همه در سطح خنده هستند. به نظر می رسد که هیچ عمقی زیربنای این وضعیت نیست، و با این حال احساس بهتری نسبت به دنیا نسبت به زمانی که شروع کردید به پایان می رسد.



هیدکو تاکامینه هنوز یک نوجوان است. او به‌عنوان بلیت‌گیر در اتوبوس‌های یک خط اتوبوس کشوری کار می‌کند و حتی گاهی دستمزد هم می‌گیرد. رئیس علاقه زیادی به لیموناد ریخته شده روی یخ له شده دارد، اما نه برای تجارت. هیدکو یک گزارش رادیویی از خط اتوبوس دیگری می‌شنود که مهمانداران آن نیز به عنوان راهنمای تور برای مسافران عمل می‌کنند و تصمیم می‌گیرد که باید همین کار را برای کمک به افزایش تجارت در اتوبوس خود انجام دهد. البته، هیچ چیز واقعی برای دیدن وجود ندارد، و به ندرت گردشگرانی فراتر از کوهنوردان گاه به گاه وجود دارد. وقتی افراد عادی سوار می‌شوند، همیشه در ایستگاه‌های خود در وسط یکی از داستان‌های او پیاده می‌شوند. این تقریباً تمام چیزی است که وجود دارد. میکیو ناروسه به مدت پنجاه دقیقه با اجازه دادن به تاکامینه به سادگی جلوی دوربین، همه اینها را به تصویر می‌کشد، که همگی موجه است زیرا او کاملاً جذاب است. او ستاره مهمی بود که استودیو به سادگی فیلم را به نام او نامگذاری کرد.

به طور طبیعی، از آنجایی که داستان شامل یک اتوبوس و سفرهای آن می‌شود، بسیاری را به یاد "مستر تنکیو"^{۸۳} می‌اندازد، اما آنها نمی‌توانند تصاویر متفاوت تری باشند. مسافران و رهگذران مستر تنکیو، مقطع بسیار جدی تری از جامعه ژاپن و تنش‌های آن را نشان می‌دهند. دنیای هیدکو حومه‌ای است که هر کشوری می‌خواهد به وجود آن باور داشته باشد، با مردمی فقیر اما ساده و صادق که توسط ماشین بزرگ گناه شهری دست نخورده است. همچنین کوچکترین اشاره ای مبنی بر وقوع جنگ در چین وجود ندارد.

نکته - این گونه فیلم‌ها نشان می‌دهند که طبقات متوسط ژاپنی علاقه زیادی به پیاده‌روی در تعطیلات و آخر هفته‌ها داشته‌اند، اما همیشه به صورت گروهی. به ندرت می‌توان فیلمی را در حومه شهر در اواخر دهه ۳۰ دید، بدون اینکه گروهی از کوهنوردان در جاده‌ها قدم بزنند. به نظر می‌رسد که از جنگ جان سالم به در نبرده است.

⁸³. Mr. Thank You / Arigato-san (1936)

Profile:**Movie:** Hideko the Cheerleader**Romaji:** Hideko no ôendanchô**Director:** Yasuki Chiba**Screenwriter:** Tamotsu Takada, Kenta Yamazaki**Producer:** Nan'ô Eiga**Cinematographer:** Asakazu Nakai (B&W)**Release Date:** 1940**Runtime:** 71 min**Color:** black and white**Genre:** Comedy**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Hideko Takashima**Was:** 15**۷۶- هیدکو لیدر بیسبال:**

فیلم "هیدکو لیدر بیسبال" یا هیدکو لیدر" به کارگردانی یاسوکی چیبای محصول ۱۹۴۰ ژاپن در هفتاد و یک دقیقه است. خانم تاکامینه در سن پانزده سالگی نقش هیدکو تاکاشیما را بازی می کند. هیدکو هوادار جوان تیم بیسبال است و تلاش می کند تا با ساخت آهنگی به تیم مورد علاقه ی اش روحیه بدهد. این فیلم با حضور بازیکنان حرفه ای بیسبال ساخته شده است. والدین او مخالف این کار هستند اما کوتاه نمی آید و به تنهایی تلاش می کند. این فیلم یادآور فرهنگ فراموش شده پیش از جنگ اقیانوس آرام است. با توجه به ممنوعیت و لغو بازی های بیسبال در روزهای سیاه جنگ دارای اهمیت است. از طرفی تشویق سیستماتیک و دولتی معمولاً با هدف خاص صورت می گیرد و این مساله اهمیت فیلم را بیشتر می کند.



Profile:

Movie: A Gentle Breeze with Father

Romaji: Soyokaze chichi to tomo ni

Director: Satsuo Yamamoto

Screenwriter: Mikio Naruse

Producer: Toho Eiga (Kyoto)

Music: Tadashi Ota

Release Date: April 24, 1940

Runtime: 70 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age: 16

۷۷- در نسیمی ملایم با پدر:

فیلم "در نسیمی ملایم با پدر" به کارگردانی ساتسو یاماموتو و داستانی از میکیو ناروسه، محصول ۱۹۴۰ ژاپن در هفتاد دقیقه است. خانم تاکامینه در سن شانزده سالگی نقش هیدکو را بازی می کند.



کاماتاری فوجیوارا صاحب حمام عمومی، همسرش را زود از دست داده و دخترش هیدکو (هیدکو تاکامینه که همان نقش را دارد) را بزرگ کرده است. هیدکو یک دختر ساده بود که در مدرسه دخترانه نیز تحصیل می کرد و همزمان به تجارت خانوادگی کمک می کرد. پدر برایش مهم است که بی سواد نباشد و دوستان هیدکو به او بخندند، اما هیدکو اصلا برایش مهم نیست. یک روز هیدکو با کمک یکی از دوستان به مشروب فروشی می رود و میبیند که پدرش به آنجا آمده و با خانم

صاحبخانه یک نوشیدنی می نوشند. هیدکو که مشروب را رها می کند و فرار می کند، به نظر می رسد بخشی از شخصیت پدرش را که او نمی شناخته، دیده است و ناراحت است. ناگهان مردی که پدر واقعی هیدکو بود (ساده‌و مارویاما) ظاهر می شود و مشخص می شود که کاماتاری در واقع برادر بزرگتر مادرش بوده و پدر واقعی اش او را رها کرده است. پدرش هم اهل کوهستان بود و سعی می کرد با زن و بچه اش بزرگ شود و بعد از مدتی آرام شد و برگشت. برای سربازانی که می خواهند به منطقه مرگ بروند، به آنها آرامش می دهند. در این دوران این فیلم در جهت هدف سیاست ملی بود.

Profile:

Movie: Those Who Make Tomorrow

Romaji: Asu o tsukuru hitobito

Directors: Akira Kurosawa, Hideo Sekigawa, Kajirô Yamamoto

Screenwriter: Yûsaku Yamagata, Kajirô Yamamoto

Producer: Toho

Cinematographer: Takeo Ito, Taiichi Kankura, Mitsuo Miura (B&W)

Release Date: 1946

Runtime: 82 min

Color: black and white

Genre: Drama Propaganda

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Takamine

Was: 22

۷۸- آنها که فردا را می سازند:

فیلم "کسانی که فردا را می سازند" به کارگردانی آکیرا کوروساوا، هیدئو سکیگاوا و کاجیرو یاماموتو (که هم کارش بود) محصول ۱۹۴۶ ژاپن در هشتاد و دو دقیقه است. این فیلم برای نشان دادن هدف اتحادیه کارگران در استودیوهای فیلم توهو تولید شد، زیرا نیروهای متفقین تشکیل اتحادیه‌ها را به عنوان بخشی از فرآیند دموکراسی سازی در طول اشغال ژاپن پس از جنگ جهانی دوم تأیید کردند. کوروساوا بعداً این فیلم را محکوم کرد و آن را "یک فیلم ساخته شده توسط کمیته" خواند که تنها یک هفته در آن شرکت داشت، و از ذکر آن در پیشینه فیلم سازی خود خودداری کرد. ستاره‌های استودیو توهو، هیدکو تاکامینه و سوسومو فوجیتا در این فیلم بازی می کنند.



خواهران چیکو، شامل یک دختر که در یک استودیوی بزرگ فیلم کار می‌کند، و آیکو، یک رقصنده تئاتر است. دختران و پدر ضد اتحادیه‌گرا گینتارو هستند. هنگامی که کارگران یک شرکت راه آهن، از جمله مستأجر خانواده سیزو، دست به اعتصاب می‌زنند، چیکو و همکارانش همبستگی خود را نشان می‌دهند و همچنین برای دستیابی به امنیت مالی برای کارکنان استودیو فیلم، خواستار اعتصاب می‌شوند. در همین حال، آیکو و گروه رقصنده‌اش تصمیم می‌گیرند که در مخالفت با مدیر، صحنه‌ی تئاتر سازماندهی کنند. هنگامی که گینتارو به همراه گروه بزرگی از کارمندان شرکتش اخراج می‌شود، در نهایت از بی میلی خود دست می‌کشد و تحت تأثیر جدیت آنها به اتحادیه‌ها می‌پیوندد.

Profile:

Movie: The loves of a kabuki actor, Tojuro's Love

Romaji: Tojuro no koi

Director: Kajirô Yamamoto

Screenwriter: Kan Kikuchi(story)Shintarô Mimura(screenplay)

Producer: Toho CompanyToho Film (Eiga) Co. Ltd

Release Date: May 1, 1938

Runtime: 121 min

Color: black and wight

Genre: Drama, Romance, Remark 1955

Music: Saito Ichiro

Language: Japanese

Country: Japan

Played: N

Age: 14

۷۹- عشق یک هنرپیشه کابوکی:

فیلم "عشق یک هنرپیشه کابوکی" یا "عشق توجیرو" به کارگردانی کاجیرو یاماموتو محصول ۱۹۳۸ ژاپن در یکصد و بیست و یک دقیقه است. خانم تاکامینه در سن چهارده سالگی است. در سال ۱۹۵۵ بازسازی این فیلم به کارگردانی کازوئو موری صورت گرفت. این فیلم دو بازیگر نام آشنای ژاپنی تاکاکو ایریه و کاماتاری فوجیوارا است، و حتی به زحمت می توان تاکامینه را در فیلم دید.



داستان فیلم مطالعه ای رنگارنگ از زندگی تئاتری است. دو گروه بازیگری برای بازار کیوتو در دوران جنروکو رقابت می کنند. توژورو، یک بازیگر بسیار محبوب، وقتی می بیند که گروه رقیبش نوع جدیدی از بازی با ستاره خود یعنی ناکامورا، اجرا می کنند، محدودیت هایی در بازی خود را احساس می کند. چرا که او به یک نمایشنامه سنتی پایبند است و نمی تواند مخاطب را جذب کند. او چیکاماتسو معروف را مجبور به نوشتن نمایشنامه جدیدی می کند اما نمی تواند به شخصیتی که قرار است در آن بازی کند عادت کند.

انتخاب میان هنر و عشق گزاره ای است که از گذشته تغییر نکرده است. و اگر اشتباه انتخاب کنید، سرانجام ترسناک است. آیا عشق واقعی است یا عشق کاذب؟ داستان فیلم عاشقانه ای موهوم است. داستان مرد و زنی است که آماده مرگ هستند. در عین حال فیلم انتقاد شدیدی به جامعه فئودالی ژاپن و رابطه ی قهرمان داستان با آن است. جایی که درام ژاپنی، همه قربانی ساختار سیاسی می شوند. مردان از نظر روانی در ساختار سیاسی ادغام می شوند، در جایی که از امتیازاتی که جامعه سرکوبگر به آنها داده است، بهره می برند.

Profile:**Movie:** The Night Before**Romaji:** Sono zen'ya**Director:** Ryo Hagiwara**Screenwriters:** Seikan Doi, Shigeji Fujii, Ryo Hagiwara, Hiroshi Inagaki, Shintarô Mimura, Eisuke Takizawa, Yahiro Fuji, Sadao Yamanaka (Idea: Sadao Yamanaka)**Producer:** Toho**Cinematographer:** Kikuzô Kawasaki (B&W)**Release Date:** October 21, 1939**Runtime:** 87 min**Color:** black and white**Genre:** Drama Comedy Feudal Japan 19th Century**Music:** Fukai Shiro**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Otsu**Was:** 15**۸۰- شب قبل:**

فیلم "شب قبل" یا "روز قبل" به کارگردانی ریو هاگیوارا محصول ۱۹۳۹ ژاپن در هشتاد و هفت دقیقه است. خانم تاکامینه در سن پانزده سالگی نقش اتسو را بازی می کند. داستان فیلم اقتباسی از دست نوشته های سادائو یاماناکا است. فیلم پایان دوره ی ادو و حادثه ایکه دایا را در قالب یک خانواده در مسافر خانه ریوکان به تصویر می کشد. فیلم این واقعه را از منظر پنج عضو خانواده اوهارایا که مسافرخانه ای در نزدیکی ایکه‌دایا نیز اداره می کنند و از دید مردم عادی به تصویر می کشد. (این اثر یک سرگرمی جنگی نیست).

ایکه دایا حادثه ای بود که در ۸ ژوئیه سال ۱۸۶۴ در کیوتو به وقوع پیوست. در این حادثه اعضای گروه شیشی (تشکیلات) که در مسافرخانه ای در کیوتو جمع شده بودند مورد حمله شین سن گومی که طرفداران شوگون‌سالاری توکوگاوا بودند، قرار گرفتند. کسانی که مورد حمله شینسنگومی قرار گرفتند هدفشان مقابله با شوگون‌سالاری توکوگاوا و طرفداری از سون‌نو جوای (حرمت‌گزاری به امپراتور، اخراج اجنبی) بود و بیشتر از رونین‌های قلمروهای جنوبی کشور و اهالی قلمروی چوشو بودند. ادعا شده است که این گروه قصد داشتند در روز جشن کیوتو را به آتش بکشند. (البته در این باره تردید وجود دارد، چرا که از اعضای دستگیر شده این گروه زیر شکنجه اقرار کرده است.)

پدر، اوهارایا است و پسر ارشد هیکوتارو، او یک صنعتگر رنگرزی است بدون اینکه کاری در مسافرخانه را به عهده بگیرد، می خواهد کار مستقل خودش را انجام دهد خواهر کوچکتر هیکوتارو، اوتسو (هیدکو تاکامینه) هستند که به مسافرخانه کمک می کنند. او مخفیانه عاشق مرد جوانی از شینسنگومی است. خواهر بزرگ‌تر مادرش، اوساکی (ایسوزو یامادا)، یک گیشا است که در اوکیای گیون اجاره داده می‌شود. جالب است که فیلم وضعیت درباره ی فرقه شینسنگومی است، اما وضعیت پُر تنش آنها را به تصویر نمی‌کشد. بنابراین نکته برجسته این اثر این است که یک سبک درام معمولی سامورایی نیست.

فیلم داستان تاکیکاوا، نقاشی است که مدت زیادی در اوهارایا می ماند و به رونین در حال گذر کمک می کند. تاکیکاوا یک رونین پشیمان و غیرمنطقی را نجات می دهد که توسط یک سامورایی از قبیله چوشو که در گذرگاه سانجو رفتاری وحشی دارد و در یک بار آرام می گیرد به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود. او از خشم، مردم عادی را که جایی برای رفتن ندارند و اضطراب را به تصویر می کشد. دوم اینکه فیلم به کیوهی ماتسونوگا، شینسنگومی که عاشق اوتسو (تاکامینه) است، توجه دارد. با وجود اینکه این یک نمایشنامه است، اما هوشیاری نخبگان را در نگاه کردن به مردم عادی از بالا احساس می شود.



هنگام شب که خانواده اوهارایا جلوی فروشگاه هستند یک شینسنگومی از مقابل اوهارایا (کیاماچی-دوری) می گذرد و به هیکوتارو گفته می شود که فروشگاه را زودتر ببندد. سپس صحنه مبارزه با شمشیر در نهایت نزدیک به پایان فیلم آغاز می شود. در همین حال، اوتسو (هیدکو تاکامینه) و شینسنگومی کویناکا در این نبرد خواهند مُرد. فیلم تا پس از حادثه هم ادامه دارد.

Profile:**Movie:** New Tang Gazen-Book of One Hand**Romaji:** Shinpen Tange sazen ; Koiguruma, Sekigan no maki**Director:** Nobuo Nakagawa**Screenwriter:** Matsutarô Kawaguchi(story)Hachiro Kifune(screenplay)**Producer:** Toho Eiga (Tokyo)**Music:** Noboro Ito**Release Date:** December 20, 1939**Runtime:** 67 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, History**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Oharu**Age:** 15**۸۱- تانگه سازن**

دِرام تاریخی "تانگه سازن" به کارگردانی نوبئو ناکاگاوا محصول ۱۹۳۹ ژاپن در شصت و هفت دقیقه است. خانم تاکامینه نقش اوهارو را در سن شانزده سالگی بازی می کند. داستان درباره ی شمشیر زن خیالی و افسانه ای ژاپن شینگه تانگه سازن است. این فیلم بر اساس رُمان «تانگه سازن» نوشته ماتسوتارو کاواگوچی ساخته شده است، که حقوقی را از بیوه هایاشی فومی به دست گرفته است و صحنه کاملاً متفاوت از تانگه سازن معمولی است. زمانی که فیلم ساخته شد، قرار بود سریالی پنج قسمتی باشد، اما «نسخه نهایی» ساخته نشده است. بنابراین این قسمت سوم است و اگر بدون دیدن قسمت های قبلی آن را تماشا کنید، نمی دانید که چیست.



Profile:

Movie: Naw Tangesazen-Love Car

Romaji: Shinpan Tange Sazen: Koiguruma

Director: Ryo Hagiwara

Screenwriter: Matsutarô Kawaguchi(story)Hachiro Kifune(screenplay)

Producer: Toho Eiga (Tokyo)

Music: Noboro Ito

Release Date: January 11, 1940 (Japan)

Runtime: 67 min

Color: black and white

Genre: Drama, History

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Oharu

Age: 15

۸۲- ماشین عشق تانگه سازن:

Profile:**Movie:** Sasaki Kojiro & Sequel Sasaki Kojiro**Romaji:** Sasaki Kojiro & Zoku Sasaki Kojiro**Director:** Hiroshi Inagaki**Screenwriter:** Hiroshi Inagaki, Kenrô Matsuura, Genzo Murakami**Producer:** Morita Productions**Cinematographer:** Jun Yasumoto (B&W)**Release Date:** 1950-51**Runtime:** 116 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, Samurai, Feudal**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Nami**Was:** 26-27**۸۳- سرانجام ساساکی کوجیرو:**

فیلم "ساساکی کوجیرو" که دنباله‌ی آن در قسمت دوم ساخته شده است به کارگردانی هیروشی ایناگاکي در یکصد و شانزده دقیقه محصول ۵۱- ۱۹۵۰ ژاپن است. خانم تاکامینه در سن بیست و شش سالگی نقش نامی را بازی می‌کند. ساساکی کوجیرو سامورایی و شمشیر زن ژاپنی است که در دوره‌ی سنگکو و اوایل ادو زندگی می‌کرد. ساساکی کوجیرو به شیوه‌ای تماشایی بازگشت هیدئو ایناگاکي و صنعت فیلم ژاپن را به چنبارا پس از پنج سال وقفه در دوران اشغال نشان می‌دهد. همچنین اولین حضور پس از جنگ داستان موساشی میاموتو است که به یکی از داستان‌های اساسی سینمای ژاپن تا به امروز تبدیل شد، با دوئل میاموتو و ساساکی که برای تماشاگران ژاپنی جذاب است.

میاموتوی تاریخی در سال‌های پس از سکی‌گاهارا، حداقل بر اساس نوشته‌های خودش، شمشیرباز بزرگی بود و مدت‌ها مورد تجلیل قرار می‌گرفت. نگاه مدرن به او واقعاً با زمان سریالی سال ۱۹۳۵ توسط ایچی یوشیکاوا شروع شد، که بر تبدیل او از یک مرد وحشی با استعداد به یک استاد منضبط از طریق خودآگاهی معنوی تأکید داشت، تحولی که در بیشتر نمایش‌های فیلم پس از جنگ به تصویر کشیده می‌شد. شناخته شده‌ترین آنها سه‌گانه حماسه سامورایی خود ایناگاکي است، که مانند اکثر موارد دیگر در دوئل جزیره گانریو با کوجیرو ساساکی، که از نظر تاریخی به عنوان تنها برابر و هم‌وزن قابل قبول میاموتو در نظر گرفته می‌شود، به اوج خود می‌رسد. با این حال، این فیلم بر روی ساساکی متمرکز است و میاموتو تنها یک بار قبل از دوئل نهایی ظاهر می‌شود. همچنین منبع خود را در زمانی می‌یابد، اما زمانی متفاوت از گنزو موراکامی در سال‌های ۱۹۴۹-۱۹۵۰ که زندگی حرفه‌ای ساساکی را تخیلی می‌کرد.

جیدای‌گکی‌ها به‌طور کلی و چنبراً به‌طور خاص، اگر به شکل رسمی در سال‌های اولیه اشغال ممنوع نمی‌شدند، به دلیل ارتباطشان با نظامی‌گری سامورایی، به شدت کم‌اهمیت می‌شدند، و بودجه‌های محدود آن زمان شکافی از موانع را اضافه

می‌کرد. ایناگاکا یکی از غول‌های پیش از جنگ در این زمینه‌ها بود. او اساساً تا اواخر دهه چهل بیکار بود، زمانی که آمریکایی‌ها بیشتر نگران کمونیست‌ها بودند تا میلیتاریست‌های ژاپنی، اگرچه او با اولین کارگردانی بازگشت. تعدادی فیلم در مورد کودکان در سال ۱۹۵۰، فضای سیاسی و مالی به اندازه‌ای تغییر کرده بود که ایناگاکا می‌توانست به آنچه در گذشته انجام داده بود بازگردد.

هم به معنای واقعی و هم هنری این بازگشتی دیدنی بود. بدیهی است که استودیو توهو برای این کار پول زیادی صرف کرده است و ما اگر نه هزاران بازیگر، حداقل صدها بازیگر را می‌بینیم. افراد اضافی صحنه‌های خیابانی را شلوغ می‌کنند و چندین نمایش رقص درباری با تماشاگران زیادی برگزار می‌شود. حتی رژه‌ای از تجار پرتغالی و هلندی با فیل و شتر داریم. هیچ نبردی در مقیاس کامل وجود ندارد، اما ساساکی دارای مکملی از مبارزات علیه گروه‌های بزرگ و همچنین شمشیربازی‌های فردی است. بر خلاف راشومون که چند ماه قبل این فیلم اکران شد، این یک نمایشنامه مجلسی است که اساساً دو مجموعه و چهار شخصیت دارد، در حالی که این یک حماسه دهه ۱۹۵۰ است، با شخصیت‌ها و مکان‌های متعدد.

با وجود تعدادی مبارزه با شمشیر، به نظر می‌رسد فیلم واقعاً علاقه‌مند به ساختن یک شخصیت دیگری برای ساساکی است، بنابراین ما کمتر به آموزش شمشیر بازی او نسبت به زندگی خصوصی اش توجه داریم. تعجب آور نیست که سه زن را شامل می‌شود: عشق اول او، یک رقصنده زیبا، و از همه عجیب تر، یک شاهزاده خانم چینی از اوکیناوا با بازی هیدکو تاکامینه.



به نظر می‌رسد او کونگ فو را نیز می‌داند، زیرا به ساساکی می‌گوید «می‌تواند مشت من را در سینه تو بگذارد»، اما ما نمی‌بینیم که او این مهارت خاص را نشان دهد. با این حال، به جای عاشقانه‌های پرشور، زنان راهی را برای ما فراهم می‌کنند تا جاه طلبی او برای تبدیل شدن به یک مرد خوب، تحصیل کرده و پیچیده، از جمله میل غیرمعمول برای دیدن جهان را ببینیم.

با این وجود، این فیلم الگویی است که اکثر فیلم‌های چنبره پس از جنگ براساس آن ساخته می‌شوند. مبارزه بر روی پل، مبارزه در پاکسازی درونی، مبارزه در خیابان شهر، مبارزه شبانه در جنگل، و البته رویارویی نهایی دو بهترین شمشیرزن، همگی معرفی شده‌اند در فیلم، و همچنین شمشیرزن سرگردان برای بهبود مهارت‌های خود و (معمولاً سه) زنی که در طول

سفرهایش عاشق او می‌شوند. طبیعتاً، برای اکثر بینندگان، اولین جذابیت توشیرو میفونه در نقش میاموتو است، و او تنها در دو صحنه حضوری قدرتمند دارد.

این امر قابل توجه است زیرا انتخاب بازیگران چندین سال قبل از نمایش سه فیلم مشهورتر میفونه از میاموتو است. نقش ساساکی را تومومون اوتانی بازی می‌کند که فعالیت سینمایی او تنها حدود پنج سال را شامل می‌شود. به نظر می‌رسد که این در واقع ناکامورا جاکومون بوده است، که تنها چند سال قبل نام هنری تومومون اوتانی هفتم را برگزید و زنده ماند تا به‌خاطر حرفه طولانی‌اش در ایفای نقش‌های زن در کابوکی، به عنوان یک گنج ملی زنده معرفی شود. تغییر فرهنگی طولانی مدت به سمت رویکرد اروپایی‌تر به رمان‌های عاشقانه در فیلم‌ها را به اوج رساند، اما کوچیرو ساساکی ماندگارترین و موفق‌ترین (و شاید اساسی‌ترین) ژاپنی‌ها را دوباره باز کرد. به هر حال، این اثر قابل توجه دیگری از سال ۱۹۵۰ است که نه تنها به محبوبیت، بلکه به استانداردهای هنری صنعت فیلم ژاپن نیز کمک کرد.

Profile:**Movie:** Musashibo Benkei**Romaji:** Musashibo Benkei**Director:** Kunio Watanabe**Screenwriter:** Yoshitake Hisa , Yoshitake Hisa**Cinematographer:** Tatsuo Tomonari**Release Date:** January 7, 1942**Runtime:** 87 min**Color:** black and white**Genre:** Action Feudal Japan Samurai**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Ushiwakamaru**Was:**18**۸۴- موساشیبو بنکی:**

فیلم "موساشیبو بینکی" به کارگردانی کونیو واتانابه محصول ۱۹۴۲ ژاپن در هشتاد و هفت دقیقه است. خانم تاکامینه در سن هفده سالگی نقش اوشیواکامارو را بازی می کند. این یک درام تاریخی است، اما یک عنصر موسیقی نیز دارد. همانطور که از عنوان پیداست، فیلم بنکی یک راهب سرباز را به تصویر می کشد. اما وجود فرزندى به نام سابورو به جای بنکی نیز جالب است موساشیبو بنکی (جوجی اوکا) هر شب در تودایچی به شکار شمشیر می پرداخت تا هزار شمشیر به دست آورد و برای آرامش قلعه سلطنتی دعا می کند. جایی که شعار اعتلای روحیه جنگندگی در صفحه اول به چشم می خورد، «من از تو حمایت می کنم، تسخیر نمی کنم» فیلم حال و هوای زمان اکران را منتقل می کند. مجموعه هزار شمشیر بنکی نیز نمایی از تاریخ امپراتوری است. با محتوا، عشق افلاطونی بنکی و کوشیکیبو است.



Profile:**Movie:** The New Road, Akemi**Romaji:** Shindo: Zempen Akemi no maki & Ryota no maki**Director:** Heinosuke Gosho**Screenwriter:** Heinosuke Gosho, Kogo Noda (Novel: Kan Kikuchi)**Producer:** Shôchiku**Cinematographer:** Joji Ohara (B&W)**Release Date:** November 30, 1936**Runtime:** 64 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Koyoko Munakata**Was:** 12**۸۵- جاده جدید: آکمی:**

فیلم "جاده جدید: آکمی" به کارگردانی هینوسوکه گُشو در دو قسمت^{۸۴} محصول ۱۹۳۶ ژاپن در شصت و چهار دقیقه است. خانم تاکامینه در سن دوازده سالگی نقش کویوکو را بازی می کند. تا حدّ زیادی بهترین فیلم‌های گوشو قبل از جنگ برای زنده ماندن هستند. "جاده جدید" همچنین او را به قلمروی دور از شومین-گکی که در آن زمان به آن شهرت داشت، می برد. این فیلم که در دنیای ثروتمندان واقعی و غربی می گذرد، یک بررسی پیچیده و دقیق از تضاد بین ایده های قدیمی ازدواج ترتیب داده شده و ایده های جدید ازدواج با عشق است، با یکی از بهترین اجراهای کینویو تاناکا در تاریخ طولانی هنرش.

آکمی (تاناکا) و اوتاگو (هیروکو کاوازاکی) خواهران در سن ازدواج در خانواده ثروتمند یک وزیر بازنشسته دولت هستند. اوتاگو عاشق نوگامی (شین سببوری) شده است، اما او در مورد درخواست اجازه برای ازدواج مردد است و به هر حال برای دو سال برای تحصیل نقاشی به پاریس می رود. آکمی بیش از سه سال است که با آئوکی، دیپلماتی که پدرش او را تایید می کند، خواستگاری شده است، اما او مرتباً هر ایده ازدواج با او یا هر نوع ازدواجی را رد می کند. (از آنجایی که تاناکا بسیار کوچک است، مدت زیادی طول می کشد تا متوجه شوید که او خواهر بزرگتر است.) سپس آکمی با ایپی (سوجی سانو) آشنا می شود و متوجه می شود که عاشق شده است. او خلبانی از یک خانواده نظامی برجسته است که مادرش از ازدواج با خانواده آکمی امتناع می ورزد، زیرا به دلایلی فکر می کند کوچک و حقیر است. آکمی متوجه می شود که باردار است درست زمانی که ایپی در یک سانحه هوایی می میرد. تا اینجای کار، تقریباً از هر ملّتی یک عکس بسیار سنتی از زنان داریم، و این قسمت اول از آنچه در ابتدا به عنوان دو فیلم جداگانه منتشر شده بود، به پایان می رسد.

^{۸۴}. این فیلم به عنوان دو فیلم مجزا اما به هم پیوسته شروع شد و در طول این سال ها احتمالاً بارها به هم وصل شده و از هم جدا شده است. تفاوت های قابل توجهی در نسخه های مختلف موجود در اینترنت وجود دارد، بنابراین تعجب آور نخواهد بود که یک یا دو صحنه کوتاه در طول سال ها گم شده باشد.

بخش دوم به این می پردازد که در مورد نوزاد چه باید کرد. آکمی می خواهد آن را در فهرست و شجره خانواده ایبی ثبت کند، اما مادرش کاملاً امتناع می کند، زیرا فکر می کند آکمی برای ارث پسر از طریق بچه پولدار این کار را می کند. در نهایت، ریوتا پسر دوم (کن اوهارا) راه حلی ارائه می دهد. او با آکمی ازدواج خواهد کرد، که فرزند را به عنوان عضوی از خانواده ایبی ثبت می کند، و سپس آکمی می تواند آزاد باشد تا در صورت تمایل او را طلاق دهد. در همین حال، نوگامی نوشتن را متوقف کرده و آنوکی به جای او پیشنهادی برای اوتاکو ارائه می دهد که او می پذیرد. پس از بازدید از نمایشگاه هنری نوگامی و ریوتا در مورد شرایط صحبت می کنند و برای اولین بار، آکمی تصمیم می گیرد که به آرامگاه ایبی نرود و دست ریوتا را می گیرد و ما متوجه می شویم که آنها اکنون ازدواج خود را از صفر شروع می کنند و در جاده جدید خود می روند.

راه جدید نه ازدواج برای عشق است و نه ازدواج با توافق، بلکه ازدواج برای تفاهم و سازگاری است که ظهور آن زمان زیادی طول می کشد. در واقع، این چیزی است که والدین امیدوارند در ازدواج ترتیب داده شده اتفاق بیفتد، که وقتی زوجی که به عنوان غریبه آشنا می شوند، یکدیگر را بشناسند، عشق عمیق تری نسبت به اشتیاق عاشقانه در آنها ایجاد شود. آکمی به طور تصادفی متوجه می شود، اما می ترسد که خواهرش همیشه ناراضی باشد، فقط می داند که گامی نو به ژاپن برداشته است.

آکمی و ریوتا در طول سال اول ازدواج خود هیچ رابطه جنسی ندارند. ریوتا خانه ای برای او و بچه درست می کند. او هر روز از سر کار به خانه می آید، با تعویض لباس، بازی با نوزاد و صرف شام، نقش پدر را بازی می کند، سپس با فرا رسیدن شب، کت و شلوار خود را تغییر می دهد و برای خواب به خانه خانواده اش می رود. همسایه ها فکر می کنند او معشوقه آکمی است نه همسرش. در نهایت، مادر ریوتا به دیدن او می آید و به محض دیدن نوزاد، هورمون های مادر بزرگ از شوق و هیجان وارد بدن او می شوند. او بلافاصله عاشق نوزاد می شود و اصرار می کند که آنها به خانه خانواده اش نقل مکان کنند، جایی که آکمی هنوز در اتاق قدیمی ایبی می خوابد اما جایی است که مادر بزرگ می تواند تمام روز با کودک بازی کند. در تمام این مدت، تاناکا درخشان است. در حالی که تا کامینه هنوز نوجوان است.



یک سوال واقعی این است که او چگونه باردار شد. اگرچه بحث صریح در مورد بارداری وجود دارد، اما هیچ اشاره ای به زمانی وجود ندارد که ایبی و آکمی می توانستند آنقدر با هم تنها باشند که حتی یک بار هم رابطه جنسی داشته باشند. بنابراین،

وقتی می بینیم که او کتابی درباره علائم بارداری می خواند و سپس سنگینی سینه هایش را احساس می کند، برای ما به همان اندازه که برای خانواده او تعجب آور است. اگرچه آن دوران در مورد صحنه‌های جنسی ممتنع بود، فیلم‌های دیگری در آن زمان وجود داشت که حداقل زوج‌هایی را نشان می‌داد که وارد مسافرخانه می‌شوند. گوشو هیچ کدام از اینها را به ما نشان نمی‌دهد.

واکنش مادر آکمی این است که به او می‌گوید دوباره کیمونو را تغییر دهد، زیرا لباس اوبی پنهان کردن بارداری را آسان‌تر می‌کند. تاناکا زمانی که او و ریوتو در حال .. کردن هستند، در کیمونو می‌ماند، نشانه ما این است که او به سمت یک زندگی سنتی‌تر از قبل حرکت می‌کند، حتی اگر مدام می‌گوید شغلی پیدا می‌کند و از خود و نوزاد حمایت می‌کند. برای جلوگیری از دعوا، مادر موافقت می‌کند که به پدر بگوید، پس از آن تنها طغیان او پاره کردن عکس‌های آکمی از ایپی است که خارج از صفحه نمایش داده شده است. سپس برای جلوگیری از عصبانیت بیشتر، آکمی و پدر احساسات خود را از طریق نامه‌هایی به یکدیگر ابراز می‌کنند که توسط یوتاکو با صدای بلند ارسال و خوانده می‌شود.

در سکانس پدر در حال خواندن نامه آکمی طغیان احساسی رخ نمی‌دهد. گوشو به شخصیت علاقه مند است نه زیبایی. مانند فیلم‌های دهه پنجاه، این یک فیلم متفکرانه است، اصطلاحی که معمولاً وقتی درباره فیلم‌ها در جایی صحبت نمی‌کنیم استفاده می‌کنیم، بررسی صمیمانه و عمیق خود ازدواج.

Profile:

Movie: He Returned from the South, The Man who returned from the south

Romaji: Minami kara kaetta hito

Director: Torajirô Saitô

Screenwriter: Hideo Oguni

Producer: Toho Film (Eiga) Co. Ltd

Music: Sozoki Sichi

Release Date: May 7, 1942

Runtime:

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Hideko

Age:18

۸۶- او که از جنوب بازگشت:

فیلم "او که از جنوب بازگشت" یا "کسی که از جنوب بازگشت"، درام تا حدی فاشیستی به کارگردانی توراجیرو سایتو محصول ۱۹۴۲ ژاپن است. خانم تاکامینه در سن هجده سالگی نقش هیدکو را در کنار بازیگر معروف کمدی ژاپن روپپا فروکاوا^{۸۵} بازی می کند. این فیلم بر اساس سیاست ملی در آن زمان ساخته شده است. فیلم در ماه می ۱۹۴۲ منتشر شد، زمانی که نبرد میدوی در ماه ژوئن هنوز در جریان بود. فیلم داستان مردی که در مالایی تجارت می کرد و در یک جنگ به ژاپن بازگشت و با داوطلب شدن به سمت ارتش رفت را روایت می کند. او در صحنه نبرد دریایی در پایان به طور بی معنی وارد می شود. نکته قابل توجه در فیلم لباس ملوانی (یا شبیه) تاکامینه است.



⁸⁵. Roppa Furukawa

Profile:

Movie: The water Margin

Romaji: Suikden

Director: Takashi Okada

Screenwriter: Matsuo Kishi

Producer: Toho

Release Date: July 2, 1942

Runtime: 97 min

Color: black and white

Genre: war, Drama

Language: Japanese

Country: Japan, Hongkong

Played: Rika

Age:18

۸۷- کرانه ی رود:

فیلم "کرانه ی رود" یا "حاشیه آب" به کارگردانی تاکاشی اوکادا محصول ۱۹۴۲ ژاپن در نود و هفت دقیقه است. خانم تاکامینه در سن هجده سالگی نقش ریکا را بازی می کند. داستان فیلم اقتباسی آزاد از رمان بلند داستانی سفید (ادبیات محاوره ای) «سویکودن» که در سلسله مینگ نوشته شده است. چند ترانه هم در فیلم خوانده می شود. پسر بزرگی که به دلیل قدرت مافوق بشری در هنرهای رزمی سرآمد است و "گاو آهنین" نامیده می شود. با این حال، او باور و اعتقادی قوی دارد و بدون مشورت با بزرگان و ارباب خود یک اقدام جسورانه می کند که باعث دردسر دیگران می شود. به عبارت دیگر، با داد و بیداد مردم کوه لیانگشان به گرمی مراقب لی کوی هستند، اما به خاطر خون آنها سرانجام تبعید می شوند. فیلم در ۵ ژوئن ۱۹۴۲، در حین تولید فیلم، "نبرد میدوی" که وضعیت جنگ اقیانوس آرام را تغییر داد آغاز شد و چهار ناو هواپیمابر اصلی نیروی دریایی ژاپن غرق شدند و تمام هواپیماهای مستقر در ناوها غرق شدند، برنامه ریزی شد.



Profile:**Movie:** Soldier Six Dream Story**Romaji:** Hyoroku yume-monogatari**Director:** Nobuo Aoyagi**Screenwriter:** Satoshi KisaragiToshio ShimuraBunroku Shishi(story)**Producer:** Teppei ice room**Music:** Kurihara Shuiichi**Release Date:** April 1, 1943**Runtime:** 69 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Kaido-jo**Age:** 19**۸۸- داستان رویای شش سرباز:**

فیلم فانتزی "داستان شش سرباز" به کارگردانی نوبئو آئویاگی محصول ۱۹۴۳ ژاپن در شصت و نه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن نوزده سالگی نقش کائیدو جو دختر هیولا را بازی می کند. این داستان که در استان کاگوشیما نقل شده است توسط شیشی بونروکو به صورت زمان برای کودکان نوشته شده است. در واقع فیلمی با مفهوم تربیت اخلاقی برای افراد کوچک در زمان جنگ ساخته شد. در اواسط دوره ی ادو، کنیچی انوموتو در حال آموزش است تا یک جنگجوی بزرگ شود، اما او جوانی عجول و البته ترسو است. وقتی به او دستور توقف و اخراج داده شد - چون در یک نبرد واقعی نمی تواند مکثی وجود داشته باشد - به او گفته می شود که روز بعد در تیم نخواهد بود. او نمی تواند به مادرش چه بگوید، اما مادران همه چیز را می دانند! بنابراین مادر برای اینکه به هیروکو که کاملاً ناامید شده است شجاعت بدهد، به او شو (زکو ناکامورا) از معبد شینداک بر فراز کوه دستور می دهد که هر چه زودتر نامه ای بفرستد. اینکه شایعه ای وجود دارد که هیولاها در هیروکو که مورد سرزنش قرار می گیرد، چاره ای جز ورود به جنگلی که در آن هیولاها وجود دارد، ندارد. در مسیر ترانه ای توسط هیدکو تاکامینه خوانده می شود. با این حال، مسیر توسط ارواح و غولها و هیولاها (شجاع می شوند) و روباه بد (طئنه به پول مقامات کوچک!) تسخیر شده است، و او به دردسر زیادی دچار می شود. این یک فانتزی کودکانه، یک کمدی، و یک مبارزه علیه شتاب نظامی است. بسیاری از ارجاعات واضح به جنگ جهانی در زمان تولید آن اشاره دارد. مانند بسیاری از فانتزیهای ساخته شده برای کودکان، به نظر می رسد که مونتاژ و جلوههای ویژه در زمان خود بد نیستند.

دختر (هیدکو تاکامینه) صدا می زند: "عمو کجا می روی؟" هیروکو، که شلخته است، با صدایی معمولی «به آنجا می رود» دختر در جهت مخالف اشاره می کند: «از کجا هستی؟» و «از آنجا». دختری که شنیده بود مادرش او را سرزنش کرده بود: داستان یک روباه و فرزند را روایت می کند که روباهی که توسط انسان‌ها مورد آزار و اذیت قرار گرفته است به عنوان یک روح بیرون می آید تا انتقام بگیرد. دختر کاملاً بدبین است، انگار یک نفر را خورده است، می گوید: «چون در انسان‌ها شکافی است، نقاب‌دار است». او ادامه می دهد: "من روباه بدی هستم. من با عمویم هستم." یک دختر روباه بد و یک سرباز بد. با این حال، هیروکو دختر را تکان می دهد و جلو می رود.



هیروکو متوجه می شود که تبدیل به روباه شده است. در اینجا بحران هویت وجود دارد. مادر جلوی او ظاهر می شود و می گوید: "هیچ چیزی به نام هیولا در این دنیا وجود ندارد. نه پدر و مادر است و نه فرزندی که بقعه بپوشید. این یک طرد طولانی مدت است!" حرف. این هم کار روباه بدی است و فریب می خورد و حتی نامه ضروری را هم به سرقت می برند. هیروکو که به عنوان یک انسان بزرگ شده است. سرانجام سرباز خوبی شد و فنودال ساتسوما شد و لیاقتی به او اعطا شد. پایانی میهن پرستانه.

Profile:

Movie: Her Only Wish, My Daughter's Only Wish, A Daughters Hope Is All There Is

Romaji: Musume no negai wa tada hitotsu

Director: Torajiro Saito

Screenwriter: Hideo Oguni, Goro Soganoya

Producer: Nikkatsu Uzumasa

Cinematographer: Tatsuo Tomonari (B&W)

Release Date: March 14, 1939

Runtime: 71 min

Color: black and white

Genre: Comedy

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Hideo Tamura

Was: 15

۸۹- تنها آرزوی دخترم:

فیلم "تنها آرزوی دخترم" یا "تمام آرزویش" به کارگردانی توراجیرو سائیتو محصول ۱۹۳۹ ژاپن در هفتاد و یک دقیقه است. خانم تاکامینه در سن پانزده سالگی نقش هیدئو تامورا را بازی می کند. سائیتو بیشتر با ساختن فیلم کمدی در ژاپن شناخته شده است. تاکامینه هم به عنوان یک کمدین در آن زمان می درخشید. سائیتو در سال ۱۹۲۰ مدرسه داروسازی میجی را ترک کرد. در سال ۱۹۲۲ وارد استودیو شوچیکو کاماتا شد و دستیار کارگردان شد. در سال ۱۹۲۶، با تولید انبوه کمدی های کوتاه، کارگردان شد و در ژاپن "خدای کمدی" نامیده می شود!



هیدکو توسط معلمش برای رفتن به مدرسه دخترانه توصیه می شود. با این حال، بعید به نظر می رسد که او بتواند هزینه های تحصیل را با توجه به خانواده ی فقیر پدرش آتسوشی واتانابه و مادرش نیجیکو کیوکاوا را بپردازد. به همین دلیل است که از خدایان و بودا می خواهد که در امتحان مردود شود. با این حال جایزه اول را می برد. هیدکو با دانستن درد و دل پدر و مادرش سعی می کند بمیرد. از سوی دیگر، والدین به دنبال هیدکو می گردند که پس از اعلام معاینه برنمی گردد..

Profile:**Movie:** Tokyo Chorus**Romaji:** Tôkyô no kôrasu**Director:** Yasujirô Ozu**Screenwriter:** Komatsu Kitamura(original story) (author: novel "Tokyo no Gassho")Kôgo

Noda(original story) (screenplay)

Producer: ShochikuShochiku Kamata**Release Date:** August 15, 1931**Runtime:** 90 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, Comedy**Language:** Silent**Country:** Japan**Played:** Sono Choujo (First Daughter)**Age:** 7**۹۰- گروه گر توکیو:**

فیلم صامت "گروه گر توکیو" به کارگردانی یاسوجیرو اوزو محصول ۱۹۳۱ ژاپن در نود دقیقه است. خانم تاکامینه نقش دختر کوچک خانواده را بازی می کند. این فیلم بر اساس داستان های مختلف در مجموعه شوشیمین-گای (خیابان طبقه متوسط) بود. بیشتر فیلم در توکیو و در دورانی شبیه افسردگی در آغاز دوره شووا می گذرد. در گروه گر توکیو اوزو، ما برداشتی متفاوت از زندگی یک حقوق بگیر در دوران رکود داریم. این فیلم مانند یکی دیگر از کمدی های دانشجویی اوزو با استادی-مربی در تلاش برای ایجاد نظم در تیمش آغاز می شود. سپس چند سال بعد به دنیای کمتر کمدی روی می آوریم، جایی که دانشجوی خوش تیپ اکنون متاهل است و شغل اداری دارد.

داستان با گروهی از مردان جوان شروع می شود که در تمرینات مدرسه به سرپرستی آقای اومورا شرکت می کنند. شینجی اوکاجیما (توکیهیکو اوکادا) در حال مسخره کردن، بد رفتاری و ناراحتی معلمش دیده می شود. اوکاجیما منضبط است، تمرینات از سر گرفته می شود. و پسرها در نهایت فارغ التحصیل می شوند و به دنیای کار می روند. اوکاجیما بزرگ شده، خانواده دارد و به عنوان فروشنده بیمه کار می کند. در روز پاداش سالانه، مردان همه مضطرب هستند. پسر اوکاجیما (هیدئو سوگاوارا) دلش دوچرخه می خواهد. اوکاجیما پس از دریافت جایزه خود، لیست هدایایی را که برای خانواده خود خواهد خرید، می نویسد. یکی از همکارانش اخراج می شود. اوکاجیما که برای او ناراحت است، کارگران دیگر را جمع می کند تا حداقل یک بار به رئیس "اعتراض کنند"، اما بقیه عقب نشینی می کنند و یکی از این کارگران (ایسامو یاماگوچی) اوکاجیما را به چالش می کشد تا خودش اعتراض کند. اوکاجیما این چالش را قبول می کند. در حالی که در دفتر است، رئیس از این موضوع آزرده می شود و هر دو شروع به دعوی کمدی می کنند. در پایان مبارزه، اوکاجیما اخراج می شود و هنگام خروج تعظیم می کند. او با یک اسکوتر برای پسرش به خانه برمی گردد که بلافاصله ناامید شده و عصبانی می شود. همسرش سوما سوگاکو (امیکو یاگومو) از بازار برمی گردد و سعی می کند پسر را آرام کند در حالی که چوچو به او می گوید چه اتفاقی افتاده است.

سوگاکو شوهرش را سرزنش می کند و می گوید که او نباید به بچه ها دروغ بگوید. او سرانجام اخطار ترخیص خود را به او نشان می دهد و او سعی می کند پسرش را وادار به پذیرش اسکوتر کند. اما امتناع می کند و اوکاجیما به آرامی می گوید که باید برای او دوچرخه بخرند که ظاهراً در صحنه بعدی دوچرخه را دارند. بار دیگر، اوزو از چشمان بچه ها استفاده می کند تا تحقیرهای پدر را منعکس کند. اوکاجیما هنوز به دنبال شغل است، تمام تلاش خود را می کند تا خوشایند باشد. او پسرش را در حال بازی با گروهی از پسران و دوچرخه هایشان می بیند تا به او گفته شود که میوکو به «اسهال کودکی» بیمار است. با وجود این ملودرام قدیمی کودک بیمار، فیلم توانسته وضعیت مالی و اجتماعی این زوج را روشن کند و در عین حال فضایی برای کمدی سبک پیدا کند. ناراحت، پسرش را می برد و با عجله به خانه می رود تا بفهمد حقیقت دارد. سوگاکو به او اطلاع می دهد که دکتر می خواست میوکو در بیمارستان بماند، اما به دلیل نگرانی های مالی، او منتظر ماند. اوکاجیما می گوید که به نحوی پول در می آورد و به پسرش می گوید که یک ریکشا را احضار کند تا همه آنها را به بیمارستان ببرد. در بیمارستان، میوکو ظاهراً به سرعت بهبود می یابد، اما مجبور می شوند کیمونوی سوگاکو را برای پرداخت صورتحساب بفروشند.



اوکاجیما خوش لباس که هنوز به کار نیاز دارد با آقای اومورا، معلم قدیمی خود روبرو می شود. اومورا تدریس را کنار گذاشته و اکنون رستورانی به نام دارد که عمدتاً برنج کاری سرو می کند. او به اوکاجیما یک کار موقت پیشنهاد می کند که یک بنر در دست دارد و آگهی هایی را در دست دارد. همان شغلی که دوریو در اوایل فیلم پس از اخراج به آن دست یافت. اوکاجیما ناامید می شود زیرا احساس می کند زیر دست اوست. اما آن را به خاطر خانواده اش می پذیرد. سوگاکو از این فکر که شوهرش چنین شغل تحقیرآمیزی دارد، پریشان است، اما تصمیم می گیرد در رستوران به آنها بپیوندد.

یک روز، سوگاکو، سوما، آقا و خانم اومورا (چوکو آیدا) در حال پختن بشقاب های بزرگ برنج کاری هستند. اومورا همکلاسی هایش را برای یک جلسه به رستوران دعوت می کند. کلاس پشت میز می نشیند و با خوشحالی می نوشد. وقتی غذا می خورند، نامه ای از وزارت آموزش و پرورش می رسد. این یک اعلان شغل برای اوکاجیما است که در یک شهر کوچک روستایی در یک مدرسه دخترانه انگلیسی تدریس می کند. پس از بحث در مورد موضوع، اوکاجیما و همسرش به اتاق ناهار خوری باز می گردند و شاگرد نهایی "مثل همیشه دیر" می رسد. همه جشن می گیرند و ترانه می خوانند.

Profile:

Movie: The Snow Kingdom, The Kingdom of Spectacles

Romaji: Misemono okoku

Director: Minoru Matsui

Screenwriter: Hidekazu Handa

Producer: P.C.L. Eiga Seisaku-jo

Cinematographer: Akira Mimura

Release Date: Jun 1, 1937

Runtime: 58 min

Color: black and white

Genre: Drama Half-length Film Silent Film

Music: Masashi Tnigochi

Language: Japan

Country: Japanese

Played:

Was: 13

۹۱- پادشاه برفی:

فیلم "پادشاه عینکی" یا "پادشاه برفی" به کارگردانی مینورو ماتسویی محصول ۱۹۳۷ ژاپن در پنجاه و هشت دقیقه است. خانم تاکامینه در سن سیزده سالگی است. هید چان (هیدکو تاکامینه) و خانواده اش در سفری به توکیو هستند. هنگام بازدید از یک نمایشگاه، یک جیب بُر (کاماتاری فوروکاوا) کیف پول پدرش را می دزدد. در حالی که همه در تلاشند تا دزد را شکار کنند، هید چان تصمیم می گیرد از آن نهایت استفاده را ببرد و از اقامت او لذت ببرد، در حالی که دزد و تعقیب کننده اصلی او (آکیرا کیشی) در بین نمایش های عجیب و غریب مخفیانه بازی می کنند.



مادر وحشت زده که از دخترش دور می شود، از دانش آموز مهربان هوتا (هیهاچیرو اوکاوا) و معشوقه اش کیو (چیزوکو کاندا) می خواهد که هید چان را پیدا کنند. هوتا از کیو می خواهد که پیش والدینش بماند، بنابراین او به تنهایی به میان جمعیت می رود. در این شلوغی، مانکیچی، جیب بری که فرار می کند و لاک پشتی که تعقیب می کند. هید چان از کلبه تماشایی لذت می برد. هوتا دنبالش میگردد ایده این است که زوج کیو چان و هید چان از هم می پاشند و هر کدام در "پادشاهی نمایش عجیب و غریب"^{۸۶} گم می شوند.

⁸⁶. Kingdom of Freak Show

Profile:

Movie: Three Women Around Yoshinaka

Romaji: Shin, Heike monogatari: Yoshinaka o meguru sannin no onna

Director: Teinosuke Kinugasa

Writers: Teinosuke Kinugasa- Masashige Narusawa- Eiji Yoshikawa(novel)

Producer: Daiei Kyoto

Cinematographer: Kohei Sugiyama

Release Date: Jan 15, 1955

Runtime: 121

Color: color

Genre: Drama Romance Romantic Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Fuyuhime

Was: 31

۹۲- سه زن در اطراف یوشیناکا:

فیلم "سه زن در اطراف یوشیناکا" به کارگردانی تینسوکه کینوگاسا محصول ۱۹۵۵ ژاپن در یکصد و بیست و یک دقیقه است. خانم تاکامینه در این فیلم که سی و یک ساله است، نقش فویوهیمة را بازی می‌کند. این فیلم یکی از حماسه‌های بزرگ ژاپن قرون وسطی است، چیزی شبیه به حماسه‌های هومری، یا تاریخ‌های پیچیده انگلستان که به نمایشنامه‌های تاریخی شکسپیر منجر شد. به این ترتیب، رمان بازگویی و بازنویسی شده‌ای که در نمایشنامه‌های نو اقتباس شده بود. بنابراین به شکلی توسط اکثر تحصیل کرده‌های ژاپنی شناخته شده بود، مدت‌ها قبل ایچی یوشیکاوا آن را تبدیل به یک رمان پرفروش کرد که مستقیماً منجر به ساخت سه فیلم از کارگردان‌های مختلف شد. فیلم کینوگاسا دومین فیلم از این فیلم‌هایی است که چند ماه بعد از فیلم میزوگوچی^{۸۷} اکران می‌شود، اما دنباله‌ی مستقیم آن نیست.

این فیلم که توسط همان استودیو و عکاس فیلم "دروازه جهنم"^{۸۸} تولید شده است، دارای منظره رنگی است. با این حال، در حالی که «دروازه جهنم» یک پالت بسیار فشرده داشت، به نظر می‌رسد هدف اینجا استفاده از رنگ‌های اشباع‌شده تا حدی ممکن است - حتی سبزه‌ها و خاکستری‌های خاموش به شدت اشباع شده‌اند. علاوه بر این، کینوگاسا اکنون چیزی دارد که در دروازه جهنم نداشت - بودجه. بازیگران بسیار زیاد، مناظر دیدنی، هم در صحنه و هم در لوکیشن، و صحنه‌های نبرد گسترده و واضح است. نبرد شبانه که در آن گروه کوچکی از کمانداران بر یک نیروی عظیم غلبه می‌کنند، با منظره اضافی از اجساد که از صخره‌ها، مشعل‌ها و آتش‌های جنگلی سقوط می‌کنند. صحنه‌های نبرد نهایی ساختمان‌های سوزان تری را به ما می‌دهد. آتش واقعی‌تر از سفرهای بسیار گودزیلا در توکیو، و تعداد تیرهایی که از «سریر خون» فراتر رفته است.

مشکلی که همه فیلم‌های نمایشی تاریخی در سراسر جهان با آن مواجه هستند این است که تاریخ بهانه‌ای برای نمایش است، اما حداقل بخشی از مخاطبان احتمالی تاریخ را نمی‌دانند، مشکلی که برای مخاطبان غیربومی بزرگ‌تر است. نتیجه معمول این

⁸⁷. New Tale of the Heike, (Shin Heike Monogatari / Taira Clan Saga Mizoguchi),

⁸⁸. Kinugasa's Gate of Hell

است که تاریخچه را ساده کرده و برای مدیران امور عشقی فراهم کند. اگرچه عنوان نشان می‌دهد که درباره روابط عاشقانه یوشیناکا، مانند "داستان گنجی"⁸⁹، اما آنقدر پیچ و خم‌های تاریخ را حفظ می‌کند که تماشاگران غیرژاپنی بخش‌های زیادی از آن را به سختی دنبال می‌کنند.



یوشیناکا رهبر یک قبیله کوهستانی است که با دو همسایه، یوریتومو و هایکه، مدت‌ها دشمنی داشته است. به عنوان یک مصلحت موقت، یوشیناکا پسر خردسال خود را می‌فرستد تا توسط یوریتومو "پسرخوانده" شود تا بتواند روی تهدید فوری هایکه تمرکز کند، او را در حالی که آنها سعی می‌کنند از طریق یک گردنه کوهستانی در تاریکی مانور دهند، نابود می‌شوند. یوشیناکا سپس کنترل کیوتو را به دست می‌گیرد. اما توسط "امپراتور سابق" شناخته نمی‌شود، زمانی که هایکه در حال عقب نشینی است، امپراتور کودک را با خود می‌برد، کنترل آنجا را حفظ می‌کند. تحقیرهای زیادی در مورد مرد کوهستانی بامپین وجود دارد که آداب دربار واقعی را درک نمی‌کند، تا اینکه ناگهان متحدانش تحت رهبری یوریتومو تغییر سمت می‌دهند و همراه با هایکه به او حمله می‌کنند و در نهایت او را در حالی که می‌خواهد با همسرش ملاقات کند، می‌کشند. همه اینها با این واقعیت پیچیده است که به نظر می‌رسد همه حداقل دو یا گاهی اوقات سه نام دارند - یوشیناکا معمولاً کیسو نامیده می‌شود، هایکه نیز تایرا هست و غیره - بنابراین وقتی کسی درباره افراد خارج از صحنه بحث می‌کند، ما نمی‌دانیم چه کسی است. (این در نمایشنامه‌های تاریخی شکسپیر نیز رایج است، جایی که هیچ‌کس که قبلاً چندین بار آنها را ندیده یا نخوانده باشد، نمی‌تواند مطمئن باشد که بیشتر اوقات در مورد چه کسی صحبت می‌شود.) همچنین هیچ توضیحی در مورد اینکه چرا برای کسی اهمیت می‌دهد وجود ندارد. "امپراتور سابق" فکر می‌کند یا اگر در واقع دیگر امپراتور نیست، فکر می‌کند.

این سه زن تنها بخش نسبتاً کمی از فیلم را اشغال می‌کنند. به جای روابط عاشقانه یوشیناکا، آنها "در اطراف او" هستند که نشان دهنده سه نوع عشق هستند. ماچیکو کیو همسر جنگجوی پاکی است که نگران شوهر و فرزندش است، اما در عین حال با زره ظاهر شده و در کنار او در نبرد می‌جنگد. او نه تنها در زره خود ایستاده و نجیب به نظر می‌رسد. بلکه درگیر نبرد

⁸⁹. Genji monogatari

شمشیر به نیزه با تاکاشی شیمورا می شود، شمشیرهای او را می شکنند و او را تا حد مرگ با چاقو می زند، سپس با تیر به شدت مجروح می شود.

متأسفانه بیشتر بازیگران زن ژاپنی را به یک شخصیت تک بعدی و غرورآفرین پایین می آورد. تاکامینه نیز یک بعدی است. دختر یکی از مشاوران ارشد دادگاه، با عوارض مختلف به دست یوشیناکا می رسد و زیبایی و دوگانگی زندگی دادگاه را برای او به نمایش می گذارد. با این حال، معلوم می شود که او از نظر روحی پاک است، یوشیناکا را در مورد نقشه های پدرش هشدار می دهد و خود را در یک بتکده سوزان قربانی می کند. فوجیکو یاماموتو اشتیاقی را فراهم می کند. یکی از "زنان جنگجو" این قبیله، خدمتکارانی که از سربازان پشتیبانی لجستیکی می کنند، زمانی که یوشیناکا به شدت احساس تحقیر شدن از معامله پسرش می کند، با او تجاوز می کند. به روشی که فقط برای فیلم های نوشته شده توسط مردان شناخته شده است، او دیوانه وار عاشق او می شود، هر چند که دیگر هرگز با هم نمی خوابند، مهم نیست چقدر مایل باشد.

به نظر می رسد عاشق شدن قربانی تجاوز به مردی که او را مورد تجاوز قرار داده است، در فیلم های ژاپنی مورد توجه قرار می گیرد. این که آیا این یک چیز فرهنگی است یا نه، خارج از دانش ما است، اما بارها در سریال پسر ربانی سیاه^{۹۰} - شمشیرزن ماه کامل کیوشیرو نموری (معروف به چشمان خواب آلود مرگ)^{۹۱} و همچنین در سریال محبوب "ده دوئل شینگوی جوان"^{۹۲} قهرمان شینگو.^{۹۳}

⁹⁰. the Son of the Black Mass

⁹¹. Full Moon Swordsman Kyoshiro Nemuri (aka Sleepy Eyes of Death)

⁹². "10 Duels of Young Shingo" (Shingo Juban Shobu)

⁹³. The hero Shingo

Profile:

Movie: Lord for a Night
Romaji: Aru yo no tonosama
Director: Teinosuke Kinugasa
Screenwriter: Hideo Ogoni
Producer: Toho
Release Date: July 11, 1946
Runtime: 112 min
Color: black and white
Genre: Drama, comedy
Language: Japanese
Country: Japan
Played: Taeko
Was: 22

۹۳- ارباب یک شب:

فیلم "ارباب یک شب" به کارگردانی تینوسوکه کینوگاسا و نخستین کار او پس از جنگ، محصول ۱۹۴۶ ژاپن در یکصد و هفده دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و دو سالگی نقش تائکو که دختر زیبایی که از سوء تفاهمات والدینش آسیب دیده است را بازی می کند. این داستان حماقت انسانهایی است که به خانواده خود می بالند. داستان یک درام کمدی است که در یک مسافرخانه ای به سبک وسترن و غربی به نام "هاکون اونسن" در دوران میجی توسط بازرگانان ثروتمند اتفاق می افتد. تضاد بین یک بزرگسال ناامید و یک جوان باحال جالب است تضاد منافعی که در ساخت راه آهن بین میتو و اوتسانومیا در سال ۱۸۹۷ به تصویر کشیده می شود. مبارزه بین بورژواهای نوظهور که از تغییر زمان استفاده کردند و از یک تاجر به یک سرمایه دار تبدیل شدند که خنده دار و هیجان انگیز است.



در این بین یک مرد جوان مصمم و نجیب، یک بانوی جوان با زیبایی معصومانه که به نظر می‌رسد که پس از مدت‌ها یک دیدار مجدد در راه است، اما او کوما به طرز عجیبی غیر دوستانه رفتار می‌کند. هیدکو تا کامینه، دختری با ناز و ادا، زیبایی و ظرافت است. گمان می‌کند نهایت برتری است!

سوگانوما و نامیکاوا که وزیر ارتباطات کیچیرو هیرا به آنها گفته بود که باید برادر کوچکتر را پیدا کنند تا مجوز احداث راه آهن را بگیرند. کیتاهارا افراد با نفوذ در اوزاکا هستند. خانواده ایچیگویا که دشمنان تجاری سوگانوما و هاگاوا هستند نیز در این کار مهارت داشتند. ایچیگویا در جایی با وزیر ارتباطات تماس گرفت. صحنه فیلم در دوران میجی بود، اما حتی در فضای یک درام تاریخی بدون شمشیر بازی بسیار جالب بود.

Profile:

Movie: Woman Tofi : Volume of Yoko (1) Mari (2)
Romaji: Onna to iu shiro - Yuko no maki (1) Mari no maKi (2)
Director: Yutaka Abe
Screenwriter: Masajirô Kojima(story)Kennosuke Morooka
Producer: Shintocho Film Distribution Committee⁹⁴
Music: Ichiro Saito
Release Date: Jan 22 (1), Jan 15 (2) 1953
Runtime: 84 min (1)- 88 min (2)
Color: color
Genre: Drama
Language: Japanese
Country: Japan
Played: Sokiji Mari
Age: 29

۹۴- قلعه ی زن توفو: داستان یوکو - داستان ماری

فیلم دو قسمتی "قلعه زن توفو" در دو قسمت جداگانه داستان "یوکو و ماری" به کارگردانی یوتاکا آبه محصول ۱۹۵۳ ژاپن در مجموع یکصد و هفتاد و دو دقیقه است. داستان فیلم بر اساس رمان ماساجیرو کوچیما ساخته شده است. خانم تاکامینه در سن بیست و نه سالگی نقش ماری را بازی می کند.



^{۹۴}. پس از تعطیلی موقت توهو و مبارزات کارگری، برخی از کارگردان ها و بازیگران علاقه داشتند که کار خود را ادامه بدهند و به شرکت شینتوهو پیوستند.

مالک سابق، ماری (هیدکو تاکامینه) دلال خودرو، در عمارت خریداری شده توسط مالک معدن زغال سنگ (کن اوهارا) در کیوشو در توکیو نشسته است. تاکامینه و اوهارا که جرأت می‌کنند با همکاری دو نفر شرور (ایتارو اوزاوا و تورو آبه) با هدف دزدیدن دارایی‌های اوهارا مقابله کنند! داستان پر از تعلیق که شامل نبرد عاشقانه یوکو (نوبوکو اوتووا) و تاکامینه بر سر اوهارا نیز است.

Profile:

Movie: House of Many Pleasures (birds) , Street of Wandering Pigeons, Will the Birds

Romaji: Wataridori itsu kaeru

Director: Seiji Hisamatsu

Screenwriter: Kafû Nagai(novel)Toshio Yasumi

Production: Toho CompanyTokyo Eiga Co Ltd

Music:

Release Date: June 21,1955

Runtime: 129 min

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Machiko

Age: 31

۹۵- خانه ای از لذت های بسیار:

فیلم "خانه ای پر از لذت های بسیار" یا "خانه بسیاری از پرندگان لذت بخش" و یا "پرنده ی مهاجر کی بر می گردد!" به کارگردانی سیئجی هیساماتسو محصول ۱۹۵۵ ژاپن در یکصد و بیست و نه دقیقه است. فیلم اقتباسی از رمان کافو ناگای است. خانم تاکامینه در سن سی و یک سالگی نقش ماچیکو را بازی می کند. در حدود سال ۱۹۵۲، مدتی پس از جنگ. دنکیچی (موری شیگرو) در بحبوحه جنگ یک همسر چیوکو (میتو) و یک دختر تویوکو (کاتسوماتا) دارد.



Profile:**Movie:** On Music on the March, Music stand-advance فاشیستی**Romaji:** Ongaku dai-shingun**Director:** Kunio Watanabe**Screenwriter:** Satoshi Kisaragi, Kenta Yamazaki**Producer:** Toho Film (Eiga) Co. Ltd**Release Date:** March 18, 1943**Runtime:** 76 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, music**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** N**Age:** 19**۹۶- پیشرفت بزرگ موسیقی:**

فیلم "پیشرفت بزرگ موسیقی" یا "راهپیمایی میهنی" به کارگردانی کونیو واتانابه محصول ۱۹۴۳ ژاپن در هفتاد و شش دقیقه است. خانم تاکامینه در این فیلم نوزده سال دارد و نقش فرعی و کم رنگی دارد. فیلم به منظور تسلی در میدان جنگ برنامه ریزی شده است. در همین زمان، هالیوود نیز به منظور آرامش دادن به سربازان در خط مقدم فیلم هایی پر زرق و برق موزیکال می ساخت. ستارگان هالیوود و زیبایی های پر زرق و برق عاشق سربازان می شوند و نمایش های شگفت انگیز ستارگان جاز، کلاسیک و سینما به نمایش گذاشته می شود و سربازان آلمان و ژاپن را شکست می دهند! این ها فیلم هایی هستند که روحیه جنگندگی را بالا می برد. با این حال، در ژاپن چنین ایده ای نیست، بلکه ایده اصلی "سپاس از سربازان" است که امروز به لطف آنها در خط مقدم می توانیم با خیال راحت زندگی کنیم. بنابراین به اندازه یک فیلم هالیوود سرگرم کننده نیست، اما همچنان تمایل روپا فوروکاوا برای ساخت یک فیلم موسیقی شاد را نشان می دهد. عبارت تبلیغ مجله برای فیلم در آن زمان این بود: "یک کنسرت موسیقی بزرگ و باشکوه برای فیلم توهو، که مخصوصا برای روحیه به سپاه منطقه جنوب تولید شده بود!" این اثر با همکاری گروه روپا و توهو ساخته شده است.



روپا و آتسوشی واتانابه، کارگران حقوق بگیر یک فروشگاه آلات موسیقی در گینزا، در حال برنامه ریزی یک کنسرت بزرگ برای سربازانی هستند که برای دوستان خود در "منطقه همیشگی شرق آسیای بزرگ" در جبهه جنوبی می جنگند. آهنگ های زیادی خوانده می شود در فیلم: آهنگ نظامی زنان، آهنگ خدمات زنان

Profile:**Movie:** The Song of the Flower Basket**Romaji:** Hana-kago no uta**Director:** Heinosuke Gosho**Screenwriters:** Heinosuke Gosho, Fumitaka Iwasaki , Kogo Noda**Producer:** Shôchiku**Cinematographer:** Masao Saito (B&W)**Release Date:** January 14, 1937**Runtime:** 69 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Hamako**Was:** 13**۹۷- آهنگ سبد گل:**

فیلم "آهنگ سبد گل" به کارگردانی هینوسوکه گوشو محصول ۱۹۳۷ ژاپن در شصت و نه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن دوازده سالگی نقش هاماکو را بازی می کند. ایده ازدواج با عشق و علاقه به یکی از ویژگی های مهم فیلم های ژاپنی پس از جنگ تبدیل شد، اما قبل از جنگ زیاد دیده نمی شد. گوشو در این فیلم نگاه جالبی به این موضوع به ما می دهد، در حالی که برخی چرخش های عجیب از مساله را انجام می دهد.

کینویو تاناکا در نقش یوکو جاذبه اصلی کافه تونکاتسو پدرش است، ظاهر و جذابیت او حتی مستحق عکس در یک مجله است! یکی از افراد معمولی، هوتا (چیسو ریو با ظاهری بسیار جوان) است، یک دانشجوی دانشگاه که در شرف به ارث بردن جایگاهی در یک معبد است! یکی از دوستان او اونو (سوجی سونو خوش تیپ) است و در طول مدتی یوکو جذب اونو می شود. او پس از رد ازدواجی که والدینش برای او ترتیب داده بودند، به توکیو بازگشته است تا به دانشگاه برود، اما او واقعاً اهل درس و دانشگاه نیست. عمه یوکو می خواهد او با دکتری که رستوران را اداره می کند، ازدواج کند، اما یوکو قبول نمی کند. پدر احساسات متفاوتی دارد - این می تواند تطابق خوبی باشد، اما او پسرخوانده ای نخواهد داشت تا رستوران را تصاحب کند، و خواهر کوچکتر (هیدکو تاکامینه در دوازده سالگی) برای برنامه ریزی یک عروسی بسیار جوان تر از آن است.

در نهایت، نام اونو ظاهر می شود. او قبول می کند که برای یادگیری این تجارت تلاش کند و پس از مدتی آن دو با هم ازدواج کردند. با این حال، پلیس می خواهد از او در مورد مرگ مهماندار بار که برایش کارت پستال نوشته بود، بازجویی کند و یوکو شروع به صحبت در مورد طلاق می کند زیرا فکر می کند نمی تواند به او اعتماد کند. هوتا یک جلسه ترتیب می دهد و همه چیز حل می شود.

در پس زمینه فیلم، لی آشپزی است که به نوعی از چین آمده است. او عاشق یوکو شده است. پس از اینکه متوجه می شود که او واقعاً متوجه عشق او نشده است، قلبش شکسته، عکس او را از روی دیوارش بر می دارد و از آنجا می رود.

به رغم کوتاه بودن فیلم، چندین نکته جذاب را ارائه می دهد. این نخستین باری (هایی) است که می بینم یک زن ژاپنی موضوع اعتماد را با شوهرش مطرح می کند. یوکو می خواهد نه تنها به این که زن دیگری ندارد اعتماد کند، بلکه می خواهد در واقع به حرفش اعتماد کند و باور کند که همیشه حقیقت را به او خواهد گفت. دیدن چنین صحنه ای در سال ۱۹۳۷ تقریباً تکان دهنده است. همچنین جالب است که ازدواج به طور تصادفی اتفاق می افتد. تنها زمانی که عمه زورگو سعی می کند این موضوع را به زور مطرح کند، یوکو یا پدرش حتی فکر می کنند که او در سن بیست و سه سالگی در سن ازدواج است. اما ما هیچ یک از صحنه های حساس پدر و دختری را نمی بینیم که اوزو نشان می دهد در حالی که پدر شروع به فکر کردن به ازدواج برای او می کند.



اما فیلم از این جهت که صحنه های «بزرگ» همچنان خارج از دوربین اتفاق می افتد، ناامیدکننده است. ما می دانیم که اونو و یوکو با هم قرار گذاشتند، زیرا آنها را روی میز رستوران می بینیم که اظهار می کنند که بیش از یک ساعت آنجا بوده اند، اما ما هیچ صحنه ای را نمی بینیم که در آن آنجا با ازدواج موافقت کنند. این که اونو یا واسطه اش با پدرش (یا والدینش، در این مورد) کارها را حل می کند. یک روز او مشتری است، روز دیگر پشت پیشخوان است اما این زوج ازدواج نکرده اند. به همین ترتیب، ما خبری از عروسی نمی بینیم یا در مورد آن نمی شنویم، بنابراین تا زمانی که او شروع به صحبت در مورد طلاق نکند، نمی دانیم که آنها در حال حاضر ازدواج کرده اند. ما هوتا را می بینیم که شش بطری آبجو جمع آوری می کند تا بعد از اینکه پلیس بازجویی از او را به پایان رساند به جلسه خانوادگی با اونو برسد، اما ما آن جلسه را نمی بینیم. برای بیشتر فیلمسازهای آمریکایی در آن زمان، آن صحنه آشتی تمام هدف فیلم بود. اما در ژاپن نه.

تنها صحنه واقعاً احساسی خداحافظی لی است. شاید به عنوان یک فرد خارجی به او اجازه داده شود احساساتی را نشان دهد که یک ژاپنی «واقعی» هرگز نشان نخواهد داد. تماشای افتادن چهره پیشخدمت وقتی متوجه می شود که لی همیشه عاشق یوکو بوده است، نه خودش، نزدیک ترین صحنه ای است که در میان خود شخصیت های ژاپنی به صحنه ای گریه آور می رسیم. به هر حال در فیلم اطلاعات فرهنگی جالب زیادی وجود دارد، بنابراین هنوز هم لذت های خود را دارد.

Profile:**Movie:** The second kiss**Romaji:** Dai-ni no seppum**Directors:** Keiji Hasebe, Hiroshi Shimizu**Screenwriter:** Kan Kikuchi(idea)Masashige Narusawa(screenplay)**Production:** Takimora PRO**Music:** Ryochi Hatori**Release Date:** January 9, 1954**Runtime:** 90 min**Color:** Black and White**Genre:** Drama, Romance**Language:** Language**Country:** Japan**Played:** Fomiko Yamaochi**Age:** 30**۹۸- بوسه دوّم:**

فیلم "بوسه دوّم" به کارگردانی کِنجی هاسِبِه و هیرشی شیمیزو محصول ۱۹۵۴ ژاپن در نود دقیقه است. خانم تاکامینه در سن سی سالگی نقش فومیکو را بازی می کند. ملودرام موفق که زمانی توسط کان کیکوچی در توکیو در قالب رُمان با نام "فومیکو و کیوکو" منتشر شد. متن ترانه از داستان با نام شوچیکو ساخته شد. این بار نیز این فیلم از آن رمان اقتباس شده است. با توجه به حمایت های زیادِ کیکوچی از جنگ های امپراتوری ژاپن به نظر نمی رسد فیلم پیامی فراتر از عشق داشته باشد.



فومیکو یامانوچی جسد یتیم را در دستان سیاستمدار سوتارو کاوابه تحویل می‌گیرد و آن را طولانی حمل می‌کند. آیا به دلیل شرایط مشابه است که عشق با سادائو مورااکاوا، مرد جوانی که کاوابه نیز پس از نداشتن پدر از او مراقبت می‌کرد، شروع شد؟ این تنها دختر کاوانبه، کیوکو بود که مانع عشق آنها شد. او مورااکاوا را دوست دارد و کاوابه می‌داند که با او ازدواج خواهد کرد. با استراتژی کیوکو، فومیکو مجبور شد با میاتا، مافوق شرکت مورااکاوا دوست شود. در همین حال، کیوکو یک شب ناگهان در تاریکی در باغ، لب‌های مورااکاوا را لمس می‌کند! از آن زمان، او تمایلی به دیدن فومیکو ندارد. علاوه بر این، کیوکو نامه عاشقانه یوشی ماتسویی، یک تایپیست خطاب به مورااکاوا، به فومیکو را نشان می‌دهد. مورااکاوا دروغ‌اش را فاش می‌کند، اما برعکس، موقعیت خود را از دست داد زیرا شب قبل با هم بوده‌اند. خواستگاری بین فومیکو و میاتا در ویلایی رو به دریا در هایاما برگزار شد. مورااکاوا که ناامید شده بود وارد صحنه شد و از مانع کیوکو عبور می‌کند، اما نتواند فومیکو را ببیند. مردان در میان امواج خشمگین از صخره افتادند، میاتا مُرده است. فومیکو یاسوشی که در سختی‌ها و رسوایی‌های وحشتناک غرق شده بود نیز با پریدن خودکشی کرد. کیوکو که به شدت پشیمان است اما مشتاق مورااکاوا است، همچنان به گریه خود ادامه می‌دهد در حالی که روی سر مورااکاوا می‌چرخد، مورااکاوا ناامیدانه به خوابش ادامه می‌دهد.

Profile:**Movie:** Schoolgirl Records, Schoolgirl Diary, Schoolgirl Notes**Romaji:** Jogakusei-Ki**Director:** Takeo Murata**Screenwriter:** Takeko Hosokawa (story), Noriko Suzuki (screenplay)**Producer:** Tokyo Hassei Eiga**Release Date:** August 27, 1941**Runtime:** 76 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, School**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Sachico Kamada**Was:** 17**۹۹- دفترِ خاطراتِ دخترِ دانش آموز:**

فیلم "ریکوردهای دانش آموز" یا "دفتر خاطرات دختر دانش آموز" یا "دختر مدرسه ای" به کارگردانی تاکئو موراتا محصول ۱۹۴۱ ژاپن در هفتاد و شش دقیقه می باشد. خانم تاکامینه در سن هفده سالگی نقش ساجیکو کامادا را بازی می کند. فیلم برشی از زندگی گروهی از دختران دبیرستانی در ژاپن دهه چهل است.



چیز شرم آور در این فیلم درباره ی دختران جوان در مدرسه وجود ندارد، فقط یک بی ادبی خاص، کمبود اعصاب و تا حدودی ظرفیت ناله کننده روح های جوان که گاه با بی حیایی هم مرز می شود. پس از افشای رفتار دختران منضبط و خندان در کلاس، نگاهی دقیق تر به برخی از آنها در خانه هایشان می اندازیم: آن که ناگزیر با برادرش بحث می کند، کسی که جایگزین مادر مرده می شود و... این فیلم کوچک حداقل علاقه دارد که تکه کوچکی از زندگی این دختران جوان را به لطف خرده نان به ما نشان دهد (ما اغلب برای هیچ گریه می کنیم، ما بسیار شکننده هستیم. ..) اما قادر به نشان دادن حداقل همبستگی و شفقت نسبت به یکدیگر هستیم.

Profile:**Movie:** The Devil of Edo**Romaji:** Ôedo no oni**Director:** Toshio Shimura**Screenwriters:** Shintarô Mimura, Ryo Hagiwara**Producer:** Motohiko Eto**Cinematographer:** Shintari Mimura**Release Date:** May 6, 1947**Runtime:** 98 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, History**Music:** Sozoki sichi**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Onatsu**Was:** 23**۱۰۰ - شیطان ادو:**

فیلم "شیطان ادو" به کارگردانی توشیو ایتو محصول ۱۹۴۷ ژاپن در نود و هشت دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و سه سالگی نقش اوناتسو را بازی می کند. این فیلم نخستین درام تاریخی شینتوهو است. در نیمه دوم فیلم، رابطه عاشقانه کییووشی (کازوئو هاسگاوا) و اوناتسو (هیدکو تاکامینه) به موازات معمایی ترسیم می شود.



کیتاماچی بوگیو، تویاما کایگوتو (یاتارو کوروکاو) به یوریکی و همکارانش دستور می دهد تا قتل‌های زنجیره‌ای از سوی قاتلانی را که هر شب در شهر ادو از ماسک شیطان استفاده می کنند، به طور کامل بررسی کنند. در حالی که دنجیرو اوکوچی از اوکابیکی اینادایا به کشف این حادثه ادامه می‌دهد، مردی به نام یوشیگورو (سوجی کیوکاوا) از جزیره دیدن می‌کند و در

همان خانه یوشیگورو کار می‌کند. کیبوشی (کازوئو هاسگاوا) که تبعید شد. جزیره پس از کشتن او نیز مطلع می‌شود که از جزیره بازگشته است. کیبوشی پس از یک غیبت طولانی در خانه مورد استقبال قرار گرفت، اما احتمالاً به دلیل اینکه او یک رونین های سبک یاکوزا مانند کوروفونه (یونوسوکه توبا)، اوشیمادو (یونوسوکه ایتو) و یوکیموچی (هارو تاناکا) در کلبه بودند. در واقع، کیبوشی تنها نوه ی یک هنرپیشه معروف در دوره ادو بود، و خانه دارای یک طرف هانیا بود که گفته می‌شد وقتی به اجدادی تحویل داده شد، شیطانی نشان می‌داد، اما پدر کیبوشی، گنیوکی هوریکه (یو شیومی) توجه می‌کند که طرف هانیا که او نگه داشته بود اخیراً گم شده است. کیبوشی متوجه می‌شود که عوامل او بدون اینکه بدانند این چیز مهمی است، طرف هانیا را بیرون آورده‌اند و فروشنده خیابانی (مینورو تاکاسه) که آن را دریافت کرده است نیز آن را به کسی فروخته است. کیبوشی در میان جمعیت متوجه شد که یکی از یاکوزاها، یوکیموچی، سنجاق سر دختر شهر اوناتسو (هیدکو تاکامینه) را برداشته است و وقتی آن را پس گرفت، با او آشنا شد. ناتسو احساسی نسبت به کیبوشی دارد.

Profile:

Movie: Jirokichi koshi

Romaji: Jirokichi kôshi

Director: Daisuke Itô

Screenwriter: Daisuke Itô(screenplay)Eiji Yoshikawa(novel)

Production: Shochiku

Music: Shiro Fukai

Release Date: February 22, 1952

Runtime: 110 min

Color: Black and White

Genre: Drama, History

Language: Japanes

Country: Japan

Played:

Age: 28

۱۰۱- شبکه جیروکیچی:

فیلم "جیروکیچی موش" به کارگردانی ایتو دایسوکِه محصول ۱۹۵۲ ژاپن در یکصد و ده دقیقه می باشد. خانم تاکامینه در سن بیست و هشت سالگی نقش بازی می کند. فیلم اقتباسی از رمان "پنج مرد ادو" ایچی یوشیکاوا درباره ی زندگی دزد افسانه ای ژاپن جیروکیچی است. فیلم نخست درباره ی جیروکیچی محصول ۱۹۳۱ به کارگردانی خود دایسوکِه می باشد.

Profile:

Movie: Look, Listen and Try

Romaji: Mitari kiitari tameshitari

Director: Torajirô Saitô

Screenwriter: Hachirô Satô(story)Yoshikazu Yamashita(screenplay)

Producer: Ito Kihiko, Noguchi Hisamitsu

Music: Hattori, ryoichi

Release Date: June 17, 1947

Runtime: 83 min

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Unknown

Age: 23

۱۰۲- ببینید، بشنوید و امتحان کنید:

فیلم "ببینید، بشنوید و امتحان کنید" به کارگردانی توراجیرو سائتو محصول ۱۹۴۷ ژاپن در هشتاد و سه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و سه سالگی نقش ... را بازی می کند. جوانی کاتسوتا، یک مهاجر در خارج از کشور، با پنج فرزند به نامهای کنیچی، ماریکو، فومیو، شوسوکه و ریویچی به توکیو می آید.



او در خانه کاوایی ارشدش مستقر می شود، اما افراد زیادی با او زندگی می کنند، بنابراین از ترس همسر کاوایی از آنجا می روند. او با فرزندانش در یک خانه نظامی زندگی خواهند کرد که در آن یک یتیم دیده جنگ زندگی می کنند. کاتسوتا که شروع به جستجوی کار کرده بود، روزی با هاتسو که در حال خدمت رسانی به کافه تریا در گوشه خیابان است، آشنا شد و او به کاتسوتا کمک می کند و از یتیمان مراقبت می کند. ماریکو، یکی از یتیمان، بیمار شد و کاتسوتا در یک مسابقه بوکس شرکت کرد تا پولی برای ویزیت دکتر بگیرد. با این حال، کاتسوتا بدون تشویق یتیمان ناک اوت شد، اما بیماری ماریکو با مراقبت همه بهبود یافت. زمانی که یتیمان باند قمار را در زیرزمین ساختمانی کشف می کنند، کاتسوتا به عنوان یک فرد شایسته در دستگیری باند مورد ستایش قرار می گیرد. به جای لوح تقدیر، کنسرت جمع آوری کمک های مالی برای ساختن خانه یتیم برگزار می کنند. ماریکو در کنسرت آواز می خواند و با پدرش ملاقات می کند. **خانه یتیم "خانه امید" ساخته می شود و کاتسوتا و هاتسو به هم می رسند.**

Profile:**Movie:** A Woman's Pedigree & Sequel+ omnibus**Romaji:** Onna keizu & Zoku**Director:** Masahiro Makino**Screenwriter:** Hideo Oguni (Novel: Kyoka Izumi)**Producer:** Toho**Cinematographer:** Mitsuo Miura (B&W)**Release Date:** Jun 11, & Jan 16, 1942**Runtime:** 83& 101 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Taeko**Was:** 18**۱۰۳- تبارشناسی زنان (قسمت اول و دوّم):**

فیلم "تبارشناسی زنان" در دو قسمت به کارگردانی ماساهیرو ماکینو محصول ۱۹۴۲ در هشتاد و سه و یکصد و یک دقیقه است. خانم تاکامینه در سن هجده سالگی نقش تانکو را بازی می کند. تسوتا (ایسوزو یامادا) که در یک گیشا کار می کند، مجذوب دوست دوران کودکی خود، سوری هایاسه (کازوئو هاسگاوا) شده است. یک روز، هایاسه سعی می کند کیف پول او را از آغوش پروفیسور ساکای (روپا فوروکاوا) بدزدد، اما در محلّ دستگیر می شود. با این حال، ساکای هایاسه را به پلیس نمی سپارد، و به او فرصتی برای بازپروری می دهد. پنج سال بعد، هایاسه که جیب بری دست کشیده، در باروت سازی متخصص شد. هایاسه مخفیانه با ساکای زندگی می کند، اما در نهایت برای ساکای شناخته می شود. ساکای به آینده هایاسه فکر می کند، اما آنها را از هم جدا می کند.

ارزش چیزها با آن روزها و اکنون کاملاً متفاوت است و جنبه هایی وجود دارد که نمی توانیم آنها را درک کنیم یا نادیده بگیریم. با این حال، هر چه محدودیت ها بیشتر باشد، عشق شما در گذشته بیشتر است و به همین دلیل است که کار اصلی کیوکا ایزومی به صحنه و فیلم ها به ارث رسیده است. هیچ اثری از زن شرور ایسوزو یامادا وجود ندارد. وقتی دختر ساکای تانکو (هیدکو تاکامینه) به خانه هایاسه می رود، می ترسد که آن دو با هم آشنا شوند و خودش را در حمام پنهان می کند. حیف که هایاسه ناخواسته برگه های را که نیم سال طول کشید در حمام گذاشت و سوزاند. فقط یک زن جوان است که تمام تلاش خود را می کند تا یک مرد را دوست داشته باشد.

ساکای، معلم هایاسه، بدون اطلاع از احساسات آنها، رابطه بین آن دو را قطع می کند. هایاسه که مدیون ساکای است، نمی تواند به او هجوم ببرد، اما نمی خواهد از تسوتا جدا شود. ماساهیرو ماکینو بدون اینکه فوراً فاش کند که هایاسه پس از ملاقات با ساکای چه انتخاب هایی انجام داده است، داستان را به تصویر می کشد.

هایاسه تاکا را دعوت می کند تا آخر شب بیرون بروند. از ترس اینکه ساکای رابطه بین آن دو را بداند، تسوتا که از بیرون رفتن با او خودداری می کرد، مطیعانه خوشحال می شود. با این حال، هایاسه به او کلمه ای می گوید که خیلی معروف است. "تاتسومی، از من جدا شو"

هایاسه به یک منطقه روستایی منتقل می شود و تاکا بی روح بیمار است و خود را وقف کار کامی یویی می کند. دختر ساکای، تانکو، تسوتا را در آنجا ملاقات می کند. تانکو از رفتار پدرش عذرخواهی می کند و اعلام می کند که او را متقاعد می کند تا در غلاف اصلی اش جا شود. یک گیشا ارشد از دوران گیشا به نام کویوشی (آیکو میماسو) نیز در آنجا حضور دارد و مخاطبان به رابطه نامعلومی با تانکو اشاره می کنند. از آنجا ماکینو تاک را به صحنه ای می برد که موهای تانکو بسته شده است و اشک تماشاگران را به نمایش می گذارد. علاوه بر نبوغ سینمایی نشان دادن کویوشی در گوشه سمت چپ تاکو و تسوتا که در آینه منعکس شده است، زمانی که کویوشی موهای تانکو را به جای تسوتا می بندد، هیجان احساسی به اوج خود می رسد. با کامی یویی، صحنه اوج "گدایی برای عشق" را با بازی میکو هارادا مرتبط کردم.

پروفسور ساکای با بازی روپا فوروکاوا بیشترین نقش را در این فیلم داشت. مخصوصاً در صحنه تاکو احساس خشم به آدم دست می دهد. ساکای از طریق تلگرام وضعیت بحرانی تاک را به هایاسه اطلاع می دهد، اما به دلایلی هایاسه بر نمی گردد. نمی دانم این خواسته خود هایاسه بود یا ساکای به او ضربه زد تا به تاریکی برنگردد. با این حال، زمانی که تسوتا می خواهد نفس بکشد، ساکای به او می گوید که هایاسه بر نمی گردد. با این حجم مطالب، مشخص است که قسمت ساکائی بد است. بلافاصله پس از آن بابت پاره شدن رابطه این دو عذرخواهی کرد و گفت: «ساکایی را کینه مکن (برنگرد) اما از من بغض کن. تا اینجا من بعد از صد قدم گذاشتن نمیتونم حرف و کار ساکای رو بفهمم. روانشناسی که نمی خواهد در تحقیقات شاگرد دخالت کند نیز ممکن است کارساز باشد. با این حال، خطوط بعد از آن در حال جوشیدن هستند. آیا فکر می کنید "من فکر می کنم هایاسه هستم"؟ بعد از آن خط های بی ادبانه استفراغ می کردم اما آنقدر عصبانی بودم که از حافظه ام پاک شد (می خندد).

دفاع به افتخار ماکینو و هیدئو اوگونی، حیف است که شخصیت اصلی به دلیل فیلمنامه ای که برای زمان جنگ اقتباس شده بود، پاک شد. برخی از قسمت ها تنظیمات با نسخه اصلی متفاوت است و از آنجایی که کونو که شخص مهمی در نسخه اصلی است، فقط به عنوان یک قسمت کوچک ظاهر می شود، برخی از قسمت ها خراب شده اند. اگر فیلمنامه با نسخه اصلی اقتباس می شد و طولانی بود، فکر می کنم تردید و عصبانیت من برطرف می شد.

Profile:**Movie:** The Man Who Was Waiting, The Man waited**Romaji:** Matte ita otoko**Director:** Masahiro Makino**Screenwriter:** Hideo Oguni**Producer:** Toho**Music:** Sozoki Sichi**Release Date:** April 23, 1942**Runtime:** 100 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Dew**Age:** 18**۱۰۴- مردی که منتظر بود:**

فیلم "مردی که منتظر بود" به کارگردانی ماساهیرو ماکینو محصول ۱۹۴۲ ژاپن در یکصد دقیقه است. کمدی که در آن یک کارآگاه زن و شوهر (با بازی کازوو هاسگاوا و ایسوزو یامادا) نقش فعالی را ایفا می کند که به نظر می رسد بر اساس سریال «مردی بدون سایه» ون دایک ساخته شده باشد. درام تاریخی-معمایی و سرگرم کننده است، که در آن می توانید هیدکو تاکامینه بی گناه را ببینید.



در مسافرخانه ای که کمی دورتر از ادو قرار دارد (دکو چان در آنجا خدمتکار است) در آن مسافرخانه، شوهر جوان به تازگی زن گرفته و به نظر می رسد که بسیار خوشحال است، اما همسرش یکی پس از دیگری دچار بلاهایی می شود. در جوراب ها

سوزن‌ها مخلوط شده بود و پهایش زخمی می‌شوند، یا وقتی برای دیدن خانه در حال ساخت می‌رود، هیزم‌ها بر سرش آوار می‌شوند. از آنجایی که چنین بلاهایی بارها ادامه می‌یابند، نه یک یا دو بار، افراد خانه فکر می‌کنند که ظاهراً کار جنایتکارانی هستند که به نوعی کینه دارند.

Profile:

Movie: The Descendents of Taro Urashima

Romaji: Urashima Tarô no kôei

Director: Mikio Naruse

Screenwriter: Yasutaro Yagi

Producer: Toho

Cinematographer: Ichio Yamazaki

Release Date: March 28, 1946

Runtime: 83 min

Color: black and white

Genre: Drama

Distributor: Toho

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Akako Tatsuta

Was: 22

۱۰۵- از نوادگان تارو اوراشیما:

فیلم "از نوادگان تارو اوراشیما" به کارگردانی میکیو ناروسه محصول ۱۹۴۶ ژاپن در هشتاد و سه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست یک سالگی نقش آکاکو را بازی می کند. این فیلم ظاهراً به سفارش اشغالگران متفقین ژاپن ساخته شده است، و بیش از هر چیزی که ناروسه در طول جنگ به او تحمیل کرده بود، علیه بیان هنری خود اثبات می کرد. سرباز بازگشته از جنگ به یک سیاستمدار پوپولیست در حزب شادی ژاپن تبدیل می شود. جنگ تمام شده بود، بنابراین ناروسه برای فرار از اعزام به جبهه این فیلم را نساخته است.



تارو اوراشیما یک شخصیت فولکور و قهرمان داستان یکی از افسانه های ژاپن است. زمانی برای شخصیت پردازی اختصاص داده نشده است - و شکافی که با تکرار بی پایان شعارهای سیاسی توخالی پر شده است. شخصیت اصلی، یک کهنه‌کار ریشو به نام اوراشیما (سوسومو فوجیتا، ستاره کوروساوا) اخیراً از جزیره‌ای در اقیانوس آرام بازگشته است، با هیجان‌ات در یک برنامه رادیویی توجه عمومی را به خود جلب می‌کند و به سرعت ساخته می‌شود. توسط گزارشگر تازه کار آکاکو (هیدکو تاکامینه) معروف شد و توسط یک حزب سیاسی که قصد سرپوش گذاشتن بر مقاصد پنهانش را داشت مصادره شد. خود اوراشیما فریفته فرقه پیرامون شخصیتش و دختر تاجری ناخوشایند به نام اوتوکو (هیساکو یامانه، همسر ارباب در زندگی اوهارو) می‌شود، اما سرانجام با تحقیر عمومی، تمامیت از دست رفته‌اش را بازیابی می‌کند. (هاروکو سوگیمورا اولین حضور خود را برای ناروسه به عنوان رهبر سیاسی که اوراشیما را به درستی یادآوری می‌کند، ظاهر می‌شود). **تشخیص تفاوت بین خود اوراشیما قبل از فساد و پس از فساد آسان نیست، که هر دو متکی به همان شعارهای دمکراسی مبهم متکی هستند.** به سختی می‌توان باور کرد که فیلمنامه ناامیدکننده اثر یاسوتارو یاگی، نویسنده بسیاری از مشهورترین فیلم‌ها است. اما ناروسه تبرئه نمی‌شود. او نمی‌تواند با غیر شخصیت پردازی های غم انگیز کاری انجام دهد. و اگرچه او گاه به گاه یک ترکیب دلپذیر را مدیریت می‌کند، اما حتی امکانات بصری معمول او توسط یک طرح نورپردازی شبیه سایه و مجموعه های غارهای لخت زیر آب می‌رود. بیشتر به نظر می‌رسد که او با پروژه بازی می‌کند و بدون الهام گرفتن طول شات را تغییر می‌دهد. گاهی اوقات او به سمت لانگ شات های از راه دور عقب می‌نشیند و به نظر می‌رسد انگیزه ای برای تغییر آنها در واکنش به رویدادهای داستانی ندارد. عجیب است، جالب ترین صحنه فیلم صحنه تمسخر آمیزی است، یک رقص انفرادی عجیب. اجرا در یک مهمانی پلوتوکرات ها، با مهمانان با ماسک سر ماهی در زمان‌های تصادفی از رقص دور می‌شود تا به مهمان‌دارانی که در حال راه رفتن (یا بیرون) هستند، یا عکس‌های بلندی که تا حد بی‌حالی نگه داشته می‌شوند، فاصله می‌گیرد. چه ناروسه که در حال کار با برنامه طنز فیلم باشد و چه در حال کمی خرابکاری، صحنه یادآور "گرد آسوالد کارگردان آلمانی در کمپینگ وحشتناک و متروک"⁹⁵ آن است.

⁹⁵. Gred Oswald

Profile:**Movie:** The Man Who Disappeared Yesterday**Romaji:** Kinô kieta otoko**Director:** Masahiro Makino**Screenwriter:** Hideo Oguni**Producer:** Toho**Cinematographer:** Takeo Ito (B&W)**Release Date:** January 9, 1941**Runtime:** 89 min**Color:** black and white**Genre:** Comedy, Mystery Feudal Japan, Crime**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Okyo**Was:** 17**۱۰۶- مردی که دیروز ناپدید شد:**

فیلم "مردی که دیروز ناپدید شد" به کارگردانی ماساهیرو ماکینو محصول ۱۹۴۱ ژاپن در هشتاد و نه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن هفده سالگی نقش اوکیو را بازی می کند. از این فیلم سال ۱۹۶۴ نسخه ای بازسازی شد. ماکینو معمولاً با درام های تاریخی مبارزه با شمشیر شناخته شده است. اما درام تاریخی دوره ادو و داستان معمایی با طعم کمدی در فضای غم انگیز در آن سال هاست. ترکیبی از داستان های رایج پلیسی است. صاحبخانه مردی به نام کانبی است که به قتل می رسد. با پیشرفت تحقیقات کم کم قضیه به هم می ریزد و شخصیتی با نقش کاراگاهی در پایان ظاهر می شود و آن را حل می کند.



Profile:**Movie:** The Loyal Forty-Seven Ronin**Romaji:** Chushingura Zen & Go**Director:** Kajirô Yamamoto**Screenwriter:** Shintarô Mimura**Producer:** Toho CompanyToho Film (Eiga) Co. Ltd.**Music:** Nobo Iida**Release Date:** April 21, 1939**Runtime:** 78 & 89 min – P 167**Color:** black and white**Genre:** Drama**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Aguri**Age:** 15**۱۰۷- چهل و هفت رونین وفادار:**

فیلم "چهل و هفت رونین وفادار" یا "چوشینگورا" در دو قسمت (اکران در یک روز)، به کارگردانی کاجیرو یاماموتو محصول بیست و یک آوریل ۱۹۳۹ ژاپن در مجموع یکصد و شصت و هفت دقیقه است. دستیار یاماموتو در این فیلم آکیرا کوروساوا بود. لرد آسانو درخواست رشوه از لرد کیتا را رد می کند و با این کار به نوعی به کیتا حمله می کند که نقض جدی قوانین فئودالی است. آسانو طبق قانون مجبور به خودکشی تشریفاتی یا سپپوکو است. چهل و هفت سامورایی وفادار او تحت سرپرستی اویشی، بی‌استاد باقی مانده‌اند، و به این فکر می‌کنند که چه کاری می‌توان برای بازگرداندن افتخار به لرد آسانو محبوبشان انجام داد.

Profile:

Movie: Rainbow on the Hill

Romaji: Niji tatsu oka

Director: Toshio Otani

Screenwriter: Hidekazu Handa

Producer: Toho

Cinematographer: Hiromitsu Karasawa (B&W)

Release Date: November 3, 1938

Runtime: 53 min

Color: black and white

Genre: Drama Half-length Film

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Yuri

Was: 14

۱۰۸- تپه ایستاده رنگین کمان:

فیلم "تپه ایستاده رنگین کمان" به کارگردانی توشیو اوتانی محصول ۱۹۳۸ ژاپن در پنجاه و سه دقیقه می باشد. خانم تاکامینه در سن چهارده سالگی نقش یوری را بازی می کند. دنیای فیلم های کمدی قبل از جنگ در ژاپن جالب است. موقعیت مکانی فیلم، هتل مجلل "گورا هتل" است، که نزدیک به ایستگاه گورا در راه آهن هاگون توزان، یک منطقه تفریحی نزدیک به توکیو است. بیشتر صحنه ها در آن محل فیلمبرداری شده اند.



یک برادر و خواهر ناتنی در هتلی در هاگونه به ترتیب به عنوان باربر و منشی مغازه سوغاتی کار می کنند. یک روز زنی به نام هاسگاوا وارد هتل می شود تا در یک محیط آرام و با هوای تازه بیماری اش بهبود یابد. او مادر کارمند فروشگاه است. مادر و دختر بر اثر زلزله کانتو از هم جدا شدند. دختر عملاً توسط برادر ناتنی بزرگترش یاتاهاچی بزرگ شد. یاتاهاچی فردی محبوب

است که بچه‌های مهمان او را «چو چاق» می‌خوانند. یاتهاچی با احتیاط نیلوفرها را پرورش داده است. خانم هایاکاوا (ساجیکو موراسه) که برای معالجه به سر می‌برد، عاشق چنین نیلوفرها می‌شود و حتی از مدیر (کیچی ساکاکیدا) خواست تا او را تا منطقه دریاچه همراهی کند. یاتهاچی محبوبی به نام فوجیکو (چیزوکو کاندا) دارد که در یک زمین در شهر آب گرم کار می‌کند، در حالی که آنها با خوشحالی راه می‌رفتند، فوجیکو گفت: "لطفاً به کسی کمک کنید!" چگونه، او از صخره افتاده است.

تقریباً در همان زمان، یاتهاچی برای ملاقات با او آماده می‌شد زیرا به او گفته شد که یک مشتری مهم از منچوری خواهد آمد. فوجیکو از تصادف یوری به ما می‌گوید. یاتهاچی هتل را ترک می‌کند تا به خواهرش کمک کند. یاتهاچی با همکاری ستاره‌های توهو! موفق می‌شود یوری را نجات دهد. خوشبختانه مدیری دچار آسیب جزئی شد اما مدیری که دلیل آن را نمی‌دانست از رها شدن محل کار عصبانی شد و یاتهاچی را اخراج کرد.

با این حال، خانم هایاکاوا مدیر را به دلیل "بی احتیاطی" سرزنش کرد و مدیر که شرایط را می‌دانست، از تصمیم‌اش بازگشت و یاتهاچی به سمت مدیر خدمات مشتری ارتقا یافت. خانم هایاکاوا که نگران نیلوفرها بود به خانه خواهر و برادرش سر می‌زند. یوری از عروسک موجود بسیار تحت تأثیر قرار گرفته است. در آن زمان خانم هایاکاوا از دیدن عروسک ژاپنی در اتاق تعجب می‌کند. این عروسکی بود که برای دخترش ایتسوکو که در زمان زلزله بزرگ کانتو گم شده بود خرید.

سرنوشت یوری در اینجا به سرعت تغییر می‌یابد. آیا یوری می‌تواند از برادرش جدا شود و نزد والدین واقعی خود برود؟ با مضمون «خوشبختی»، نیت خیر و شفقت زیاد برای بسیاری از افراد اوج تأثیرگذاری خواهد بود. فیلم‌های این دوران محدود به توهو نیستند، بلکه اغلب توسط مجموعه‌ای از استودیوها پوشش داده می‌شوند، اما «تپه ایستاده رنگین کمان» در اتاق‌ها و لابی هتل، همه در «هتل گورا» قرار دارد.

Profile:

Movie: One Thousand and One Nights with Toho
Romaji: Toho senichi-ya
Director: Kon Ichikawa (Nakamura Foko- Allonym)
Screenwriter: Fuku Nakamura
Producer: Koichi Iwashita- Shinto Co
Cinematographer: Akira Mimura
Music: Seiichi Suzuki
Release Date: February 25, 1947
Runtime: 61 min
Color: black and white
Genre: Drama, History
Language: Japanese
Country: Japan
Played: N
Age: 23

۱۰۹- هزار و یک شب با توهو:

فیلم "هزار و یک شب با توهو" به کارگردانی و فیلمنامه فوکو ناکامورا و کُن ایچیکاوا محصول ۱۹۴۷ ژاپن در شصت و یک دقیقه، و نخستین اثر شرکت "شینتوهو" است. یک سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، بازیگران: دنجیرو اوکوچی و کازوئو هاسگاوا، که وقتی اختلاف با توهو به وجود آمد و فیلم نتوانست آنطور که بود تولید شود، از اتحادیه خارج شدند. کارگردانان و سایر کارکنانی که اتحادیه را ترک کردند در نزدیکی استودیو توهو، کارخانه فیلم، پیشین شینتوهو، در استودیوی فیلم شماره دو توهو، که بر روی تپه در محل فعلی پخش بین‌المللی قرار داشت، تأسیس شد. این اثر اولین کار شینتوهو است و البته توهو این کار را پخش کرده است.

علاوه بر بازیگران اصلی هیساکو یامانه و سوسومو فوجیتا، هشت نفر از "انجمن پرچم ده نفره"^{۹۶} عبارتند از دنجیرو اوکوچی، کازوو هاسگاوا، یاتارو کوروکاوا، رانکو هانای، ایسوزو یامادا و هیدکو تاکامینه. « فوکو ناکامورا » که آهنگسازی، فیلمنامه و کارگردانی آن را بر عهده داشته، نام مستعار کُن ایچیکاوا بوده است و به همین دلیل فیلم اکران نشد. اولین کار کارگردان ایچیکاوا گفت: "این فیلمی نیست که بتوان گفت کارگردانی شده است. به عنوان نمایشی از شینتوهو است، که هنگام گوش دادن به آهنگ خواننده، استودیو را معرفی می کند. عنوان اعتبار نیز باید "آهنگسازی" باشد.

بازیگر زن یامانه توسط دو مرد مشکوک تعقیب می شود و به استودیو می گریزد. همانطور که او به کیمونو، اتاق پیش نمایش، و صحنه فرار می کند، نمایش های آواز و رقص وجود دارد.

⁹⁶. Ten no Hana no Kai

در بیست و پنج مارس، همان سال پس از انتشار این اثر، کارخانه به طور رسمی با نام شینتوهو (Shintoho Movie Works Co., Ltd) تأسیس شد.



Profile:

Movie: Toho Show Boat

Romaji: Toho Shiyō Boat

Director: Senkichi Taniguchi

Screenwriter: Senkichi Taniguchi

Producer: Toho Company

Release Date: October 1, 1946

Runtime: 52 min

Color: Black and White

Genre: Musical

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Shoeshine boy

Age: 22

۱۱۰- قایق نمایشی توهو:

فیلم "قایق نمایشی توهو" یا "گروه موسیقی توهو" به کارگردانی سنکیچی تانیگوچی محصول ۱۹۴۶ ژاپن در پنجاه و دو دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و دو سالگی نقش یک پسر را در کنار بازی می کند. این تئاتر بزرگ مرکز تفریحی توکیو است. قایق نمایشی توهو در شرف افتتاح است و سر جسورانه ای که ارکستر توهو نواخته است در ازدحام خیابان های گرگ و میش زنگ می زند. پسری (هیدکو تاکامینه) که در گل و لای پوشیده شده است، در جلوی تئاتر می ایستد. او یک پسر با کفش براق است. صدای این موسیقی پر جنب و جوش رویای یک پسر جوان را تداعی می کند. اما پول کافی برای ورود نداشت. فکر می کردم به نوعی فریب خورده است، اما نگاهی ترسناک تئاتر (آکیرا کیشی) نظرم را جلب کرد و هر بار او را بیرون کردند. توهو تاپ استار (ایری) این وضعیت را تماشا کرد و پسری را زیر عبا گذاشت و اجازه داد با هم از ورودی عبور کنند. رویای پسر در مقابل او پخش می شود و سرانجام قایق نمایشی توهو باز می شود. از شرکت PCL تا توهو، خاطرات بافته شده در فیلم های موسیقی متعدد در موسیقی شیرینی مانند چشمه ای که بیرون می زند، جمع آوری شده و توسعه می یابد.



Profile:

Movie: Our Instructor

Romaji: Warera ga kyokan

Director: Tdash Imai

Screenwriter: Naoyuki Hatta

Music: Tadashi Ota

Release Date: August 15, 1939

Runtime: 70 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Hideko

Age: 15

۱۱۱- مربی ما:

فیلم "مربی ما" به کارگردانی تاداشی ایمای، محصول ۱۹۳۹ ژاپن در هفتاد دقیقه است. خانم تاکامینه در سن پانزده سالگی نقش هیدکو را بازی می کند.



Profile:

Movie: A Four-Leaf Clover

Romaji: Yotsuba no clover

Director: Kei Okada

Screenwriters: Hideo OguniKei, OkadaMasafusa Ozaki

Producer: Toho Eiga (Tokyo)

Release Date: June 29, 1938

Runtime: 73 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Takeko's sister

Age: 14

۱۱۲- شبدر چهار برگ:

فیلم "شبدر چهار برگ" به کارگردانی کئی اوکادا محصول ۱۹۳۸ ژاپن در هفتاد و سه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن چهارده سالگی نقش خواهر تاکیکو را بازی می کند.

Profile:

Movie: Cheerful Woman, Merry Woman

Romaji: Yoki na onna

Director: Kiyoshi Saeki

Screenwriter: Yûsaku Yamagata

Production: Toho

Music: Tadashi Hotori

Release Date: February 14, 1946

Runtime: 73 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Yoko Arai

Age: 22

۱۱۳- زنِ شاد:

فیلم "زنِ شاد" به کارگردانی کیوشی سائکی محصول ۱۹۴۶ ژاپن در هفتاد و سه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و دو سالگی نقشِ یوکو آرای را بازی می کند.



Profile:

Movie: My Sister Goes to War, My Sister Goes to War, Birth of my sister

Romaji: Ane no shusse

Director: Katsuhiko Kondo

Screenwriter: Hiroshi Makabe(screenplay) (story)

Producer: Toho Kyoto

Music: Sozoki sichi

Release Date: May 22, 1940

Runtime: 65 min

Color: black and white

Genre: Drama, War

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Hideko's Second daughter

Age: 16

۱۱۴- خواهرم به جنگ می رود:

فیلم "خواهرم به جنگ می رود" یا "زاد روز خواهرم" یا "رفتن خواهرم" به کارگردانی کاتسوهیکو کوندو محصول ۱۹۴۰ ژاپن در شصت و پنج دقیقه است. خانم تاکامینه در سن شانزده سالگی نقش دختر دوم هیدکو را بازی می کند.

Profile:

Movie: Beyond the War

Romaji: Senka o koete

Director: Hideo Sekigawa

Screenwriter: Kazuo Kikuta(original work)Gorô Tanada(screenplay)

Production: Ôizumi Eiga

Music: Akira Ifokobe

Release Date: Septamber 2, 1950

Runtime: 91 min

Color: Black and White

Genre: Drama, War

Language: Japanese

Country: Japan

Played:

Was: 26

۱۱۵- فراتر از جنگ:

فیلم "فراتر از جنگ" به کارگردانی هیدئو سکیگاوا محصول ۱۹۵۰ ژاپن در نود و یک دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و شش سالگی نقش را بازی می کند. این فیلم در لیست مهمترین فیلم های جنگ داخلی ژاپن در مجله کینما جونپو آمده است.



Profile:

Movie: Shin ryuo

Romaji: Shin ryûô

Director: Tai Ogiwara

Screenwriter: Shin Kamisaka(screenplay)Masao Kume(story)Tai Ogiwara(screenplay)

Producer:

Release Date: 1938

Runtime: 56 min

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Sumie Tsubaki

Age: 14

۱۱۶- شین ریو:

فیلم "شین ریو" به کارگردانی تای اوگیوارا محصول ۱۹۳۸ ژاپن در پنجاه و شش دقیقه است. خانم تاکامینه در سن چهارده سالگی نقش سومئی را بازی می کند.

Profile:

Movie: Songoku (Volumes 1 & 2)

Romaji: Songoku 1 & 2, Enoken no songokū: songokū zenko-hen

Director: Kajirō Yamamoto

Screenwriter: Kajirō Yamamoto

Producer: Toho

Cinematographer: Akira Mimura (B&W)

Release Date: Nov 06-p2 , 1940

Runtime: 72 min, 67 min

Color: black and white

Genre: Drama, Comedy-Musical

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Princess

Was: 16

۱۱۷- سونگوکو:

فیلم "سونگوکو" به کارگردانی کاجیرو یاماموتو در دو قسمت محصول ششم نوامبر ۱۹۴۰ ژاپن در مجموع یکصد و سی و نه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن شانزده سالگی است. کمدی موزیکال با سبکی علمی-تخیلی است. فیلم موزیکال همراه با رقص در میان جلوه های ویژه بسیار هست، که فرهنگ ژاپن قبل از جنگ را نشان می دهد. کنیچی انوموتو بازیگر و خواننده در این فیلم در روزهای تاریک ژاپن می خواند. به او لقب "پادشاه کمدی ژاپن" داده شد.



Profile:**Movie:** Sagohei the Three-footer**Romaji:** San-jaku sagohei**Director:** Tamizo Ishida**Screenwriter:** Shintarô Mimura**Producer:** Toho**Cinematographer:** Tatsuo Tomonari (B&W)**Release Date:** July 6, 1944**Runtime:** 74 min**Color:** black and white**Genre:** Drama**Music:** Shigekazu Kurihara**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Otae**Was:** 20**۱۱۸- ساگوهی سه پا:**

فیلم "ساگوهی سه پا" به کارگردانی تامیزو ایشیدا محصول ۱۹۴۴ ژاپن در هفتاد و چهار دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست سالگی نقش اوتائه را بازی می کند. داستان فیلم درباره ی آشفتنگی یکی از خاندان های معروف فئودال ژاپن است. کنیچی انوموتو سامورایی رده پایینی است. دکو خواهر کوچکتر دوست کنیچی انوموتو است. به همین دلیل، در خانه کنیچی انوموتو سپرده می شود. دخالت وزارت کشور در کار فیلمسازان در آن زمان در اوج بود. از آنجایی که این یک وفاداری در پایان جنگ بود، خیلی زود سانسور نظامی را پشت سر گذاشت.

داستان در مورد نجات جان لرد جوانی است که با مسموم شدن توسط کای هارادا در عمارت ادو در خطر ترور است. ساگوهی از اشتباه و بی احتیاطی بسیار نگران است و در پیچ و خم هایی مانند اینکه دوستانش به عنوان خائن معرفی می شوند، نگران "وفاداری" به خود است. فیلم رابطه بردگی جامعه سامورایی فئودالی است که در آن ارباب و آشیکارو با هم متحد شده اند. همه چیز، با کلمات ملایم کار را هدف قرار دهند. شاید ارتش در تلاش است تا از مردم به چه بپرسد.



Profile:**Movie:** dancers of Awa,, Awa Dance**Romaji:** Awa no odoriko**Director:** Masahiro Makino**Screenwriter:** Mitsuta Kanze**Producer:** Toho**Release Date:** May 21, 1941**Runtime:** 97 min**Color:** Black and White**Genre:** Drama**Music:** Nobo Aida**Language:** Japanese**Country:** Japan**Played:** Omitsu**Was:** 17**۱۱۹-رقصنده آوا:**

این فیلم به کارگردانی ماساهیرو ماکینو محصول ۱۹۴۱ ژاپن در نود و هفت دقیقه است. خانم تاکامینه در سن هفده سالگی نقش اومیتسو را بازی می کند. فیلمی که با تغییر عنوان و کوتاه شدن آن دوباره اکران شده است. سال ۱۹۵۷ ماکینو این اثر را دوباره بازسازی کرد.



یک بنای یادبود سینمایی در منطقه سبز کنار رودخانه توکوشیما در نزدیکی پل توکوزومی از نماد این فیلم ساخته شد. حادثه پل مارکوپولو در سال ۱۹۳۷ رخ داد (شووا ۱۲) و به دلیل نفوذ حادثه چین (جنگ چین و ژاپن)، انجمن گردشگری توکوشیما به خودسر این فیلم را از این سال لغو کرد. سال بعد آن در جنگ چین و ژاپن پیروز شد و جشنواره رقص آوا از سر گرفته شد و این اثر "جشنواره رقص آوا" محرک از سرگیری آن بود.

Profile:

Movie: Until Victory Day

Romaji: Shori no hi made

Director: Mikio Naruse

Screenwriter: Hachirô Satô

Producer: Toho

Cinematographer: Mikiya Tachibana, Seiichi Kizuka (B&W)

Release Date: January 25, 1945

Runtime: 59 min

Color: black and white

Genre: Comedy Half-length Film

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Keiko

Was: 21

۱۲۰- تا روز پیروزی:

این فیلم ناروسه گم شده و در دسترس نیست. اما ظاهراً داستان فیلم تشویق و روحیه دادن به سربازان در جبهه بوده است.



Profile:

Movie: Dream of bouquet, Dream of a Bundle of Flowers

Romaji: Hanataba no yume

Director: Matsui minoru

Screenwriter: Uhei Ima(screenplay)Ryûji Nagami(screenplay)

Producer: Toho Eiga (Tokyo)

Release Date: January 14, 1938

Runtime: 68 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age: 14

۱۲۱- رویای یک دسته گل:



Profile:

Movie: Professor Hojiro

Romaji: Roppa's cheek white teacher

Director: Miyagi Road Yuhirao Kiishiro

Screenwriter:

Producer: Toho

Release Date: March 11, 1939

Runtime: 65 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Hideyo

Age: 15

۱۲۲ - پرفسور هوجیرو:

فیلم "پرفسور هوجیرو" به کارگردانی محصل ۱۹۳۹ ژاپن است. خانم تاکامینه در سن پانزده سالگی نقش هیدیو دختر سوم را بازی می کند.

Profile:

Movie: Grandmother

Romaji: Obaasan

Director: Kenkichi Hara

Screenwriter: Kogo Noda,

Producer:

Music: Yoshio Tashiro

Release Date: Jun 3, 1944

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Maruko

Age: 20

۱۲۳- مادر بزرگ:



Profile:

Movie: Medical certificate of Love, 1948, Diagnostic de l'amour

Romaji: Aijo shindan-sho

Director: Kunio Watanabe

Screenwriter: Matsuo KishiKunio Watanabe

Producer: Shintohe Film Distribution Committee

Music: Tadashi Hatori

Release Date: January 6, 1948

Runtime: 83 min

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Akie

Age: 24

۱۲۴- گواهی پزشکی محبت آمیز:

فیلم "گواهی پزشکی محبت آمیز یا عاشقانه" یا "تشخیص عشق" به کارگردانی کونیو واناتابه محصول ۱۹۴۸ ژاپن در هشتاد و سه دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و چهار سالگی نقش آکیه را بازی می کند. کاگیاما و انسان دوستی. ماندگارترین زندگی این است که زندگی ای داشته باشید که شرمنده وجدان نباشید، با حمایت از افراد فقیر و خوب.



Profile:

Movie: Seven Seas: Chastity Chapter
Romaji: Nanatsu no umi: Zenpen - Shojo-hen
Director: Hiroshi Shimizu
Screenwriter: Kaitaro Hasegawa(story)Kôgo Noda
Producer: Shochiku Kinema
Release Date: December 23, 1931
Runtime: 74 min
Color: Black and White
Genre: Drama
Language: Silent
Country: Japan
Played:
Age: 7

۱۲۵- هفت دریا: فصل عفت

برای هیروشی شیمیزو، حداقل برای آنچه از او باقی مانده است، معمول نیست. پدیده‌های آرام، آرام، اما به همان اندازه دلخراش که در بهترین فیلم‌های او (مستر متشکر و سنجاق سر زینتی، فقط دو مورد) رخ می‌دهد، و غم‌انگیز است. حداقل در مورد این فیلم که اولین ورودی از مجموعه دو قسمتی است، چنین است. جسارت تکنیکی که در تمام آثار او، وجود دارد، با این حال به نظر می‌رسد در زمینه فیلمی که در ظاهر دراماتیک تر است (که مطمئناً از ریشه‌های ادبی آن سرچشمه می‌گیرد) معنای کاملاً جدیدی به خود می‌گیرد و در عین حال چیزی بسیار را نشان می‌دهد. خاص و منحصر به فرد در مورد توانایی‌های شیمیزو به عنوان یک فیلمساز.

یومی یک دختر طبقه کارگر است که با یوزورو نامزد کرده است. او به یک مهمانی که توسط والدین نامزدش برگزار می‌شود دعوت می‌شود، اما او ابتدا به این درخواست توجهی نمی‌کند. سرش شلوغ است و کارهای بهتری برای انجام دادن دارد. او تسلیم فشار خانواده می‌شود، اما در مهمانی با تاکهیکو آشنا می‌شود. تاکهیکو نامیدانه عاشق یومی می‌شود، حداقل اینگونه رفتار مالکانه خود را در اطراف او توضیح می‌دهد. یومی به سرعت احساس ناراحتی می‌کند و می‌رود، اما روز بعد، او با افتخار به او ابراز عشق می‌کند، که به وضوح باعث می‌شود اما او سعی می‌کند او را دلداری دهد. پیامد کار او شروع به از هم پاشیدن خانواده‌ای می‌کند که زمانی یک خانواده امیدوار کننده بود.

با این که اولین قسمت از مجموعه با عنوان "فصل باکرگی" نامگذاری شده است، و سوسه انگیز است که فرض کنیم درگیری اصلی دراماتیک حول آن می‌چرخد. در حالی که پاکدامنی یومی نقشی در درام دارد، واقعیت کمتر مربوط به "بی احتیاطی" او (و به نظر می‌رسد مشکل ساز است) و بیشتر پاسخ‌های اطرافیان او است. پدرش دلش شکسته است، تا جایی که احساس می‌کند او را با خشونت پرت می‌کند و زمانی که به سمت او می‌رود و برای کمک گریه می‌کند، او را پرتاب می‌کند. یومی "لغزش" نکرده است، بلکه با تهدید تاکهیکو به خشونت، تحت فشار قرار گرفته و وارد فعالیت جنسی شده است. با وجود اصرار

برخی از شخصیت‌ها مبنی بر اینکه مقصر یومی است، او قربانی خشونت جنسی شده است. همانطور که حتی امروز نیز وجود دارد، تجربه او، درد خود او چیزی است که او را تحقیر می‌کند.



"فصل باکرگی" با این پیشنهاد به پایان می‌رسد که یومی کابوس احتمالی همسر شدن تاکهیکو را بپذیرد. او درد را تصدیق می‌کند، اما چهره او طرحی بالقوه را نشان می‌دهد. او ممکن است برنامه ریزی دقیقی برای انتقام نداشته باشد، اما به عنوان هدف تاکهیکو (و من فکر می‌کنم استفاده از کلمه شی در اینجا مهم است، زیرا تاکهیکو به وضوح به او به عنوان یک شخص اهمیتی نمی‌دهد) میل او ناگهان کنترل می‌شود. کمتر از انتظارات غیرمنطقی او را ناامید می‌کند، چه رسد به سرپیچی آشکار از دستوراتش. تراژدی به او این فرصت را داده است که کنترل را در دست داشته باشد. این یک تفکر انقلابی است، اگرچه می‌توان از این به دلیل ایجاد یک تغییر چشمگیر که یومی را از آسیب گذشته اش تبرئه می‌کند انتقاد کرد. اگر همه اینها برای یک فیلم شیمیزو کمی بیش از حد به نظر می‌رسد.

Profile:

Movie: Woman's water-mirror

Romaji: Onna no mizu-kagami

Director: Kenkichi Hara

Screenwriter: Seiichi Funahashi(story)Ryôsuke SaitôHeigo Suzuki

Music: Mitso Kato

Release Date: January 3, 1951

Runtime: 90 min

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Language

Country: Japan

Played: Naeko Minamoto

Age: 27

۱۲۶- آینه های آبی زنانه:

فیلم "آینه های آبی زنانه" به کارگردانی کنکیچی هارا محصول ۱۹۵۱ ژاپن در نود دقیقه است. خانم تاکامینه در سن بیست و پنج سالگی نقش ناکو را بازی می کند. فیلم اقتباسی از رمان سیئچی فاناهاشی است.



Profile:

Movie: Star paradise: Dai yon kei: Radio vision

Romaji:

Director: Hideo Utsu

Screenwriter:

Producer: Shintôhō Pictures

Music:

Release Date: May 18, 1948

Runtime:

Color: color

Genre:

Language: Japanese

Country: Japan

Played:

Age: 24

۱۲۷- بهشت ستاره:

فیلم رنگی "چشم انداز رادیویی صحنه چهارم بهشت ستاره" به کارگردانی هیدئو اوتسو محصول ۱۹۴۸ ژاپن است. بزرگداشت استقلال درام ژاپنی سینتوهو ...



Profile:

Movie:

Romaji: Edo gonomi Ryôgoku sôshi

Director: Kintarô Inoue

Screenwriter: Seika Mayama(original story)Okichi Suimom(script)

Producer: Shochiku Kyoto

Release Date: May 10, 1932

Runtime:

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Jpanese

Played:

Age:8

ادو-۱۲۸



Profile:**Movie:** Tomorrow it's a harmony place, Tomorrow I'm here**Romaji:** Ashita wa dotchi da**Director:** Keiji Hasebe, Heinosuke Gosho (supervising)**Screenwriter:** Kimiyuki Hasegawa, Tatsuo Nagai (story)**Producer:** Yoshishige Ochiyama**Music:** Rokoro Hara**Release Date:** July 28, 1953**Runtime:** 97 min**Color:** Black and White**Genre:** Drama**Language:** Language**Country:** Japan**Played:** Mitsuyakko**Age:** 29**۱۲۹- فردا کدام است؟**

فیلم "فردا کدام است؟" یا "کدام فردا؟" بر اساس رمانی با همین نام از تاتسوئو ناگای، به کارگردانی کنجی هاسیبه محصول ۱۹۵۳ ژاپن در نود و هفت دقیقه است. یک حادثه مرگ مشکوک که در جریان مسابقه ای در ورزشگاه مملو از تماشاگر رخ می دهد. گزارشگر روزنامه قهرمان، ژنرال فونباشی، رد پای جنایتکار را به همراه رستوران سوبای آشنا کوچی میتسویی دنبال می کند و عاشقانه با کیوکو کاگاوا، دختر یک خبرنگار ارشد، درگیر می شود.

در جریان بازی روزانه مقابل نانکای، حدود سی بیمار مواد مخدر به طور ناگهانی در جایگاه داخل زمین در سمت پایه سوم استادیوم کوراکوئن جان باختند. کوبوتا از روزنامه هر روز صبح در میان خبرنگاران هر یک از شرکت های اداره پلیس متروپولیتن به صحنه می رفت. یک تماس تلفنی از یوکیکو، تنها دختر کاتو، یک خبرنگار بازنشسته ارشد که هر روز به داخل و خارج می شود، وجود داشت با این حال، او با تکیه بر پشتوانه یک حشره، یک مغازه سوبافروشی که در زمان جنایت به باشگاه مطبوعاتی وارد و خارج می شد، رد پای یک جوان مرموز را دنبال می کند. از سوی دیگر با مشخص شدن هویت مقتول، وی به همراه بن خود را شراب خوار متوفی می نامیدند و وارد عزاداری شدند. قربانی یک خواهر پرستار زیبا به نام آکیکو دارد و کوبوتا با او که اکنون تنهاست احساس همدردی می کند. در همین حین، آنها مرد معمولی بیکو را پیدا کردند، وارد یوشیساتو منتظر شدند و پشت سر مردی که آنجا را ترک کرده بود به یک کلوپ شبانه رسیدند. کوبوتا با دیدن زنی در راهرو که با مظنون دعوای خوبی داشت شوکه شد. برجستگی آن شبیه به خواهر کوچکتر قربانی آکیکو است. در حالی که کوبوتا مشغول کار روزانه خود است، بهترین دوستش، کیتا، که در دفتر مرکزی اوزاکا کار می کند، از یوکیکو خواستگاری می کند. وظیفه یوکیکو همان مشاوره بود، اما کوبوتا که پنهانی او را دوست دارد، چاره ای جز موافقت با دوستی او با کیتا نداشت. یوکیکو که در درون آرزوی کوبوتا را دارد، همان احساسات دردناک را دارد، اما همه چیز به روش خود به پایان می رسد. «کار» رابطه این دو را قطع کرد. --کوبوتا که با مظنون آشناست و متوجه می شود که آنها در شینباشی انبوجو با یکدیگر در تماس خواهند

بود، با آکیکو تماس می‌گیرد تا با مظنون مقابله کند. با پنهان کردن چشمان پیرزنی که در پذیرایی ظاهر شده بود، او جایگزین میتسوتو و آکیکو شد و به سمت کارخانه قدیمی در تسوکیشیما که مظنون (سابا) منتظر بود حرکت کرد. صبا وقتی معشوقه سابق خود و آکیکو گورد را می‌بیند گیج می‌شود، اما شبیه خواهر کوچکتر مردی است که او کشته است. آکیکو و کوبوتا در مشکل هستند. صبا با علم به محاصره ساختمان توسط پلیس با یک کلت کمری خودکشی کرد. او یکی از حریفان بی‌وجدان را به‌عنوان همکار یک گانگستر قاچاق مسموم کرد. او که یک معتاد به مواد مخدر بود، برای به دست آوردن دارو از هیچ چیزی فروگذار نکرد. «مصاحبه در آستانه خود مختاری قاتل زهرآگین» تبدیل به بهترین ضربه کوبوتا شد. --کوبوتا، که یوکیکو را در "کار" از دست داد، اکنون به احتمال زیاد با آکیکو، دختری مهربان در ارتباط است.



Profile:

Movie: Takamine Hideko France tayori: Deko-chan sen'ichiya

Romaji: Takamine Hideko France tayori: Deko-chan sen'ichiya

Director: Hideko Takamine, Musei Tokugawa

Producer: Shintôhō Pictures

Release Date: November 23, 1951

Runtime: 44 min

Color: black and white

Genre: Short

Language: Japanese

Country: Japan

Played:

Was: 27

۱۳۰- تاکامینه در فرانسه

Profile:

Movie: Tough Dad, Stern Father

Romaji: Kaminari-oyaji

Director: Shigeo Yagura

Screenwriter: Hidekazu Handa(screenplay)Harube Ima(screenplay)

Producer: Toho Eiga (Tokyo)

Release Date: December 8, 1937

Runtime: 73 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played: Machiko

Age: 13

۱۳۱ - پدر سختگیر:

Profile:

Movie: Hill of the South Wind

Romaji: Nampû no oka

Director: Minoru Matsui

Screenwriter: Bunji Koga(also story)

Producer: P.C.L. Eiga Seisaku-jo

Release Date: August 1, 1937

Runtime: 63 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age: 13

۱۳۲- تپه باد جنوب:

Profile:

Movie: White Roses, When the White Rose Blooms

Romaji: Shirobara wa sakedo

Director: Osamu Fushimizu

Screenwriter: Yasunaga HigashibojoYaso Saijô(idea)

Producer: P.C.L.

Release Date: July 11, 1937

Runtime: 77 min

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played:

Age: 13

۱۳۳- رُز سفید:

فاشیستی

Profile:

Movie: Ken from Edo

Romaji: Edokko Ken-chan

Director: Kei Okada

Screenwriter: Kajirô Yamamoto(screenplay)Ryuichi Yokoyama(based on a story)

Producer: P.C.L. Eiga Seisaku-jo

Release Date: May 1, 1937

Runtime: 65 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanes

Country: Japan

Played:

Age: 13

۱۳۴- کین از ادو:

Profile:

Movie: A Bride's Game of

Romaji: Hanayome karuta

Director: Yasujirô Shimazu

Screenwriter: Yasujirô Shimazu(screenplay)

Producer: Shochiku

Release Date: January 7, 1937

Runtime: 90 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Kikue

Age: 12

۱۳۵- بازی عروس:

Profile:

Movie: Eternal love

Romaji: Eikyu no ai

Director: Yoshinobu Ikeda

Screenwriter:

Producer:

Release Date: 1935

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Hideko

Age: 11

۱۳۶- عشق ابدی:

Profile:

Movie: Wealthy Woman

Romaji: Ojosan

Director: Satsuo Yamamoto

Screenwriter: Ryûji Nagami(screenplay)Nobuko Yoshiya(author)

Producer: P.C.L. Production

Release Date: July 21, 1935

Runtime: 71 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language:

Country: Japan

Played:

Age: 11

۱۳۷- زنان ثروتمند:

Profile:

Movie: Mother's love

Romaji: Haha no ai

Director: Yoshinobu Ikeda

Screenwriter: Kyakuhonbu Kamata(original story)Mitsu Toyama(script)

Producer: Shochiku Kamata

Release Date: January 31, 1935

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played: Harue

Age: 11

۱۳۸ - عشق مادر:

Profile:

Movie: Sneaking, Unplugged foot (Short Film)

Romaji: Nukiashi sashiashi

Director: Kôzaburô Yoshimura

Screenwriter:

Producer:

Release Date: 1934

Runtime:

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played: Toshi-bo

Age: 10

۱۳۹ - یواشکی:

فیلم "یواشکی" یا "پای قطع شده"، به کارگردانی کوزابورو یوشیمورا محصول ۱۹۳۴ ژاپن است. او نویسنده و کارگردان بزرگ از یک خانواده سرشناس ژاپنی بود. "افسانه ی فرمانده تانک نیشیزومی" که در سینمای ضد جنگ آمده، اثر او است.

Profile:

Movie: When You're Born to Be a Woman

Romaji: Onna to umareta karanya

Director: Heinosuke Gosho

Screenwriter:

Producer: Shochiku Kamata

Release Date: 1934

Runtime:

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age: 10

۱۴۰- وقتی که به دنیا آمدی که یک زن باشی:

Profile:

Movie: That Night's Wife

Romaji: Sono yo no onna

Director: Yasujirô Shimazu

Screenwriter:

Production: Shochiku

Release Date: October 17, 1934

Runtime:

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age: 10

۱۴۱- آن همسر شب:

Profile:

Movie: Mother from the Far East

Romaji: Tôyô no haha

Directors: : Kazuo Ishikawalsao, NumanamiTai Ogiwara

Screenwriter:

Producer:

Release Date: February 1, 1934

Runtime: 140 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age: 10

١٤٢ - مادر شرق:

Profile:

Movie: Song of the Japanese Women

Romaji: Nihon josei no uta

Director: Yoshinobu Ikeda

Screenwriter: Tokusaburo Murakami(original story)

Producer: Shochiku Kamata

Release Date: 1934

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age: 10

۱۴۳- آهنگ زنان ژاپنی:

Profile:

Movie: First Love in Spring

Romaji:Hatsukoi no haru

Director: Hôtei Nomura

Screenwriter: Hôtei Nomura(original story)Takao Yanai(script)

Producer: Shochiku Kamata

Release Date: December 31, 1933

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Romance

Language: None

Country: Japan

Played:

Age:

۱۴۴ - عشق نخست در بهار:

Profile:

Movie: Cheek to Cheek

Romaji: Hoho o yosureba

Director: Yasujirô Shimazu

Screenwriter: Komatsu Kitamura(story and screenplay)

Producer: Shochiku Kinema (Kamata)

Release Date: 1933

Runtime: 80 min

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played: Miyako - his daughter

Age: 9

۱۴۵ - گونه به گونه:

Profile:

Movie: Trumpet and a Girle

Romaji: Rappa to musume

Director: Yasujirô Shimazu

Screenwriter: Komatsu Kitamura(story and screenplay)

Producer: Shochiku Kinema (Kamata)

Release Date: 1933

Runtime: 80 min

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played: Miyako - his daughter

Age: 9

۱۴۶- شیپور و دختر:

Profile:

Movie: The Layabout in the Town Belle & Gisha

Romaji: Yotamono to kyakusenbi & kaisuiyoku

Director: Hiromasa Nomura

Screenwriter: Takao Yanai(screenplay)

Producer: Shochiku Kinema

Release Date: May 25, 1933

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age:9

۱۴۷- چیدمان در شهر زن زیبا:

Profile:

Movie: The Layabout in the Town Belle & Gisha

Romaji: Yotamono to kyakusenbi & kaisuiyoku

Director: Hiromasa Nomura

Screenwriter: Takao Yanai(screenplay)

Producer: Shochiku Kinema

Release Date: May 25, 1933

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age:9

۱۴۸- چیدمان در شهر: گیشا:

Profile:

Movie: Nineteenth Spring , Cram school spring, Juku Spring

Romaji: Jûku no haru

Director: Heinosuke Gosho

Screenwriter: Akira Fushimi(screenplay)

Production: Shochiku Kinema

Release Date: May 18, 1933

Runtime: Lost film, except for its filming scene at 4 minutes

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age: 8

۱۴۹- بهار نوزدهم:

Profile:

Movie:

Romaji: Nezumikozô Jirokichi Kaiketsuhen

Director: Kôsaku Akiyama

Screenwriter: Fujio Kimura(script)Jirô Osaragi(original story)

Producer: Shochiku Shimokamo

Release Date: October 13, 1932

Runtime:

Color: Black and White

Genre:

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age: 8

۱۵۰ - جیروکیچی: راه حل

Profile:

Movie: The Cuckoo

Romaji: Hototogisu

Director: Heinosuke Gosho

Screenwriter: Komatsu Kitamura(script)Roka Tokutomi(original story)

Producer: Shochiku Kamata

Release Date: September 15, 1932

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played: Michiko

Age: 8

۱۵۱- فاخته:

Profile:

Movie: Love Fulfilled in Heaven, Lovers in the Beyond

Romaji: Tengoku ni musubu koi

Director: Heinosuke Gosho

Screenwriter: Akira Fushimi(screenplay)

Producer: Shochiku Kinema (Kamata)

Release Date: June 10, 1932

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language:

Country: Japan

Played:

Age: 8

۱۵۲- عشق در بهشت برآورده شد:

Profile:

Movie: Merry Young Lady , Good midwifery

Romaji: Yoki na ojosan

Director: Tsutomu Shigemune

Screenwriter: Yoshirô Aramaki(screenplay)

Producer: Shochiku Kinema

Release Date: June 3, 1932

Runtime:

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Jpapan

Played: Michiko

Age: 8

۱۵۳- بانوی جوان شاد:

Profile:

Movie: Seven Seas: Frigidity Chapter

Romaji: Nanatsu no umi: Kôhen - Teisô-hen

Director: Hiroshi Shimizu

Screenwriter: Kaitaro Hasegawa(story)Kôgo Noda

Producer: Production company

Release Date:

Runtime: 67 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language:Japanese

Country: Japan

Played: Momoyo Sone

Age: 8

۱۵۴- هفت دریا: فصل سردی

Profile:

Movie: passion

Romaji: Jônetsu - Ra pashion

Director: Hiroshi Shimizu

Screenwriter: Hiroshi Shimizu(story and screenplay)

Producer: Shochiku Kinema

Release Date: February 4, 1932

Runtime: 73 min

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played: Mitsuko's child

Age: 8

١٥٥-زهرا:

Profile:

Movie: The Rose in the Storm

Romaji: Bofu-u no bara

Director:

Screenwriter:

Producer:

Release Date: 1931

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played: Koichi

Age: 7

۱۵۶- گل رز در طوفان:

Profile:

Movie: Hey Ichitaro

Romaji: Ichitaro yaai

Director: Hôtei Nomura

Screenwriter:

Producer: Shochiku Kamata

Release Date: 1931

Runtime:

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played: Kinu

Age:7

۱۵۷- ایچیتارو:

Profile:

Movie: Smile of a Beauty

Romaji: Reijin no hohoemi

Director: Hôtei Nomura

Screenwriter:

Production: Shochiku Kamata

Release Date: 1931

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age: 7

۱۵۸- لبخند زیبا:



Profile:

Movie: Beautiful Love

Romaji: Uruwashiki ai

Director: Yoshio Nishio

Screenwriter:

Producer:

Release Date:

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Japanese

Country: Japan

Played:

Age: 7

۱۵۹- عشق زیبا:

Profile:

Movie: My Pop Loves My Mom (Short)

Romaji: Watashi no papa-san mama ga suki

Director: Kazuhiko Nomura

Screenwriter:

Producer: Shochiku Kamata

Release Date: 1931

Runtime:

Color: black and white

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played: Mitsuko

Age: 7

۱۶۰- پدرم، مادرم را دوست دارد:

Profile:

Movie: Sisters 1&2

Romaji: Shimai kohen & zenpen

Director: Yoshinobu Ikeda

Screenwriter: Kan Kikuchi(original story)Takashi Oda(script)

Producer: Shochiku Kamata

Release Date: July 4, 1931

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age: 7

۱۶۱- خواهران قسمت یک و دو:

Profile:

Movie: Love, Be with Humanity, Part 1

Romaji: Ai yo jinrui to tomo ni are - Zenpen: Nihon hen

Director: Yasujirô Shimazu

Screenwriter: Tokosaboro morakami

Producer: Shochiko Kinma

Release Date: April 17, 1931

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played: Yasuo

Age: 7

۱۶۲- آن را با انسانیت دوست دارم:

فیلم صامت "آن را با انسانیت دوست دارم" یا "عشق: انسانیت داشته باش: بخش اول ژاپن" به کارگردانی یاسوجیرو شیمازو محصول ۱۹۳۱ ژاپن در مجموع دویست و چهل و یک دقیقه است. این فیلم به تهیه کنندگی استودیوی عکس شوچیکو کینما دارای دو قسمت در ژاپن و آمریکا است، که تکامینه تنها در قسمت اول در ژاپن بازی می کند. هر دو قسمت با هم در ۱۷ آوریل منتشر شدند.



Profile:

Movie: Beautiful Love

Romaji: Utsukushi ai

Director: Sumio Nishiô

Producer: Shochiku Kamata

Release Date: 1931

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played:

Age: 7

۱۶۳- عشق زیباست:

Profile:

Movie: Father

Romaji: Chichi

Director: Kôji Inaba

Screenwriter:

Producer: Makino Mimuro

Release Date: 1930

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country:

Played: Otsuna

Age: 6

۱۶۴ - پدر:

Profile:

Movie: A Corner of the Big Tokyo

Romaji: Dai-Tokyo no ikkaku

Director: Heinosuke Gosho

Screenwriter:

Producer:

Release Date: `930

Runtime:

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: None, Silent

Country: Japan

Played: Ichiro

Age: 6

۱۶۵- گوشه ای از توکیو بزرگ:

Profile:

Movie: Mother: The Sequel

Romaji: Shimai-hen: Haha

Director: Hôtei Nomura

Screenwriter: Kôgo Noda(screenplay)Hôtei Nomura(story)Takao Yanai(screenplay)

Producer: Thata

Release Date: Desember 1, 1929 & June 26, 1930

Runtime: 34 min & N

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played: Yukiko - Haruko

Age: 6

١٦٦ - ذنباله فيلم "مادر":



Profile:**Movie:** A Beauty**Romaji:** Reijin**Director:** Yasujirô Shimazu**Screenwriter:** Tokusaburo Murakami(script)Koyo Sato(original story)**Producion:** Shochiku Kinema**Release Date:** April 26, 1930**Runtime:** 3h**Color:** Black and White**Genre:** Romance**Language:** None, Silent**Country:** Japan**Played:** boy**Age:** 6**۱۶۷- زیبایی:**

فیلم صامت "زیبایی" به کارگردانی یاسوجیرو شیمازو و از رمانی به همین نام از کوروکو ساتو محصول ۱۹۳۰ ژاپن در سه ساعت است. این فیلم هیچ ربطی به فیلمی با همین نام به کارگردانی کونیو واتانابه ندارد. خانم تاکامینه در این فیلم نقش یک پسر بچه را بازی می کند. یک دانش آموز دختر به نام ساساکو (کوریشیما) پس از تجاوز خشونت آمیز توسط دانش آموز پسر یکی از آشنایانش به نام آسانو (نارا) برادر می شود. او زمانی برای زندگی اش ناامید بود، اما با انتقام از آسانو در قلبش، پسرش (تاکامینه) را که خود را از دست داده بود، به برادرش شیچیرو (ایواتا) سپرد و تصمیم گرفت تنها زندگی کند. با تمرکز بر درام انتقام جویانه اش، همکلاسی هایش که مشتاق جنبش حقوق بشری زنان هستند، شیچیرو که با ساخت زمین گلف در دهکده مخالفت می کند، و آسانو که به عنوان یک تاجر موفق شد، درام تماشایی مانند جاه طلبی روایت می شود.



Profile:

Movie: Revue Sisters

Romaji: Rebyu no shimai

Director: Yasujirô Shimazu

Screenwriter: Tokusaburo Murakami(story and screenplay)

Production: Shochiku Kamata

Release Date: January 10, 1930

Runtime: 80 min

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: None, Silent

Country: Japan

Played: Hajime

Was: 6

۱۶۸- نمایشنامه انتقادی خواهران:

Profile:**Movie:** Bellflower, Campanula**Romaji:** Tsuriganeso**Director:** Tamizo Ishida**Screenwriter:** Toshio Yasumi (Story: Nobuko Yoshiya)**Producer:** Toho**Cinematographer:** Hiromitsu Karasawa (B&W)**Release Date:** July 3, 1940**Runtime:** 68 min**Color:** black and white**Genre:** Drama, Remake of Tsuriganeso 1935**Music:** Nobo Ayda**Language:** Japanese**Country:** Japan**played:** Yumiko**Was:** 16**۱۶۹- گل استکانی:**

فیلم "کامپانولا"^{۹۷} یا "گل استکانی" به کارگردانی تامیزو اشیدا محصول ۱۹۴۰ ژاپن در شصت و هشت دقیقه است. خانم تاکامینه در سن شانزده سالگی نقش یومیکو را بازی می کند. فیلم بازسازی فیلمی با همین نام در سال ۱۹۳۵ است. این دومین سریال دخترانه با اقتباس سینمایی از رمان «هانا مونوگاتری» نوبوکو یوشیا است که دنیای دختران نوجوان را به زیبایی به تصویر می کشد. او با ظرافت درام محبت آمیز خواهر و برادر کوچکتر را به تصویر می کشد که در خوشبخت زندگی می کنند.



^{۹۷}. نام علمی "گل استکانی" است.

Profile:

Movie: Mother

Romaji: Shimai-hen: Haha

Director: Hôtei Nomura

Screenwriter: Kôgo Noda(screenplay)Hôtei Nomura(story)Takao Yanai(screenplay)

Producer: Thata

Release Date: Desember 1, 1929 & June 26, 1930

Runtime: 34 min & N

Color: Black and White

Genre: Drama

Language: Silent

Country: Japan

Played: Yukiko - Haruko

Age: 5

۱۷۰- مادر

فیلم صامت "مادر" به کارگردانی هوتئی نامورا محصول ۱۹۲۹ ژاپن در سی و چهار دقیقه است. تاکامینه کوچک پس از مرگ مادرش در اثر سیل، با واسطه همسایه عمه اش با نام هارائکو اولین بازی جلوی دوربین (استدیو عکاسی) را تجربه می کند. در کتاب خاطرات سفر من اینگونه می گوید: "از میان شصت کودک خوش لباس همراه با پدر خوانده ام (شوهر عمه اش) در انتهای صف ایستادم و از خوش شانسی یا سرنوشت من که از همه بدتر بودم برای این فیلم انتخاب شدم. اما ادامه می دهد که با نارضایتی در کودکی بازی کنم؟ چرا چنین کار احمقانه ای باید انجام بدهم؟"



یک بانکدار جوان در جوانی می میرد و همسرش آساکو با دو فرزند تنها می ماند. آساکو مصمم است تا با استفاده از پولی که شوهرش پس انداز گذاشته است بهترین چیزی را که می تواند به بچه ها ارائه دهد. او برای کار به خانه یک مرد ثروتمند با

فرزندان زیاد نقل مکان می کند اما خیلی زود توسط بانوی حسود خانه مواجه می شود. اتفاقی که قرار است برای بیوه جوان و فرزندان بیفتد..

منابع و کتاب های مرتبط

- منبع جامعی حتی به زبان انگلیسی درباره ی کارنامه ی خانم تاکامینه (حداقل بر اساس توانایی جست و جوی من) موجود نیست. در پایگاه IMDB یکصد و هشتاد و شش فیلم در لیست بازیگری از او آورده شده است. چهار مورد آن به اشتباه تکرار شده اند. تصاویر از برخی فیلم ها موجود نیست و یک تصویر در فیلم "لذت جوانی" به اشتباه قرار داده شده است. برخی فیلم ها تنها با نام روماچی آمده اند، بنابراین برای یافتن برابر انگلیسی به کتاب "تاریخچه شرکت توهو" و پایگاه های دیگر رجوع شد.

The Toho Studios Story: A History and Complete Filmography (Hardback). Stuart Galbraith, IV. Published by Scarecrow Press, United States (2008)

در سی و یک فیلم از بلاگ یک آمریکایی (بدون درج نام در صفحه اش) بهره گرفته شده است. طبیعی است با اختلاف باور و یا احیاناً حذف و اضافاتی.

<https://japanonfilm.wordpress.com/?s=hideko+takamine>

کتاب:

Russell, Catherine (2008) The Cinema of Naruse Mikio: Women and Japanese Modernity, Durham: Duke University Press

برخی یادداشت های هیلی اسکنون

<https://windowsonworlds.com/Hayley Scanlon>

این کتاب به بررسی سیاست جنسیت در ژاپن معاصر می پردازد. از خانم تاکامینه هم در این اثر آمده است.

I'm Married to Your Company!: Everyday Voices of Japanese Women (Asian Voices), Masako Itoh and 2 more, 2008,